

سینه‌های کتاب

ماهنامه تخصصی کتاب و کتابخوانی

دوره جدید، شماره ۶ و ۷، پیاپی ۲۲ و ۲۳، آذر و دی ۱۳۹۴

| مجمع ناشران انقلاب اسلامی | www.mananashr.ir

گفت‌وگو با دکتر محسن پرویز

هیئت نظارت بر کتاب باید از اعمال سلیقه‌ها جلوگیری کند

گفت‌وگو با محمد سلگی | با دغدغه و حساسیت‌های انقلابی و مذهبی کار می‌کنیم

محمد رضا یقینی | هدایت جامعه و وظیفه ذاتی حاکمیت است

شهریار زرشناس | تهاجم فرهنگی از طریق کتاب یک حقیقت انکارناپذیر است

گفت‌وگو با حجت‌الاسلام سبحانی‌نسب | از ظرفیت‌های کار نشر در کشورهای هم‌جوار غافلیم

گفت‌وگو با سیدعارف علوی | افزایش سرانه مطالعه در گرو معارفه خوب کتاب است

گفت‌وگو با علی رضانی | عناصر گفتمان‌ساز عملکرد ضعیفی در معرفی کتاب دارند



رمان

پسران دوزخ

فرزندان قابیل

این نماز است ام جمیل! روزه است! رضای خداست! این یک اعدام مذهبی است! یک اعدام اعتقادی! تو فقط برای رضای خدا این زن را می‌کشی، تا رضایت خدا به دست بیاید!

برزخ - عاشقانه دختر - اداعشی

برای تهیه کتاب می‌توانید علاوه بر مراجعه به کتابفروشی‌ها به یکی از روش‌های زیر عمل کنید:

■ خرید از طریق سایت شرکت توزیع به نشانی: www.toranjbook.com

■ تماس با شماره تلفن ۶۶۹۷۶۹۰۴ - ۰۲۱

■ ارسال عبارت «پسران دوزخ» به شماره ۱۰۰۰۵۷۲۰



اسوه‌ها ۳

گاهی رنج و زحمت زنده نگه داشتن یادشدها
کمتر از شهادت نیست.

مقام معظم رهبری دام عزّه



سید حسن شکری

نشر ۷۲
صفحه ۲۹۶

نونی صفر



علیرضا قزوه

انتشارات سوره مهر
صفحه ۲۲۰

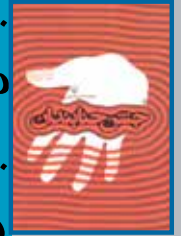
قطار اندیمشک



محمد حسین قدیمی

انتشارات سوره مهر
صفحه ۴۳۱

جشن حنابندان



داوود امیریان

انتشارات سوره مهر
صفحه ۱۱۲

رفاقت به سبک تانک



فرهاد خضری و دیگران

انتشارات روایت فتح
مجلد ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱

مجموعه‌ای از چشم‌ها



اصغر کاظمی

انتشارات سوره مهر
صفحه ۸۲۲

دسته یک؛ بازوایی خاطرات شب عملیات



محبوبه مهرآجری پور

انتشارات قاتحان
صفحه ۲۷۲

عباس دست طلا

داستانی از زندگی حاج عباس علی باقری



پونه نیکویی

انتشارات هزاره ققنوس
صفحه ۲۴

انار سبز زیتون سرخ





کتاب خولون عنوان نشست هائى است که به منظور به اشتراک گذاری کتاب های خوانده شده و باهدف ترویج و تبلیغ مطالعه در قالب معرفی کتاب برگزار می گردد. این جلسه در فضایی صمیمی تلاش دارد تجربیات مطالعاتی افراد کتابخوان را برای سایر علاقمندان کتاب و کتابخوانی به اشتراک گذارد این نشست ها در سطوح استان و شهرستان برگزار می گردد. افرادی که در این نشست ها به ارائه و معرفی کتاب هامی بپردازند کلیه اقشار جامعه اعم از کتابداران، نویسندگان، فعالین رسانه حوزه کتاب، اعضای کتابخانه های عمومی و سایر علاقمندان خواهند بود.

برای کسب اطلاعات بیشتر به پورتال نهاد کتابخانه های عمومی کشور مراجعه فرمایید.

www.iranpl.ir



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران



«در زمینه کار عملیاتی، باید جلوی کتاب‌های مضر را گرفت. ما کتاب عملیاتی داریم. کتاب عملیاتی این است که عملاً یک نفر را دچار مشکل می‌کند؛ مثل همان احساسات جنسی که اول گفتم. اینجا بحث نظریه نیست. این کسی که خواند، خودش به‌طور طبیعی تحت تأثیر قرار می‌گیرد. جلوی این را باید گرفت؛ این اصلاً چیز قابل نقدی نیست. این ملاک است؛ یعنی آن نوشته‌ای که وقتی وارد بازار فرهنگ شد، مشغول عملیات می‌شود و قابل این نیست که به آن جواب داده شود، مضر است و بایستی جلوی آن را گرفت.»

امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، ۱۳۷۷/۰۳/۰۵

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شیرازی کتاب

ماهنامه تخصصی کتاب و کتابخوانی
دوره جدید، شماره ۶ و ۷، آذر و دی ۱۳۹۴
| مجمع ناشران انقلاب اسلامی |
| www.mananashrir.ir |
قیمت: ۳۰۰۰۰ ریال

صاحب امتیاز:

مجمع ناشران انقلاب اسلامی

مدیرمسئول:

یاسر احمدوند

سردبیر:

حسین شاهمرادی

دبیر تحریریه و امور هنری:

عباس مجبلی

اعضای تحریریه:

لیلا منصوری و نیلوفر هوشمند

ویراستار:

سعیده بقایی

همکاران این شماره:

مرضیه احمدی، مرتضی احمدی،

ابوالفضل حیدردوست، عباس حیدری،

حمیده خوبی، مینا دهقان، ملیحه رضایی،

سماء رضوی، نرگس روزبهانی، زهرا سلطانی،

سهراب سمگانی، زهرا سوهانکی،

زهرا عسگری، آزاده عطار، مهدی فارسی،

حسین فاضل، مجتبی کبک کوهساری،

مهدی کردفیروزجایی، لیلی کریمی و

زینب محبی آشتیانی

سرمقاله | هیئت نظارت بر کتاب کجاست؟ ۶

یادداشت | کتاب به شرط چاقو ۸



خط اخبار

گزارش | اولین تجربه همراهی کتاب و سینما ۱۰

عرضه بیش از شصت هزار کتاب در پیاده‌روی و زیارت اربعین ۱۳

گزارش | سرهنگی دیده‌بان ادبیات انقلاب و دفاع مقدس است ۱۴

گزارش | از سه استاد فعال در زمینه علوم انسانی اسلامی تجلیل شد ۱۹

نگاهی به پرفروش‌های ماه گذشته | رنگ‌بوی عاشورا در کتاب‌فروشی‌ها ۲۴



پرونده ویژه نظارت بر کتاب

۲۶ بررسی آرای مقام معظم رهبری درباره نظارت بر کتاب

گفت‌وگو با دکتر محسن پرویز | هیئت نظارت بر کتاب باید از اعمال سلیقه‌ها جلوگیری کند ۳۴

گفت‌وگو با محمد سلگی | با دغدغه و حساسیت‌های انقلابی و مذهبی کار می‌کنیم ۳۷

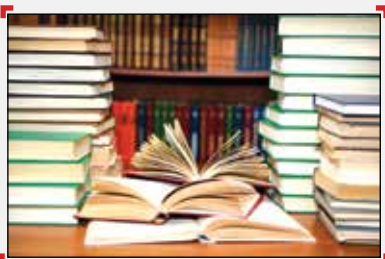
یادداشت شفاهی | نبود هیئت نظارت به ضرر فضای کلی کتاب و جامعه است ۴۳

یادداشت | تمیزی کتاب یا استانداردسازی ۴۸

یادداشت | هدایت جامعه و وظیفه ذاتی حاکمیت است ۵۱

گزارش | کتاب‌هایی که در فاسد بودنشان اتفاق نظر وجود دارد ۵۳

سخنرانی شهردار زرشان | تهاجم فرهنگی از طریق کتاب، یک حقیقت انکارناپذیر است ۵۷



طعم کتاب

۷۲ بسته پیشنهادی سامانه کارشناسی برای آذر و دی

یادداشت | اگر این دو کتاب نبود... ۷۸

بسته پیشنهادی | دستچینی از بهترین کتاب‌ها برای واکاوی فتنه ۸۸

گزارش | گزیده‌ای از کتاب‌های معرفی شده در نشست کتاب‌خوان ۸۷

گزارش | دستچینی از بهترین کتاب‌ها برای آمریکا شناسی ۹۲

کتابی برای بررسی اهداف راهبردی آمریکا از مذاکرات دوجانبه با ایران | هلی‌برن از پشت میز ۹۶



به منظور حمایت از تولید داخلی کاغذ، برای چاپ ماهنامه شیرازه کتاب از کاغذ ایرانی استفاده می‌کنیم.

با افتخار، مطالب شما عزیزان را برای استفاده در نشریه شیرازه کتاب و تارنمای مناشر می‌پذیریم.

تلفن: ۶۶۹۷۶۴۸۲

نشانی: تهران، خیابان انقلاب، خیابان دوازده فروردین، خیابان شهدای ژاندارمری، پلاک ۱۴۰
رایانامه: info@mananashr.ir

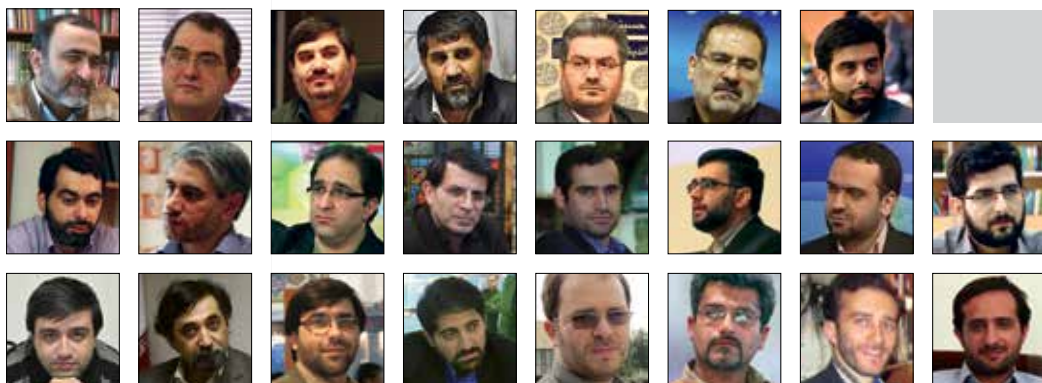
با آثار و گفتاری از:

مهدی ابراهیم‌زاده، یاسر احمدوند
محمد الهیاری، کیوان امجدیان،
محسن پرویز، علی اکبر تورا نیان
هادی چیردهی
سیدغلامرضا حسینی
سیدمجید حسینی، احمد ذوعلم
علیرضا رحمانی، علی رضائی
شهریار زرنشاس
علیرضا سبحانی‌نسب، محمدسلگی
محمد رضا شهبازی، مسعود شهرام‌نیا
امیر صالحی طالقانی
سیدعارف علوی، ناصر فیض
سیدعلی کاشفی، علی ناظری
محمد معماریان، مصطفی وثوق کیا
و محمدرضا یقینی



خانواده نشر

- ۹۸ یادداشت | همه دزد هستند، مگر اینکه اعتراف کنند
- ۱۰۰ یادداشت شفاهی | حضور در نمایشگاه‌های بین‌المللی جنبه تفریحی و توریستی پیدا کرده است
- ۱۰۱ گفت‌وگو با حجت‌الاسلام سبحانی‌نسب | از ظرفیت‌های کار نشر در کشورهای هم‌جوار غافلیم
- ۱۰۵ یادداشت | آیت‌الله موسوی لاری؛ پُر عمل و بی‌ادعا
- ۱۰۹ یادداشت | آغاز عصر کتاب‌فروشی‌های جدید
- ۱۱۳ یادداشت شفاهی | اقتصاد نشر در جهان در حال تغییر است
- ۱۱۶ گزارش | در این سال‌ها فقط تجربه به‌دست آورده‌ایم
- ۱۲۰ گزارش | باید با دست پُر و بابرنامه در نمایشگاه‌های بین‌المللی حاضر شویم
- ۱۲۴ گزارشی از بازتاب انصراف ایران از حضور در نمایشگاه فرانکفورت در رسانه‌های جهان
- ۱۳۵ گزارشی از حضور در نمایشگاه فرانکفورت ۲۰۱۵ | آن قدر که شعار دادیم، کار نکردیم
- ۱۳۶ گزارش | دهن کجی به میهمانان نمایشگاه برنامه‌ریزی شده و سابقه‌دار است
- ۱۳۸ گفت‌وگو با سیدغلامرضا حسینی | یکصد عنوان کتاب در دست انتشار داریم
- ۱۴۰ گفت‌وگو با سیدعارف علوی | افزایش سرانه مطالعه در گرو معارفه خوب کتاب است
- ۱۴۴ گفت‌وگو با علی رضائی | عناصر گفت‌وگو ساز عملکرد ضعیفی در معرفی کتاب دارند
- ۱۴۶ کندوکاوی در اوضاع و احوال کتاب‌خوانی | تو خود حجاب خودی حافظ از میان برخیز
- ۱۴۸ گفت‌وگو با محمد الهیاری | برای ارتقای کتابخانه‌ها به توسعه فعالیت‌های ترویجی نیاز داریم
- ۱۵۲ گفت‌وگو با ناصر فیض | روال هفته کتاب تکراری شده است
- ۱۵۳ یادداشت | کتاب و کتاب‌خوانی بچه سرراهی نهادهای فرهنگی
- ۱۵۵ گزارش | می‌خواهیم جریان کتاب کودک با رویکرد دینی راه بیفتد
- ۱۵۷ یادداشت | مهارت کتاب خواندن را جدی بگیریم
- ۱۵۹ یادداشت | ترک بر دیوار بدیهیات
- ۱۶۰ یادداشت | باور یا عادت، مسئله این است
- ۱۶۱ یادداشت | درودیوار گواهی بدهد، کاری نیست
- ۱۶۲ گزارش | مشکلاتمان در نشر چندان قابل توجه نیست
- ۱۶۴ گزارش | معرفی سامان‌مند کتاب در تریبون‌های نماز جمعه یک ساله شد





هیئت نظارت بر کتاب کجاست؟



حسین شاهمرادی

پوشید؛ کتاب‌هایی که برخلاف آنچه برخی در صد القای آنند، به‌ندرت سیاسی‌اند و غالباً مشکلات جدی اخلاقی دارند و آثار و تبعات سوء آن‌ها قطعاً دامان نهاد خانواده را خواهد گرفت؛ کتاب‌هایی که از سویی، با سبک زندگی و فرهنگ بومی ما سر ستیز دارند و از سوی دیگر، مروج نوعی از سبک زندگی غیراخلاقی غیربومی عمدتاً غربی هستند. همه این اتفاقات در خلاء وجود یک سازوکار نظارتی منسجم و کارآمد رخ می‌دهند.

نظارت بر کتاب، شقوقی دارد که دو شاخه مهم آن، «نظارت بر تولید» و «نظارت بر عرضه» هستند که در حال حاضر، علی‌الظاهر، کل فرایند نظارت بر کتاب در وزارت ارشاد، منحصر در «ممیزی کتاب» شده است که صرفاً بخشی از «نظارت بر تولید» است و درباره همان هم، حرف و حدیث‌هایی وجود دارد. البته بخشی از کتاب‌های مسئله‌دار موجود در بازار، کتاب‌هایی هستند که مجوز وزارت ارشاد را ندارند و به‌صورت غیرقانونی چاپ می‌شوند. عاملان

با چند پرسش مهم آغاز می‌کنم: آیا والدین می‌توانند با خیال راحت فرزندشان را به کتاب‌فروشی‌ها بفرستند و مطمئن باشند فرزندشان هر کتابی بخرد، اگر کتاب مفیدی نباشد، اقلاً کتاب مضر نیست؟ آیا می‌توانند اطمینان داشته باشند همان‌گونه که وزارت بهداشت حواسش به غذای مردم هست، جایی و کسی و نهادی هم حواسش به کتاب، به‌مثابه یک غذای فکری برای مردم، هست؟ همان‌طور که پلیس و نیروهای مسئول امنیت، حواسشان به مواد مخدر و دزدی و... هست، کسانی هم هستند که دغدغه امنیت فکری جامعه را دارند و برای آن وقت و انرژی می‌گذارند؟

گشت‌و‌گذاری در بازار کتاب کافی است تا متوجه بشویم کتاب‌های زیادی در بازار کتاب وجود دارند که بدون تردید کتاب‌های مضر و ناسالمی هستند که مطلقاً نمی‌توان خواندن آن‌ها را به دیگران توصیه کرد و از قضا، برخلاف آن چیزی که برخی ادعا می‌کنند، تعدادشان آن‌قدر کم نیست که نباشد از آن‌ها چشم



آن‌ها در این مقال نیست، می‌بایست در هیئت نظارت بر کتاب بررسی شوند و درباره آن‌ها تصمیم‌گیری شود و هیئت نظارت بر کتاب هم با همین نگاه منصوب شده‌اند. اما با اینکه ترکیب این هیئت، روی کاغذ، ترکیبی از افراد کارشناس، توانمند، مؤمن و متعهد است، باز هم در کف بازار، اتفاقات ناخوشایندی را شاهد هستیم. قطعاً علت یا علل این مسئله را باید به‌صورت جدی بررسی و آن‌ها را رفع کرد. شاید همان‌گونه که عده‌ای از کارشناسان معتقد هستند، وزارت ارشاد با رویکردهای «تعادلی» اش و تلاش برای راضی نگه داشتن همه‌ای که شامل جریان روشن‌فکری بیمار هم می‌شود، خیلی تمایلی به این ندارد که اداره کتاب خود را ذیل نظارت این هیئت قرار دهد؛ شاید اعضای این هیئت که افرادی با مسئولیت‌های مختلف و مشغله‌های فراوانی هستند، عملاً فرصتی برای این کار ندارند و جلسات نامنظم و در جریان نبودن برخی از اعضا، به پیش آمدن چنین وضعیتی انجامیده است؛ شاید تصور اعضای این هیئت از واقعیت بازار کتاب، تصویری غیرواقعی و همراه با خوش‌بینی است و تصور می‌کنند که همه کتاب‌ها در اداره کتاب، به‌خوبی بررسی می‌شوند و به‌قولی وزارت ارشاد، دروازه‌بان خوبی است.

فارغ از اینکه کدام یک از موضوعات بیان شده یا حتی آنچه ذکر نشد، علت این مسئله باشد، معلوم ما که همان وضعیت نابسامان و نامطلوب نظارت بر محتوای کتاب است، امری غیرقابل‌انکار است که باید برای آن تدبیری اندیشید؛ چرا که این روند، چه بخواهیم و چه نخواهیم، آثار فرهنگی سوئی به‌دنبال دارد و حداقلش این است که مسئولیت شرعی آن بر عهده کسانی است که کوتاهی کرده‌اند؛ خواه این افراد، اعضای بزرگوار هیئت نظارت بر کتاب باشند، خواه مسئولین وزارت ارشاد یا هر عزیز دیگری که در این حوزه، مسئولیتی دارد.

این کار از خلاء نظارتی استفاده می‌کنند و با اغراض فرهنگی، سیاسی و اقتصادی، این کتاب‌ها را در دست‌فروشی‌ها و حتی در کتاب‌فروشی‌ها عرضه می‌کنند. البته این دست‌فروش‌های کتاب یک تفاوت عمده با بقیه دست‌فروش‌ها دارند. این تفاوت در آنجاست که دست‌فروش‌های دیگر، بساط خود را طوری پهن می‌کنند که هر لحظه بتوانند در کمترین زمان ممکن، آن را جمع کنند و فرار کنند تا اموالشان ضبط نشود؛ اما بسیاری از دست‌فروش‌های کتاب، با خیالی آسوده که کمترین نگرانی از ضبط اموال در آن‌ها دیده نمی‌شود، دفتر و دستک و میز و صندلی هم دارند و اطمینان دارند که کسی با آن‌ها کاری ندارد و این مسئله خلاء نظارتی را بیش‌ازپیش نشان می‌دهد. در این رابطه، به‌صورت مفصل در شماره‌های پیشین صحبت کرده‌ایم و در اینجا دیگر تکرار نمی‌کنیم؛ ولی اجمالاً می‌توان گفت که مجموعه‌های مسئول از قبیل وزارت ارشاد، صنف و...، باید برای جلوگیری از عرضه این دست‌فروش‌ها، تدبیر ویژه و جدی داشته باشند و از پیشرفت بیش‌ازپیش این مسئله جلوگیری کنند تا مضار فرهنگی و اقتصادی آن، کمتر گریبان مردم و ناشران را بگیرد.

بخش دیگری از کتاب‌ها، کتاب‌هایی هستند که از فیلتر ممیزی هم می‌گذرند و علی‌القاعده نباید حاوی محتوایی خلاف اخلاق و خلاف قانون باشند؛ اما متأسفانه شاهدیم که اتفاقاً حتی همین کتاب‌هایی هم که مجوز وزارت ارشاد را دارند، بعضاً آن‌قدر ایرادهای جدی دارند که گاهی اوقات احساس می‌شود این کتاب‌ها حتی یک‌بار هم خوانده نشده‌اند، چه رسد به اینکه ممیزی شده باشند. البته مشکلاتی که به جریان ممیزی کتاب وارد است، فقط مسئله سهل‌گیری در برخی موارد نیست؛ چه‌بسا بسیاری از اوقات، ناشران نسبت به سخت‌گیری‌های بیجا و سلیقه‌ای در جریان ممیزی کتاب نیز که وقت و انرژی ناشر را می‌گیرد و گاهی به محتوای کتاب هم ضربه می‌زند، اعتراض دارند.

سهل‌گیری از یک‌سو و سخت‌گیری از سوی دیگر، نشان از نظام‌مند نبودن جریان ممیزی کتاب دارد. البته بخشی از این تفاوت در برخورد، از این جهت که با «انسان» سر و کار دارد و معلول تفاوت‌های فردی و شخصیتی برسان کتاب است، طبیعی است و نمی‌توان به آن خرده‌ای گرفت؛ ولی قوانین و سازوکارها باید به‌گونه‌ای باشند که این اختلاف‌ها به حداقل برسد و سلیقه و ویژگی‌های فردی برسان، کمترین تأثیر را در فرایند ممیزی داشته باشد.

این مسائل و مسائلی از این دست که مرتبط با نظارت بر محتوای کتاب است و مجال پرداختن به

« معلول ما

که همان وضعیت

نابسامان و نامطلوب

نظارت بر محتوای

کتاب است، امری

غیرقابل‌انکار است

که باید برای آن

تدبیری اندیشید؛

چرا که این روند،

چه بخواهیم و

چه نخواهیم، آثار

فرهنگی سوئی

به‌دنبال دارد و

حداقلش این است

که مسئولیت شرعی

آن بر عهده آن

کسانی است که

کوتاهی کرده‌اند؛

خواه این افراد،

اعضای بزرگوار

هیئت نظارت بر

کتاب باشند، خواه

مسئولین وزارت

ارشاد یا هر عزیز

دیگری که در این

حوزه، مسئولیتی

دارد

کتاب به شرط چاقو



احمد دو علم
مدیر مرکز رسانه‌های شیرازه

از بسته‌های دو سه میلی‌لیتری شامپو و صابون و کرم تا تکه‌های کوچک انواع خوراکی‌ها و یا جرعه‌ای از یک نوشیدنی و... این کالاها در واقع، در حال چشاندن طعم خود به مخاطب هستند تا او قانع شود که خوب است از آن‌ها استفاده کند. این کار در شکل قدیمی‌ترش هم به شکل‌های مختلف مثل ناخن‌ک‌زدن در آجیل‌فروشی‌ها و هندوانه‌فروختن به شرط چاقو وجود داشته است.

هیچ‌گاه نمی‌توان طعم‌وبوی یک کالای مصرفی یا خوراکی را از طریق تلویزیون به مخاطب چشاند. یا مثلاً عملکرد یک چرخ گوشت را از طریق جعبه جادو به مخاطب نشان داد. اما می‌توان با روایت بخشی از کتاب یا نشان دادن بخشی از محتوای آن در قالب یک قطعه نمایشی، طعم آن را به تماشاگر تلویزیون چشاند. این دقیقاً مزیت تبلیغ کتاب از رسانه است.

بسیاری از ما هنگامی به خرید یک کتاب علاقه‌مند شده‌ایم که دوستی قسمتی از آن را برای ما خوانده یا درباره محتوای آن با ما سخن گفته است. مخاطبی که طعم یک کتاب را زیر زبان خود احساس کند، به خواندن آن کتاب شایق می‌شود. منتشر کردن بخش‌های جذابی از یک کتاب در فضاهای مجازی، حتی پیش از انتشار آن، دقیقاً برای چشاندن طعم کتاب و ایجاد انتظار در خوانندگان برای چاپ شدن کتاب و خریدن آن است.

کاری که مرکز رسانه‌های شیرازه در تولید تیزر سینمایی کتاب دختر شینا به‌دنبال آن بود، دقیقاً چشاندن طعم این کتاب به مذاق مخاطب است. همان کاری که هندوانه‌فروش‌های کنار خیابان با دادن یک قاچ از گل هندوانه به مشتری انجام می‌دهند. این را که به چه میزان در این امر موفق است، میزان افزایش فروش کتاب در بازار نشان خواهد داد. پیدا کردن گل کتاب البته به‌راحتی پیدا کردن گل هندوانه نیست. کمی دقت و حوصله و شناخت بیشتر از مخاطب می‌خواهد. بهترین تبلیغ کتاب، به هر شکلی که باشد، بریدن قطعه‌ای از کتاب و چشاندن آن به مشتری است. همه مردم کتاب را به شرط چاقو می‌خرند، حتی کتاب‌خوان‌های حرفه‌ای!

چه چیز می‌تواند یک فرد را برای خریدن کتابی قانع کند؟ آیا رسانه صوتی تصویری می‌تواند در تشویق مخاطب به خرید کتاب مؤثر باشد؟ آیا تبلیغات تلویزیونی کتاب هم مانند تبلیغات سایر کالاهاست یا امکانات و محدودیت‌های جدیدی در تبلیغ کتاب نسبت به سایر کالاها وجود دارد؟

عده‌ای معتقدند معرفی کتاب از طریق رسانه‌های غیرمکتوب، کاری عبث و بیهوده است؛ چرا که مخاطب این مدیوم‌ها میانه‌ای با متن مکتوب ندارد و بهره‌گیری از صوت و تصویر برای معرفی کتاب عملاً فقط به دیده شدن یک اثر زیبا می‌انجامد و منتج به خوانده شدن کتاب نمی‌شود. باید سؤال کنیم در تبلیغات بازرگانی چه اتفاقی برای مخاطب می‌افتد که او را مجاب به خریدن و استفاده از یک محصول می‌کند. آیا معجزه‌های در کار است؟!

یکی از چیزهایی که در تبلیغات تجاری و حتی پیش از تولید محصولات جدید مدنظر صاحبان صنایع است، تعریف کردن یک «نیاز» جدید برای مخاطب است. پیش از آنکه یک محصول جدید به بازار بیاید و یا هم‌زمان با ورود آن به بازار، باید نیاز آن تولید شود تا مصرف‌کننده قانع شود که باید از آن محصول استفاده کند. تبلیغ یک کالا هنگامی اثرگذاری حداکثری دارد که در کنار معرفی محصول، به مخاطب بقبولاند که تو، به استفاده از این کالا نیاز داری. در واقع، در تبلیغ یک کالا، نیازی مطرح می‌شود، واقعی یا کاذب، و هم‌زمان به آن نیاز پاسخ داده می‌شود. این‌گونه با تکرار تبلیغ، مخاطب رفته‌رفته مجاب می‌شود که این نیاز در زندگی او وجود دارد. اما تبلیغ کتاب در رسانه یک مزیت اساسی نسبت به تبلیغات سایر کالاها دارد که مشابهش تنها در تبلیغ فیلم و سرپال و بعضی دیگر از کالای فرهنگی وجود دارد. حتماً دیده‌اید که صاحبان بسیاری از محصولات مصرفی مثل انواع محصولات خوراکی یا کالاهای آرایشی و بهداشتی، برای ترغیب مردم به خرید کالای خود نمونه‌ای از آن را در حد مصرف یک نوبت یا یک تست کوتاه از طرق گوناگون در اختیار مخاطب قرار می‌دهند.

یادداشت

«بهترین تبلیغ کتاب، به هر شکلی که باشد، بریدن قطعه‌ای از کتاب و چشاندن آن به مشتری است. همه مردم کتاب را به شرط چاقو می‌خرند، حتی کتاب‌خوان‌های حرفه‌ای!»

اولین تجربه همراهی کتاب و سینما

خط اخبار
پرونده ویژه
طعم کتاب
خانواده نشر



- ۱۰ گزارش | اولین تجربه همراهی کتاب و سینما
- ۱۳ عرضه بیش از شصت هزار کتاب در پیاده روی و زیارت اربعین
- ۱۴ گزارش | سرهنگی دیده بان ادبیات انقلاب و دفاع مقدس است
- ۱۹ گزارش | از سه استاد فعال در زمینه علوم انسانی اسلامی تجلیل شد
- ۲۴ نگاهی به پر فروش های ماه گذشته | رنگ و بوی عاشورا در کتاب فروشی ها





گزارشی از نشست رونمایی تیزر کتاب دختر شینا

اولین تجربه همراهی کتاب و سینما

مراسم رونمایی از تیزر سینمایی، کتاب دختر شینا، پیش از ظهر شنبه سی‌ام آبان با حضور میثم نبیلی، مدیرعامل مجمع ناشران انقلاب اسلامی، مرتضی سرهنگی، مدیر دفتر ادبیات و هنر مقاومت حوزه هنری، محمد حمزه‌زاده، مدیرعامل انتشارات سوره مهر، امین زندگانی، بهمن ضرابی زاده، نویسنده کتاب، و خانواده سردار شهید ابراهیم هژیر در سینما آزادی، برگزار شد.

در مسابقات کتاب و زندگی افتاد، این بود که در مجمع کمیته‌ای برای موضوع در نظر گرفته شد. وی افزود: اتفاق من زنده‌ام اتفاق خوبی بود. حدود ۴۵۰ هزار نسخه از این کتاب، در بازار به فروش رسید. کسانی که در حوزه نشر فعال هستند، می‌دانند که این فروش رؤیاست.

مدیر مرکز رسانه‌های شیرازه ادامه داد: ما می‌خواستیم در دور سوم، اتفاق جدیدی را رقم بزنیم و بحث این بود که از همه ظرفیت‌ها استفاده کنیم و به سراغ یک ایده قدیمی رفتیم و این شد که از مدیوم سینما استفاده کردیم. ذوعلم با بیان اینکه شاید این اتفاق باعث می‌شد تا استقبال مردم بیشتر شود، افزود: کار ساده‌ای نبود؛ اما مشورت کردیم، با محمداقبر مفیدی کیا جلسه‌ای گذاشتیم و در نهایت، به امین زندگانی و الیکا عبدالرزاقی رسیدیم و با وجود مشغله زیادشان قبول کردند و کار بسته شد.

وی گفت: کتاب و سینما می‌توانند به هم کمک کنند، شاید این باب جدید باعث شود تا مردم کتاب بخوانند و این تجربه آخر نشود.

امین زندگانی که در این تیزر در نقش شهید حاج

در این تیزر سینمایی، الیکا عبدالرزاقی و امین زندگانی تصویری از زندگی سردار شهید هژیر و همسرش قدم‌خیر محمدی کنعان را روایت کرده‌اند.

سرهنگی در این مراسم گفت: در جنگ‌های دفاعی، وجود زنان اثرگذار است؛ یعنی مقاومت مردم در جبهه به روحیه زنان در پشت جبهه بستگی دارد. ناپلئون می‌گوید من وقتی می‌خواستم به جایی حمله کنم پیش از آن، وضعیت روحی زنان آنجا را بررسی می‌کردم و اینکه صدام از زنان ایران شکست خورده، حقیقت دارد.

او در بخش دیگری از سخنانش گفت: در جنگ‌ها زنان هستند که ساک شوهران، برادران، پدران و فرزندان خود را می‌بندند و این مسئله روی آن‌ها فشار وارد می‌کند.

مدیر دفتر ادبیات و هنر مقاومت حوزه هنری گفت: هیچ‌وقت زور گلوله به عشق به زندگی نمی‌رسد. کسانی که می‌خواستند روزگاری زندگی را از ما بگیرند، فهمیدند، نمی‌توانند و این ناشی از قدرت زنان ما در دوران جنگ است. احمد ذوعلم، مدیر مرکز رسانه‌های شیرازه در مراسم رونمایی از تیزر سینمایی دختر شینا گفت: اتفاقی که



ادبیات هر دو فرزندان یک خانواده هستند؛ ولی ادبیات مانند یک خواهر بزرگتر است که می‌تواند برای سینما مادری کند و البته سینما مانند یک جوان برومند باید هر جا بتواند، دستی از ادبیات بگیرد و امروز شاهدیم که سینما جوانمردی کرده و به کمک این خواهر بزرگتر آمده است. وی گفت: تجربه معرفی کتاب توسط هنرمندان تجربه‌ای است که پیش از این شاهد آن بوده‌ایم و امیدواریم این تجربه ادامه پیدا کند.

ستار ابراهیمی ایفای نقش کرده بود، گفت: می‌گویند انسان وقتی زود احساساتی می‌شود یا دارد پیر می‌شود یا قرار است هوایی شود، من هم دیروز مستند A157 را در حوزه هنری دیدم که به شدت تکان دهنده بود و امروز نیز تیزر این کتاب من را تکان داد. البته نباید گفت که تیزر دختر شینا؛ بلکه به نظر من این فیلم دختر شیناست و کار خوبی را امروز شاهد بودیم. محمد حمزه‌زاده هم در این مراسم گفت: سینما و

الیکا عبدالرزاقی، بازیگر تیزر سینمایی دختر شینا:

با قدم خیر گریه کردم

چندی پیش، خبر تولید تیزر سینمایی کتاب دختر شینا با هنرنمایی امین زندگانی و الیکا عبدالرزاقی منتشر شد. این تیزر که اولین تیزر سینمایی برای معرفی یک کتاب است، در حال حاضر در حال پخش در سینماها و تلویزیون است. بازیگر نقش قدم خیر در تیزر سینمایی کتاب دختر شینا، گفت: به اواخر کتاب که رسیدم، چون منتظر شهادت حاج ستار بودم، با کاراکتر قدم خیر کاملاً احساس نزدیکی می کردم و مانند او دیالوگ‌ها را بلندبلند می گفتم و گریه می کردم.

دیالوگ‌ها را بلندبلند می گفتم و گریه می کردم.

دختر شینا را دوست داشتم

او اضافه کرد: خیلی کتاب را دوست داشتم و دلم می خواهد کاری بکنم که بقیه افراد هم آن را بخوانند. عبدالرزاقی به ارتباطی که با دختر شینا برقرار کرده بود، اشاره کرد و گفت: به این شکل کتابی نخوانده بودم، البته کتاب تاریخ شفاهی خوانده بودم؛ ولی کتابی که مربوط به خانواده شهدا و جنگ باشد، مطالعه نکرده بودم و این کتاب اولین کتابی بود که در این سبک و شکل، مطالعه می کردم. البته من کارهای خوب زیاد خوانده‌ام؛ ولی تا این حد که با آن ارتباط برقرار کردم، پیش نیامده بود. وی افزود: دختر شینا کاملاً خواننده را در لحظات قرار می دهد و فضا را تصویر می کند. این کتاب برای من شعاری نبود و هیچ حس غیرواقعی‌ای به کتاب نداشتم و این طور نبود که نتوانم با شخصیت کتاب ارتباط برقرار کنم.

ای کاش این کتاب بسط بیشتری پیدا می کرد

این هنرپیشه در ارتباط با روایت زنانه کتاب نیز گفت: روایت زنانه این کتاب در ارتباط گیری با کتاب تأثیر زیادی داشت. حتی دوست داشتم که بخش هایی از کتاب بیشتر بسط داده شود. قسمت های انتهایی قدم خیر که در نبود همسرش می گذرد و خواننده با آن در ارتباط است، به نظرم می رسد که بیشتر، قابلیت گسترش داشت. طول و تفصیل این بخش ها برای خواننده می توانست بهتر او را با سختی های زندگی شخصیت اصلی کتاب آشنا کند. او اضافه کرد: تنهایی، نگرانی ها، دغدغه از دست دادن همسر برای دختری که همیشه پدرش او را حمایت کرده، مسائلی است که کمتر نشان داده شده و بیشتر غرهای زنانه را نشان داده است که به نظرم کتاب فقط بخشی از سختی های این خانم را نشان داده که اگر گسترش بیشتری می داشت، می توانست بهتر این تصویر را به خواننده نشان دهد. به نظرم این کتاب کمی شهری نوشته شده است.



الیکا عبدالرزاقی که در تیزر سینمایی کتاب دختر شینا ایفای نقش کرده، در گفت و گویی، به این کتاب اشاره کرد و گفت: کتاب دختر شینا کتاب بسیار ساده‌ای است و در ابتدای مواجه شدن با کتاب، با توجه به اینکه بسیار کتاب می خوانم، با ادبیاتی که این کتاب نوشته شده، به نظرم رسید از یک فرد ده ساله تا یک بزرگسال، می توانند با آن ارتباط برقرار کنند.

کتاب را دوباره خواندم

وی افزود: در ابتدای مطالعه این کتاب، شیوه نوشتار آن را به عنوان نقطه ضعف آن پنداشتم؛ اما در ادامه، متوجه شدم که این کتاب روایت خاطرات است و قرار نیست در گیر سبک نوشتار و تکنیک شویم و از اینجا بود که به عقب بازگشتم و گارد خود را باز کردم و دوباره شروع به خواندن کتاب کردم. این بازیگر سینما و تلویزیون، در بخش دیگری از سخنانش، گفت: برخی قسمت های دختر شینا را بلند می خواندم و با کتاب ارتباط برقرار کردم. به اواخر کتاب که رسیدم، چون منتظر شهادت حاج ستار بودم، با کاراکتر قدم خیر کاملاً احساس نزدیکی می کردم و مانند او

۱۲

خط اخبار

گفت و گوی خبری

«**دختر شینا کاملاً خواننده را در لحظات قرار می دهد و فضا را تصویر می کند. این کتاب برای من شعاری نبود و هیچ حس غیرواقعی‌ای به کتاب نداشتم و این طور نبود که نتوانم با شخصیت کتاب ارتباط برقرار کنم**»



عرضه بیش از شصت هزار کتاب در پیاده‌روی و زیارت اربعین



به‌منظور ترویج فرهنگ عاشورایی، با همت ناشران عاشورایی، بیش از شصت‌هزار کتاب در مسیر پیاده‌روی اربعین، در دسترس زائران حسینی قرار گرفت.

در زیارت اربعین امسال، طرح نذر کتاب، به‌همت ناشران معارف حسینی و به‌منظور ترویج فرهنگ عاشورا و کتاب‌خوانی، در مسیر پیاده‌روی اربعین، کتاب‌هایی در اختیار زائرین سیدالشهدا قرار گرفت.



این طرح با هدف ترویج فرهنگ عاشورایی و ترویج کتاب‌خوانی برای گروه‌های سنی کودکان و بزرگسالان برگزار شد. در این طرح، به همت ناشران معارف حسینی، بیش از شصت‌هزار کتاب به زبان‌های عربی، انگلیسی، فرانسه و فارسی و در موضوعات مختلف مرتبط با فرهنگ عاشورا و همچنین کتاب کودک، در سه موبک در مسیر پیاده‌روی نجف تا کربلا در قالب کتاب‌خانه‌هایی در اختیار زائران عزیز قرار گرفت. این کتاب‌ها در موبک‌های علی‌بن‌موسی‌الرضا^(ع)، شهاب قاسم، نجف اشرف که محل بیتوته زائران حسینی از کشورهای مختلف بود، در اختیار زائران قرار گرفت. زائران می‌توانستند در زمان بیتوته در این موبک‌ها از این کتاب‌ها استفاده کنند.



گفتنی است که مخاطبان انگلیسی و فرانسوی‌زبان نیز از این کار فرهنگی استقبال خوبی به‌عمل آوردند.

بخش بسیار زیادی از این کتاب‌ها که کتاب‌های کودک را نیز شامل می‌شد، به‌صورت اهدایی در اختیار زائران عزیز قرار گرفت.

◀ در زیارت اربعین امسال، طرح نذر کتاب، به‌همت ناشران معارف حسینی و به‌منظور ترویج فرهنگ عاشورا و کتاب‌خوانی، در مسیر پیاده‌روی اربعین، کتاب‌هایی در اختیار زائرین سیدالشهدا قرار گرفت

گزارشی از پنجاهمین عصاره ادبی فارس

سرهنگی دیده بان ادبیات انقلاب و دفاع مقدس است

پنجاهمین عصاره ادبی فارس با بزرگداشت مرتضی سرهنگی با عنوان «راوی عشق» برگزار شد. مرتضی سرهنگی که اکنون مدیر دفتر ادبیات و هنر مقاومت حوزه هنری است، از پایه گذاران جریان ثبت خاطرات دفاع مقدس است. او در کنار هدایت‌الله بهبودی این جریان را شروع کرد که امروز شاهد درخت تومند ادبیات دفاع مقدس هستیم. آنچه می‌خوانید، گزارشی است از این مراسم.

هزار تومان داشتیم. نمی‌دانستیم

زن بگیرم یا موتور بخرم

مرتضی سرهنگی مدیر دفتر ادبیات و هنر مقاومت حوزه هنری، در این مراسم با اشاره به مراسم ازدواجش گفت: جمعیتی که امروز اینجا حضور دارند، از جمعیت روز عروسی من بیشتر است. آن زمان من ده هزار تومان داشتیم که نمی‌دانستیم با آن، موتور هوندای باک قرمز بخرم یا بروم زن بگیرم که خوب، عروسی کردیم.

وی افزود: یکی از سخت‌ترین روزهای زندگی من، امروز است. سه روز است همسر من می‌گوید چرا سگرمه‌هایت در هم است که من موضوع این برنامه را برای او توضیح دادم. واقعا کار سختی است و مانند آمپول زدن است. اولش آدم می‌ترسد؛ ولی الان می‌بینم بد هم نیست.

با وجود ۳۶ هزار شهید دانش آموز، من چه طلبی می‌توانم داشته باشم

مدیر دفتر ادبیات و هنر مقاومت حوزه هنری در بخش دیگری از سخنانش گفت: من خجالت می‌کشم که اینجا بخواهم حرف بزنم. ما ۳۶ هزار شهید دانش آموز داریم که واقعا رقم کمی نیست. خب با این اعداد، من چه طلبی



باید داشته باشم؟

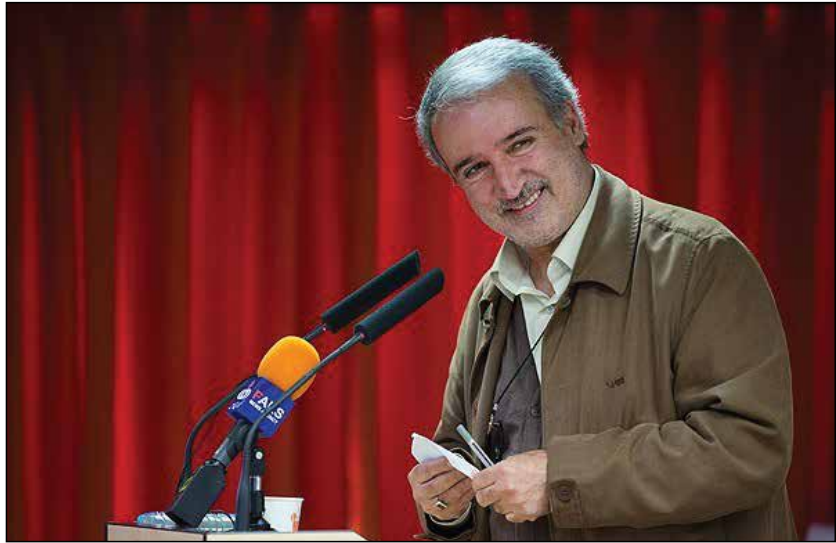
وی در ادامه گفت: هر جنگی در یک روز و ساعت معینی آغاز می‌شود و در یک روز و ساعت معین نیز تمام می‌شود؛ اما دامنه مطالعاتی آن گسترده می‌شود و تانسل‌ها ادامه خواهد داشت. به‌خاطر همین مسئله، علمی به نام جنگ‌شناسی داریم.

سرهنگی گفت: آنچه ما انجام می‌دهیم، در حقیقت، نوشتن علیه فراموشی است؛ زیرا این‌ها اسناد جنگ است و نوشتن بعد از جنگ یک سنت است. جمله‌ای از ماکسیم گورکی دیدم که گفته بود: اجازه ندهید دیگران زندگی شما را بنویسند. به نظر من خیلی از آرزوهای هنری ما می‌تواند توسط ادبیات جنگ برآورده شود.

ادبیات جنگ از افتخارات حوزه هنری است

او اضافه کرد: ما مردمی جنگ‌دیده هستیم و بدون تردید تاریخ به ما رجوع می‌کند. اگر ما زمینه را برای رشد نویسندگان و شاعران بزرگ فراهم نکنیم، این زبان رو به زوال خواهد رفت. ادبیات انقلاب و جنگ از افتخارات حوزه هنری است؛ زیرا خودمان برایش هزینه کردیم و از جایی وارد نکرده‌ایم.

مدیر دفتر ادبیات و هنر مقاومت حوزه هنری، در بخش دیگری از سخنانش ضمن تشکر از برگزارکنندگان این مراسم، گفت: این مراسم برای ادبیات است و این



«حجت‌الاسلام
والمسلمین خاموشی:
هر بار با آقای سرهنگی
نشستم، از همنشینی
با او بهره‌مند شدم.
به‌درستی سرهنگی
راوی عشق است؛
اما او نقش دیده‌بانی
را بیشتر دارد و اگر
دیده‌بان ادبیات انقلاب
و دفاع مقدس نام
گیرد، صحیح است»

«مرتضی سرهنگی:
جمعیتی که امروز
اینجا حضور دارند، از
جمعیت روز عروسی
من بیشتر است. آن
زمان من ده‌هزار تومان
داشتم که نمی‌دانستم
با آن، موتور هوندای
باک قرمز بخرم یا بروم
زن بگیرم که خوب،
عروسی کردیم»

نام گیرد، صحیح است.
وی گفت: یکبار شاهد بودم رهبر انقلاب درباره کتابی
سؤال کردند که آیا دفتر ادبیات و هنر مقاومت حوزه هنری
آن را دیده است یا نه. بعد با حالت توییخی مبنی بر اینکه
چرا ندیده‌اند، پرس و جو کردند که این دقیقاً همان مفهوم
دیده‌بانی انقلاب اسلامی است.

سرهنگی نگران تغییر نسل درگیر با جنگ است
حجت‌الاسلام والمسلمین خاموشی به کتاب «پایی که جا
ماند» و نشر آن هم اشاره کرد و با بیان اینکه «من آن را
کشف نکردم، بلکه اتفاقی با آن برخورد کردم»، گفت: پس
از برخورد با این حادثه، به آقای سرهنگی زنگ زدم، وقت
گذاشت و مطالعه کرد و در نهایت، منجر به انتشار چنین
اثری شد. از این نوع، بسیار داریم، ولی نگرانی سرهنگی
چیز دیگری است. اینکه نسل، نسل درگیر با جنگ در
حال تغییر است؛ اما این نقش دیده‌بان است که همه‌چیز
را ببیند.

به گفته این مقام مسئول، دیده‌بان فرهنگ دفاع
مقدس باید فردی تابع ولایت باشد. او گفت: من شهادت
می‌دهم در ولایت‌مداری از او درس می‌گیرم. مدام منویات
رهبری را رصد می‌کند تا کارهای انجام‌شده، مرضی رضای
حضرت آقا باشد و از آن تبعیت کند.

وی به سلامت جسمی سرهنگی اشاره کرد و با بیان
اینکه در این مسیر، سلامتی‌اش هم به خطر افتاده، گفت:
در این نگاه، حرص و ولع او درباره ادبیات دفاع مقدس آن قدر
زیاد است که سلامتی‌اش به خطر افتاده؛ ولی ما گفتیم
نمی‌توانیم از شما دست برداریم، اصرار داریم که تا انتها
با ما باشید.

سرمایه بزرگی برای این مملکت به‌شمار می‌رود. هر
اندازه نویسندگان به این طرف بیایند، ما برنده خواهیم
شد. بسیاری از جاهای دنیا این ادبیات انقلاب و جنگ را
می‌پسندند؛ زیرا شیرین است.

مدیون همسرم هستم

سرهنگی در پایان سخنانش گفت: ادبیات جنگ روی
شانه‌های نویسندگان آن ایستاده است. فقط ۳۶ هزار شهید
دانش‌آموز کافی است تا بدانیم که باید قناعت کنیم و کار
کنیم و این چیزی است که ما را نجات می‌دهد. بسیار
مدیون همسرم هستم؛ زیرا سال‌ها همیشه بچه‌هایم را در
خواب دیدم و تمام زحمت آن‌ها روی دوش همسرم بود.
من مدت زیادی فرزندانم را فقط در حالت افقی می‌دیدم.
صبح که می‌رفتم خواب بودند، شب هم که بازمی‌گشتم،
باز هم خواب بودند.

خاموشی: سرهنگی باید دیده‌بان ادبیات انقلاب و دفاع مقدس نام گیرد

در ادامه، حجت‌الاسلام
والمسلمین خاموشی، رئیس
سازمان تبلیغات اسلامی، با
بیان اینکه از حوزه هنری که
به ادبیات دفاع مقدس و انقلاب
توجه دارد، باید تشکر کرد و این
مسیر را پاس داشت، گفت: هر بار
با آقای سرهنگی نشستیم، از همنشینی با او بهره‌مند شدم.
به‌درستی سرهنگی راوی عشق است؛ اما او نقش دیده‌بانی
را بیشتر دارد و اگر دیده‌بان ادبیات انقلاب و دفاع مقدس





من از مؤلفان آن‌ها بودم. جنگ تمام شده بود و ما در فکر این بودیم که خاطره‌ای از جنگ، در کتاب درسی بیاوریم. چقدر گشتیم و چقدر کم بود کتاب‌هایی که روایت جنگ در آن‌ها باشد. سال‌های ۶۷، ۶۸ و ۶۹ را ببینید؛ به‌زحمت یک خاطره را پیدا کردیم و توانستیم در کتاب درسی قرار دهیم.

وی افزود: سال گذشته در فرهنگستان از طریق مدیر گروه ادبیات‌های انقلاب اسلامی فرهنگستان از آقای سرهنکی و بهبودی دعوت کردیم تا گزارشی از ادبیات انقلاب بدهند. آماری که این دوستان ارائه کردند، افتخارآمیز بود. من در آن جلسه، حساس بودم که گزارشی دوستان چگونه خواهد بود؛ با توجه به اینکه اساتید فرهنگستان اساتید سال‌خورده‌ای هستند که با عالم جنگ و جبهه کمتر ارتباط داشتند و اکنون دو نفر می‌خواهند از انقلاب، گزارشی بدهند. بیان این دو دوست به‌قدری واقعی، منطقی و پرمحتوا بود که موجب افتخار همهٔ بچه‌های انقلاب شد و من این را با قلبم احساس کردم. من آن روز، رقم ده‌هزار کتاب را با حطی ۲۵ سال پیش که خودم لمس کرده بودم، مقایسه کردم. رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی در بخش دیگری از سخنانش گفت: این گنجینه به‌راحتی حاصل نشده. یک ایمان خدایی و اخلاص پشت سر این مسائل بوده است. یک عده کار حسینی کردند و یک عده کاری زینبی. در کربلای جبهه‌های ایران، آقایان بهبودی و سرهنکی کار زینبی کردند.

سرهنکی یک راه را گشوده است

حداد عادل با اشاره به دفاع مقدس و ارزش‌های نهفته در آن گفت: انقلاب و دفاع مقدس ما دریای بی‌کرانه‌ای از موضوع و مضمون برای اهالی فرهنگ دارد و هر کس

تعبیر ویژهٔ علامه جعفری دربارهٔ مرتضی سرهنکی

خانم محرابی، همسر مرتضی سرهنکی، در بخش دیگری از این مراسم، پس از اینکه از او دعوت شد تا دربارهٔ شخصیت سرهنکی سخن بگوید، گفت:



باید سؤالی پرسیده شود تا حرف بزنم؛ زیرا باید دربارهٔ انسانی سخن بگویم که این شخصیت‌ها درباره‌اش سخن گفته‌اند و من باید سی‌وچند سال زندگی با او را اینجا بازگو کنم، ولی همین بس که رهبر انقلاب گفته‌اند: «ای کاش شاعر بودم و برای سرهنکی قصیده می‌گفتم.» وی گفت: سال ۶۱، خدمت مرحوم علامه محمدتقی جعفری بودم و به‌خاطر ارادت من به این عالم وارسته و به‌خاطر اینکه پدرم در قید حیات نبود، به ایشان گفتم: «شما در این ازدواج، ولی من باش.» در دیدار اول، علامه به بهانه‌ای من را به یک اتاق دیگر روانه کردند و چند دقیقه طول نکشید که من را صدا زدند، اسم کوچک من را صدا زدند و گفتند یک جمله می‌گویم و آن هم اینکه «ایشان یک شیعهٔ خوب آقا امیرالمؤمنین است» و همین شد که با ایشان ازدواج کردم و اینکه برویم تحقیق و کارهایی که این روزها انجام می‌دهند، خبری نبود.

حدادعادل: سرهنکی در کربلای جبهه‌های ایران، کار زینبی کرده است

غلامعلی حدادعادل، رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی، در این مراسم گفت: اکنون یاد روزهای اول بعد از آتش‌بس می‌افتم کتاب‌های فارسی دورهٔ راهنمایی را در وزارت آموزش و پرورش در دست تألیف داشتیم که

«**همسر مرتضی سرهنکی: باید سؤالی پرسیده شود تا حرف بزنم؛ زیرا باید دربارهٔ انسانی سخن بگویم که این شخصیت‌ها درباره‌اش سخن گفته‌اند و من باید سی‌وچند سال زندگی با او را اینجا بازگو کنم، ولی همین بس که رهبر انقلاب گفته‌اند: «ای کاش شاعر بودم و برای سرهنکی قصیده می‌گفتم.»**



پس انداز کنم.

وی در ادامه، به بیان اینکه «برای صحبت از او، گمان می‌کنم جلوی آئینه ایستادام»، گفت: برایم صحبت از سرهنگی بی‌شبهات به جلوی آئینه ایستادن نیست. بهبودی درباره حضور سرهنگی هم آن را همراه عذاب دانست؛ چرا که او باید احساساتش را سرکوب کند و در چنین مراسم‌هایی حضور یابد.

وی، در ادامه، به بیان ترکیب‌هایی که از دو بخش همراه با کلمه «خوش» تشکیل شده، اشاره کرد و گفت: از آن ترکیب‌هایی که اولش با لغت خوش آغاز می‌شود، مثل خوش‌سلیقه، خوش‌تیپ، خوش‌اخلاق زیاد دارم؛ اما یکی از این ترکیب‌ها خوش‌فکری است که برای سرهنگی هم دلالت دارد. او آدمی است بسیار خوش‌فکر، از این جهت باید یادنامه‌ای فراهم شود و برای فعالیت‌های سه دهه کاری او چند نفر انتخاب شوند و صحبت کنند. درباره تجربه‌های کاری‌اش و فوت کوزه‌گری این سال‌ها را ثبت کنند تا به‌دست علاقه‌مندان برسد.

حوزه هنری بابت وجود آقای سرهنگی خیلی شاکر است



محسن مؤمنی شریف، رئیس حوزه هنری، در مراسم نکوداشت مرتضی سرهنگی اظهار داشت: پیش از هر چیز لازم می‌دانم تشکر کنم از دست‌اندرکاران برگزاری این مراسم که علی‌رغم استکفاف آقای سرهنگی، پافشاری کردند و فرصتی ایجاد کردند تا درباره ایشان و کار مهم ایشان تأملی دوباره داشته باشیم.

وی افزود: البته جناب آقای سرهنگی از اینکه در اینگونه مراسم و مجالس خودشان محور و موضوع قرار گیرند، به‌شدت فرار می‌کنند. دلایلی برای این کار دارند که تقریباً همه‌مان کم‌وبیش می‌دانیم، اما اخیراً وقتی از مجلسی از این دست برمی‌گشتم، نکته‌ای فرمودند که به نظرم درسی است برای ما جوان‌ترها. گفتند: «می‌ترسم دیگه چیزی برای آن طرف نماند.»

وی تصریح کرد: به‌اعتقاد رهبر انقلاب، آقای سرهنگی و دوستانش موجب شدند در حوزه انقلاب و جنگ، کشور از ادبیات وارداتی بی‌نیاز شود. ما امروز در این حوزه، شاهد ادبیاتی هستیم که کاملاً متعلق به خودمان است و در معرفی انسان، برآمده از انقلاب اسلامی و افتخارات فرزندان این مرز و بوم ناتوان و الکن نیست. برعکس، چون ریشه در فطرت انسانی دارد، در دل‌ها نشسته است.

وی با بیان اینکه ما خیلی امیدواریم این ادبیات،

در هر بخش، از آن استفاده می‌کند. این حقیقت، دریای بی‌کرانه الهام‌بخش است و این مجموعه خاطرات و واقعیت‌ها مانند یک معدن بزرگ است. اگر یک نفر این معدن را کشف کند، استخراج کند و حفظ کند خدمت بزرگی کرده است. این معدن در همان لحظه برداشت، برای صنعت فوایدی دارد. حال برای اهالی علوم انسانی و هنر این دریای بی‌کران دفاع مقدس، دستاوردهای این چنین دارد که از آن استفاده خواهند کرد و به‌نوعی سرمایه‌گذاری برای تاریخ آینده است.

او اضافه کرد: آقای سرهنگی و دوستانشان یک راه را گشوده‌اند و ساخته‌اند. برخی رهروانی هستند که با هر قدم برداشتن، راه را ایجاد می‌کنند و بقیه افراد در مسیری که آن‌ها ایجاد کرده‌اند، قدم می‌زنند. وظیفه ما این است که این راه را حفظ کنیم.

سرهنگی از رویش‌های انقلاب است



حداد عادل در پایان سخنانش با اشاره به قصیده‌ای که علیرضا قزوه برای مرتضی سرهنگی سروده بود، گفت: قصیده‌ای که علیرضا قزوه خواند، یک قصیده

درجه یک و تراز اول بود؛ زیرا من مخاطب شعر هستم و شعر را می‌شناسم. زبان فاخر قزوه در این قصیده، چیزی کمتر از قصیده امیری فیروز کوهی که درباره پیامبر سروده است، ندارد. سرهنگی از رویش‌های انقلاب است که هزار پاجوش بلند از کنار او رویده است.

بهبودی: صحبت از سرهنگی بی‌شبهات به جلوی آئینه ایستادن نیست

بهبودی در مراسم بزرگداشت مرتضی سرهنگی گفت: در محفلی که غلط‌گیر زیاد است، حرف درست زدن مشکل است. من هم مشکل بیان دارم و برای حرف زدن، چه در یک تالار بزرگ و چه در نزد یک نفر، ناتوانم. از این‌رو، متنی را نوشته‌ام که می‌خوانم.

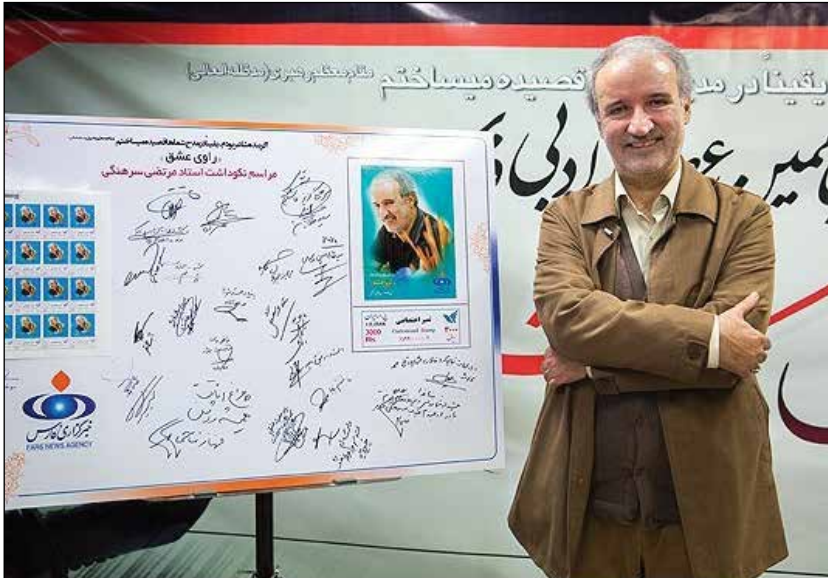
برای رهایی از ناتوانی در سخنرانی، دست به دامان قلم و کاغذ شدم تا بتوانم از همراه و همکار دیروز و امروز و همدل این روزها جملاتی بگویم. گفتم همکار! به همه آجرهایی که برای دیوار چینی او انداختم، می‌بالم. گفتم همراه! به همه سفرهای کاری که یک سر آن در کنار رود ارس، خرمشهر، سن‌پترزبورگ، هیروشیما و... می‌بالم. به آن همه سفرهای دلی، سفرهایی که به مکه و سری در کربلا داشت. سفرهای غیرکاری را رفتن به سونا، استخر، کوه تا بازی گل کوچک و سفره‌نشینی نسبتاً حلال تا چشیدن شاه‌میگو و... همه را زندگی کردیم، تا توانستیم از رنگ آسمان دل او وام بگیریم و

◀◀ غلامعلی حدادعادل: آقای

سرهنگی و دوستانشان یک راه را گشوده‌اند و ساخته‌اند. برخی رهروانی هستند که با هر قدم برداشتن، راه را ایجاد می‌کنند و بقیه افراد در مسیری که آن‌ها ایجاد کرده‌اند، قدم می‌زنند. وظیفه ما این است که این راه را حفظ کنیم

◀◀ محسن مؤمنی:

به‌اعتقاد رهبر انقلاب، آقای سرهنگی و دوستانش موجب شدند در حوزه انقلاب و جنگ، کشور از ادبیات وارداتی بی‌نیاز شود. ما امروز در این حوزه، شاهد ادبیاتی هستیم که کاملاً متعلق به خودمان است و در معرفی انسان، برآمده از انقلاب اسلامی و افتخارات فرزندان این مرز و بوم ناتوان و الکن نیست



« محسن مؤمنی:
 برای شخصیتی
 چون سرهنکی از
 بیرون از حوزه هنری
 پیشنهادهای فراوانی
 مطرح است، اما ایشان
 در این همه سال، بر
 روی آن‌ها چشم بسته
 و تمام وقتش برای
 دفتر خود قرار داده،
 از هنر مدیریت آقای
 سرهنکی یکی این
 است که نه تنها فاصله
 خودش را با جریان‌ها
 و جناح‌های سیاسی
 حفظ کرد، بلکه موفق
 شد همکاران خودش
 را هم در فتنه‌های و
 طوفان‌های ویرانگر
 سیاسی حفظ کند

این مقام مسئول در حوزه هنری، به ویژگی سرهنکی در حوزه اخلاق اشاره کرد و گفت: سرهنکی ویژگی‌هایی در حوزه اخلاق دارد که از جمله آن تسلطش بر زبان و گفتارش است. ساعت‌ها پیش این بزرگوار باشید و غیبت و بدگویی کسی را نمی‌شنوید، هر چند آن شخص در حق او جفا کرده باشد. متأسفانه در جلسات و گردهای ما، این امر مهم، اغلب، فراموش می‌شود. آقای سرهنکی نه در تعارف، بلکه عمیقاً و قلباً به‌خاطر تلاش‌های صادقانه و قابل‌افتخارش، خود را از کسی طلبکار نمی‌داند، بلکه به خانواده شهدا و جامعه جبهه و جنگ خود را بدهکار می‌داند.

قصیده ۶۳ بیتی برای مرتضی سرهنکی

علیرضا قزوه ضمن خواندن قصیده‌ای در وصف مرتضی سرهنکی گفت: به احترام مرتضی سرهنکی که رهبر معظم انقلاب فرموده بودند: اگر شاعر بودم، قصیده‌ای برای ایشان می‌سرودم، ضمن احترام



به مقام والای ادبی رهبر معظم انقلاب و حرمتی که برای شعر و ادبیات مقاومت قائل اند، وظیفه خود دانستم تا در آغاز ۶۳ سالگی عمر پربرکت جناب آقای سرهنکی، این قصیده را در ۶۳ بیت تقدیم محضرشان کنم. در پایان این مراسم، از تمثال مرتضی سرهنکی و تمبر یادبود وی با حضور شرکت‌کنندگان، رونمایی و از وی تقدیر شد.

ادبیات ما را جهانی کند، اضافه کرد: بنده به بعضی از عوامل این موفقیت که به مدیریت آقای سرهنکی برمی‌گردد، اشاره می‌کنم و به دوستان قول داده‌ام ان‌شاءالله در فرصت دیگری مفصل‌تر عریضی را مطرح کنم؛ اما آقای سرهنکی تکلیفش را با خودش روشن کرده است و بعضی گیرهای رایج ما آدم‌های امروزی را ندارد. به یک وارستگی و بزرگواری رسیده است که انسان در حضورش احساس امنیت می‌کند. قرآن می‌فرماید: ان‌الذین آمنوا و عملوا الصالحات سیجعل لهم رحمن ودا؛ آنانی که ایمان دارند و در پرتو آن عمل صالح انجام می‌دهند، خداوند رحمان محبت آنان را بر دل‌ها خواهد انداخت، این یک سنت الهی است.

رئیس حوزه هنری به سرهنکی و دوستانش نظیر بهبودی، کمری و قدمی اشاره کرد و گفت: به تعبیر مقام معظم رهبری، این‌ها کارشان را خوب بلدند و هم خوب آن را انجام می‌دهند. ایشان همه وقتشان را برای ادبیات دفاع مقدس گذاشتند. این راه را با علم و اعتقاد انتخاب کرد و در این مسیر ایستادگی هم کرد.

مؤمنی با بیان اینکه برای شخصیتی چون سرهنکی از بیرون از حوزه هنری پیشنهادهای فراوانی مطرح است، اما ایشان در این همه سال، بر روی آن‌ها چشم بسته و تمام وقتش برای دفتر خود قرار داده، گفت: از هنر مدیریت آقای سرهنکی یکی این است که نه تنها فاصله خودش را با جریان‌ها و جناح‌های سیاسی حفظ کرد، بلکه موفق شد همکاران خودش را هم در فتنه‌های و طوفان‌های ویرانگر سیاسی حفظ کند.

کنگره جهانی علوم انسانی اسلامی و تجلیل از سه استاد فعال

۱۹

خط اخبار
گزارش

کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی، به‌همت مجموعه‌ای از دانشگاه‌ها، حوزه‌های علمیه و مراکز علمی و پژوهشی کشور، به‌صورت دوسالانه برگزار می‌شود. تاکنون دو دوره از این کنگره برگزار و امسال، سومین دوره آن به‌عنوان بزرگ‌ترین رخداد علمی سال جاری، برپا شد.



▲ دکتر مسعود درخشان



▲ آیت‌الله ابوالقاسم علیدوست



▲ دکتر عباس میرآزور

و دکتر عطاءالله رفیعی آتانی و همچنین کتاب الگوهای کلان تولید علوم انسانی اسلامی در بستر انقلاب اسلامی، نوشته سیدمهدی موسوی و کتاب مجموعه مقالات دومین کنگره علوم انسانی اسلامی، پس از سخنرانی دکتر علی لاریجانی با حضور آیت‌الله علی‌اکبر رشاد، دکتر رفیعی آتانی و حجت‌الاسلام رضا غلامی رونمایی شد.

همچنین در این همایش، اولین گالری نقاشی از چهل چهره متفکر برجسته عرصه علم و فرهنگ که توسط استاد علیرضا ذاکری تصویرگری شده، افتتاح شد. این گالری با همت نشریه عصر اندیشه راهاندازی شده بود که هدف آن معرفی اندیشمندان این عرصه به جامعه علمی، به‌ویژه دانشجویان، است.

مراسم اختتامیه سومین کنگره علوم انسانی اسلامی، هم‌زمان با مراسم اعطای دومین جایزه جهانی علوم انسانی اسلامی و تجلیل از مقام عالی علمی و مدیریتی مرحوم حضرت آیت‌الله محمدرضا مهدوی‌کنی، سه‌شنبه، ۱۲ آبان‌ماه، در مدرسه امام موسی کاظم (ع) قم برپا شد. آیت‌الله مکارم شیرازی در این مراسم به ارائه سخن پرداختند. همچنین در ادامه مراسم از آیت‌الله ابوالقاسم علیدوست، دکتر مسعود درخشان و دکتر عباس میرآخور به‌عنوان اساتیدی که در زمینه علوم انسانی اسلامی فعالیت چشم‌گیری داشتند تجلیل و هدایایی به رسم یادبود به ایشان اهدا شد.

دکتر علی لاریجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی، سخنران مراسم افتتاحیه این مراسم بود. این همایش در نه کمیسیون فقه و حقوق اسلامی، فلسفه و روش‌شناسی، مدیریت تحول علوم انسانی، اقتصاد اسلامی، مدیریت اسلامی، روان‌شناسی اسلامی، علوم سیاسی اسلامی، جامعه‌شناسی اسلامی و آموزش و پرورش و تحول بنیادین علوم انسانی و تعلیم و تربیت، مجموعاً ۹۲ مقاله پژوهشگران در کمیسیون‌های نه‌گانه ارائه شد.

پانصدوشصت و پنج چکیده مقاله و ۴۰۴ اصل مقاله توسط دبیرخانه کنگره دریافت شده بود. برخی از شخصیت‌ها و اساتید صاحب‌نظر در حوزه‌های گوناگون علوم انسانی، چون آیت‌الله علی‌اکبر رشاد و آیت‌الله ابوالقاسم علیدوست در فقه و حقوق، حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر عبدالحسین خسروپناه در فلسفه و روش‌شناسی علوم انسانی اسلامی، دکتر حسن سبحانی، دکتر مسعود درخشان، حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر سیدعباس موسویان و حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر حسن آقائظری در اقتصاد اسلامی و دکتر سیدجلال دهقانی فیروزآبادی در علوم سیاسی به ارائه مقالات خود پرداختند.

در این همایش، از کتاب نظریه، شامل نظریه‌های چهار نظریه‌پرداز علوم انسانی، آیت‌الله علیرضا اعرافی، مسعود العالم چوددوری، حجت‌الاسلام سیدعباس موسویان



گزیده‌ای از اخبار بازار نشر

خط اخبار

رمان نوجوان پسر نان و نمک، اثر عباس جهانگیریان، کتاب هم‌نوازی نسیم و برگ، مجموعه شعری برای مخاطب نوجوان، سروده رودابه حمزه‌ای و کتاب طوطی هند برگرفته از کتاب مثنوی معنوی، به‌قلم حمید گروگان و رمان غریبه و دریا اثر جمال‌الدین اکرمی و کتاب طنز نوجوان شاهنامه آخرش خوش است، به‌قلم احمد عربلو را منتشر کرد.

انتشارات مؤسسه شهید کاظمی کتاب‌های چاله‌های زندگی با هدف آسیب‌شناسی بیست چالش در سبک زندگی، اثر سید مهدی جوادی و سید صابر امامی، با مقدمه وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دولت دهم، آمادتی خاطرات شهید سید محسن موسوی به‌قلم سمانه قائدامینی و پریسا اباذری، همنشین گل خاطرات غلامرضا نوشادی که از همنشینان باسیدالاسرا مرحوم ابوترابی است، آرامش قلبی؛ گمشده بشریت به‌قلم مهدی مطهری و عاقل تر شده‌ام اثر امین بابازاده را که سفرنامه‌ای به یکی از مناطق محروم است، منتشر کرد.

انتشارات بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق (ع) و به‌اهتمام مؤسسه علمی فرهنگی سدید کتاب روایت مطهر جدیدترین اثر حجت‌الاسلام سوزنچی را منتشر کرد. این اثر به‌عنوان اولین جلد از مجموعه چهارجلدی، به تبیین زوایای پنهان تفکر شهید مطهری به‌منظور دست‌یابی به یک نظام فکری منسجم می‌پردازد.

انجمن قلم ایران فراخوان ادبی «میلاد در منا» را برای محکومیت فاجعه منا منتشر کرد.

انتشارات دلیل ما کتاب صحیح بخاری در یک نگاه اثر علی‌رضا بابایی را که اثری درباره معتبرترین کتاب حدیثی اهل تسنن است، منتشر کرد.

کتاب قیام حسینی، مقارنه دو سخنرانی رهبر انقلاب در سال‌های ۱۳۶۱ و ۱۳۶۳ با موضوع علت قیام عاشورا از سوی مؤسسه فرهنگی ایمان جهادی (صهبا) به چاپ پنجم رسید.

به‌مناسبت یوم‌الله ۱۳ آبان، دکتر حسن عباسی،

فروشگاه مجازی کتاب خط‌خون با ارائه بسته ویژه کتاب‌های مرتبط با محرم مخاطبان خود را به مطالعه در این ماه دعوت کرد.

انتشارات قدر ولایت کتاب پدری از جنس خورشید، نگاهی به سیره شیخ‌الشهدای حزب‌الله، شهید شیخ راغب حرب را همراه با هشت کتاب دیگر در حوزه ایثار و شهادت راهی بازار کتاب کرد.

انتشارات کتابستان معرفت کتاب جوشکاری اثر حجت‌الاسلام حسین عالمی را با هدف نشان دادن راه‌های ازدواج عادلانه راهی بازار کتاب کرد.

نشر جمال برای ششمین مرتبه، کتاب زیارت عاشورا در نگاهی دیگر، با نگاهی به مستندات تاریخی و حدیثی زیارت عاشورا، را که حجت‌الاسلام ابهری آن را نوشته است و کتاب چهل حدیث مرثی، به‌قلم محمدمهدی رضایی، با نگاهی به آثار شهید مرتضی مطهری را راهی کتاب‌فروشی‌ها کرد.

در جلسه هیئت‌مدیره جدید انجمن قلم ایران محمدرضا سرشار، همچون دو دوره گذشته، به‌عنوان رئیس انجمن قلم ایران برگزیده شد.

نشر قدیانی رمان دکتر جکیل و آقای هاید با ترجمه فرحناز عطاریان و کتاب عروس و کاروانش، فرازهایی از زندگی حضرت خدیجه (س)، را راهی بازار کتاب کرد.

آیین رونمایی از طرح حمایت از ترجمه کتاب‌های فارسی به زبان‌های دیگر، TOP، با حضور علی جنتی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، ابوذکر ابراهیمی ترکمان، رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، آیت‌الله دین‌پرور و جمعی از مدیران و معاونان سازمان فرهنگ و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی برگزار شد.

نشر دارخوین کتاب روز دیدار، به‌قلم جمعی از نویسندگان، روایتی از تشییع پیکر شهدای غواص در اصفهان را منتشر کرد.

انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

«**ناشران محترمی**
که مایل‌اند اخبار
آثار و برنامه‌هایشان
در این قسمت درج
شود، اخبار خود را از
طریق رایانامه نشریه،
برای ما ارسال کنند

E-mail:
info@mananashr.ir



پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی کتاب‌های بررسی تاریخی تفکر شیعه اثنی عشری به قلم غلامحسین محرمی، چاپ یازدهم کیش پارسایان مشتمل بر دروس استاد آیت‌الله آقا مجتبی تهرانی، اقتصاد تعاونی از منظر اسلام به قلم احمدعلی یوسفی، شعری برای او: نگره‌هایی درباره علامه بلاغی، اثر فاطمه بختیاری و درآمدی بر تاریخ نگاری ایرانی اسلامی، به قلم سیدابوالفضل رضوی را منتشر کرد.

اعضای هیئت‌مدیره انجمن قلم ایران شامل محسن پرویز، نایب‌رئیس و سخنگوی انجمن قلم، رضیه تجار، عباس براتی‌پور، رضا اسماعیلی و کامران پارس‌نژاد به دیدار پدر شعر انقلاب استاد سبزواری رفتند.

افتتاحیه دومین دوره مدرسه رمان بعد از ظهر پنج‌شنبه، ۱۴ آبان‌ماه، در مؤسسه فرهنگی شهرستان ادب با حضور اهالی ادبیات و نویسندگان رمان برگزار شد.

کارگاه کسب و کار ترجمه و حقوق و تکالیف مترجم با همکاری انجمن صنفی مترجمان شهر تهران و دانشکده زبان‌های خارجی دانشگاه تهران برگزار شد.

رمان جان شیعه، اهل سنت: عاشقانه‌ای برای مسلمانان به قلم فاطمه ولی‌نژاد منتشر شد. این اثر با رویکرد وحدت شیعه و سنی و به منظور استفاده تمام اقشار جامعه، از چاپ اول به طور رایگان در فضای مجازی توسط انتشارات بسجج دانشجویی دانشگاه امام صادق^(ع) و به اهتمام مؤسسه علمی-فرهنگی سدید منتشر شده است.

کتاب روایتی از زندگی و زمانه حضرت آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای، از سال ۱۳۱۸ تا کنون، به قلم جعفر شیرعلی‌نیا از سوی نشر سایان منتشر شد.

کتاب سستون ۱۴۵۲ با موضوع خاطرات پیاده‌روی اربعین نوشته کیوان امجدیان در برنامه زنده کوی محبت شبکه دو سیما رونمایی شد.

سرگذشت سردار شهید حاج حسین همدانی با عنوان پیغام ماهی‌ها به قلم گلعلی بابایی به مناسبت اربعین این شهید از سوی نشر ۲۷ منتشر شد.

کتاب راه بی‌پایان: نگره‌هایی درباره علامه طبرسی به قلم فاطمه بختیاری منتشر شد. این نوشتار که به‌همت مرکز پژوهش‌های جوان پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی تهیه شده، اولین جلد از مجموعه ده‌جلدی پیشگامان دانش و فضیلت است که با این عنوان منتشر شده است.

چهل‌مین دوره نمایشگاه بین‌المللی کتاب کویت، روز چهارشنبه ۱۸ نوامبر، مطابق با ۲۷ آبان ۱۳۹۴ در محل نمایشگاه‌های بین‌المللی کویت افتتاح شد. مؤسسه الهدی با ۱۸۱ عنوان کتاب نماینده نشر ایران در این نمایشگاه، شرکت کرد.

انتشارات سوره مهر کتاب نظریه هنر و زیبایی در تمدن اسلامی به قلم حسن بلخاری قهپی، را در ۴۵۳ صفحه و به تعداد ۲۵۰۰ نسخه منتشر و روانه بازار نشر کرد.

رئیس مرکز بررسی‌های دکترینال امنیت بدون مرز ایران (اندیشکده یقین) در دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی از کتاب تجلی بصیرت با موضوع مروری بر اقدام انقلابی جریان دانشجویی در تسخیر لانه جاسوسی، رونمایی کرد. کتاب تجلی بصیرت اثر مشترک وحید حسین‌زاده و علی جعفری‌هرستانی توسط انتشارات بسجج دانشجویی دانشگاه امام صادق^(ع) و به اهتمام مؤسسه علمی فرهنگی سدید منتشر شده است.

با گذشت حدود یک ماه از آغاز فروش رمان نامیرا در قالب پیش‌کتاب‌خوانی روشنا، انتشارات نیستان سومین چاپ از این رمان را برای حضور در این رویداد با شمارگان ۲۰ هزار جلد منتشر کرد.

انتشارات سروش کتاب ماجرای چراغ قرمز به قلم سیدهاشم حسینی برای گروه سنی نوجوان، کتاب برابری و آزادی از تباطی تألیف دکتر حبیب‌الله معظمی، چاپ دوم کتاب رسانه‌های اروپایی با ترجمه هومن عابدی و کتاب گرافیک اطلاع‌رسان ۲ مطبوعات را منتشر کرد.

انتشارات علمی و فرهنگی حق چاپ و نشر (کی‌رایت) پنج عنوان از کتاب‌های کودک خود را به یک نشر بین‌المللی خارجی واگذار کرد.

انتشارات علمی و فرهنگی کتاب آیین شهرداری را منتشر کرد. آیین شهرداری نام کتابی است که جعفر شعار از عربی به فارسی ترجمه و انتشارات علمی و فرهنگی پس از ۶۶ سال مجدداً آن را به چاپ رسانده است. همچنین، این انتشارات برای دومین بار کتاب بردارزاده رامو، نوشته دنی دیدرو را به چاپ رسانده است. کتاب بردارزاده رامو یکی از آثار مشهور ادبی جهان است که احمد سمیعی آن را سال‌ها پیش ترجمه کرده است.

دفتر نشر معارف کتاب‌های تفسیر قرآن برای همه اثر مرحوم علامه سید علی کمالی دزفولی^(ع)، بایسته‌های اخلاق سیاسی از منظر مقام معظم رهبری، بررسی برخی دیدگاه‌ها و چالش‌ها در باب معادله اثر ججت‌الاسلام عباس نیک‌زاده، کاری باید کرد، اثر احسان بابایی، تاکتیک‌های جنگی دفاع از مرزهای اسلامی در دعای اهل ثغور امام سجاد^(ع)، اثر علامه جعفر مرتضی عاملی، گشت ارشاد در آمریکا نوشته سید هاشم میرلوحی و کتاب بحثی درباره معادله تفسیر آیاتی از سوره قیامت مباحث تفسیری آیت‌الله صالحی مازندرانی و مرگ شیطان نزدیک است، به قلم حسن قدوسی‌زاده که به دیدگاه دانشمندان غربی پیرامون فروپاشی آمریکا پرداخته را منتشر کرد.

دفتر نشر فرهنگ اسلامی کتاب امپراتوری عثمانی را منتشر کرد. امپراتوری عثمانی کتاب تاریخی نوشته استاد افتخاری تاریخ دانشگاه شیکاگو، به‌تازگی به زبان فارسی ترجمه شده است تا علاقه‌مندان ایرانی با دیدگاه‌های این مورخ نامدار ترکیه درباره علت‌های انحطاط و زوال این امپراتوری بیشتر آشنا شوند.

- با همکاری سازمان بسیج جامعه زنان کشور و انتشارات سروش مسابقه بزرگ کتابخوانی دختران آفتاب از تاریخ ۱۰ آذر به مدت بیست روز برگزار شد.
- نمایشگاه کتاب شیراز از تاریخ ۳ تا ۸ آذرماه در محل دائمی نمایشگاه‌های بین‌المللی استان فارس برگزار شد.
- کتاب پیامبران کر بلا با موضوع اشعار، نوحه‌ها، روضه‌ها و سبک‌های ویژه ماه صفر منتشر شد. این کتاب ارزشمند از تولیدات سازمان بسیج مداحان است که به مناسبت ماه صفر رونمایی شده و برای تمامی مداحان نخبه و تأثیرگذار سراسر کشور ارسال می‌شود.
- کتاب شکوه ایرانی در سیزدهمین نمایشگاه بین‌المللی کتب کاربردی و دانشگاهی عرضه شد.
- The Splendour of Iran* کتابی است که در سه جلد به هنر، معماری و بناهای تاریخی ایران پیش و پس از اسلام، می‌پردازد.
- ایتالیا میهمان ویژه نمایشگاه بین‌المللی کتاب سال ۱۳۹۶ شد.
- خاطرات شهید سعید چشم‌به‌راه از زبان اطرافیان او در کتابی با عنوان چشم‌به‌راه از سوی مؤسسه شهید کاظمی راهی بازار کتاب شد.
- در راستای تهیه محتوا برای طرح سلامت معنوی که از سوی ستاد اقامه نماز در حال انجام است، مرکز تخصصی نماز، کتاب آموزش تصویری احکام بیماران با عنوان سلامت معنوی را تولید کرده است.
- رمان سفر به گرای ۲۷۰ در جه از انتشارات سوره مهر برنده جایزه بهترین داستان شرق در روسیه شد.

برگزیدگان هشتمین دوره جایزه ادبی جلال معرفی شدند

- جایزه ادبی جلال با معرفی برگزیدگان بخش‌های مختلف به کار خود پایان داد. بنا بر نظر هیئت داوران، برگزیدگان بخش‌های مختلف به شرح زیر اعلام شدند:
- بخش نقد ادبی: هیئت داوران در این بخش دو کتاب روایت‌شناسی کاربردی، نوشته علی عباسی و کتاب کلک خیال‌انگیز، نوشته ابوالفضل حرری را شایسته تقدیر شناخت.
- بخش داستان کوتاه: هیئت داوران در این بخش دو اثر را شایسته تقدیر شناخت که شامل مجموعه داستان‌های
- آیا بچه‌های خزانه رستگار می‌شوند، نوشته مهدی اسدزاده و نگهبان تاریکی، نوشته مجید قیصری است.
- بخش مستندنگاری: هیئت داوران کتاب آب هرگز نمی‌میرد، اثر حمید حسام را به‌عنوان برگزیده و تو در قاهره خواهی مرد، نوشته حمیدرضا صدر را شایسته تقدیر معرفی کرد.
- بخش رمان: هیئت داوران در این بخش، دو برگزیده مشترک را انتخاب کرد: دختر لوتی، نوشته شهریار عباسی و پاییز فصل آخر سال است، نوشته نسیم مرعشی.

انا لله و انا الیه راجعون

- مدیرعامل محترم تعاونی ناشران قم به دیار باقی شتافتند. به این سه بزرگوار و خانواده‌های محترم ایشان تسلیت گفته و از خداوند منان برای این درگذشتگان طلب رحمت و مغفرت می‌کنیم.
- در مدت اخیر، پدران بزرگوار برادرانمان، جناب آقای زمان‌وزیری، مدیر محترم انتشارات تلاوت آرامش و جناب آقای امینیان، مدیر محترم انتشارات اندیشه‌ورزان آریا و همچنین مادر بزرگوار جناب آقای حسینی،

مجمع ناشران انقلاب اسلامی



دوره آشنایی با مقدمات ویرایش و کتاب‌پردازی برگزار شد

به ویرایش زبانی، آشنایی با منابع و نکاتی از ویرایش صوری را به شرکت‌کنندگان آموزش داد. او در توضیح ویرایش زبانی برخی از مسائل و مشکلات آوایی، واژگانی، نحوی، معنایی، بلاغی را مطرح کرد. هومن عباسپور با ارائه نکاتی درباره الفبا، نکته‌هایی درباره تقویم، فرهنگ‌های زبان فارسی، فرهنگ‌های دو زبانه، دایرةالمعارف‌ها، کتابشناسی‌ها و مبحث آشنایی با منابع را توضیح داد. او نکته‌های ویرایش صوری را نیز در دو بخش «برخی از مسائل و مشکلات املا و رسم الخط»، «نشانه‌گذاری» تدریس کرد. همچنین محمدعلی ایمانپور نکات مربوط به ویرایش رایانه‌ای در دو بخش «تنظیم گزینه‌ها برای ویرایش در نرم‌افزار ورد»، «برخی از تنظیم‌های عمومی در صفحه‌آرایی و نسخه‌پردازی» را در دو ساعت تدریس کرد. شرکت‌کنندگان در این دوره پس از پایان دوره گواهی شرکت در دوره اخذ کردند.

دوره آشنایی با مقدمات ویرایش و کتاب‌پردازی به‌همت مرکز آموزش‌های کاربردی نشر مجمع ناشران انقلاب اسلامی برگزار شد. در این کلاس‌ها، محمد حسن‌پور نکات تولید، نسخه‌پردازی و نکاتی از ویرایش صوری را تدریس کرد. حسن‌پور موضوع تولید کتاب را در سه بخش «کالبدشناسی کتاب و موشکافی در سه بخش اصلی آن (آغازین، متن و پایانی)»، «مروری بر قوانین و قراردادهای نشر» و «ارتباط قطع کتاب با موضوع آن» و نکات نسخه‌پردازی را در دو بخش و مباحثی از ویرایش صوری را در پنج بخش «مروری بر فصل‌بندی کتاب»، «نکاتی ضروری درباره پانویس»، «نکاتی ضروری درباره سر صفحه و پاصفحه»، «نکاتی ضروری درباره منابع و مراجع» و «نکاتی ضروری درباره نقل قول» به شرکت‌کنندگان آموزش داد. هومن عباسپور نیز در این دوره، نکات مربوط

همایش ملی کتاب و نشر برگزار شد

برگزیده نخست: جایگاه رسانه‌ها در توسعه اقتصاد نشر و کتاب ایران

برگزیده دوم: کتاب‌سازی و تأثیر آن بر نشر کتاب و توسعه علمی و فرهنگی نویسندگان

برگزیده سوم: نقش فضاهای هنرهای تجسمی و ایجاد انگیزش مطالعه و آرامش بصری در بین مراجعین

نخستین شایسته تقدیر: آینده صنعت نشر در ایران: چالش‌ها و فرصت‌های پیش روی ناشران سنتی در تبدیل به ناشران الکترونیک

دومین شایسته تقدیر: شناخت مؤلفه‌های مطلوبیت مصرف‌کنندگان کادرهای اطلاعاتی در بازار کتاب ایران

سومین شایسته تقدیر: ایجاد طرح‌های ادراکی جهت بهبود خواندن کتاب‌های الکترونیک

همایش ملی کتاب و نشر، در روز ۲۶ آبان ماه سال جاری در محل همایش‌های بین‌المللی کتابخانه ملی برگزار شد. این همایش با موضوع «صنعت نشر کتاب و سیاست‌گذاری فرهنگی» و با دو محور اصلی «اقتصاد نشر کتاب در ایران و مؤلفه‌های تأثیرگذار در آن» و «الگوی بومی پیشرفت در حوزه کتاب و کتاب‌خوانی» و پنج محور فرعی «تأثیر مؤلفه‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اندیشه‌ای بر اقتصاد نشر کتاب در ایران»، «اقتصاد مقاومتی و صنعت نشر»، «آسیب‌شناسی اقتصاد نشر کتاب در ایران»، «وضعیت کنونی و وضعیت مطلوب صنعت نشر کتاب در ایران از منظر شاخص‌های پیشرفت و عدالت و اقتصاد مقاومتی» و «شاخص‌های بومی و جهانی سنجش پیشرفت صنعت نشر کتاب» در مردادماه سال جاری فراخوان مقاله داد که مقالات ارسالی توسط کمیته علمی این همایش بررسی و ارزیابی و داوری شدند. این همایش در قالب برگزاری پنل‌های تخصصی برگزار شد. در مراسم اختتامیه این همایش، اسامی برگزیدگان، شایستگان تقدیر و عناوین مقالات برتر به این شرح اعلام شد:

نگاهی به پرفروش‌های ماه گذشته؛

رنگ‌وبوی عاشورا در کتاب‌فروشی‌ها

فروش کتاب، یکی از دغدغه‌های اصلی اهالی فرهنگ و ادب است که به‌علت اطلاع‌رسانی نامناسب از سوی ناشران و دستگاه‌های مرتبط در این حوزه، میزان فروش و استقبال خوانندگان از کتاب‌ها، در پرده‌ای از ابهام است و در برخی اطلاع‌رسانی‌هایی نیز که بعضاً از سوی رسانه‌ها و ناشران صورت گرفته، به‌علت جامع‌نبودن اطلاعات جمع‌آوری‌شده، سند قابل‌اتکایی در حوزه فروش و نشر کتاب به‌دست نیامده است. گروه کتاب و ادبیات خبرگزاری فارس، در جهت پرکردن این شکاف مهم و همچنین، کمک به اقتصاد نشر و در راستای ترویج مطالعه و معرفی کتاب‌هایی که در میان مخاطبان از استقبال بیشتری برخوردار بوده، به‌صورت هفتگی و با استعلام از تعداد از کتاب‌فروشی‌های کشور، اقدام به انتشار فهرستی از کتاب‌های پرفروش هفته از کتاب‌فروشی‌های کشور می‌نماید که این لیست می‌تواند مرجعی برای انتخاب کتاب در میان مخاطبان باشد. فهرست پرفروش‌های هفته‌های اخیر را در جدول زیر مشاهده کنید.

پرفروش سوم	پرفروش دوم	پرفروش اول	
انسان ۲۵۰ ساله و مردم در سیاست ایران	نامیرا	دختر شینا	هفته سوم مهر
رحمت واسعه	دختر شینا	نامیرا	هفته چهارم مهر
آن بیست و سه نفر	دختر شینا	نامیرا	هفته اول آبان
دختران آفتاب	دختر شینا	نامیرا	هفته دوم آبان
رحمت واسعه	دختر شینا	نامیرا	هفته سوم آبان
رحمت واسعه	دختر شینا	نامیرا	هفته چهارم آبان
حاج قاسم	دختر شینا	نامیرا	هفته اول آذر

تهاجم فرهنگی از طریق کتاب یک حقیقت انکارناپذیر است



خط اخبار
پرونده ویژه
طعم کتاب
خانواده نشر

- ۲۶ بررسی آرای مقام معظم رهبری درباره نظارت بر کتاب
- ۳۴ گفتوگو با دکتر محسن پرویز | هیئت نظارت بر کتاب باید از اعمال سلیقه‌ها جلوگیری کند
- ۳۷ گفتوگو با محمد سلگی | با دغدغه و حساسیت‌های انقلابی و مذهبی کار می‌کنیم
- ۴۳ یادداشت شفاهی | نبود هیئت نظارت به ضرر فضای کلی کتاب و جامعه است
- ۴۸ یادداشت | ممیزی کتاب یا استانداردسازی
- ۵۱ یادداشت | هدایت جامعه وظیفه ذاتی حاکمیت است
- ۵۳ گزارش | کتاب‌هایی که در فاسد بودنشان اتفاق نظر وجود دارد
- ۵۷ سخنرانی شهردار زرشناس | تهاجم فرهنگی از طریق کتاب، یک حقیقت انکارناپذیر است



بررسی آرای مقام معظم رهبری درباره نظارت بر کتاب

در برخورد با مسائل اخلاقی در کتابها تعارف نداشته باشید

مهدی فارسی، سامانه کارشناسی

بحث مهم نظارت بر تولید و عرضه کتاب از جهات مختلفی قابل بررسی است. ابتدا بایست به ضرورت آن پرداخت و فواید وجود آن و مضرات نبودش را برشمرد. قدم بعدی، نحوه نظارت است؛ اینکه چگونه و توسط چه کسانی صورت گیرد. این در مباحث فقهی، بحثی با عنوان «کتاب ضاله» وجود دارد که فقها در آن به حرمت نگهداری و خواندن این کتابها فتوا داده‌اند. البته، این حکم شامل تحقیقی که کتابها را می‌خوانند تا از مطالب انحرافی و شبهات مطلع شوند و به آن‌ها پاسخ دهند، نمی‌شود. خواندن و نگهداری کتاب برای ایشان جایز و بلکه در مواقعی ممکن است واجب باشد. چیزی که از این فتوا به ذهن می‌آید، معمولاً کتابهایی است که از طرف مذاهب مخالف شیعه نوشته شده؛ ولی ملاک در این فتاوی، اضلال و گمراهی است، چنان‌که در رساله آموزشی محتوی فتاوی رهبر انقلاب هم این بحث با عنوان «کسب درآمد با چیز مصل» آمده است و شامل کتاب و فیلم و... می‌شود.

همگان در این باره، می‌فرمایند: «هر کس که در کشور مسئولیتی دارد، باید طبق نظر و ایمان اسلامی و احساس تکلیفی که می‌کند، قاطع و شجاعانه و قوی قدم بردارد. این وظیفه همه است. امیدواریم که هم شما انشانرا، هم ما، هم دولت، هم مجلس و هم قوه قضائیه، وظایفمان را بدانیم و از این مسئله تأثیر بر روی ذهن‌ها و ایمان‌ها، آسان نگذریم. این مسئله بسیار مهمی است؛ این مقطع بسیار حساسی است؛ این کار بسیار عظیمی است و نباید از آن به‌آسانی گذشت. این کار، از مبارزه با داروی فاسد و تاریخ منقضی‌شده و از مبارزه با پزشک قلابی خیلی مهم‌تر است.»^۱

و تأثیر کتاب ناسالم را بیش از غذای فاسد می‌دانند: «غذای فکر و روح، باید سالم و مقوی عرضه شود و آن کس که جز این عمل کند، خطا یا جنایتی بزرگ‌تر از عرضه‌کننده مواد غذایی ناسالم یا بی‌مایه، مرتکب شده است.»^۲

نظارت؛ یگانه راه حل

همچنین در بعضی زمینه‌ها، تنها راه، نظارت است و این‌طور نیست که ما بگوییم با کار فرهنگی می‌شود پاسخ داد و اثرات نامطلوب را از بین برد. رهبر فرزانه انقلاب، این‌گونه کتاب‌ها را کتاب‌های عملیاتی

در صفحه ۴۶ می‌خوانیم: «ایجاد، نشر، حفظ و ترویج هر چیزی که موجب ضلالت و گمراهی انسان شود، حرام است؛ خواه بالفعل موجب ضلالت باشد و خواه در آینده موجب ضلالت شود. بنابراین، معامله آن نیز حرام و باطل است.

مثال: اگر کسی را برای حفظ کتاب یا فیلم ضلال یا ترویج آن اجیر کنند، مثلاً به روزنامه آگهی دهند و روزنامه آن را ترویج کند یا به صداوسیما آگهی دهند که آن را ترویج کند، این اجاره، هم برای آن مستأجر، یعنی آن کسی که این شخص را برای حفظ یا ترویج اجیر می‌کند و هم برای خود آن اجیر، حرام و باطل است.»

ضرورت نظارت

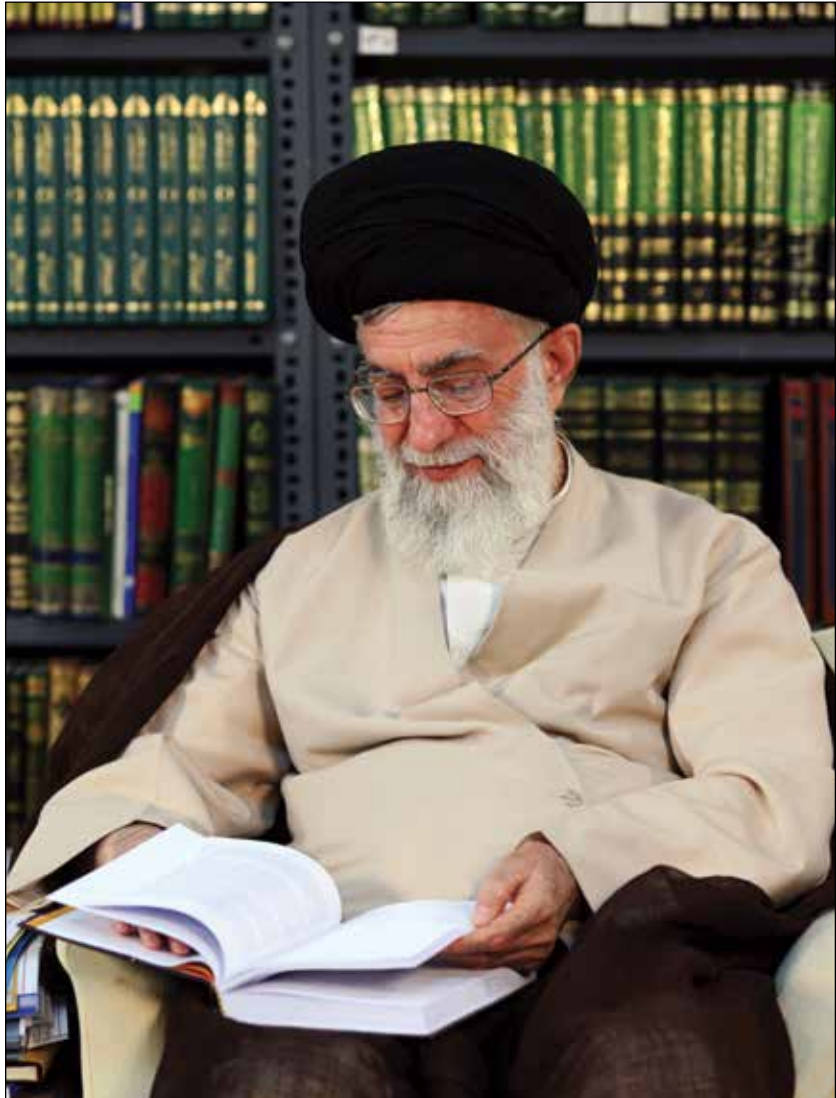
نظارت بر کتاب می‌تواند جلوی حرام را بگیرد. چه نتیجه‌ای از این بالاتر؟ و این نظارت چنان‌که در ادامه خواهد آمد، امری واجب است که بر اشخاص گوناگون واجب دارد؛ پس لازم است حدود و ثغور آن توسط افراد مختلف مخصوصاً اشخاصی که با کتاب به‌صورت ویژه سروکار دارند، بررسی شود.

وظیفه همه

ایشان در بیان ضرورت و اهمیت نظارت و نقش

«**نظارت بر کتاب می‌تواند جلوی حرام را بگیرد**»

«**غذای فکر و روح، باید سالم و مقوی عرضه شود و آن کس که جز این عمل کند، خطا یا جنایتی بزرگ‌تر از عرضه‌کننده مواد غذایی ناسالم یا بی‌مایه، مرتکب شده است**»



« در زمینه کار عملیاتی، باید جلوی کتاب‌های مضر را گرفت. ما کتاب عملیاتی داریم. کتاب عملیاتی این است که عملاً یک نفر را دچار مشکل می‌کند؛ مثل همان احساسات جنسی که اول گفتیم. اینجا بحث نظر به نیست. این کسی که خواند، خودش به‌طور طبیعی تحت تأثیر قرار می‌گیرد. جلوی این را باید گرفت؛ این اصلاً چیز قابل نقدی نیست. این ملاک است

امکان پاسخ‌گویی نداشتن

البته کار فرهنگی هم با اینکه درباره کتاب‌های غیر عملیاتی بهترین کار است، همیشه امکان ندارد و اگر فضای جامعه طوری است که امکان پاسخ‌گویی و رفع شبهه وجود ندارد، بایست از نشر این گونه کتاب‌ها هم جلوگیری کرد؛ «یک وقت ممکن است کشور به جایی برسد که در زمینه‌های تاریخی یا اعتقادی، هر چه کتاب بد منتشر کنند، بتوانند در مقابلش کتاب خوب منتشر کنند. در آن موقع، شاید ما گفتیم که هیچ اشکالی ندارد و هر کس هر چه می‌خواهد، در زمینه تاریخ و کلام و عقاید بنویسد؛ به‌خاطر اینکه

نامیدند و در این باره، گفتند: «در زمینه کار عملیاتی، باید جلوی کتاب‌های مضر را گرفت. ما کتاب عملیاتی داریم. کتاب عملیاتی این است که عملاً یک نفر را دچار مشکل می‌کند؛ مثل همان احساسات جنسی که اول گفتیم. اینجا بحث نظر به نیست. این کسی که خواند، خودش به‌طور طبیعی تحت تأثیر قرار می‌گیرد. جلوی این را باید گرفت؛ این اصلاً چیز قابل نقدی نیست. این ملاک است؛ یعنی آن نوشته‌ای که وقتی وارد بازار فرهنگ شد، مشغول عملیات می‌شود و قابل این نیست که به آن جواب داده شود، مضر است و بایستی جلوی‌اش را گرفت.»^۲

در مقابلش، کسانی هستند که پاسخ دهند و کتاب منتشر کنند. اما در شرایط کنونی، بلاشک، کفایت لازم در پاسخ‌گویی و مقابله وجود ندارد. ... اگر چه ممکن است آنجا هم این فکر پیش بیاید که حالا اگر کسی آمد آن مطلب را خواند و دچار اشتباه و انحراف شد، چنانچه حجم انبوهی داشته باشد، باز دولت مسئولیت داشته باشد»^۴

اطمینان مردم و جلوگیری از تحریف

دلیل دیگر نظارت این است که مردم به کتاب‌هایی که چاپ می‌شود، اطمینان می‌کنند و لذا «نمی‌شود اجازه داد که نسل جوان یک کشور که به اعتماد ما می‌آید، کتاب را از شما می‌خرد و می‌گوید این‌ها متدینین و در رأس کار هستند، از این طریق گمراه یا فاسد شود؛ یا از این طریق دشمن بخواهد کاری انجام دهد»^۵

از جهتی دیگر باید به این نکته توجه داشت که نظارت موجب جلوگیری از تحریف است و از ظلم به خوانندگان و کسانی که درباره آن‌ها دروغ گفته شده است، جلوگیری می‌کند.^۶

تهاجم فرهنگی

همچنین وجود تهاجم فرهنگی و نقشه دشمنان برای حمله به فرهنگ ایرانی و اسلامی ما ضرورت نظارت را بیشتر می‌کند. شاید برخی وجود تهاجم را انکار کنند؛ ولی تهاجم به حدی است که حتی بعضی از کشورهای اروپایی از تهاجم فرهنگی آمریکا صدایشان درآمده است. رهبری آگاه در این زمینه می‌فرماید:

«ما چند سال قبل از این، بحث تهاجم فرهنگی را مطرح کردیم؛ بعضی‌ها اصل تهاجم را منکر شدند؛ گفتند چه تهاجمی؟ بعد یواش‌یواش دیدند که نه [فقط] ما می‌گوییم، خیلی از کشورهای غیر غربی هم مسئله تهاجم فرهنگی را مطرح می‌کنند و می‌گویند غربی‌ها به ما تهاجم فرهنگی کردند؛ بعد دیدند که خود اروپایی‌ها هم می‌گویند: «آمریکا به ما تهاجم فرهنگی کرده!» لابد دیده‌اید، خوانده‌اید که [گفتند]: «فیلم‌های آمریکایی، کتاب‌های آمریکایی چه تهاجم فرهنگی‌ای به ما کرده‌اند و دارند فرهنگ ما را تحت تأثیر قرار می‌دهند» بعد بالاخره به برکت قبول دیگران، این حرف ما هم مورد قبول خیلی از کسانی که قبول نمی‌کردند، قرار گرفت! تهاجم فرهنگی یک واقعیتی است»^۸

مفید شدن بعضی کتاب‌ها

فایده دیگری که نظارت دارد این است که کتاب مضر را با اصلاحاتی می‌شود مفید و قابل استفاده نمود؛ «گاهی نظرات شما موجب می‌شود، کتابی که من جرئت نمی‌کنم آن را به جوانی توصیه کنم که بخواند، در حالی که نقاط مثبت خیلی خوبی هم در آن کتاب هست؛ تاریخ جنگ بین الملل اول و بسیاری از جزئیات آن را مفصل نوشته، که خیلی ارزشمند و مفید است، آن وقت می‌توانم آن را توصیه کنم. بنابراین، مسئله ممیزی کتاب که امروز نمی‌شود گفت با شلاق‌های نقادی، بلکه با فحاشی، روی گرده این آقایانی که مسئول این کار هستند، کوبیده و نواخته می‌شود، چیز لازمی است و بد نیست»^۹



« نمی‌شود اجازه داد که نسل جوان یک کشور که به اعتماد ما می‌آید، کتاب را از شما می‌خرد و می‌گوید این‌ها متدینین و در رأس کار هستند، از این طریق گمراه یا فاسد شود؛ یا از این طریق دشمن بخواهد کاری انجام دهد»

« ما چند سال قبل از این، بحث تهاجم فرهنگی را مطرح کردیم؛ بعضی‌ها اصل تهاجم را منکر شدند؛ گفتند چه تهاجمی؟ بعد یواش‌یواش دیدند که نه [فقط] ما می‌گوییم، خیلی از کشورهای غیر غربی هم مسئله تهاجم فرهنگی را مطرح می‌کنند و می‌گویند غربی‌ها به ما تهاجم فرهنگی کردند»



معیارها

از بحث ضرورت و فواید که بگذریم، مسئله بعدی نحوه نظارت است. ابتدا باید ببینیم چه معیارهایی برای این امر وجود دارد. یکی از اصلی‌ترین معیارها، همراه کننده و ضلالت‌آفرین بودن است.

گمراهی

در رساله آموزشی تعریف ضلالت می‌فرمایند: «ضلالت به معنای گمراه‌شدن در مقابل اهتدا (هدایت‌شدن) است. بنابراین، کتاب ضلال کتابی است که نتیجه آن، گمراه‌شدن است؛ حتی ممکن است کتابی باشد که مؤلف به قصد اضلال آن را ننوشته باشد؛ اما کسی که آن را می‌خواند، همراه گمراه شود.» استادی داشتیم که می‌فرمود ممکن است اصول کافی هم برای یک نفر کتاب ضاله باشد. البته این امر با این دقت دیگر نسبی می‌شود و هر فردی باید برای خودش از افراد مطمئن که به کتاب‌ها و میزان آگاهی او اشراف دارند، مراجعه کند. ولی درباره جامعه، مسئولان تولید و نشر و ممیزی کتاب باید به سطح عمومی یا سطح مخاطب کتاب مدنظر توجه کنند و براساس آنها، باید مجاز یا ممنوع بودن چاپ کتابی را مشخص کنند.

در این باره، معظم‌له می‌فرمایند: «البته، بیان عقیده و بیان فکر همه‌جا یکسان نیست؛ پس حکم واحدی هم قهراً ندارد. بعضی از گفتن‌ها شعاع‌اثر محدودی دارد؛ به عکس، بعضی از گفتن‌ها شعاع‌اثر بسیار وسیعی دارد. بعضی‌ها اگر چیزی را، فکری را، نظری را اظهار کنند، هر اثری که بر این اظهار نظر مترتب بشود، در یک دایره محدودی خواهد بود. به عکس، بعضی دیگر اگر اظهار نظر بکنند، هر اثری که مترتب بشود، چه خوب و چه بد، در یک دایره وسیع و گسترده‌ای خواهد بود. بعضی‌ها مطلبی را با زبان معمولی و عادی بیان می‌کنند که اثر آن عمیق نیست. اما بعضی ممکن است مطلبی را به زبان هنری بیان کنند، زبان مؤثری را به کار ببرند که دارای اثر عمیقی در دل مردم باشد. این دو با هم یکسان نیستند و اگر آثار سوئی بر این‌جور بیانی مترتب بشود، اسلام میان این دو شیوه بیان فرق می‌گذارد. بعضی از بیان‌ها و اظهار عقیده‌ها در شرایط عادی انجام می‌گیرد؛ روی این‌جور اظهار بیان حساسیتی نیست؛ حتی اگر بیان همراه کننده‌ای باشد. چون امکان مقابله با این بیان و خنثی کردن آثار سوء آن در جامعه هست. اما گاهی یک اظهار نظر، یک بیان عقیده، در شرایط حساس اجتماعی انجام می‌گیرد؛ در آن‌وقتی که جامعه و نظام اسلامی محتاج یک‌پارچگی است، محتاج آرامش است، محتاج تمرکز است، جنگی در بین است، تهدید امنیت مرزها مطرح

است، حفظ مصالح عمومی نظام مطرح است؛ این‌ها یک‌جور نیستند. حساسیت نسبت به این دو گونه ابراز بیان یکسان نیست.

گاهی یک بیانی از بیان‌های ممنوع، مثل اهانت مثلاً به یک شخص، اهانت به یک شخص معمولی در جامعه است. گاهی اهانت به شخصی است که اهانت او، زیر سؤال بردن او، تحقیر او، تحقیر یک ملت است، اهانت به یک نظام است، زیر سؤال بردن یک جامعه است، یک کشور است، این دو با هم یکسان نیستند.» ممکن است یک مطلب تخصصی باشد و برای مخاطب خاص محدودیتی در این باره نداشته باشیم، ولی همین مطلب اگر بخواهد در محیط عمومی بیاید، مشکل‌آفرین باشد.

همچنین ایشان می‌فرمایند که نظارت نباید مانع طرح نظریه‌های جدید شود.^{۱۰} حتی نظریه‌های غلط هم، غیر از بعضی مواقع خاص که امکان پاسخ‌گویی وجود ندارد،^{۱۱} نباید جلوی آن گرفته شود. البته در این باره باید به مطلبی توجه شود که پیش‌تر عرض شد که عبارت بود از اینکه امکان پاسخ‌گویی در جامعه وجود داشته باشد.

گفتیم که متبادر به ذهن از کتب ضاله، مسائل عقیدتی است؛ ولی در فتوای مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) می‌بینیم که عنوان کلی اضلال مهم است؛ «ضلالت فقط در حوزه اعتقادی نیست، بلکه شامل فهم فقهی و شریعت و همچنین سلوک عملی و اخلاقی نیز می‌شود؛ مثلاً اگر فیلمی عقیده کسی را خراب نکند؛ اما اخلاق او را فاسد کند، ساخت، حفظ و پخش چنین فیلمی حرام است.» البته «ضلالتی که حاصل می‌شود، باید قطعی باشد. بنابراین، اگر مسئله‌ای محل اختلاف است، نمی‌توان به ضلالت آن حکم کرد.»

جلوگیری از طرح مسائل ناشایست اخلاقی

پس در مسائل اخلاقی و جنسی هم بحث ضلالت مصداق دارد و اصلاً تعارفی نباید باشد و دولت، به صورت ویژه، باید پیگیری کند؛ چرا که این مطالب مثل مسائل نظری نیست که بگوییم چاپ می‌شود و ما پاسخ می‌دهیم. بلکه به تعبیر ایشان چنان‌که قبلاً اشاره کردیم، بعضی کتاب‌ها، عملیاتی هستند و اثر نامطلوب خود را می‌گذارند و اصلاً نباید بگذاریم پخش شود. هیچ انسان عاقلی نمی‌گوید: «بگذاریم غذای آلوده پخش شود و مردم را مسموم کند، بعد ما درمان می‌کنیم!»^{۱۲ و ۱۳}

«بعضی از چیزها قابل پاسخ‌گویی نیست. آن کتابی که جوان را دچار احساسات شهوانی می‌کند، چگونه قابل جبران است؟ با کدام کتاب، با کدام نوشته

◀◀ ضلالت به معنای

گمراه‌شدن در مقابل

اهتدا (هدایت‌شدن)

است. بنابراین، کتاب

ضلالت کتابی است که

نتیجه آن، گمراه‌شدن

است؛ حتی ممکن

است کتابی باشد که

مؤلف به قصد اضلال

آن را ننوشته باشد؛

اما کسی که آن را

می‌خواند، همراه شود

◀◀ گاهی یک بیانی

از بیان‌های ممنوع،

مثل اهانت مثلاً به

یک شخص، اهانت به

یک شخص معمولی

در جامعه است. گاهی

اهانت به شخصی است

که اهانت او، زیر سؤال

بردن او، تحقیر او،

تحقیر یک ملت است،

اهانت به یک نظام

است، زیر سؤال بردن

یک جامعه است، یک

کشور است، این دو با

هم یکسان نیستند

با کدام موعظه؟ در اینجا پاسخ گویی امکان ندارد»^{۱۵} نکرده، لذا مرجف در مدینه قابل گذشت نیست»^{۱۷}

دروغ و تحریف

تا اینجا به بحث کلی ضلالت و مصداق اخلاقی و اعتقادی آن اشاره کردیم. یکی دیگر از موضوعاتی که می‌تواند موجب گمراهی شود، دروغ و تحریف است که می‌بایست با آن برخورد شود و نباید به بهانه آزادی بیان، اجازه دروغ و تهمت و فریب و تحریف داده شود. تحریف‌نشدن یکی از مرزهایی است که ایشان برای آزادی بیان قائل می‌شوند: «...همین‌طور تحریف از مرزها، مرزهای عدم آزادی، یکی‌اش تحریف است. البته تحریف چون جنبه علمی دارد، قاعدتا زبان‌های علم و زبان دانشمندان می‌توانند سریع در مقابل او بایستند و باید هم بایستند، جنبه سیاسی‌اش کمتر است. اما اگر در مواردی تحریف حقایق، تحریف دین، تحریف مسائلی که از اسلام در اختیار مردم قرار باید بگیرد، این به شکل محزنی، تحریف‌شده‌ای، این مطالب بیان بشود و تحریف بشود، اینجا هم آنجائی است که حکومت اسلامی و نظام اسلامی باید برخورد کند. این‌ها بخشی از مرزهای آزادی بیان است»^{۱۶}

تشنج در جامعه

معیار دیگری که در ممیزی وجود دارد ایجاد تشنج در جامعه است: «یکی از مرزها، تشنج عمومی در جامعه

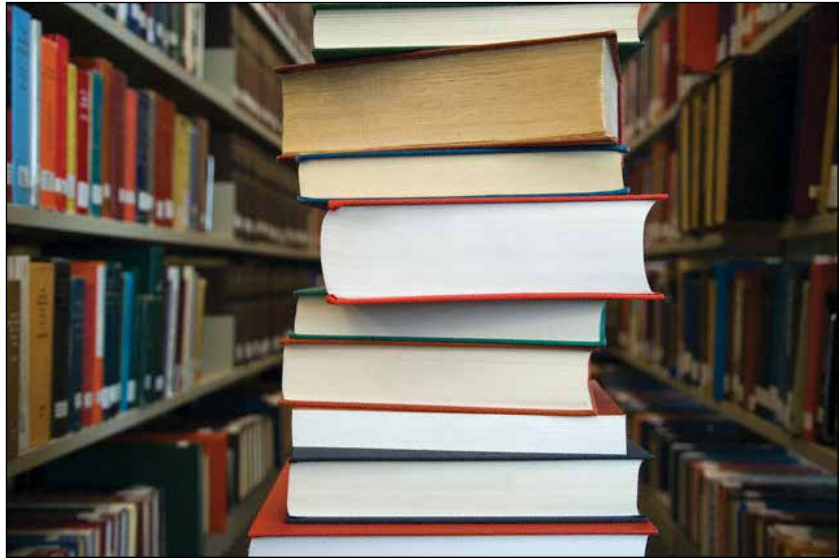
نحوه نظارت استفاده از افراد فهیم

باید توجه داشت نظارت شرعی دارد که باید رعایت شود. نکته اول استفاده از افراد فهیم است که با توجه به ظرافت کار و حساسیتی که روی ممیزی وجود دارد، به‌درستی عمل کند تا هم بهانه‌ای به دست کسی داده نشود و هم حقی از کسی، چه خوانندگان که نباید مطلب مضر به آن‌ها داده شود و هم نویسندگانی که کتاب‌هایشان بررسی می‌شود بی‌جهت کتابشان حذف نشود، ضایع نشود.

در این باره، فرمایش رهبر آزاداندیش انقلاب قابل توجه است: «از آدم‌های فرهنگی، اهل ذهنیت بالا، دارای فکر و دارای فهم استفاده کنید، تا آن چیزی که در این کتاب‌ها مضر است، جلوی او را بگیرند. البته ممکن است در کتاب ادبی و داستان، چیزی مضر باشد؛ ولی در کتاب فلسفه مضر نباشد. ضمناً به شما عرض کنم، هرچه سطح کتاب راقی‌تر باشد، وجود مطلب خلاف در آن کم‌ضررتر است. چرا؟ چون خواننده‌های راقی‌تر و صاحب فکر و صاحب اندیشه و محدودترند، هرچه کتاب در سطح وسیع‌تری پخش بشود، مثل رمان‌ها و کتاب‌های ادبی و بعضی از شعرها و... وجود شیئی منحرف

« از آدم‌های فرهنگی، اهل ذهنیت بالا، دارای فکر و دارای فهم استفاده کنید، تا آن چیزی که در این کتاب‌ها مضر است، جلوی او را بگیرند. البته ممکن است در کتاب ادبی و داستان، چیزی مضر باشد؛ ولی در کتاب فلسفه مضر نباشد

« یکی از مرزها، تشنج عمومی در جامعه است. در قرآن، اگر برای آزادی بیان عرض کردم من یک دلیل و مدرک صریحی پیدا نکردم، برای آزاد نبودن بیان، در موارد تشنج عمومی، دلیل واضحی هست



«افرادی را برای کار ممیزی انتخاب کنید که وقت داشته باشند و سرسری نگاه نکنند. بعضی از کتاب‌هایی را که برای من فرستاده بودند، دیدم که بخشی از آن علامت‌گذاری شده بود که ممنوع است، که به نظر من خیلی مهم نبود. بعد مطلب کتاب را خودم ادامه دادم و به بخشی رسیدم که علامت‌گذاری نشده بود و واقعاً هم مضر بود... این افراد باید وقت بگذارند، دقت کنند و صلاحیت هم داشته باشند»

هم نکنند»^{۲۱} و همچنین به‌صورت سلیقه‌ای عمل نکنند؛ «البته مواظب باشند که تنگ‌نظری و کج‌فهمی و بدسلیقگی و تحمیل سلیقه بر دیگران نباشد. ممکن است چیزی به سلیقه شما خوب نیست؛ ولی به سلیقه آن فرد خوب است. پیش یک نفر به داوری ببرید، هر چند ممکن است که خیلی به نفع شما نظر ندهد»^{۲۲}

برخورد نکردن با کتاب‌های غیر مضر و قابل استفاده کردن بعضی کتاب‌ها به وسیله اصلاح

با کتاب‌هایی هم که مفید نیستند، ولی مضر نیستند، نباید برخورد شود: «ما نمی‌گوییم که شما جلو کتاب بیهوده را بگیرید؛ نه، معلوم نیست که ما چنین حقی داشته باشیم که اگر یک کتاب، بیهوده است، البته مضر نیست، جلویش را بگیریم. امکانات کشور هم، الآن آن قدر محدود نیست که نتوانیم به بیهوده‌ها برسیم. بنابراین، جلویش را نمی‌گیریم؛ اما شما سعی کنید که کتاب بیهوده را کتاب مفید و بهره‌ده بکنید تا کتاب‌های کیفی به‌دست مردم برسند»^{۲۳} البته، همان‌طور که گفتیم، باید سعی شود تا جایی که امکان دارد، کتاب اصلاح و قابل چاپ شود. در عین حال، باید توجه داشت در بعضی آثار، این امکان وجود ندارد و بایست یک نظر نهایی داده شود که قابل چاپ هست یا خیر: «شما اصلاً به نمایشنامه‌های شکیبیر دست نزنید؛ چون این‌ها در دنیا به ثبت رسیده است. مثل آثار عتیقه شناخته‌شده‌ای است که اگر یک گوشه‌اش را بردارید، اصلاً معلوم است که کم

در آن، مضرت‌تر و خطرناک‌تر است. در یک کتاب علمی، اگر یک نفر خطایی هم کرده باشد یا در یک کتاب فلسفی، نظریه غلطی را ترویج بکند؛ یک نفر دانشمند یا فیلسوف پیدا می‌شود و جوابش را می‌دهد. وانگهی، کسی که آن را می‌خواند، آن قدر رُقاء فکری دارد که برای او مضر نباشد. پس، ملاک را ضرر و زیان‌بخش بودن بگیرید؛ مثل داوری مضر، مثل تریاک و هروئین بودن بگیرد. وقتی این مینا ملاک شد، آن وقت شما، هم وجدانتان آسوده است و هم در مقابل بدخواهانی که برای این کار یاوه‌گویی می‌کنند، می‌توانید محکم بایستید. این کار، یک کار قاچاق نیست؛ کار درستی است»^{۲۴} از این فرمایش و فرمایشات دیگر درمی‌یابیم که با طرح نظریات نباید مخالفت شود که البته پیش از این در مطالب اشاره کردیم و استثنائش را هم بیان نمودیم.

وقت کافی برای نظارت

نکته دیگر این است که این افراد فهیم باید وقت داشته باشند: «افرادی را برای کار ممیزی انتخاب کنید که وقت داشته باشند و سرسری نگاه نکنند. بعضی از کتاب‌هایی را که برای من فرستاده بودند، دیدم که بخشی از آن علامت‌گذاری شده بود که ممنوع است، که به نظر من خیلی مهم نبود. بعد مطلب کتاب را خودم ادامه دادم و به بخشی رسیدم که علامت‌گذاری نشده بود و واقعاً هم مضر بود... این افراد باید وقت بگذارند، دقت کنند و صلاحیت هم داشته باشند. برای این کار، آدم‌های با صلاحیتی گماشته بشوند و آن‌ها هم قصد قربت بکنند و ملاحظه هیچ چیز را

شده است، بنابراین نباید دست زد.

...به هیچ وجه دست بردن در نمایشنامه مصلحت نیست، حتی یک فرازش را هم نباید شما عوض بکنید. اگر دیدید نمایش مناسبی نیست، اصلاً کل نمایش را چاپ نکنید. اما مجموع این نمایش‌های شکسپیر نمایش‌های شبیه هم است. مطالب اخلاقی و مطالب مؤثر خیلی خوب دارد.^{۲۴}

در نظر دادن هم اگر امکان اصلاح وجود ندارد، باید یک نظر برآیندی داده شود: «رمان را بخوانید و ببینید که آیا این رمان باید چاپ بشود یا نباید چاپ بشود. این، هم خیلی مهم است، هم خیلی سخت. واقعا من تصدیق می‌کنم که این وظیفه‌ای که ما از شما توقع داریم که به خوبی انجام بدهید، وظیفه خیلی دشواری است. زیرا انسان باید کتاب را بخواند و بالاخره، در مجموع، به یک نتیجه برسد که آیا این کتاب باید چاپ بشود، چون فوایدش بیشتر است یا باید چاپ نشود.»^{۲۵}

مواردی که حرمت برداشته می‌شود

البته در بعضی موارد، بنا به مصالح بالاتری نمی‌شود جلوی بعضی از کتاب‌ها را گرفت؛ مثل حالتی که گرفتن و بستن و زدن کمک به تهاجم است.^{۲۶} از نظر فقهی «اگر مصلحتی، راجح بر مفسده حفظ و نشر کتب و سایر اموری که موجب ضلالت است، وجود داشته باشد، حرمت برداشته و حتی در مواردی حفظ، واجب می‌شود. البته باید دید که مصلحت راجحه حفظ چیست و رجحان آن نسبت به مفسده چه میزان است.

مثال:

۱. اگر این کتاب ضلال را از بین ببریم، این شبهه‌های که در ذهن بعضی ایجاد شده، باقی می‌ماند. اما اگر آن را نگه داشتیم و به اهل خیره دادیم که ردیه [پاسخ] محکمی بر این کتاب بنویسد، شبهه به کلی از بین می‌رود و در آینده هم کسی به این شبهه مبتلا نمی‌شود. پس این یک مصلحت راجحه‌ای است که حفظ آن کتب ضاله را جایز می‌کند.

۲. اگر کتاب ضلالی را که عده محدودی را گمراه می‌کند، جمع‌آوری کنیم و از بین ببریم، ممکن است گروه زیادی تصور کنند که مطالب آن حق بوده که آن را جمع کردند و این کار شبهه بزرگ و مشکل بزرگ‌تری را به وجود آورد.^{۲۷}

البته «همان‌طور که باید ضلالت در چیزی احراز شده باشد تا حفظ آن حرام و افنای آن واجب شود، مصلحت مقابل آن هم باید جزمی و قطعی باشد؛ یعنی نمی‌شود تنها به پندار و تصور اکتفا کرد.»

نظارت، مسئولیت همه؛

جلوگیری نکردن از کتب گمراه‌کننده، گناه کبیره

نظارت، همان‌طور که در ابتدای بحث هم گفتیم و فرمایش مقام معظم رهبری را آوردیم، فقط منحصر به مسئولین نمی‌شود و همه مسئولیت دارند. نظر به اهمیت مطلب آن را تکرار می‌کنیم: «هر کس که در کشور مسئولیتی دارد، باید طبق نظر و ایمان اسلامی و احساس تکلیفی که می‌کند، قاطع و شجاعانه و قوی قدم بردارد. این وظیفه همه است. امیدواریم که هم شما انان‌شان، هم ما، هم دولت، هم مجلس و هم قوه قضائیه، وظایفمان را بدانیم و از این مسئله تأثیر بر روی ذهن‌ها و ایمان‌ها آسان نگذریم. این مسئله بسیار مهمی است؛ این مقطع بسیار حساسی است؛ این کار بسیار عظیمی است و نباید از آن به آسانی گذشت. این کار، از مبارزه با داروی فاسد و تاریخ منقضی شده و از مبارزه با پزشک قلبی خیلی مهم‌تر است.»^{۲۸}

اگر ما مسئول نظارت باشیم که مستقیماً درگیر هستیم و اگر نه، باز هم در هر جایی هستیم. اگر می‌توانیم جلوی کتاب مضر را بگیریم که موجب گمراهی می‌شود و این کار را نکنیم، طبق فتوای رهبری مرتکب گناه کبیره می‌شویم؛ «اضلال از گناهان کبیره است و فرقی نمی‌کند که با مباشرت انجام گیرد یا به سببیت یا منع‌نکردن از اضلال؛ مثل اینکه از زیر دست فردی کتاب، فیلم یا نمایشنامه گمراه‌کننده‌ای عبور کند و او مانع نشود و در اختیار مردم قرار گیرد؛ چنین فردی هم موجب اضلال مردم شده است.»^{۲۹}

تأثیر تولید کتاب خوب در تسهیل امر نظارت

البته کار فرهنگی اثباتی و تولید کتاب مفید می‌تواند به بحث نظارت کمک ویژه‌ای کند. هم با بالا بردن سطح فکری، امکان چاپ بعضی کتاب‌ها فراهم شود و هم از فشاری که بر روی ممیزی وارد می‌شود، بکاهد: «من درباره مسئله ممیزی و جنجال‌هایی که اخیراً بعضی از مغرضان، علیه وزارت ارشاد به راه انداخته‌اند و بغض‌ها هم که مغرض نبودند، تحت تأثیر قرار گرفتند، تأمل کردم، دیدم که این بخش مربوط به ممیزی کتاب در وزارت ارشاد، حقیقتاً زیر فشار قرار گرفته و به آن ظلم شده است. در این باره، قدری فکر کردم، دیدم اساس کارمان، از اینجا دچار مشکل می‌شود که در تولید کتاب، ید طولایی نداریم. تولید کتاب، خیلی مهم است. بخش معظمی از بودجه و امکانات وزارت را برای تولید کتاب بگذارید.»^{۳۰}

«اضلال از گناهان

کبیره است و فرقی

نمی‌کند که با مباشرت

انجام گیرد یا به

سببیت یا منع‌نکردن

از اضلال؛ مثل اینکه از

زیر دست فردی کتاب،

فیلم یا نمایشنامه

گمراه‌کننده‌ای عبور

کند و او مانع نشود و

در اختیار مردم قرار

گیرد؛ چنین فردی هم

موجب اضلال مردم

شده است

«به هیچ وجه

دست بردن در

نمایشنامه مصلحت

نیست، حتی یک

فرازش را هم نباید

شما عوض بکنید. اگر

دیدید نمایش مناسبی

نیست، اصلاً کل نمایش

را چاپ نکنید. اما

مجموع این نمایش‌های

شکسپیر نمایش‌های

شبیه هم است. مطالب

اخلاقی و مطالب مؤثر

خیلی خوب دارد



فتوای مقام معظم رهبری درباره نقش حکومت در مسئله کتاب‌های گمراه‌کننده

مطالب مربوط به نظارت را با فرمایش و فتوای مقام معظم رهبری در رساله آموزشی درباره نقش حکومت در مسئله کتاب‌های گمراه‌کننده به پایان می‌بریم: «در جامعه اسلامی، افزون بر مردم، حکومت نیز وظیفه دارد جلوی حفظ، نشر و ترویج چیزهایی را که باعث ضلالت مردم می‌شود، بگیرد و با توجه به اینکه همواره افرادی از این حکم سرپیچی کرده و چیزهایی را در جامعه منتشر می‌کنند که باعث اضلال مردم می‌شود، حکومت وظیفه دارد که جبران این تخلف را هم بکند، و به وسیله چیزهایی که مایه هدایت است، آن مشکلات و شائبه‌ها را حل کند.

توجه نمایید که این، حکم شرعی و فقهی است، نه سلیقه‌ای. حکومت موظف است که نگذارد این گناه در جامعه واقع شود. البته در بعضی از گناهان ممکن است حکومت برای آن‌ها تکلیفی نداشته باشد و ورودش در وادی آن گناهان مفاسد بیشتری را به وجود بیاورد، لکن اضلال از این قبیل نیست. حکومت تکلیف بزرگی در این زمینه دارد. مسئله متمیزی کتاب، متمیزی فیلم و دیگر وسایل ارتباطی مطرح روز، مثل فیلترینگ سایت‌های رایانه‌ای یا وبلاگ‌نویسی و... مربوط به این مسئله است.»^{۲۱}

پانویس‌ها

۱. بیانات در دیدار جمعی از ناشران، ۱۳۷۸/۰۲/۲۸
۲. پیام به مناسبت آغاز هفته کتاب، ۱۳۷۲/۰۱/۰۴
۳. مصاحبه در پایان بازدید از یازدهمین نمایشگاه کتاب، ۱۳۷۷/۰۳/۰۵
۴. کتاب کتاب و کتاب‌خوانی در آیینة رهنمودهای مقام معظم رهبری، چاپ یازدهم، سال ۱۳۸۸؛ ص ۲۰۶ و ۲۰۷؛ بیانات در دیدار با دست‌اندرکاران برگزاری هفته کتاب، ۱۳۷۵/۰۸/۰۱
۵. بیانات در دیدار جمعی از ناشران، ۱۳۷۸/۰۲/۲۸
۶. کتاب کتاب و کتاب‌خوانی در آیینة رهنمودهای مقام معظم رهبری، چاپ یازدهم، سال ۱۳۸۸؛ ص ۲۰۲؛ بیانات در دیدار با دست‌اندرکاران برگزاری هفته کتاب با رهبر انقلاب، ۱۳۷۶/۰۸/۱۹
۷. بیانات در دیدار معلمان و اساتید دانشگاه‌های خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۰۷/۲۰
۸. بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۲/۰۹/۱۹
۹. کتاب کتاب و کتاب‌خوانی در آیینة رهنمودهای مقام معظم رهبری، چاپ یازدهم، سال ۱۳۸۸؛ ص ۲۱۶ و ۲۱۷؛ بیانات در دیدار با دست‌اندرکاران برگزاری هفته کتاب، ۱۳۷۵/۰۸/۰۱
۱۰. مصاحبه در پایان بازدید از یازدهمین نمایشگاه کتاب

۱۳۷۷/۰۳/۰۵

۱۱. کتاب کتاب و کتاب‌خوانی در آیینة رهنمودهای مقام معظم رهبری، چاپ یازدهم، سال ۱۳۸۸؛ ص ۲۰۶ و ۲۰۷؛ بیانات در دیدار با دست‌اندرکاران برگزاری هفته کتاب، ۱۳۷۵/۰۸/۰۱
۱۲. بیانات در مصاحبه صداوسیما، در ششمین «نمایشگاه بین‌المللی کتاب»، ۱۳۷۲/۰۲/۲۱
۱۳. کتاب کتاب و کتاب‌خوانی در آیینة رهنمودهای مقام معظم رهبری، چاپ یازدهم، سال ۱۳۸۸؛ ص ۲۰۳؛ بیانات در دیدار با دست‌اندرکاران برگزاری هفته کتاب با رهبر انقلاب، ۱۳۷۶/۰۸/۱۹
۱۴. مصاحبه در پایان بازدید از یازدهمین نمایشگاه کتاب، ۱۳۷۷/۰۳/۰۵
۱۵. کتاب کتاب و کتاب‌خوانی در آیینة رهنمودهای مقام معظم رهبری، چاپ یازدهم، سال ۱۳۸۸؛ ص ۲۰۷؛ بیانات در دیدار با دست‌اندرکاران برگزاری هفته کتاب، ۱۳۷۵/۰۸/۰۱
۱۶. خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۶/۰۲/۱۸
۱۷. خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۶/۰۲/۱۸
۱۸. خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۶/۰۲/۱۸
۱۹. بیانات در دیدار اعضای شورای عالی مجمع تقریب مذاهب اسلامی، ۱۳۷۰/۰۷/۰۱
۲۰. کتاب کتاب و کتاب‌خوانی در آیینة رهنمودهای مقام معظم رهبری، چاپ یازدهم، سال ۱۳۸۸؛ ص ۲۱۲؛ بیانات در دیدار با دست‌اندرکاران برگزاری هفته کتاب، ۱۳۷۵/۰۸/۰۱
۲۱. کتاب کتاب و کتاب‌خوانی در آیینة رهنمودهای مقام معظم رهبری، چاپ یازدهم، سال ۱۳۸۸؛ ص ۲۱۳؛ بیانات در دیدار با دست‌اندرکاران برگزاری هفته کتاب، ۱۳۷۵/۰۸/۰۱
۲۲. کتاب کتاب و کتاب‌خوانی در آیینة رهنمودهای مقام معظم رهبری، چاپ یازدهم، سال ۱۳۸۸؛ ص ۲۱۴؛ بیانات در دیدار با دست‌اندرکاران برگزاری هفته کتاب، ۱۳۷۵/۰۸/۰۱
۲۳. کتاب کتاب و کتاب‌خوانی در آیینة رهنمودهای مقام معظم رهبری، چاپ یازدهم، سال ۱۳۸۸؛ ص ۲۱۸؛ بیانات در دیدار با دست‌اندرکاران برگزاری هفته کتاب، ۱۳۷۵/۰۸/۰۱
۲۴. کتاب کتاب و کتاب‌خوانی در آیینة رهنمودهای مقام معظم رهبری، چاپ یازدهم، سال ۱۳۸۸؛ ص ۲۱۵؛ مصاحبه در پایان بازدید از دهمین نمایشگاه کتاب، ۱۳۷۶/۰۲/۱۴
۲۵. کتاب کتاب و کتاب‌خوانی در آیینة رهنمودهای مقام معظم رهبری، چاپ یازدهم، سال ۱۳۸۸؛ ص ۲۱۶؛ مصاحبه در پایان بازدید از دهمین نمایشگاه کتاب، ۱۳۷۶/۰۲/۱۴
۲۶. بیانات در آغاز به کار دهمین گردهمایی سراسری ائمه جمعه، ۱۳۷۳/۰۶/۲۱
۲۷. رساله آموزشی، ج ۲، ص ۴۸
۲۸. بیانات در دیدار جمعی از ناشران، ۱۳۷۸/۰۲/۲۸
۲۹. رساله آموزشی، ج ۲، ص ۴۷
۳۰. کتاب کتاب و کتاب‌خوانی در آیینة رهنمودهای مقام معظم رهبری، چاپ یازدهم، سال ۱۳۸۸؛ ص ۲۰۷ و ۲۰۸؛ بیانات در دیدار با دست‌اندرکاران برگزاری هفته کتاب، ۱۳۷۵/۰۸/۰۱
۳۱. رساله آموزشی، ج ۲، ص ۴۹



گفت‌وگو با دکتر محسن پرویز

هیئت نظارت بر کتاب باید از اعمال سلیقه‌ها جلوگیری کند

ابوالفضل حیدر دوست

دکتر محسن پرویز که در کارنامه خود، معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دولت نهم را دارد، اکنون نایب‌رئیس و سخنگوی انجمن قلم ایران و همچنین عضو هیئت علمی و دانشیار گروه فیزیولوژی دانشگاه علوم پزشکی تهران است. دکتر پرویز، تاکنون، چندین عنوان کتاب داستان نوشته و دهها عنوان کتاب پزشکی و ادبی را نیز ویرایش کرده است. او عضو مؤسس و از سال ۱۳۷۸، به‌جز یک دوره، عضو هیئت‌مدیره انجمن قلم ایران بوده است. پایبندی به اصول، خوش‌فکری و نوآوری در کار، جزو ویژگی‌های شخصیتی دکتر پرویز است. آنچه در ادامه می‌خوانید، گفت‌وگوی ما با او درباره نظارت بر کتاب است.

است که وظیفه انتخاب و معرفی این افراد به شورای عالی انقلاب فرهنگی، بر عهده وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است.

متأسفانه، در دولت قبل، به‌دلیل اختلاف رأی و نظری که ظاهراً بین اعضای شورا و رئیس شورا وجود داشت، افرادی که معرفی شده بودند و به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی هم رسیده بودند، احکامشان تا اواخر دولت قبل صادر نشد و زمینه تشکیل جلسات هم به‌وجود نیامد. البته، در آن برهه، وزارت فرهنگ و ارشاد هم به‌وظیفه خودش برای تشکیل جلسات شورا عمل نکرد.

پس چرا اعضای قبلی که حکمشان هنوز پابرجا بود، به کارشان ادامه ندادند؟

بحث بر سر همین بود. اعضای جدید شورا تأیید نشده‌اند، این رویه است که مسئولان و اعضای قبلی تا زمانی که حکم نقض صادر نشود، باید به کارشان ادامه دهند. متأسفانه وزارت ارشاد از این موضوع استفاده نادرستی کرد و به بهانه اینکه حکم اعضای جدید صادر نشده، هیئتی را که قبلاً مشغول فعالیت بود، عملاً تعطیل کرد و عوامل اجرایی به همان روال معمول، کارشان را انجام دادند. این مسئله خطای بد و بزرگی بود و چون نهادهای بازرسی‌مان به‌موقع رسیدگی

همان‌طور که می‌دانید، اعضای هیئت نظارت بر کتاب در دولت فعلی معرفی شدند؛ ولی جلسات این هیئت به‌صورت منظم برگزار نمی‌شود. به‌نظر شما، برگزار نکردن یا برگزاری نامنظم جلسات چه تبعاتی ممکن است داشته باشد؟

اگر اجازه بدهید، قبل از پاسخ‌دادن به سؤال شما، یک پیش‌زمینه از هیئت نظارت بر کتاب ارائه کنم. شما می‌دانید که در حوزه کتاب، شورای انقلاب فرهنگی مصوبه‌ای با عنوان اهداف، سیاست‌ها و ضوابط نشر کتاب دارد. این مصوبه که در دهه ۶۰، تصویب شده بود، مجدداً با اصلاحات در سال ۸۸ بازنگری شد و در فروردین ۸۹، تصویب و در نهایت، ابلاغ شد. در این مصوبه، ضوابط، سیاست‌های ایجابی و حدود و ضوابطی برای نشر کتاب در نظر گرفته شده و طبیعتاً باید در جایی بر اجرای آن نظارت شود. برای این منظور، دو هیئت نظارت در نظر گرفته شده است. یک هیئت نظارت بر نشر کتاب و دیگری هیئت نظارت بر کتاب کودک و نوجوان. طبق پیش‌بینی‌های انجام‌شده، در هر دو هیئت باید حداقل پنج نفر از صاحب‌نظران حضور داشته باشند. در هیئت نظارت بر نشر کتاب، صاحب‌نظران و شخصیت‌های علمی، دینی و فرهنگی مدنظر بوده و در هیئت نظارت بر کتاب کودک هم، صاحب‌نظران آگاه به امور تربیتی از دیدگاه اسلامی و مسائل خاص کتاب‌های کودکان در نظر گرفته شده

« متأسفانه، در دولت قبل، به‌دلیل اختلاف رأی و نظری که ظاهراً بین اعضای شورا و رئیس شورا وجود داشت، افرادی که معرفی شده بودند و به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی هم رسیده بودند، احکامشان تا اواخر دولت قبل صادر نشد و زمینه تشکیل جلسات هم به‌وجود نیامد. البته، در آن برهه، وزارت فرهنگ و ارشاد هم به‌وظیفه خودش برای تشکیل جلسات شورا عمل نکرد



« باید قبول کنیم

طبق قانون، وقتی جلسات هیئت نظارت بر کتاب تشکیل نمی‌شود، تصمیمات اجرایی اداره کتاب مشروعیت پیدا نمی‌کند. اداره کتاب بازوی اجرایی هیئت نظارت است و باید گزارش‌هایی به

هیئت بدهد که چه کتاب‌هایی مجوز گرفته و چه کتاب‌هایی چه مسائلی داشته‌اند. این هیئت باید تشکیل جلسه بدهد و شرایط حوزه کتاب را طبق آنچه در مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی

وجود دارد، بررسی کند. این مصوبه، یک مصوبه وسیع و کارآمد است و چند آدم تمام‌وقت می‌خواهد که آن را اجرا کنند

متأسفانه در بحث کتاب، ما فقط بحث ممیزی را می‌بینیم؛ درحالی که ضوابط ایجابی اگر درست اجرا می‌شود، فضای نشر کشور متحول می‌شود و نشاط تازه‌ای به‌وجود می‌آورد. اما فعلاً تشکیل نشدن جلسات هیئت نظارت به تصمیم مسئولان اجرایی برمی‌گردد که بخواهند این جریان به‌وجود بیاید یا نیاید؛ وگرنه می‌دانید که خیلی از کارها، به همین شکل انجام می‌شود و ظاهراً مشکلی ایجاد نمی‌شود.

اگر تشکیل نشدن جلسات، غیرقانونی است، چرا نهادهای نظارتی برخورد نمی‌کنند و یا چرا شورای عالی انقلاب فرهنگی تذکر نمی‌دهد؟

من پیش‌فرضم را بر این نمی‌گیرم که جلسات هیئت تشکیل نمی‌شود؛ چون اطلاع کافی از روند برگزاری جلسات ندارم و گزارش منظمی هم در این زمینه، منتشر نمی‌شود. اما برای من به‌عنوان کسی که تجربه کار اجرایی دارم، تشکیل نشدن آن اعجاب‌آور خواهد بود و معتقدم باید به مسئولی که بدون تشکیل شدن هیئت نظارت، این کار خطیر را انجام می‌دهد، مدال شجاعت داد.

بگذارید از آن حوزه تخصصی خودم برایتان مثال بزنم. کسی که در یک منطقه دورافتاده که تخصص ندارد و مشغول کار طبابت می‌شود تا وقتی که اتفاقی نیفتاده، کسی کاری ندارد؛ ولی اگر روز و روزگاری به مشکلی برخورد، همه زندگی‌اش سیاه خواهد شد؛ چون صلاحیت این کار را نداشته است. به‌نظر من مهم نیست که آیا در هیئت نظارت افراد صاحب‌صلاحیت بالایی هستند یا بی‌صلاحیت، مهم این است که به

نمی‌کنند، کسی به این موضوع توجه نکرد و دولت تمام شد و دولت تازه سر کار آمد.

در دولت جدید، اعضای جدیدی معرفی شدند و حکم هم گرفتند و دو جلسه هم تشکیل شد و اعضا، آقای مهدوی‌راد را هم به‌عنوان رئیس انتخاب کردند. اما متأسفانه گویا فراموش شد که این هیئت باید به‌صورت مداوم تشکیل شود و کارش را انجام دهد و نظارتی عالی داشته باشد. البته جای تأسف عمیق دارد که عوامل نظارتی زمانی که به قوانین و ضوابط عمل نمی‌کنند، تذکری نمی‌دهند تا در همان زمان که خطا اتفاق می‌افتد، امور را اصلاح کنند. ببینید خیلی اوقات خطایی اتفاق می‌افتد؛ اما در زمان لازم کسی جلوی آن را نمی‌گیرد. البته در جمهوری اسلامی با خطاها برخورد خواهد شد؛ ولی وقتی از زمان آن گذشته و طبیعتاً آب رفته را نمی‌توان به جوی برگرداند.

باید قبول کنیم طبق قانون، وقتی جلسات هیئت نظارت بر کتاب تشکیل نمی‌شود، تصمیمات اجرایی اداره کتاب مشروعیت پیدا نمی‌کند. اداره کتاب بازوی اجرایی هیئت نظارت است و باید گزارش‌هایی به هیئت بدهد که چه کتاب‌هایی مجوز گرفته و چه کتاب‌هایی چه مسائلی داشته‌اند. این هیئت باید تشکیل جلسه بدهد و شرایط حوزه کتاب را طبق آنچه در مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی وجود دارد، بررسی کند. این مصوبه، یک مصوبه وسیع و کارآمد است و چند آدم تمام‌وقت می‌خواهد که آن را اجرا کنند.

برگزارنشدن جلسات هیئت نظارت چه آسیب‌هایی به حوزه نشر می‌زند یا چه خطراتی را متوجه وزارت ارشاد می‌کند؟

فرهنگ و ارشاد اسلامی است.

در ابتدای این دولت زرمه‌هایی مبنی بر واگذاری ممیزی به ناشران یا انتقال ممیزی به خارج از وزارت ارشاد به گوش می‌رسید. به نظر شما آیا اصولاً می‌توان ممیزی را به ناشر یا به بعد از انتشار کتاب منتقل کرد؟

من اعتقاد دارم مجوز کتاب را نمی‌توانیم به بعد از نشر واگذار کنیم. نه برای سالم‌سازی فضا. چرا که برای سالم‌سازی فضا باید کارهای دیگری انجام شود. ممکن است آثاری به‌صورت غیرقانونی در جامعه منتشر شود. الان در فضای مجازی به خیلی آثار بسیار مخرب دسترسی آسانی وجود دارد که قابل مقایسه با فضای کنونی نشر کشور نیست. به هر حال برای سالم‌سازی فضا، کارهای مختلفی باید انجام شود که موضوع بحث ما نیست.

به‌نظر من، کسانی که بحث انتقال ممیزی به بعد از چاپ را مطرح می‌کنند، تصورشان این است که کتاب که چاپ شد، کیست که بخواند آن را بخواند و دنبال مسئله بگردد. آن‌ها می‌خواهند ماجرا را به یک امر محال ارجاع بدهند، و گرنه به‌شکل عملیاتی، امکان واگذاری به بعد از چاپ نیست.

ممیزی علاوه بر اینکه به بحث سالم‌سازی فضا کمک می‌کند، کمکی برای ناشر است. بسیاری از ناشران، کارشناس بررسی و تأیید محتوا ندارند، در واقع، ممیزی به ناشر کمک می‌کند تا از مشکلات کتابی که در آن تخصص ندارد، باخبر شود. ناشر وقتی مجوز قبل از چاپ می‌گیرد، در واقع کتابش یک‌بار خوانده می‌شود و این به نفع ناشر است. چه‌بسا نکاتی از دست ناشر در رفته باشد که افراد امین و متخصص، کتاب را مطالعه می‌کنند و به او تذکر می‌دهند.

در کنار این موضوع، وقتی مسئولیت را به ناشران واگذار می‌کنید، سرمایه‌اش را در معرض خطر قرار می‌دهید. مثلاً یک کتاب ۵۰۰ صفحه‌ای منتشر شود و در یک جمله، تمسخری به یکی از اقوام صورت گرفته باشد. نتیجه‌اش این است که کل کتب باید امحا شود. ممکن است تبعات اجتماعی ماجرا را کسی نتواند کنترل کند. زمینه بروز مشکلات و مسائل در جامعه ما که دشمنان قسم‌خورده داریم، زیاد است. بعضی مشکلات را دمدستی و کوچک می‌کنند و ممیزی را منوط به آثار سیاسی می‌کنند که اجازه چاپ نمی‌گیرند. اخیراً در تلویزیون، یک تمسخری به آذری‌زبان‌ها اتفاق افتاد و زمینه بروز مشکلات فراهم شد. ما کسانی را داریم که پول خرج می‌کنند تا چنین مسائلی را بزرگ کنند و قومیت‌ها و صوف را به هیجان بیاورند و به صحنه بیاورند و از آن‌ها سوءاستفاده کنند.

هر حال قانون، این وظیفه را به‌عهده هیئت نظارت گذاشته است. اگر قرار باشد مدیران اجرایی، هیئت نظارت را تشکیل ندهند و مطابق صلاحدید خودشان عمل کنند، ممکن است اتفاقی نیفتد. اما اگر روزی و روزگاری قرار شود که به این امور رسیدگی شود، خلاف ضابطه عمل کرده‌اند و قطعاً اشخاص، هم در حیطة کاری و هم در زندگی شخصی، دچار مشکلات اساسی خواهند شد.

به نظر من، تشکیل هیئت نظارت قوی که در حوزه‌های مختلف، افراد سرآمدی در آن وجود داشته باشند که هم به حوزه کاریشان اشراف داشته باشند و هم از متانت کافی برخوردار باشند، همچنین نه سخت‌گیرانه و نه سهل‌گیرانه عمل کنند، مطمئن باشید جریان نشر متحول خواهد شد. پذیرفتنی نیست که بگوییم بود و نبود هیئت نظارت یکی است. ممکن است هیئتی تشکیل بدهیم که افراد اهلیت لازم را نداشته باشند که آن مقوله جدایی است. اما در هیئتی که افراد صاحب‌صلاحیت در آن حضور دارند، که هیئت فعلی چنین است، مسئولیت را از دوش مجریان برمی‌دارد و مجریان می‌توانند به کار اصلی خودشان بهتر برسند.

یکی از انتقادهای که وارد می‌شود، این است که کتاب‌های مسئله‌دار زیادی از ممیزی ارشاد عبور می‌کنند و مجوز می‌گیرند. به‌نظر شما، آیا در حال حاضر دولت می‌تواند بار مسئولیت این کتاب‌ها را به گردن هیئت نظارت بیندازد؟

فکر نمی‌کنم این توجیه در دولت وجود داشته باشد. اگر به‌احتمال زیاد، قرار باشد که به ماجرا رسیدگی کنند، وجود هیئت نظارت و پیگیری امور توسط هیئت‌های نظارت و عمل به مَر قانون، همان چیزی است که در ضوابط نوشته شده است و به دولت، بیشتر کمک می‌کند. دبیرخانه هیئت نظارت باید در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مستقر باشد و موظف است گزارش جلسات را به‌صورت سالانه، به شورای عالی انقلاب فرهنگی ارائه دهد.

چیزی که در ضوابط، پیش‌بینی شده، محکم و دقیق است و جلوی بی‌عدالتی را می‌گیرد. وقتی جلسات تشکیل نشده، ممکن است کسی متن را با سلیقه خود بخواند و صلاح بداند یا نداند که منتشر شود؛ اما وقتی کمیته هست، اساساً جلوی چنین اعمال سلیقه‌هایی گرفته می‌شود. تشکیل هیئت نظارت بر کتاب، برای جلوگیری از تضییع حق مصوب شده. ضمن اینکه برای این هیئت، کمیته‌هایی پیش‌بینی شده است که به مسئولان اجرایی کمک می‌کنند تا ضوابط بهتر و درست‌تر عمل شود. منتهی اگر به هر علت به آن عمل نکنند، مسئولیت به گردن وزارت

«**»** به نظر من، تشکیل هیئت نظارت قوی که در حوزه‌های مختلف، افراد سرآمدی در آن وجود داشته باشند که هم به حوزه کاریشان اشراف داشته باشند و هم از متانت کافی برخوردار باشند، همچنین نه سخت‌گیرانه و نه سهل‌گیرانه عمل کنند، مطمئن باشید جریان نشر متحول خواهد شد. پذیرفتنی نیست که بگوییم بود و نبود هیئت نظارت یکی است

با دغدغه و حساسیت‌های انقلابی و مذهبی کار می‌کنیم



.....حسین شاهمرادی.....

طبق مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی، مسئولیت اجرای سیاست‌ها و ضوابط نشر کتاب بر عهده وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است. به همین منظور، تصمیم گرفتیم در رابطه با وضعیت نظارت بر کتاب در حال حاضر، با دکتر محمد سلگی، مدیر دفتر توسعه کتاب و کتابخوانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به گفت‌وگو بنشینیم و در مورد وضعیت نظارت بر کتاب و هیئت نظارت بر کتاب نکاتی را از ایشان بشنویم. دکتر سلگی با رویی گشاده از ما استقبال کرد و صبورانه به سؤال‌های ما پاسخ داد. او از دغدغه و تلاش شبانه‌روزی کارکنان اداره کتاب برای حفظ سلامت کتاب‌ها و همچنین، از برخی برنامه‌های قبلی و آینده وزارت ارشاد برای بهبود و ارتقای نظارت بر کتاب برایمان صحبت کرد. آنچه در ادامه می‌خوانید، مشروح گفت‌وگوی دوساعته ما با اوست.

درباره نقش هدایتگری حاکمیت نسبت به مردم، دو دیدگاه وجود دارد. برخی معتقدند که حاکمیت و نظام اسلامی نقشی در هدایت مردم ندارد. در مقابل، برخی هم معتقدند که حاکمیت درباره هدایت مردم مسئول است. حال می‌خواهم بدانم که نظر شما درباره این نقش حاکمیت چیست؟ آیا شما چنین نقشی را برای حاکمیت اسلامی قائل هستید؟

این بحث به صورت جدی، حدود بیست سالی می‌شود که مطرح شده است. اگر از منظر روان‌شناسی اجتماعی به مسئله نگاه کنیم، در همه نظام‌های سیاسی، دولت‌ها و حاکمیت وظایفی برای خود تعریف کرده‌اند که از جمله آن‌ها آموزش است. در دولت‌های مدرن هم یکی از وظایف دولت‌ها در کنار تأمین امنیت، بهداشت و... فراهم کردن شرایط برای تربیت شهروندان است.

از منظر دینی هم اگر بخواهیم به این امر نگاه کنیم، وظیفه امام جامعه که در نگاه کلی، همان حاکمیت و بخش‌های مختلف آن است، این است که باید نظمی را بر اساس اهداف کلی نظام، در تربیت و آموزش مردم ایجاد کنند. این مسئله، امری طبیعی است و مختص ما هم نیست. حتی می‌بینیم که نظام‌های سکولار هم نظم و شیوه خاصی برای این مسئله دارند. هیچ‌کس هم نمی‌تواند بگوید ما وظیفه‌ای در این رابطه نداریم. البته این اقدام مفروضه‌های پیشینی متعددی همچون باور به بلوغ، خودآگاهی و فهم منطقی این شهروندان از

خود، جامعه و مصالحشان به‌عنوان افرادی بصیر، فهیم و معقول، دارد.

در این بین، نقش وزارت ارشاد جمهوری اسلامی در هدایت مردم چیست؟

خود واژه «ارشاد» که زمانی هم محل بحث بود، کاملاً نشان‌دهنده وظیفه این وزارتخانه است. ارشاد مجموعه‌ای از وظایف حاکمیتی دارد که شامل وظایف تربیتی و آموزشی هم می‌شود. نظام ما چون یک نظام فرهنگی برآمده از یک انقلاب فرهنگی است، طبیعی است که غیر از وزارت ارشاد، بخش‌های مختلف دیگری مانند آموزش و پرورش، دانشگاه‌ها و... هم فعالیت فرهنگی دارند که باید به این‌ها هم توجه کنیم. در حقیقت جزء ویژگی‌های فرهنگ در ایران این است که کانون‌های مختلفی در بحث فرهنگی آن فعال‌اند.

طبیعی است که قبل از انقلاب، وضعیت به این شکل نبود، اما با توجه به اینکه انقلاب ما یک انقلاب فرهنگی است و بخش‌های متعددی در حوزه فرهنگ مشغول به فعالیت‌اند، در واقع باید گفت ارشاد یک پیشانی و یک ویرتین است، اما همراه با ارشاد، نهادهای مختلفی به فعالیت فرهنگی مشغول‌اند. ما حتی نهادهای نظامی‌مان هم فعالیت‌های فرهنگی جدی دارند. به‌صورت خاص، مثلاً بسیج که فعالیت فرهنگی جدی

دارد، در صورتی که در جاهای دیگر دنیا ممکن است برای نهادهای نظامی، فعالیت فرهنگی جدی تعریف نشده باشد.

پس از گفت‌وگوی مختصری درباره مسائل مبنایی تر، می‌خواهیم به سراغ بحث نظارت بر کتاب برویم. برای اولین سؤال لطفاً توضیح دهید که وقتی یک کتاب می‌خواهد از وزارت ارشاد مجوز انتشار بگیرد، چه فرایندی را طی می‌کند؟ وقتی که کتابی برای ارزیابی ثبت می‌شود، در گام اول همکاران ما کتاب را تورق می‌کنند که ببینند اصلاً آیا این کتاب نیاز به بررسی دارد یا نه. ما حوزه‌های مختلفی در کتاب داریم، یک سری از کتاب‌ها علمی هستند، مانند فیزیک و شیمی و... این‌ها باید مجوز بگیرند که البته این مجوز گرفتن برای ثبت و گرفتن آمار کتاب‌ها هم هست که این آمار، بعدها، در زمان نمایشگاه‌های کتاب، در انتخاب ناشران نمونه کشوری و... مورد استفاده قرار می‌گیرد.

بعضی از کتاب‌ها، از همان لحظه ثبت و ورود به چرخه بررسی، بلامانع اعلام می‌شوند، مانند کتب فیزیک و شیمی و... و مابقی کتاب‌ها می‌روند برای بررسی. در مرحله بعدی، دبیران علمی، کتاب‌ها را به‌صورت مروری ملاحظه و تورق می‌کنند و بعضی آثار را با توجه به اشرافی که دارند، بی‌نیاز از بررسی می‌بینند و بلامانع اعلام می‌کنند و کتاب می‌رود برای اخذ مجوز.

یک‌سری کتاب‌ها نیاز به بررسی دارند که به گروه‌های بررسی می‌روند. در اداره کتاب، حدوداً ده گروه بررسی فعالیت دارد که بر اساس کثرت آثار وارده به اداره کتاب، این تقسیم‌بندی انجام شده است.

هرکدام از این گروه‌ها یک سرگروه دارد. تعداد افراد گروه‌ها هم بستگی به کثرت آثار دارد. در گروه‌ها بعد از بررسی اعلام می‌شود که اثر غیرمجاز، بلامانع یا مشروط است و نتیجه به ناشر اعلام می‌شود. در صورت اعتراض ناشر، کتاب در یک کمیته، به‌نام تجدید نظر، مجدداً بررسی می‌شود. اگر ناشر رأی این کمیته را هم نپذیرد، موضوع اعتراض، به شورای کتاب، مرکب از سرگروه‌ها و کارشناسان ارشد، ارجاع می‌شود. اگر اعتراض تداوم یابد، به‌عنوان آخرین مرجع، موضوع در کمیته تخصصی هیئت نظارت مطرح و درباره اثر بحث و تصمیم‌گیری می‌شود.

بعضی از ناشران معتقدند که بعضی از ممیزی‌ها، بر اساس اعمال سلیقه انجام می‌شود. طبیعی است که اعمال سلیقه زمانی انجام می‌شود که شاخص معینی برای ممیزی وجود نداشته باشد. در این باره توضیح می‌فرمایید؟ آیا شاخص‌های ممیزی مشخص‌اند؟

شاخص‌های ما همان اصول و قواعد مندرج در مجموعه

ضوابط نشر کتاب تحت عنوان «مصوبه اصلاحی اهداف، سیاست‌ها و ضوابط نشر کتاب» است. در واقع، ما یک مجموعه ضوابط و حدودی داریم که مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی است. یک قانون داشتیم که برای دهه شصت بود و در سال ۸۹ اصلاح شد. در حال حاضر، مبنای ما همان قانون سال ۸۹ است که مصوبه جلسه ۶۶۰ شورای عالی انقلاب فرهنگی در فروردین ۸۹ است. در این قانون، ضوابط و اصول چاپ و نشر آمده است؛ مثلاً کتاب در جهت ترویج اصول انقلاب، احیای میراث مکتوب، مقابله مؤثر با تهاجم سیاسی و فرهنگی باشد، توهین به ادیان آسمانی و پیامبران نباشد، تمسخر و توهین به فرهنگ اقوام نباشد، تبلیغ علیه نهاد خانواده نباشد و... این‌ها پاره‌ای از مواردی است که تا حدی مصادیق را مشخص کرده است. ما خودمان هم در بعضی از موضوعات، به‌صورت جزئی‌تر کار کرده و نتایج را به‌صورت کاربرگ‌هایی تدوین کرده و در هیئت نظارت، تصویب می‌کنیم.

در این قانون، دو هیئت یا شورا در نظر گرفته شده است: یکی هیئت نظارت بر کودک و یکی بزرگسال. اعضای این دو هیئت را شورای عالی انقلاب فرهنگی تعیین می‌کند. شوراهای جدید از سال ۹۲ شکل گرفته‌اند و جلساتشان به‌صورت منظم تشکیل می‌شود. چون تعداد اعضای هیئت نظارت بر کتاب بزرگسال زیاد است، یک شورا مرکب از دو هیئت کودک و بزرگسال با عنوان «کمیته تخصصی هیئت نظارت» تشکیل داده‌ایم که جلسات منظمی برگزار می‌کنند. در جلسات به کلیه وظایف هیئت نظارت، همچون تصویب کاربرگ، رسیدگی به اعتراضات ناشران، تصویب کارگروه هیئت نظارت استانی و تصویب آیین‌نامه‌ها پرداخته می‌شود.

حسب قوانین، ما باید شوراهای نظارت استانی در استان‌های مختلف داشته باشیم. تا امروز در پنج استان این شورا را تشکیل داده‌ایم و در حال بررسی پنج استان دیگر هستیم که برای آن‌ها هم شورای نظارت تشکیل دهیم.

روند کار هم به این شکل است که کاربرگ‌ها و برخی آیین‌نامه‌ها در کمیته تخصصی و سپس در هیئت نظارت تصویب می‌شود و به اداره کتاب ابلاغ می‌شود. همچنین، همان‌گونه که بیان شد، هنگامی که ناشر نسبت به غیرمجاز شدن کتابش اعتراض دارد، کتاب مجدداً بررسی می‌شود و اگر بعد از بررسی مجدد، دوباره رد شد و ناشر باز هم اعتراض داشت، در این مورد، کتاب را به هیئت نظارت ارجاع می‌دهیم تا تصمیم نهایی را بگیرد. لذا این روند نشانگر این است که هیئت نظارت و کمیته تخصصی آن نقش یک شورای عالی را ایفا می‌کنند.

به‌طور میانگین، کتابی که به وزارت ارشاد می‌آید، چقدر طول

«**شاخص‌های ما همان اصول و قواعد مندرج در مجموعه ضوابط نشر کتاب تحت عنوان «مصوبه اصلاحی اهداف، سیاست‌ها و ضوابط نشر کتاب» است**»

«**حسب قوانین، ما باید شوراهای نظارت استانی در استان‌های مختلف داشته باشیم. تا امروز در پنج استان این شورا را تشکیل داده‌ایم و در حال بررسی پنج استان دیگر هستیم که برای آن‌ها هم شورای نظارت تشکیل دهیم**»



می‌کشد تا مجوز برای آن صادر شود؟

به‌طور میانگین، یک ماه طول می‌کشد. در طی این فرایند، سه‌نظر درباره‌ی آن داده می‌شود: توسط ارزیاب، سرگروه و دبیر علمی. جهت ایجاد وحدت رویه و کاهش نقش تفاوت‌های فردی در ارزیابی، هم‌اکنون روالی گذاشته‌ایم که وقتی کتابی جریان بررسی را طی می‌کند، یک نفر تمام مشروطی‌ها را دوباره کنترل می‌کند که چیزی از قلم نیفتاده باشد یا سخت‌گیری نشده باشد. همچنین عطف به توضیحات قبلی، بعد از این فرایند، یک سیستم تجدید نظر مجدد داریم که اگر ناشر اعتراض داشت، کتاب به کمیته تجدید نظر برود. اگر در این کمیته هم کتاب رد شد، باز ناشر می‌تواند به شورای کتاب شکایت کند که حدود ده کارشناس در این شورا حضور دارند و کتاب را بررسی می‌کنند. اگر باز هم در این شورا رد شد، حق همچنان برای ناشر محفوظ است و می‌تواند به هیئت نظارت شکایت کند که معمولاً در این مرحله تصمیم نهایی اتخاذ می‌شود.

چند درصد از کتاب‌هایی که وارد ارشاد می‌شوند، مشمول ممیزی می‌شوند؟ این کتاب‌ها معمولاً در چه مواردی مشمول اصلاح می‌شوند؟

اگر ۷۲ هزار عنوان کتابی را که در سال ۹۳ ثبت شده، در نظر بگیریم، حدوداً پانزده‌هزار عنوان آن بررسی شده است. مابقی آثار، به‌دلیل علمی و آموزشی بودن، بلا مانع شده‌اند. از پانزده‌هزار عنوان کتاب بررسی شده، حدود شش‌هزار عنوان، مشکلات جزئی داشته‌اند که به‌عنوان موارد مشروط ابلاغ کرده‌ایم تا ناشر اصلاح کند. کمتر از

پانصد عنوان هم غیر مجاز اعلام شده است.

موارد غیر مجاز طیفی از موضوعاتی همچون ترویج سبک‌زندگی غیر اخلاقی، ترویج روابط خارج از شرع و عرف هستند. دسته‌ی دیگر، کتاب‌هایی هستند که دارای موارد سیاسی هستند، مانند کتاب‌هایی که مروج تجزیه‌طلبی، تفرقه بین اقوام و... هستند. دسته‌ی دیگر، کتاب‌هایی هستند که موارد دینی دارند؛ مثل کتاب‌هایی که تحت عنوان دین، به ترویج خرافات می‌پردازند.

زمانی وزارت ارشاد بر کار چاپخانه‌ها هم نظارت مستقیمی داشت. اما امروز نظارت ارشاد در بحث نشر، معطوف به ممیزی کتاب شده است. آیا ارشاد برای نظارت بر محتوای دیجیتال، یا کتاب‌های خارجی و حتی کتاب‌هایی که به‌صورت اُفست در خیابان انقلاب فروخته می‌شود، برنامه‌ای دارد؟

در این بحث، ما با چند مسئله روبرو هستیم. یک سری کتاب‌ها هستند که باید در حوزه تکثیر و توزیع غیرقانونی و جعل کتاب به آن‌ها رسیدگی کرد. یک سری دیگر بدون مجوز چاپ می‌شوند و یک سری از کتاب‌ها هم هستند که مجوز دارند؛ ولی توسط دیگران مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرند.

البته با موارد دیگری هم مواجه هستیم که نظارتی بر آن‌ها نمی‌شود، مثلاً یک سری از کتاب‌ها هستند که در چاپ اول مجوز گرفته‌اند؛ اما مجوز چاپ دوم را ندارند یا چاپ دومش مشمول ممیزی شده است؛ ولی ناشر به نام چاپ اول و بدون اعمال اصلاحات، هزاران نسخه چاپ کرده و در بازار می‌فروشد. اگر بخواهیم این حوزه را باز کنیم، شاید چندین نوع

◀ اگر ۷۲ هزار

عنوان کتابی را که در

سال ۹۳ ثبت شده،

در نظر بگیریم، حدوداً

پانزده‌هزار عنوان آن

بررسی شده است.

مابقی آثار، به‌دلیل

علمی و آموزشی بودن،

بلا مانع شده‌اند

◀ موارد

غیر مجاز طیفی از

موضوعاتی همچون

ترویج سبک‌زندگی

غیر اخلاقی، ترویج

روابط خارج از شرع و

عرف هستند

◀ یک سری

کتاب‌ها هستند که

باید در حوزه تکثیر

و توزیع غیرقانونی و

جعل کتاب به آن‌ها

رسیدگی کرد. یک

سری دیگر بدون مجوز

چاپ می‌شوند و یک

سری از کتاب‌ها هم

هستند که مجوز دارند؛

ولی توسط دیگران

مورد سوءاستفاده قرار

می‌گیرند

رسیدگی کرده‌ایم و کتاب‌های غیرقانونی از بازار جمع شده‌اند. اما یک اراده جمعی در دستگاه‌های مختلف از جمله نیروی انتظامی، قوه قضائیه، تشکل‌های نشر، وزارت ارشاد و... نیاز است. در حال حاضر، جلساتی در حال شکل‌گیری است که دستگاه‌های اجرایی تشکل‌ها و... در آن حضور فعال دارند. قرار است در این جلسات مسائل و جرایم حوزه نشر مورد بررسی و پیگیری قرار گیرد. در حال حاضر، این جمع، چهار جلسه تشکیل داده؛ اما موانعی مانند چگونگی ورود، نحوه اقدام عملی و نحوه نظارت وجود دارد که باید به‌دقت بررسی شوند. البته انجمن فرهنگی ناشران دانشگاهی و اتحادیه ناشران و کتاب‌فروشان تهران یک‌سری اقدامات انجام داده‌اند و هیئتی را هم تشکیل داده‌اند که ما نماینده خودمان را هم به جلسات این تشکل‌ها فرستاده‌ایم.

قبلاً بر چاپخانه‌ها نظارت وجود داشت. الآن با اینکه شرایط فرق کرده و سخت‌تر شده و حتی با دستگاه‌های کپی و... هم دست به تکثیر غیرقانونی می‌زنند، نظارت‌ها کمتر شده است. چه کسی قرار است بر این‌ها نظارت کند؟

اخیراً موردی داشتیم که کتاب غیرمجازی منتشر شده بود و در حال توزیع در بازار بود. گزارش آن را به ما دادند. کتاب را از بازار و انبار ناشر جمع کردیم و تعهد گرفتیم که توزیع نشود. در این مورد، خلاء نظارت وجود داشت که همان‌طور که می‌فرمایید، باید نظارت‌هایمان را قوی کنیم. اما نظارت جامعی که مد نظر شماست، یک امر جامع است که نیاز به تعریف ساختار دارد. یعنی وزارت ارشاد معتقد است که یک سری وظایف قانونی دارد که فراتر از آن وارد حریم قوه قضائیه می‌شود و نمی‌تواند در آن حوزه ورود داشته باشد. بنابراین باید اول، حدود و ثغور کار و وظایف طرفین را مشخص کنیم و بعد دست به اقدام عملی بزنیم.

تخلف صورت می‌گیرد که هر کدام با دیگری متفاوت است. این بحث، یعنی مواجهه با پدیده جعل، تکثیر و فروش غیرقانونی آثار دیگران، نیازمند یک عزم جدی و فراتر از وزارت ارشاد است.

فی‌المثل، ما در دانشگاه‌ها با کپی بدون مجوز و گسترده کتاب‌های دیگر ناشران مواجه هستیم که همین به اقتصاد نشر دانشگاهی، ضربه جدی وارد کرده است و محتاج حمایت و همکاری وزارتخانه‌های علوم و بهداشت است.

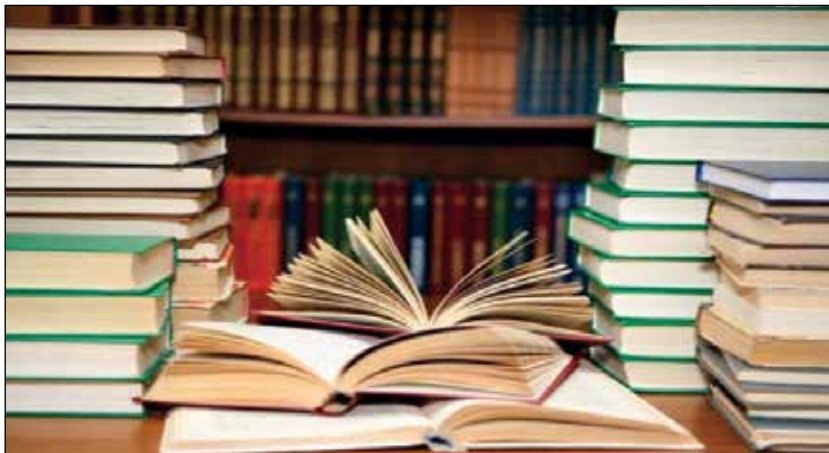
اتحادیه ناشران و کتاب‌فروشان، تشکل‌های نشر از جمله ناشران دانشگاهی و معاونت فرهنگی وزارت ارشاد پیگیر این موضوع هستند. اما درباره نحوه برخورد با پدیده قاچاق کتاب، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. یک دیدگاه می‌گوید وزارت ارشاد مانند موضوع فیلم‌های قاچاق، ورود قاطع و جدی داشته باشد و با این موارد برخورد کند. دیدگاه دیگر هم این است که دستگاه قضایی باید با این موارد برخورد کند و ناشران از طریق شکایت، موارد را پیگیری کنند.

این بحث‌ها، از چندماه گذشته، به‌طور جدی در وزارت ارشاد شکل گرفته و در حال پیگیری است و امیدواریم در آینده نزدیک به نتیجه برسند.

واقعیت این است که در بحث تکثیر غیرقانونی که بیشتر کتاب‌های دانشگاهی را شامل می‌شود، از جنبه مالی برای ناشر که یک فرد است، ضرر محسوب می‌شود و بسیار هم مهم است. اما در جای دیگر، عموم مردم صاحب حق هستند. انتشار کتابی که مستهجن است و بنیان خانواده را هدف گرفته و هم در بازار و هم در روی سایت‌ها، قابل دسترسی است، به تعداد زیادی از افراد جامعه آسیب می‌زند که این هم بسیار مهم است. ارشاد برای مقابله با این موضوعات، برنامه‌ای دارد؟ تا به حال موردی داشتیم که شکایت شده. ما

« در دانشگاه‌ها با کپی بدون مجوز و گسترده کتاب‌های دیگر ناشران مواجه هستیم که همین به اقتصاد نشر دانشگاهی، ضربه جدی وارد کرده است و محتاج حمایت و همکاری وزارتخانه‌های علوم و بهداشت است

« درباره نحوه برخورد با پدیده قاچاق کتاب، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. یک دیدگاه می‌گوید وزارت ارشاد مانند موضوع فیلم‌های قاچاق، ورود قاطع و جدی داشته باشد و با این موارد برخورد کند. دیدگاه دیگر هم این است که دستگاه قضایی باید با این موارد برخورد کند و ناشران از طریق شکایت، موارد را پیگیری کنند





منتشر شده، فهمیده‌ایم کتاب از زیر دست خود ناشر هم دررفته است.

برنامه‌تان برای اینکه متوجه اشتباه برسان شوید، چیست؟ به هر حال، گزارش‌های مختلفی به ما می‌رسد که بعد از آن، دوباره کتاب‌ها را بررسی می‌کنیم. معمولاً همه ساله بعد از نمایشگاه کتاب، لیستی از کتاب‌هایی که باید دوباره ارزیابی شوند، تهیه می‌شود و ما این‌ها را می‌دهیم دوباره ارزیابی کنند. در این صورت، خطاها شناسایی می‌شوند. ضمناً جهت تبادل نظر و کاهش ضریب خطا، جلسات مختلفی با افراد و نهادهای آگاه و مطلع در موضوع کتاب داریم. ضمن اینکه همه این بحث‌ها و اختلاف‌نظرها روی حداکثر حدود صد عنوان کتاب است که در میان ۷۲ هزار عنوان کتاب قابل توجه نیست.

ارشاد از یک طرف باید پاسخ‌گوی مطالبات ناشران، مؤلفان و اندیشمندان قرار دارد و از طرف دیگر، باید پاسخ‌گوی تشکله‌ها و افراد معترض به نحوه ممیزی باشد و قاعدتاً ما باید تعادلی بین خواسته‌های این دو طیف ایجاد کنیم که لازمه آن، تحمل فشار مضاعف است.

البته این دو گروه متفاوت هستند. گروه روشن‌فکرانی که می‌فرمایید، معمولاً فشاری که می‌آورند، فشاری است که به اصل ممیزی می‌آورند و بسا کلیت آن مخالفاند که البته این در حیطه اختیارات ارشاد نیست و جزء موارد تقنینی است و ارشاد شأن اجرا دارد و نه تقنین. اما مطالبه گروه دوم، مطالبه اجرای صحیح قانون ممیزی است که در حیطه وظایف ارشاد است. به هر حال، افرادی هستند که به دنبال تخریب بنیان خانواده و اخلاق در جامعه هستند و با همین هدف هم دست به انتشار اثر می‌زنند.

در اینجا، یک بحث جدی وجود دارد و آن اینکه اگر برای مثال، وزارت بهداشت یک محصول خوراکی را تأیید کرده است تا جامعه با خیال راحت آن را مصرف کند، چرا در حوزه فرهنگ نمی‌توان به مهر تأیید وزارت ارشاد اعتماد کرد و مطمئن بود که این غذای فکری، سالم است؟

به نظرم سؤال را جور دیگری می‌توانید مطرح کنید: آن هم اینکه چه تعداد کتاب خوب چاپ می‌شود. برای مثال در حوزه روان‌شناسی که مسائل خانواده در آن وجود دارد، ما دقت زیادی داریم و حساسیت‌هایمان دوجندان است. فی‌المثل، در حوزه روان‌شناسی یا در حوزه دین، صداها و هزاران کتاب ارزنده منتشر شده است. لذا شایسته است نیمهٔ پر لیوان را ببینیم و نگاه مثبتی به هزاران کتاب ارزندهٔ چاپ‌شده داشته باشیم.

شما می‌فرمایید کتاب‌های روان‌شناسی را با حساسیت ویژه بررسی می‌کنید، اما در حال حاضر، کتاب روان‌شناسی در بازار وجود دارد که مثلاً «خودارضایی» را به‌عنوان یک روش درمان

حتی در خود ارشاد هم این مسئله به بخش‌های مختلفی مانند ادارهٔ کل چاپ و نشر و دفتر حقوقی و... مرتبط است و همهٔ این‌ها باید دست به دست هم بدهند تا بتوان آن نظارت مطلوب را انجام داد.

الآن که با شما صحبت می‌کنم، در بازار کتاب، آثاری وجود دارند که رسماً بنیان خانواده و اخلاق را هدف گرفته‌اند و وقتی آن‌ها را تورق می‌کنیم، احساس می‌کنیم که این کتاب‌ها حتی یک بار «خوانده» هم نشده‌اند، چه رسد به اینکه ممیزی شده باشند. این موارد در کتاب‌های حوزهٔ شعر و ادبیات که مخاطب عام هم دارد، به‌وفور یافت می‌شود. علت این مسئله را چه می‌دانید؟

ببینید در حوزهٔ شعر و ادبیات، گروهی از داوران و ارزیابان ما هستند که به‌لحاظ فکری و فرهنگی مثل من و شما دارای اعتقادات مذهبی و انقلابی هستند و مطمئن باشید با همان دغدغه‌ها و حساسیت‌های نیروهای انقلابی و مذهبی کار می‌کنند. ما در گروه‌هایمان افراد روحانی هم داریم که از نظر باور و اندیشه، جهان‌بینی انقلابی و اسلامی دارند.

مواردی که شما می‌فرمایید، به کتاب‌هایی مربوط می‌شود که ناشر مواردی را که از طرف ارشاد مشروط شده، یا اصلاح نکرده، یا اگر اصلاح کرده و اعلام وصول هم گرفته باشد، نسخهٔ اصلاح‌نشده‌اش را چاپ و توزیع کرده است. بنابراین یک‌سری کتاب‌ها اینگونه وارد بازار می‌شوند. تعدادی از موارد هم وجود دارد که ناشی از اختلاف برداشت است. برای مثال، بنده می‌گویم این قسمت باید حذف شود و شما می‌گویید نه، نباید حذف شود که مرجع حل این اختلاف در قانون دیده شده است.

موارد معدودی هم می‌تواند حاصل اشتباهات و خطاهای بررسی باشد که تعداد این دسته خیلی اندک است و به‌لحاظ آماری، درصد این نوع خطاها به‌قدری کم است که قابل اغماض و به‌لحاظ آماری قابل پذیرش است.

این درصدی که می‌فرمایید از دست‌برس در می‌رود، چند درصد از «یک کتاب» است، یا چند درصد از «کل کتاب‌ها»؟ بله، گاهی چند صفحه از یک کتاب ممکن است، از دست‌برس در برود، ولی گاهی اوقات آدم احساس می‌کند «کل» یک کتاب از دست‌برس دررفته است و کتاب اصلاً خوانده نشده است.

طبق بازخوردهای رسیده در طول یک سال کاری، نسبت به کتاب‌های منتشرشده، درصد بسیار اندکی (قطعاً زیر یک درصد) مشمول نکته‌ای است که در سؤال آمده است. گاهی موارد این‌چنینی پیش می‌آید که سرگروه کتاب را به فرد غیرمطلعی جهت ارزیابی سپرده باشد. گاهی بررس به نام و عنوان و پیشینهٔ ناشر اعتماد کرده و کتاب را گذرا خوانده، بعدها که کتاب

◀ در حوزهٔ شعر

و ادبیات، گروهی از

داوران و ارزیابان ما

هستند که به‌لحاظ

فکری و فرهنگی

مثل من و شما دارای

اعتقادات مذهبی

و انقلابی هستند

و مطمئن باشید با

همان دغدغه‌ها و

حساسیت‌های نیروهای

انقلابی و مذهبی کار

می‌کنند

◀ گزارش‌های

مختلفی به ما می‌رسد

که بعد از آن، دوباره

کتاب‌ها را بررسی

می‌کنیم. معمولاً همه

ساله بعد از نمایشگاه

کتاب، لیستی از

کتاب‌هایی که باید

دوباره ارزیابی شوند،

تهیه می‌شود و ما

این‌ها را می‌دهیم

دوباره ارزیابی کنند

◀ همهٔ بحث‌ها و

اختلاف‌نظرها روی

حداکثر حدود صد

عنوان کتاب است

که در میان ۷۲ هزار

عنوان کتاب قابل توجه

نیست

اسامی خارجی، ذکر اسم رئیس‌جمهور فلان کشور و... سخت‌گیری‌هایی بوده است. می‌خواهم بگویم از این طرف هم با سخت‌گیری زیاد ممکن است کتاب‌های خوب از دست برود و ناشر متضرر شود.

چگونه باید به یک حدی از تعادل برسیم؟ از یک طرف اجازه بدهیم که در بحث خانواده مطالب جدید بیاید و از طرف دیگر کنترل بشود، نقایص هم رفع شود. در واقع، یک حجم بالای سخت‌گیری هم موجود است و مسئله این است که چگونه تعادل ایجاد کنیم که هم اقتصاد نشر آسیب نبیند و هم فرهنگ خانواده و هم دین و هم مسائل قومیتی.

در برخی از موارد، می‌توانیم اغماض کنیم که البته بعضی اشتباهاتمان از همین اغماض‌ها شروع می‌شود. به ارزیاب می‌گوییم چرا این را اغماض کردید؟ می‌گوید: «به نظر من چیز خاصی نبود» و نفر بعدی می‌گوید: «نه، نباید اینگونه می‌شد»، و ما این را در چاپ بعدی اصلاح می‌کنیم.

ما موظفیم موازنه‌های بین جامعه نشر، دانش جهانی و ارزش‌های فرهنگی و باوره‌ایمان برقرار کنیم. کار سختی هم هست. در کنار تمامی دغدغه‌هایی که شما در سوالات خود به آن‌ها اشاره کردید، جا دارد که به مسائل و مضیقه‌های نشر کشور هم توجه کنیم. این صنعت یکی از ابزارهای توسعه فرهنگی کشور است. شایسته است بین فعالان این عرصه با وزارت ارشاد هم‌گرایی و اعتماد حاکم شود و نوع مواجهه ارشاد با کتاب‌های این ناشران یکی از عرصه‌های نمایش این اعتماد است. بنابراین، باید با ظرافت و اعتدال تمام هم پاسدار ارزش‌ها بود و هم حامی فرهنگ، اقتصاد و نشر.

حجم کاری ما در اداره کتاب بسیار بالاست، اما باید تلاش کنیم هر خطایی سریعاً جبران شود. از طرف دیگر باید حافظ فضای نشر و مشکلات نشر هم باشیم و یک هم‌گرایی در جریان نشر ایجاد کنیم.

به مردم توصیه می‌کند. از قضا، این دست کتاب‌ها تعدادشان انگشت‌شمار هم نیست. موضع شما نسبت به این کتاب‌ها چیست؟

اگر هر مورد این چنینی سراغ دارید، به ما گزارش دهید. ما فرصت نخواهیم داد تا این کتاب‌ها در بازار بمانند. شاید بعضی از این کتاب‌ها مربوط به پنج سال پیش بوده باشند و من از آن‌ها اطلاعی نداشته باشم. درخواست من این است که هرکدام از این کتاب‌ها را سراغ دارید، به ما بگویید تا آن‌ها را بررسی کرده و در صورت صحت ادعا، کتاب را جمع‌آوری کنیم.

البته بنده شش‌ماه است که مسئول این بخشی شده‌ام. در این فاصله، گزارش از کتابی آمده که مثلاً هشت سال پیش مجوز گرفته و در بازار فروخته می‌شود. ما برای این موارد هم اقدامی پیش‌بینی کرده‌ایم و آن اینکه کتاب‌های قدیمی‌تر را در سیستم ثبت و بررسی می‌کنیم که ممکن است به لغو مجوز هم بینجامد. ضمناً ناشر در این موارد شاکمی می‌شود و اعتراض می‌کند که کتاب من چند بار چاپ شده، چرا لغو مجوز می‌کنید؟ به‌نظرم در این‌گونه موارد تفسیر اصول و بندهای قانون نشر بین افراد متفاوت است. در تطبیق مصادیق اختلاف وجود دارد. در بحث ارزیابی، می‌گویند باید ارزیابی را کمی، عینی و مستقل کرد؛ اما اجرای همین موضوع در بحث کتاب دشوار است. لذا بین رأی ارزیاب‌ها اختلاف وجود دارد و در نتیجه، می‌گوییم یک ارزیاب سخت‌گیر است و یک ارزیاب سهل‌گیر.

کتاب‌های زیادی داشته‌ایم که ده‌بار، بیست‌بار و سی‌بار چاپ شده‌اند و بعد به آن مجوز داده نشده است. یا سخت‌گیری‌هایی داشته‌ایم. درباره کلماتی مانند شراب که می‌گویند، نباید در کتاب بیاید. جایی متن در تقبیح شراب بوده است، اما گفته‌ایم کلمه شراب اصلاً نباید بیاید. یا در خصوص ذکر اسامی حیوانات و

«کتاب‌های زیادی داشته‌ایم که ده‌بار، بیست‌بار و سی‌بار چاپ شده‌اند و بعد به آن مجوز داده نشده است»

«در برخی از موارد، می‌توانیم اغماض کنیم که البته بعضی اشتباهاتمان از همین اغماض‌ها شروع می‌شود. به ارزیاب می‌گوییم چرا این را اغماض کردید؟ می‌گوید: «به نظر من چیز خاصی نبود»

«ما موظفیم موازنه‌های بین جامعه نشر، دانش جهانی و ارزش‌های فرهنگی و باوره‌ایمان برقرار کنیم»

«باید با ظرافت و اعتدال تمام هم پاسدار ارزش‌ها بود و هم حامی فرهنگ، اقتصاد و نشر»





نبود هیئت نظارت به ضرر فضای کلی کتاب و جامعه است



سیدعلی کاشفی خوانساری
نویسنده کودک و نوجوان و مدیر انتشارات حوا

در رابطه با هیئت نظارت بر کتاب کودک، گفت‌وگویی با سیدعلی کاشفی خوانساری، مدیر انتشارات حوا، داشتیم که اظهارات ایشان را در قالب یک یادداشت شفاهی در ادامه می‌خوانید:

طبق مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۶۷، وزارت ارشاد مکلف به تشکیل دو هیئت نظارت است: یکی هیئت نظارت بر اجرای ضوابط نشر که مربوط به کتاب بزرگسال است و هیئت نظارت بر کتاب‌های کودک و نوجوان که مربوط به کتاب‌های کودک است و بر همین اصل، با توجه به اهمیت و ضرورتی که کتاب کودک داشته است، قانون‌گذار ضروری دانسته است که به این امور رسیدگی کند. در مصوبه جدید شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۸۹ هم به این موضوع تأکید شده و جایگاه هیئت نظارت بر کتاب کودک از آنچه بوده، فراتر رفته است؛ اما متأسفانه آنچه ما می‌بینیم، این است که جلسات هیئت نظارت مرتب و منظم برگزار نمی‌شود و تعداد اعضای هیئت نظارت کافی نیست. وقتی جلسات با پنج نفر رسمیت پیدا می‌کند، نیازمند این است که تعداد افراد افزایش پیدا کند تا به‌طور منظم این جلسات تشکیل شود.

به‌طور کلی وزارت ارشاد در دوره‌های مختلف که مختص یک دولت خاص هم نیست، عملاً از فعال بودن هیئت نظارت و عمل کامل به این قانون، اکراه داشته است؛ چرا که بخشی از اختیارات وزارت ارشاد به هیئت نظارت که از زیرمجموعه‌های شورای فرهنگ عمومی است، منتقل می‌شود. شاید در ۲۷ سالی که از تصویب این قانون می‌گذرد، فقط در فاصله سال‌های ۸۲ تا ۸۴ این هیئت فعال بود و کار را مستقل از معاونت فرهنگی دنبال می‌کرد.

به نظر من، به دلیل دشواری‌هایی که ممکن است این هیئت برای اداره کتاب وزارت ارشاد پیش بیاورد، آن‌ها ترجیح می‌دهند که این جلسات با فاصله زمانی زیاد تشکیل شود و بحث نظارت عملاً از خود اداره کتاب ارشاد پیگیری شود. البته تشکیل نشدن این جلسات به ضرر فضای کلی کتاب کودک و جامعه خواهد بود. درباره ارزیابی عملکرد هیئت نظارت بر کتاب کودک هم باید گفت که در سال‌های اخیر، هیچ‌وقت اطلاع‌رسانی روشنی درباره عملکرد هیئت نظارت بر کتاب کودک انجام نشده و بنابراین، ارزیابی عملکرد این هیئت خیلی عملی نیست.

«**به‌طور کلی وزارت ارشاد در دوره‌های مختلف که مختص یک دولت خاص هم نیست، عملاً از فعال بودن هیئت نظارت و عمل کامل به این قانون، اکراه داشته است؛ چرا که بخشی از اختیارات وزارت ارشاد به هیئت نظارت که از زیرمجموعه‌های شورای فرهنگ عمومی است، منتقل می‌شود**»

اعضای هیئت نظارت بر کتاب در یک نگاه

اواخر سال ۹۲، بنا به پیشنهاد وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، شورای عالی انقلاب فرهنگی از بین لیست پیشنهادی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی آقایان احمد واعظی، محمدعلی مهدوی‌راد، محمدتقی سبحانی، رضا مختاری، علیرضا اعرافی، محمود گلزاری، عماد افروغ، علیرضا صدرا، مرحوم صادق آئینه‌وند، محسن مومنی، علی معلم دامغانی، حسین کچوئیان، محمود آذربایجانی، مهدی خاموشی و خانم فریبا عباسوند را به‌عنوان اعضای هیئت نظارت بر نشر کتاب بزرگسال و آقایان محسن چینی‌فروشان، جواد محقق، مظفر سالاری، عبدالله حسن‌زاده و خانم مهنوش مشیری را به‌عنوان اعضای هیئت نظارت بر اجرای ضوابط نشر کتاب کودکان و نوجوانان انتخاب کرد. در این متن به معرفی اجمالی اعضای هیئت نظارت بر کتاب بزرگسال و کودک می‌پردازیم.

وی، پس از انقلاب اسلامی

ایران، مدتی را در مسئولیت‌های اجرایی گذرانند از جمله:

مسئولیت عقیدتی و سیاسی پایگاه نهم شکاری و آنگاه به

حوزه بازگشت و به سال ۶۲ و پس از

مقدماتی با جمعی از دوستان و همراهان، مجله حوزه را بنیاد نهاد و از شماره

۱۶ تا ۳۶ سردبیری آن را بر عهده داشت و مقالات بسیاری در نقد و معرفی کتاب‌های درسی حوزه، مسائل

معرفتی دین و نقد و معرفی تفاسیر شیعه و سنی و تحلیل گرایش‌های تفسیری در آن مجله نگاشت.

مهدوی‌راد به سال ۱۳۶۹ وارد دانشگاه شد و از همان آغاز، تدریس مقاطع تحصیلات تکمیلی را در علوم

قرآن و حدیث به عهده گرفت. اکنون بیش از ۱۵ سال حضور در دانشگاه تربیت مدرس حضور دارد و چهار سال مدیریت گروه علوم قرآن و حدیث را به عهده داشت.

محمدتقی سبحانی: او در سال ۴۲، در استان فارس چشم به جهان گشود. در سال ۱۳۶۱، وارد حوزه علمیه قم

شد و در سال ۱۳۶۸، دروس حوزوی را با موفقیت به پایان رساند. سپس موفق شد در سال ۱۳۸۶، دکتری خود را رشته فلسفه از دانشگاه تربیت مدرس اخذ کند.



هیئت نظارت بر نشر کتاب بزرگسال

احمد واعظی: در سال ۱۳۴۱ در شهرری به دنیا آمد.

در سال ۱۳۵۹، پس از دریافت دیپلم ریاضی، وارد تحصیلات

حوزوی شد. در سال ۱۳۶۵، بعد از اتمام سطح، تا اواخر

دهه هفتاد نزد علمای وقت، به فراگیری دروس خارج فقه

و اصول پرداخت. به موازات مطالعات حوزوی، از سال ۱۳۶۷، به مباحث کلام جدید

و فلسفه غرب روی آورد. وی در دانشگاه‌های معتبری همچون دانشگاه علامه طباطبایی^(۶) تهران تدریس کرده

است؛ همچنین از سال ۱۳۸۰، پس از عزیمت به انگلیس، به مدت دو سال در دپارتمان شرق‌شناسی دانشگاه

کمبریج و کالج اسلامی لندن به تدریس پرداخته است. او از روحانیان روشن‌اندیش و آشنا به مباحث علمی جدید

است. **محمدعلی مهدوی‌راد:** در سال ۱۳۳۴ در روستایی به نام

ینگجه، از بخش سر ولایت نیشابور، دیده به جهان گشود. او سال ۱۳۴۸، وارد حوزه علمیه مشهد شد و در مدرسه

«آیت‌الله العظمی میلانی» که به شیوه‌های نو و با برنامه‌ای منظم اداره می‌شد، تحصیل علوم دینی را آغاز کرد.





محمود گلزاری: محمود گلزاری در سال ۱۳۲۸، در شهر سیرجان در استان کرمان دیده به جهان گشود. او دارای دکترای روان‌شناسی از دانشگاه علامه طباطبائی^(۴) می‌باشد. وی در حوزه روان‌شناسی فعالیت دارد و دارای تألیفات و مقالاتی است. از جمله سوابق اجرایی ایشان می‌توان به معاون ساماندهی جوانان وزارت ورزش و جوانان، رئیس مرکز تحقیقات و برنامه‌ریزی سازمان صداوسیما، مؤسس و مدیر انتشارات رشد اشاره کرد.



عماد افروغ: این نویسنده و جامعه‌شناس و سیاستمدار، متولد ۱۳۳۵، در شیراز است. او نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی در دوره هفتم و رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس بود. از تألیفات وی می‌توان به مقاله و من قال (سه جلد)، خاطرات عماد افروغ از ۱۳۷۸ تا ۱۳۹۱، ترجمه کتاب قدرت، نگرشی رادیکال، تألیف استیون لوکس، فضا و نابرابری اجتماعی، ایجاد فضای نابرابری‌های اجتماعی، هویت ایرانی، فرهنگ‌شناسی و حقوق فرهنگی و... اشاره کرد.



علیرضا صدرا: وی متولد ۱۳۳۷ شهرستان دزفول است. او موفق شد دکترای خود را در رشته اندیشه سیاسی از دانشگاه تربیت مدرس اخذ کند و در سال ۱۳۶۷، عضو هیئت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی بشود. نویسنده، مدرس دانشگاه و سیاست‌مداری است، که در دوره چهارم مجلس شورای اسلامی به‌عنوان نماینده حوزه انتخابیه دزفول، از استان خوزستان در مجلس شورای اسلامی حضور داشت. برخی تألیفات وی عبارتند از گرایش فلسفی سیاسی در اسلام و ایران، فلسفه سیاست (حقیقت، ماهیت، واقعیت)، نقش راهبردی دولت در نظریه و نظام سیاسی امام خمینی^(۵).



مرحوم صادق آیینه‌وند: وی متولد ۱۳۳۰ در یکی از روستاهای تویسرکان است، دانش‌آموخته دکتری تاریخ اسلام از دانشگاه القدیس یوسف لبنان، استاد دانشگاه تربیت مدرس و رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی است. وی دارای ۹۶ مقاله و ۳۳ کتاب است.

از تألیفات وی می‌توان به الگوی جامع شخصیت زن مسلمان (تعریف و ساختار)، درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام (بررسی مقایسه‌ای دیدگاه اسلام و غرب)، سرچشمه حکمت جستارهایی در باب عقل و... اشاره کرد. او هم‌اکنون مدیریت پژوهشکده کلام اهل‌بیت^(۶) را بر عهده دارد.



رضا مختاری: حجت‌الاسلام رضا مختاری در سال ۱۳۴۲، در خانواده‌ای متوسط و کشاورز در رضوان‌شهر اصفهان متولد شد. در سال ۱۳۵۶، برای تحصیل در حوزه علمیه به قم آمد. وی در کنار تحصیل، به تدریس و تألیف و تحقیق پرداخت. در سال ۱۳۷۸، مرکز تدوین و نشر متون درسی حوزه (متون) را تأسیس کرد. همچنین در سال ۱۳۸۵، مؤسسه کتاب‌شناسی شیعه را به‌منظور معرفی دقیق آثار مکتوب شیعه با همکاری عده‌ای از دوستانش بنیان نهاد. وی مدیر مؤسسه شیعه‌شناسی قم است. تبیان صادق درباره ضرورت پرداختن به رد عقاید وهابیت در عصر حاضر، سرگذشت و آرای میرفندرسکی از جمله آثار این پژوهشگر است.



علیرضا اعرافی: وی در سال ۱۳۳۸، در شهر میبد، واقع در استان یزد به دنیا آمد. وی در تفسیر، شاگرد آیت‌الله علی مشکینی و در هیئت شاگرد استاد حسن حسن‌زاده آملی بود. در درس خارج‌فقه و اصول، شاگرد استادانی چون آیت‌الله حاج شیخ مرتضی حائری یزدی، آیت‌الله فاضل لنکرانی، آیت‌الله وحید خراسانی، آیت‌الله جواد تبریزی، آیت‌الله مکارم شیرازی و آیت‌الله شبیری زنجانی بود. او دروس اسفار اربعه، برهان شفا، فصوص‌الحکم و تمهید القواعد را نزد آیت‌الله جوادی آملی و بخشی از اسفار را نزد آیت‌الله شهید مطهری آموخته، در زمینه فلسفه، از آیت‌الله مصباح یزدی بهره‌های زیادی برد و برای فراگیری هیئت و ریاضی، از محضر علامه حسن‌زاده آملی بسیار استفاده کرد. از تألیفات وی می‌توان به فلسفه تعلیم و تربیت، آرای تربیتی دانشمندان مسلمان، جلد یک و جلد سه، مجموعه مقالات و سخنرانی‌ها و... اشاره کرد.



اجتماعی دانشگاه تهران و عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی است. پژوهش‌های او عمدتاً در حوزه نظریه‌های کلان جامعه‌شناسی و جامعه‌شناسی معرفت قرار دارد. او فارغ‌التحصیل دانشگاه منچستر



و دارای تحصیلات حوزوی است. از جمله تألیفات وی می‌توان به تجدیدشناسی و غرب‌شناسی: حقیقت‌های متضاد، نظریه‌های جهانی شدن: پیامد چالش‌های فرهنگ و دین و... اشاره کرد.

سیدمهدی خاموشی: وی متولد ۱۳۴۱ در تهران است. او

دارای مدرک تحصیلی دکتری فقه و حقوق جزا از مدرسه عالی شهید مطهری و سابقه ۱۵ سال درس خارج فقه و اصول حوزه علمیه و تحصیلات حوزوی از سال ۱۳۶۰ است. از سال ۱۳۸۰ تاکنون عهده‌دار ریاست



سازمان تبلیغات اسلامی بوده است. از سال ۱۳۶۱ تاکنون در مقطع متوسطه تدریس داشته و از سال ۱۳۶۹ تاکنون عضو هیئت علمی دانشگاه است. رساله فوق لیسانس او با موضوع جرم سیاسی در اسلام و رساله دکتری او با عنوان بررسی فقهی و حقوقی اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها دفاع شد. او عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی، عضو شورای فرهنگ عمومی کشور و عضو هیئت امنای دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم است.

فربیا علاسوند: وی در سال ۱۳۴۶ در شهرستان آغاجری

متولد شد. او تحصیلات حوزوی خود را از سال ۱۳۶۲ آغاز کرد و بعد از سال‌ها تحصیل و کسب علم به مرتبه استادی حوزه و دانشگاه در رشته‌های فقه، اصول، فلسفه و کلام و... رسید. او در حال حاضر عضو دفتر مطالعات و تحقیقات زنان حوزه



علمیه قم است و تألیفاتی همچون مهارت‌های زندگی با رویکردی دینی، زنان در موازنه حق و تکلیف، زنان در سیرة پیامبر (ص) و... دارد. او در زمینه شناسایی آسیب‌ها و نیازهای فرهنگی دینی بانوان و زمینه‌سازی جهت اثربخشی بیش از پیش حضور اجتماعی زنان داشته است.

آیینه‌وند در ۱۶ دی ۱۳۹۲، چندی پس از آغاز کار دولت حسن روحانی، طی حکمی به عنوان رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی منصوب شد. وی جایگزین حمیدرضا آیت‌اللهی شد. صادق آیینه‌وند در اردیبهشت سال ۹۴، دار فانی را وداع گفت.



محسن مومنی شریف: مومنی نویسنده و منتقد ادبیات

داستانی در سال ۱۳۴۶ در بیجار متولد شد. تحصیلات حوزوی خود را تا پایان سطح ادامه داد. وی کار خود را با دبیری سابق آموزش و پرورش آغاز کرد و مدتی کارشناس امور تربیتی بود. همچنین به مدت چهار سال مدیر داخلی مجله سوره نوجوانان، عضو مؤسس، بازرس و عضو اسبق هیئت‌مدیره انجمن قلم ایران نیز بوده است.



وی در طول بیست‌سال خدمت در حوزه هنری در بخش‌های مختلفی از آن چون مدیر کارگاه مفاخر ملی مذهبی حوزه، به مدت شش‌سال قائم‌مقام مرکز آفرینش‌های ادبی حوزه هنری و عضو شورای سیاست‌گذاری آن بود. وی همچنین مدیر دفتر تاریخ و ادبیات انقلاب اسلامی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و عضو شورای سیاست‌گذاری پژوهشگاه ادب و هنر و مدرس دانشگاه نیز می‌باشد. در اردیبهشت ۱۳۸۹، محسن مومنی شریف از طرف رئیس سازمان تبلیغات اسلامی، به ریاست حوزه هنری انتخاب شد.

علی معلم دامغانی: وی متولد ۱۳۳۰ در دامغان، است.

وی در سال ۱۳۸۰ در نخستین همایش چهره‌های ماندگار، به‌عنوان چهره ماندگار در عرصه شعر و ادب فارسی برگزیده شد. همچنین در دی‌ماه سال ۱۳۸۸، از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی



به‌عنوان رئیس فرهنگستان هنر انتخاب شد. محمدعلی معلم دامغانی، در شمار شاعران نسل اول انقلاب ایران (۱۳۵۷) است و بسیاری از شعرهای مطرح دوران انقلاب و دفاع مقدس از سروده‌های اوست.

حسین کچوییان: وی متولد سال ۱۳۳۸، در تهران است، جامعه‌شناس و عضو هیئت‌علمی دانشکده علوم



مجله «پوپک» نیز همراه شد. وی برای بچه‌ها داستان، نمایشنامه، فیلمنامه، نقد و مقاله‌های آموزشی فراوانی نوشته و شاگردان زیادی هم تربیت کرده است. رمانش با نام نیمه‌شب‌ی در حله نمونه‌ای است از نگارش



داستان‌هایی با صبغه دینی. نخستین جلد از مجموعه پنج‌جلدی «داستان‌نویسی قدم به قدم» با نام گشایش داستان در سال ۸۳ از او به چاپ رسید و مورد استقبال قرار گرفت. مظفر سالاری در کنار مسئولیت‌هایی چون معاونت فرهنگی هنری دفتر تبلیغات، سردبیری فصلنامه آفرینش را نیز بر عهده دارد و به ترجمه و تفسیر قرآن برای بچه‌ها و نگارش دایرةالمعارف موضوعی و الفبایی قرآن برای کودکان و نوجوانان هم می‌اندیشد. از جمله آثار وی می‌توان به آن روزی که افسانه آمد، درون‌مایه‌ها و دست‌مایه‌های نمایشی در قرآن و... اشاره کرد.

عبدالله حسن‌زاده: وی در سال ۱۳۵۴ قدم به حوزه علمیه قم گذاشت. دروس حوزه از ادبیات، معانی بیان، منطق، کلام، فلسفه، اصول، فقه و عرفان را گذراند. از سال ۶۳ پا به عرصه ادبیات و هنر گذاشت. در این زمینه، درس‌های ادبیات معاصر، آیین نگارش و ویرایش، ادبیات دراماتیک، داستان‌نویسی، نمایش‌نامه‌نویسی، فیلم‌برداری، فیلم‌نامه‌نویسی، نقد و تحلیل فیلم، کارگردانی سینما، طراحی و نقاشی، عکاسی و ادبیات کودکان و نوجوانان را گذراند. اکنون به‌عنوان مدیر مسئول و سردبیر سلام بچه‌ها و پوپک و سردبیر سنجاقک و حدیث زندگی، فعالیت می‌کند.



مهوش مشیری: او متولد دی ماه سال ۱۳۲۸ و دانش‌آموخته دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران است. وی تصویرساز، گرافیست و نویسنده برجسته‌ای است که دارای سوابق درخشانی چون داور دوسالانه تصویرگری براتیسلاوا و مدرس تصویرسازی دانشگاه تهران، عضو شوراهای گرافیک و تصویرسازی کانون پرورش فکری، صبا و... داور جشنواره‌های هنر دینی، تصویرسازی، گرافیک، کتاب سال، کتاب سروش، مطبوعات و داور بیست سال ادبیات کودک و نوجوان در بخش ادبیات است.



هیئت نظارت بر نشر کتاب کودک و نوجوان

محسن چینی‌فروشان: محسن چینی‌فروشان متولد سال ۱۳۳۱، در اصفهان و فارغ‌التحصیل رشته راه‌ساختمان و فوق‌لیسانس برنامه‌ریزی فرهنگی است. او در ارتباط با کودکان و نوجوانان خاصه در رشته آموزش و پرورش عهده‌دار مشاغل مختلفی بوده است. وی



مسئول مجلات تربیتی آموزشی رشد، عضو شورای عالی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش کتاب‌های درسی، مدیرکل دفتر انتشارات کمک‌آموزشی آموزش و پرورش و مسئول مدارس جمهوری اسلامی ایران در اروپا بوده و از سال ۱۳۷۱ تا سال ۱۳۸۸، مدیرعامل کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان نیز بوده است. در دوره وی، فیلم بچه‌های آسمان در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان تهیه شده است. او چند دوره عضو هیئت داوران جشنواره فیلم‌های تربیتی آموزشی رشد و نیز نماینده مؤسسه سیغز در هیئت داوران جشنواره فیلم‌های کودکان حیدرآباد هند بوده است.

جواد محقق: نویسنده، شاعر و روزنامه‌نگار معاصر در سال ۱۳۳۳ در همدان متولد شد. وی تحصیلاتش را در همدان گذراند و در سال ۱۳۵۸ به‌عنوان دبیر ادبیات به استخدام آموزش و پرورش درآمد و سال‌ها در مدارس شهری و روستایی تدریس کرد. محقق در سال ۱۳۶۶ برای تدریس در مدارس ایرانی خارج از کشور، ابتدا به پاکستان و سپس به ترکیه رفت. پس از بازگشت، در سال ۱۳۶۹، به سردبیری ماهنامه رشد معلم انتخاب شد و طی ۱۳ سال، بیش از ۱۱۰ شماره آن را منتشر کرد. او بعدها سردبیری ماهنامه‌های «رشد نوجوان» و «رشد کودک» و فصلنامه‌های «جوانه» و «رشد آموزش هنر» را هم بر عهده گرفت و ده‌ها شماره از آن‌ها را نیز مدیریت کرد. از جمله آثار وی می‌توان به قصه مرد بزرگ پایتی، مردی چو آفتاب، با آخرین رسول، تاوان عشق، مثل من به انتظار اشاره کرد.



مظفر سالاری: متولد اسفند ۱۳۴۱ در شهر یزد است. از سال ۷۱ همکاری‌اش را با مجله سلام بچه‌ها به‌عنوان مسئول داستان آغاز کرد و دو سال بعد، با همین عنوان با

ممیزی کتاب یا استانداردسازی



کیوان امجدیان
نویسنده و روزنامه‌نگار

انتقادات نمی‌داد و ظاهراً این‌طور بود که یا این انتقادات را برایش مهم نیست یا به‌دلیلی نمی‌تواند پاسخ انتقادات را بدهد.

همان ایام، کارشناسان اداره کتاب از برخورد دوگانه بعضی از ناشران، به‌شدت گله داشتند؛ ناشرانی که همگی در حوزه ناشران جبهه معارض قرارداشتند. آن‌ها معتقد بودند این شیوه برخورد، غیرصادقانه است که چون طرفت به هر دلیلی حرف نمی‌زند، به روش‌های مختلف، به او حمله کنی. شیوه بعضی از این ناشران در همین مقطع، این بود که از سویی، روزانه تعداد زیادی کتاب به اداره کتاب بفرستند و کاری کنند تا کارشناسان اداره کتاب، به‌لحاظ کثرت کتاب‌های رسیده، موفق به خواندن آن‌ها نشوند. از سوی دیگر، ادعا کنند که هیچ کتابی به اداره کتاب نخواهند فرستاد. شاید توطئه‌ای که در آن مقطع شکل گرفت تا اداره کتاب نهادی ناکارآمد جلوه کند، به‌تنهایی آن‌قدر مهم باشد که در مجال دیگر، به آن پرداخته شود؛ اما در حال حاضر، قصد داریم به سیاست‌های دولت کنونی درباره ممیزی کتاب بپردازیم.

رئیس‌جمهور در اولین برنامه زنده تلویزیونی خود،

ممیزی کتاب موضوعی است که همواره در دو دولت گذشته، از سوی ناشرانی که عموماً گرایش‌های شبه‌روشن‌فکری داشتند، با برنامه‌ریزی منسجم و ایجاد هماهنگی با بعضی رسانه‌ها، از آن در جایگاه ابزاری مؤثر برای حمله به دولت استفاده شده است.

در واقع، با این اتفاق، افرادی که همیشه داعیه فرهنگ داشتند و مدعی بودند که نباید فرهنگ به ابزار و پله‌ای برای سیاسی‌ها بدل شود، حالا خود، عامدانه فرهنگ را قربانی سیاست می‌کردند.

ممیزی کتاب که مسئله‌ای مربوط به حوزه فرهنگ بود، حالا به ابزاری برای سیاسی‌کاری و تأثیر سیاسی و در نهایت، رسیدن به هدف مطلوب و برنده‌شدن افراد مطلوب آن گروه، در جدال‌های سیاسی تبدیل شده بود.

تقریباً روزی نبود که یک مترجم از طولانی شدن زمان معطلی کتابش در اداره کتاب ننالد. ناشرها هم که شمشیر را از رو بسته بودند و حتی مدعی بودند که تا وقتی دولت عوض نشود، کتاب به اداره کتاب نمی‌فرستند.

اداره کتاب و وزارت ارشاد هم هیچ پاسخی به این

«رئیس‌جمهور در اولین برنامه زنده تلویزیونی خود، به‌منظور ارائه گزارش صدروزه دولت برای ملت اذعان کرد: «خیلی از نویسندگان ممنوع‌القلم شده بودند، ما آن‌ها را تبدیل به سریع‌القلم کردیم. شاید از همین جا بود که دور جدید حمله‌ها علیه ممیزی کتاب در دوره گذشته و تلاش برای ازبین‌بردن یا تضعیف ممیزی کتاب شکل گرفت.»



« اهمیت کتاب و

کتاب خوانی برای مقام

معظم رهبری، به حدی

است که همواره ورود

کتاب‌های با ارزش

به نمایشگاه، برای

بازدید مردم و البته

وقت گذاشتن بیشتر

مردم برای کتاب و

کتاب خوانی به دغدغه

جدی معظم له تبدیل

شده است. این دغدغه

ایشان را می توان در

نوع نگاه ایشان به

کتاب‌های مختلف،

از نوع موضوع کتاب

گرفته تا حتی طرح

روی جلد کتاب و

نظریات ایشان برای

بهبود کیفیت هر چه

بهرتر کتاب، مشاهده

کرد

بهرتر کتاب، مشاهده کرد.

عملکرد وزارت ارشاد در دولت یازدهم، در بخش کتاب و خصوصاً ممیزی، از سال ۹۲ تاکنون، حتی با نگاهی خوش‌بینانه، دارای حواشی بسیار زیادی بوده است.

با رجوع به روزهای آغازین و رسمی دولت یازدهم و دو گفت‌وگوی رئیس‌جمهور و وزیر ارشاد در باب ممیزی کتاب، خیلی‌ها معتقد بودند که یکی از اساسی‌ترین برنامه‌هایی که دولت در بخش فرهنگ دارد، آزادسازی کتاب‌ها و نویسندگان مسئله‌دار است. وزیر ارشاد در مردادماه سال ۹۲، در گفت‌وگویی و در پاسخ به پرسش‌هایی در باب ممیزی کتاب گفت: «ممیزی را به ناشران واگذار نمی‌کنیم. ممیزی قبل از نشر را برمی‌داریم. خود ناشر وقتی روی کتابی سرمایه‌گذاری می‌کند که ۳ هزار تیراژ دارد، می‌داند اگر آن کتاب از چارچوب‌های قانونی خارج بشود، سرمایه‌اش دچار مشکل می‌شود و مجبور است صفحاتی از کتاب را تغییر بدهد تا با ضوابط، منطبق شود. لذا از همان اول، ناشر این ضوابط را مراعات خواهد کرد. بعد نوبت ممیزی بعد از انتشار می‌رسد که آن هم باید در چارچوب قانون باشد. این کار را باید افراد صاحب‌نظر و اهل فکر انجام دهند و از خرده‌گیری و اعمال سلیقه شخصی خودداری شود.

همان کاری که قبل از چاپ انجام می‌شد، بعد از چاپ انجام می‌شود.» رئیس‌جمهور هم در اولین برنامه زنده تلویزیونی خود به‌منظور ارائه گزارش صدروزه دولت برای ملت اذعان کرد: «اما باید به نویسندگان

به‌منظور ارائه گزارش صدروزه دولت برای ملت اذعان کرد: «خیلی از نویسنده‌ها ممنوع‌القول شده بودند، ما آن‌ها را تبدیل به سریع‌القول کردیم. شاید از همین جا بود که دور جدید حمله‌ها علیه ممیزی کتاب در دوره گذشته و تلاش برای از بین بردن یا تضعیف ممیزی کتاب شکل گرفت.»

با این وجود، همه آن‌ها که تلاش می‌کنند تا ممیزی را بردارند، خوب می‌دانند که مقام معظم رهبری به‌شخصه علاقه‌مند به کتاب و مطالعه هستند و در نتیجه، به‌شدت روی این حوزه متمرکزند و با دقت و وسواس به رصد وضعیت در این بخش، می‌پردازند. ایشان همچنین، همان‌قدر که علاقه‌مند و حامی رشد و توسعه کتاب‌های سالم هستند، به‌همان اندازه مستحکم، اجازه نخواهند داد کتاب‌هایی با مشکلات اخلاقی و اجتماعی و... در جامعه توزیع و منتشر شود. مقام معظم رهبری از سال ۱۳۶۶ و دوران ریاست جمهوری تا همین امسال، به‌صورت منظم، اگرچه با افت و خیز زیاد و کم، از نمایشگاه کتاب بازدید کرده‌اند. شاید همین، برای صحت ادعای مذکور، کافی باشد.

اهمیت کتاب و کتاب‌خوانی برای مقام معظم رهبری، به‌حدی است که همواره ورود کتاب‌های با ارزش به نمایشگاه، برای بازدید مردم و البته وقت گذاشتن بیشتر مردم برای کتاب و کتاب‌خوانی به دغدغه جدی معظم له تبدیل شده است. این دغدغه ایشان را می‌توان در نوع نگاه ایشان به کتاب‌های مختلف، از نوع موضوع کتاب گرفته تا حتی طرح روی جلد کتاب و نظریات ایشان برای بهبود کیفیت هر چه

می‌شود، حداکثر ۴ تا ۳ هزار کتاب است که شامل ممیزی می‌شود، تشریح کرد: «ممیزی بخش عمده‌ای از این کتاب‌ها، مربوط به آسیب‌هایی است که ممکن است به زبان فارسی وارد کنند و موضوعاتی از این دست. در این بین، درصد خیلی کمی باقی می‌ماند که ممیزی به معنای مد نظر ما درباره آن اعمال می‌شود و به لحاظ نسبت هم اگر بررسی کنیم، نسبت قابل توجهی نیست»

وی با تأکید بر اینکه ممیزی یک قانون است، گفت: «رئیس‌جمهوری و وزیر ارشاد و سایرین موظفاند قانون را اجرا کنند و اگر در ارتباط با این قانون، اصلاحاتی مد نظر دارند، مسیر قانونی آن را طی کنند و تجدید نظری در آن بکنند و چون رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی هم هستند و این قانون هم مصوبه عالی شورا است، در این مورد، دستشان باز است و می‌توانند اصلاحات مدنظر را انجام دهند.»

فضائلی موضوع ممیزی را فقط مختص به کشور ایران ندانست و ادامه داد: «خیلی از کشورها که حتی مدعی آزادی بیان و اندیشه آزاد هستند، محدودیت‌هایی در حوزه کتاب اعمال می‌کنند؛ به طوری که در اکثر قریب به اتفاق کشورها، به خصوص کشورهای اروپایی، موضوع «هولوکاست» جزء ممیزی‌هاست؛ کتاب‌های بسیاری سراغ داریم که موضوع هولوکاست بوده و مجوز نشر نگرفتند و امروز، ما می‌بینیم که با موضوع هولوکاست، کتابی در اروپا چاپ نمی‌شود.»

مهدی فضائلی تأکید کرد: «اگر خواهیم واقع‌بینانه نگاه کنیم، اصل ممیزی مسئله‌ای غیرقابل انکار است و در همه دنیا به نسبت‌های متفاوت وجود دارد؛ اما آنچه مهم است، نحوه نظارت و اجرای بر این قانون است که می‌تواند بسیار تنگ‌نظرانه باشد یا برعکس، می‌تواند چارچوب‌های وسیع‌تری نسبت به شرایط کشور و تعریفی که ما از امنیت ملی، دین و اخلاق می‌کنیم، داشته باشد.»

اما دکتر حسن روحانی همچنان بر همان اعتقاد اول بود و در مراسم افتتاح نمایشگاه کتاب، به مسئله ممیزی پیش از انتشار کتاب‌ها اشاره کرد و گفت: «هیچ‌کس در ممیزی، بالاتر از وجدان افکار عمومی نیست؛ آن‌ها می‌دانند به استقبال چه کتابی بروند و چه کتابی را در انزوا قرار دهند. صاحبان فرهنگ ما نیاز به ارشاد و گشت ارشاد ندارند.»

به‌هرروی، هنوز نه وزیر ارشاد و نه حتی رئیس‌جمهور، نتوانسته‌اند راه دیگری را جایگزین ممیزی کتاب کنند. ممیزی که همه‌جای دنیا وجود دارد و با عناوین مختلفی از جمله استانداردسازی و معیارسازی در حال انجام است.

و فیلم‌سازان اعتماد کنیم. در همین صددوره، دیدیم خیلی از کتاب‌هایی که ممنوع شده بود و می‌شد آزاد شود، آزاد کردیم و به چاپ رسید. خیلی از نویسندگان ممنوع‌القلم شده بودند، ما آن‌ها را تبدیل به سریع‌القلم کردیم.»

از همان ایام، بعضی از رسانه‌ها، تضعیف جایگاه ممیزی را کلید زده بود. هر روز چیزی منتشر می‌شد که در ممیزی دوره گذشته گفته بودند، دست رد به سینه یکی‌زدن حذف شود. «زن چاق» را حذف کرده بودند و... که معلوم نبود راست است یا دروغ و هیچ سندی برایش ارائه نمی‌شد. انگار تلاش می‌شد تا ممیزی به ریشخند گرفته شود.

این در حالی است که طبق نظر فقهی بسیاری از علما و فقها، جلوگیری از گمراهی جامعه، از امور واجب است. بر همین اساس، حتی فروختن کاغذ به کسی که مطالب گمراه‌کننده در آن کاغذها می‌نویسد، «حرام» است؛ زیرا کسی که به کتاب گمراه‌کننده و فاسد، مجوز چاپ می‌دهد، زمینه را برای فاسدکردن جامعه فراهم می‌کند.

از آن پس، نظریه‌دادن‌ها شروع شد. در نهایت، سه پیشنهاد از پیشنهادهایی بود که روی آن‌ها زیاد مانور داده می‌شد:

نظارت پیش از چاپ برداشته شود و به بعد از چاپ انتقال یابد؛

نظارت به کل، به ناشران واگذار گردد؛

نظارت به شهرستان‌ها منتقل شود و هر ناشر بتواند برای مجوز کتابش از شهر محل اقامتش اقدام کند.

بحث ممیزی آن قدر شدت گرفت که خیلی‌ها بوی بد توطئه را حس کرده بودند؛ توطئه‌ای که قصد داشت ممیزی را تمام و کمال از بین ببرد. اتفاقی که حتی در دوره طاغوت هم نیفتاده بود؛ اگر چه در آن زمان، خط قرمز، فقط مسائل سیاسی بود و توهین به شاه و... .

مهدی فضائلی مدیر انتشارات سروش با اشاره به اینکه بحث ممیزی به هیچ وجه بحث اصلی در حوزه کتاب نیست، گفت: «ما و سایر اهالی نشر معتقدیم که موضوعات بسیار مهم‌تری در حوزه کتاب و نشر وجود دارد که اصلاً به آن‌ها پرداخته و حتی اشاره نمی‌شود.» وی افزود: «مسئله‌ی مانند گرانی کاغذ و هزینه‌های مالی ناشران، شبکه توزیع کتاب، و پتروئید محدودی که در کشور به کتاب اختصاص پیدا کرده، تعداد کم فروشگاه‌های کتاب و مشکلاتی که کتاب‌فروشی‌ها دارند و پایین بودن سطح کیفی کتاب‌ها، گریبان‌گیر ناشران است.»

مدیر انتشارات سروش با بیان اینکه بین ۷۰ تا ۷۰۰ هزار عنوان کتابی که در طول سال چاپ

«طبق نظر فقهی بسیاری از علما و فقها، جلوگیری از گمراهی جامعه، از امور واجب است. بر همین اساس، حتی فروختن کاغذ به کسی که مطالب گمراه‌کننده در آن کاغذها می‌نویسد، «حرام» است؛ زیرا کسی که به کتاب گمراه‌کننده و فاسد، مجوز چاپ می‌دهد، زمینه را برای فاسدکردن جامعه فراهم می‌کند»

هدایت جامعه وظیفه ذاتی حاکمیت است



محمدرضا یقینی
مدیرعامل کانون اندیشه جوان

۵۱

برونده ویژه
نظارت بر کتاب
یادداشت

اساساً فلسفه وجودی حاکمیت اسلامی، هدایت و تربیت است. از این رو، امیر مؤمنان^(ع) فرموده‌اند: «من نصب نفسه للناس اماماً فعلیه أن یبدأ بتعلیم نفسه قبل تعلیم غیره و... و معلم نفسه و مؤدبها احق بالاجلال من معلم الناس و مؤدبهم».

در زمانی که تربیت و هدایت جامعه از طریق حکومت ممکن نباشد، حکومت دینی فلسفه وجودی خود را از دست می‌دهد و بدین ترتیب، چنین حکومتی در جهان بینی دینی، از آب بینی بز، پست تر است: «لَأَلْفَيْتُمْ دُنْيَاكُمْ هَذِهِ أَهْدَى عِنْدِي مِنْ عَقْطَةِ عَنَزٍ». این هدایت نیز از طریق همه ابزارهایی که در دست حکومت قرار دارد، اعمال می‌شود؛ همه قوای سه‌گانه و نیروهای نظامی و انتظامی، در خدمت همین هدف‌اند. در گرم‌گرم کارزار صفین، فردی به نزد امیر مؤمنان^(ع) آمد و عرض کرد که سؤالی دارم. آن حضرت فرمودند: «سؤال را بپرس.» او گفت: «مقصود از یگانگی خداوند چیست؟» اصحاب آن حضرت به فرد سؤال کننده شوریدند که «مگر تشست خاطر حضرت را نمی‌بینی که چنین سؤالی را در وسط معرکه می‌پرسی؟!» امام حکمت فرمود: «او را رها کنید که اصلاً ما برای همین شمشیر می‌زنیم».

مقام معظم رهبری در جایی همه واجبات الهی و از جمله جهاد را در ذیل «امر به معروف و نهی از منکر»، مطرح می‌فرمایند که هدف از این دو واجب نیز چیزی جز هدایت نیست. چنان که سیدالشهدا، هدف خود از قیام را همین امر به معروف و نهی از منکر معرفی

می‌نماید و در عین حال، می‌فرماید که می‌خواهم به سیره جدم و پدرم اقتدا کنم. بنابراین، تمام ارکان حکومت دینی به منزله «رسانه»‌اند. برای رساندن پیام هدایت که از بارزترین مصادیق این رسانه در گذشته منبر و بعدها کتاب بوده، هر چند قرآن کریم نیز به‌عنوان کتاب از همان نخست در میان مسلمانان، حضور زنده‌ای داشته است و امروزه هم هر چند ابزارهای رسانه‌ای دیگر حضور دارند، از اهمیت رسانه‌های گذشته، چیزی کاسته نشده است. در نتیجه، حکومت دینی نمی‌تواند در برابر این مقوله بی‌عنایت باشد که اساساً با فلسفه تأسیس آمیختگی دارد.

قطعاً آنچه زمینه‌ساز هدایت است، تفکر است و نمی‌توان از جامعه‌ای انتظار داشت که از تفکر و نقد بپرهیزند؛ اما بصیرت هم داشته باشند؛ مگر آنکه بگوییم «بصیرت یعنی همان که من می‌گویم» که این هم، تبعیت کورکورانه است و هر جا تبعیت کورکورانه باشد، جامعه در معرض لغزش خواهد بود. امروز به دنبال زید می‌رود و فردا به دنبال عمرو؛ شبیه آنچه در صدر اسلام شاهد بودیم که آمدند، به مردم گفتند که سؤال نپرسید، پاسخ پرسش‌ها را با شلاق دادند آن‌ک تفسیر سوره زاریات در الدر المنثور سیوطی^[۱] و نتیجه این شد که اگر مسلم بیاید، با او بیعت می‌کنند. اگر ابن زیاد هم بیاید، باز با ابن زیاد بیعت می‌کنند؛ اگر علی بیاید یا معاویه، فرقی نمی‌کند. یاد گرفته‌اند کورمنشانه به دنبال هر صدایی بروند «... و هَمَّجَّ زَعَاغُ أَتْبَاعُ كُلِّ نَاعِقِ يَمِيلُونَ مَعَ كُلِّ رِيحٍ». این، عوام‌بار آوردن جامعه است؛ در حالی که

«در زمانی که تربیت و هدایت جامعه از طریق حکومت ممکن نباشد، حکومت دینی فلسفه وجودی خود را از دست می‌دهد و بدین ترتیب، چنین حکومتی در جهان بینی دینی، از آب بینی بز، پست تر است»

خود عمل نموده‌اند و بدین ترتیب، آن قانون، مشروعیت ندارد؛ چون توصیه‌ش فصولنا و اقدامی بیرون از حدود و کالت بوده است. امروز نیز اگر دولت، خود را فاقد مسئولیت درباره این مقوله هدایت عقلانی و معنوی مردم بداند، خود را دولتی سکولار فرض نموده، که چنین دولتی برآمده از قانون اساسی جمهوری اسلامی نخواهد بود، در حالی که مردم، این دولت را بر مبنای میثاق قانون اساسی برگزیده‌اند که مأخوذ از اسلام است. البته بعید است که مسئولان محترم چنین دیدگاهی داشته باشند و آنچه عرض شد، فرضی تئوریک است که امیدوارم این فرض منتفی باشد. ولی باید توجه داشت که اگر از روی غفلت، سم را به جامعه‌ای بخورانیم، در عمل همان آثاری را دارد که با قصد سوء، این کار را انجام دهیم.

در پایان، مجدداً بر این دغدغه فرهنگی بسیاری از دل‌سوزان جامعه، از جمله مراجع معظم تقلید، تأکید می‌ورزم که نکنند این دیدگاه خطرناک در بین مسئولان دولتی وجود داشته باشد که دولت، متکفل بهشت و جهنم مردم نیست که اگر خدای نکرده چنین نگرشی وجود داشته باشد، یعنی مسئولان، خود را کارگزار یک نظام لائیک فرض نموده‌اند که این فاجعه خواهد بود؛ چون کارکردها و بازدهی ایشان هم بازدهی چنان نظامی خواهد بود. این دقیقاً مثل این است که وزارت بهداشت خود را در برابر یک اپیدمی کشنده، مسئول نداند و همان‌طور که این امر، ناآشنایی مسئولان این وزارتخانه با وظیفه ذاتیشان را می‌رساند، در مقوله فرهنگ هم شبیه همین داستان است.



در تربیت اسلامی، بنیاد جامع‌ه حدالامکان از خواص باشند؛ تحلیل داشته باشند و بفهمند چه می‌کنند و کجا می‌روند و شرط لازم این هدف، تفکر و اندیشه است و لازمه تحقق تفکر، آزادی بیان، آرا و افکار است: «فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ...» در ادامه آیه، بندگانی که اقوال را می‌شنوند و از بهترینش تبعیت می‌کنند، «اولوا الالباب» معرفی می‌شوند: «أولئك الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمُ أُولُوا الْأَلْبَابِ»؛ یعنی: این‌ها هستند که هدایت شده‌اند و همچنین، این‌ها هستند که صاحب خردند. یعنی اصلاً صاحب خرد، غیر این نیست و هدایت‌شده هم جز ایشان نیست. ولی از جمله خطرناک‌ترین رهن‌های این اندیشه‌ورزی و خردمندی، آلوده کردن ساحت فکر به نیرنگ‌بازی و مغالطه‌گری است و نیز غلبه دادن شهوات و تمایلات و هیجانات بر تأمل، همراه با سعه صدر و خویش‌داری متعقانه است؛ اینجاست که حاکمیت و نهادهای پیش‌بینی‌شده در حاکمیت، موظف‌اند که وارد شوند و از ساحت اندیشه‌ورزی و دفاع حرکت جامعه به سمت هدایت مبتنی بر معرفت، دفاع کنند

اما متأسفانه در فضای فعلی، شاهدیم که در مواردی سنگ‌ها بسته شده‌اند و سگ‌ها گشوده‌اند. سوگوارانه باید گفت که شاهدیم دست‌هایی که به نقد مشفقانه و ناصحانه گشوده شده، بریده شده و در مقابل، آن‌که لجن عفن بی‌اخلاقی را در جامعه می‌پراکند، بدون محدودیت و دردسر، فرصت جولان پیدا می‌کند که هرچند این موارد، اکثریت نیست؛ اما حتی یک مورد آن، گل به دروازه خودی است. آیا بزرگواران، هورای تیم مقابل را برای شوت سرکششان نمی‌شنوند؟!

وظیفه نظارت و هدایت، همان‌طور که پیش از این عرض شد، وظیفه ذاتی ارکان حاکمیت و از جمله دولت است؛ یعنی اگر دولت به مشکل تورم و رکود و دهن زباله و... هم باید پردازد، همه به همین خاطر است؛ یعنی این وظایف، همه به تبع آن، وظیفه هدایت و طفیلی آن است. لذا یک وظیفه ذاتی حتی در صورت واگذاری به غیر، از عهده خود دولت ساقط نمی‌شود و باز لازم است که دولت بر همان نهاد نظارتی، نظارت کند که آیا به درستی نظارت انجام گرفته یا نه. در اوایل انقلاب، بحثی بود که چرا خبرگان قانون اساسی، اصولی مثل ولایت‌فقیه را تصویب می‌کند و چرا مصوبه‌هایش باب میل جماعت غرب‌زده یا شرق‌زده نیست. در آن ایام، حضرت امام سخنانی فرمودند با این مضمون که دادند و بر همین اساس، وکلای خود را برای تعیین قانون اساسی انتخاب کرده‌اند، یعنی این وکلا فقط در چارچوب اسلام، مجاز در تدوین قانون هستند و اگر قانونی ورای اسلام تصویب نمایند، خارج از حیطه و کالت

«کنند این دیدگاه خطرناک در بین مسئولان دولتی وجود داشته باشد که دولت، متکفل بهشت و جهنم مردم نیست که اگر خدای نکرده چنین نگرشی وجود داشته باشد، یعنی مسئولان، خود را کارگزار یک نظام لائیک فرض نموده‌اند که این فاجعه خواهد بود؛ چون کارکردها و بازدهی ایشان هم بازدهی چنان نظامی خواهد بود. این دقیقاً مثل این است که وزارت بهداشت خود را در برابر یک اپیدمی کشنده، مسئول نداند»

کتاب‌هایی که در فاسد بودنشان اتفاق نظر وجود دارد

سامانه کارشناسی مجمع ناشران انقلاب اسلامی

یکی از نکاتی که صاحب‌نظران بسیاری، درباره ممیزی کتاب در وزارت ارشاد، مطرح می‌کنند، این است که «ممیزی ارشاد تضمین‌کننده محتوای سالم نیست» و از قضا، حرف درستی هم هست؛ یعنی ممکن است کتابی مجوز وزارت ارشاد را داشته باشد؛ ولی محتوای آن مضر باشد. البته، برخی سعی دارند که در این حرف تشکیک کنند و آن را ادعایی بی‌پایه و بی‌اساس جلوه دهند. فارغ از بحث‌های نظری و آسیب‌شناسانه‌ای که در این باره می‌شود و مفید هم هستند، بهترین اثبات برای این مدعا، نشان‌دادن تعدادی شاهد و گواه است؛ یعنی حتی اگر کتابی پیدا شود که مجوز وزارت ارشاد را داشته باشد و به طریق اولی، ممیزی هم شده باشد؛ ولی مضر و مفسده‌برانگیز باشد، مؤید آن است که ممیزی ارشاد تضمین‌کننده محتوای سالم نیست. البته، تعداد این کتاب‌ها، خیلی بیش از یکی دو کتاب است و حتی اگر بخواهیم درصدی از ضریب خطا را برای این کار، طبیعی و اجتناب‌ناپذیر فرض کنیم، باز هم تعداد آن‌ها، خیلی بیش از یک ضریب خطای طبیعی است. در این قسمت، به‌عنوان نمونه و بدون ذکر نام، توضیحی اجمالی درباره تعدادی از این کتاب‌ها می‌آوریم که اتفاقاً کتاب‌هایی هستند که در سال‌های اخیر و در دولت‌های دهم یا یازدهم مجوز گرفته‌اند؛ کتاب‌هایی که تعدادی از آن‌ها، جزو پرفروش‌ترین کتاب‌های بازار هم بوده‌اند و به‌دست تعداد زیادی از مردم هم رسیده‌اند؛ ولی متأسفانه، معیارهای یک کتاب ممیزی شده در ارشاد را ندارند.

خواننده را برای تأویل و تفسیرهای احتمالی کتابش آزاد بگذارد.

نویسنده رمان را به افرادی تقدیم می‌کند که طبق ادعای او در سرزمین هادس که شهری اساطیری است و ربطی به شرایط کنونی ندارد، شهید شده‌اند. در بین این شهیدا، نام افرادی چون محمد مختاری و محمدجعفر پوپنده نیز به چشم می‌خورد که در قتل‌های موسوم به زنجیره‌های توسط عناصر نفوذی در وزارت اطلاعات به قتل رسیدند و موجب شدند این خط انحرافی در نیروهای امنیتی کشف و به سزای اعمال خود برسند. البته نویسنده ادعا می‌کند که تمام تشابه‌ها تصادفی است و انتظار دارد سگ بودن تمام نیروهای بازجو، داشتن ردا، تسبیح، ریش، اسم کهریزک، شکنجه، نبود آزادی، صدای گلوله در کف خیابان، جریان داشتن وقایع در تیرماه و فرو کردن باتوم در... کاملاً اتفاقی و تصادفی تفسیر شود.

گروهی که زنی را چند روز به‌زور به جایی منتقل کرده‌اند و از او خواسته‌اند جاسوسی شوهرش را کند،

کمی داستان، مقداری صحنه‌های شهوانی کمی اسم سمبولیک و مقدار زیادی بیانیه سیاسی

اولین کتاب، کتابی است که در بهار ۹۴، از وزارت فرهنگ و ارشاد جمهوری اسلامی ایران مجوز گرفت. این کتاب، در بهترین حالت، یک داستان کوتاه است که نویسنده با بازی‌های پست‌مدرن کوشیده تعداد کلماتش را به اندازه یک داستان بلند افزایش دهد. در واقع، نویسنده، کمی داستان، مقداری صحنه‌های اروتیک و شهوانی، کمی اسم سمبولیک از اساطیر یونان و مقدار زیادی بیانیه سیاسی داشته که در وضعیت نابسامان مجوز کتاب در وزارت ارشاد، آنها را داخل یک هم‌زن ریخته و به اسم رمان وارد بازار کتاب کرده است.

نویسنده، در این رمان که مشحون از صحنه‌های اروتیک و الفاظ شنیع است، شیوه پست‌مدرن را برای داستان‌گویی خود انتخاب کرده و با استفاده سمبولیک از کاراکترها و فضاهای اساطیر یونانی می‌کوشد تا



« نویسنده ادعا

- می‌کند که تمام تشابه‌ها تصادفی است و انتظار دارد سگ بودن تمام نیروهای بازجو، داشتن ردا، تسبیح، ریش، اسم کهریزک، شکنجه، نبود آزادی، صدای گلوله در کف خیابان، جریان داشتن وقایع در تیرماه و فرو کردن باتوم در... کاملاً اتفاقی و تصادفی تفسیر شود

خیانت عاطفی قبح‌زدایی کند و زن را در انتخاب مردی به‌جز همسر، برای عشق‌ورزی مُحق جلوه دهد.

این رمان پر از توصیف ریز و جزئی اندام زن‌هاست. علاوه بر توصیف فضاها، دیالوگ‌ها و پوشش‌های ناهنجار، عفت قلم در این رمان، بارها زیر سؤال می‌رود و افراد مذهبی و سنتی در این رمان، همه بدبخت، مفلوک، بی‌سواد، بی‌فرهنگ و دارای دست‌بزن و بداخلاق هستند. در کل رمان، فقط شخصیت پدربزرگ، انقلابی است که او هم دیوانه‌ای بددهن و فحاش است که در خیابان‌ها راه می‌رود، به مردم فحش می‌دهد و در انتظار تفقد نظام از او، به‌دلیل مبارزه با رژیم شاه است.

ملغمه‌ای از بی‌هویتی،

سکس و ژست‌های شبه‌روشنفکرانه

رمان دیگر که ترجمه‌ی یکی از آثار نویسنده‌ای مشهور، با آمار فروش چندمیلیونی است، ملغمه‌ای از بی‌هویتی، سکس و ژست‌های شبه‌روشنفکرانه است که به‌اسم حقیقت، عشق و فرهنگ، به جامعه کتاب‌خوان غیرحرفه‌ای غالب شده است. یک مرد سی‌ساله، معلم ریاضی و نویسنده‌ای ناموفق است. یک دختر سی‌ساله، ورزشکار و قاتلی سریالی است. این دو، در ده‌سالگی، هم‌کلاس بوده و از آن زمان، هردو به یکدیگر عشق می‌ورزند و هیچ‌کدام از عشق دیگری به خود چیزی نمی‌دانند. این درحالی است که در این بیست سال، از یکدیگر دور بوده‌اند. متأسفانه، در سرتاسر رمان، حتی یک خانواده کامل که نظامی فرهنگی و اجتماعی داشته باشد، پیدا نمی‌شود.

نویسنده سعی می‌کند سه حیطة راز هم تفکیک کند و از طریق شخصیت‌های داستان، به مخاطب بقبولاند که این، تفکیکی درست است: «زن‌اشوبی» «عشق»، «رابطه جنسی». یک مرد یا زن می‌تواند هم‌زمان، همسر کسی باشد، عاشق کس دیگری و با افراد دیگری هم رابطه جنسی برقرار کند. مرد، به‌طور منظم، با زنی چهل‌ساله، متأهل و صاحب دو فرزند، رابطه جنسی دارد. زن نیز، به همراه دوستش و با به‌تنهایی، به شکار مردان موردعلاقه‌شان می‌روند تا ششی را با آن‌ها بگذرانند. البته به عقیده هر دو، این‌ها گذرا است و عشق، ماندگار است. حدود بیست درصد از رمان، به‌طور مستقیم، به مسائل جنسی می‌پردازد. فصولی از رمان به‌طور کامل، در بارها و مشروب‌فروشی‌ها و نهایتاً روی تخت‌ها جریان دارد. برای جذب مخاطب و همراه نگه‌داشتن او، بیش از ده مرتبه و در فواصل تنظیم‌شده، نویسنده به توصیف جزئیات دقیق سکس و رابطه جنسی می‌پردازد.

شخصیت مرد داستان، یک معلم و نویسنده غالباً

اکثراً با تمام بدنشان به‌صورت سگ است و یا سرشان؛ البته سگ‌هایی عجیب که زیردستان، آنها را «آقا» صدا می‌کنند؛ سگ‌هایی که تسبیح شاه‌مقصود در دست و ردای قهوه‌ای بر دوش دارند و ریش انبوهی هم دارند. این زن موردبازجویی که بسیار ترسیده است، مورد هتک قرار می‌گیرد و یکی از بازجوها با نشان دادن آلت مردانگی‌اش به او می‌گوید که با این «غول یک‌چشم» از او و تمام معترضان انتقام می‌گیرد: «با این غول یه‌چشمم از همه‌تون انتقام می‌گیرم ... این مملکت از این فرصتا برای آدمایی مثل من زیادگیر می‌یاد».

در بخش‌هایی از داستان نویسنده، عبارتهایی را به‌صورت چپ‌گرد و برعکس در کتاب قرار داده که با خوانش در آینه، مشخص می‌شود کلماتی است که بازجوها در برخورد با معترضان به‌کار می‌برند. این کلمات به‌حدی شنیع است که اشاره به آن در توان نگارنده این سطور نیست. البته نویسنده اشاره می‌کند که برای فهم بعضی مطالب نوشته‌ی او باید آنها را در آینه دید و برای آن مثال‌هایی نیز می‌آورد.

ارتباط یک زن با سه نفر:

همسر، معشوق و هم‌خوابه

رمان بعدی که از قضا، برنده جایزه شهید غنی‌پور هم هست، دومین اثر این نویسنده زن است که پس از مدت‌ها ماندن در پشت میزبانی ارشاد، در زمستان ۹۲، راهی بازار شد. داستان آن، به‌صورت سیال، بین دو یا سه‌زمان و از دو زاویه دید، روایت شده و در آن، نویسنده می‌کوشد با استفاده از این تکنیک، نبود پیرنگ قوی در رمان را مخفی کرده و مخاطب را تا آخر، با خود، همراه کند. رمان، از جهت فرمی، ضعف‌های معتناهایی دارد. شخصیت زن رمان که مانند رمان قبلی نویسنده، زنی است که دچار سردرگمی شده و در آستانه چهل‌سالگی، همه‌چیز هستی برایش سؤال‌برانگیز شده است، به‌هیچ‌وجه، به‌شکلی عمیق و جدی، برای خواننده معرفی نمی‌شود.

از ضعف‌های فرمی داستان که بگذریم، ایرادهای محتوایی آن بسیار فاحش‌تر و عمیق‌تر است. شخصیت زن با وجود شروع یک زندگی عاشقانه با دانشجویی که تمام عیب‌های او را ندیده گرفته و به رشد شخصیت او کمک بسیار می‌کند، در نیمه راه، عاشق دکتری می‌شود و نویسنده، با گذاشتن این دیالوگ در دهان دوستش که می‌گوید: «خیانت یعنی رابطه نامشروع با مردی غیر از همسر»، می‌کوشد این عشق را طبیعی جلوه دهد. در واقع، نویسنده با سؤال‌هایی شبیه این که «آیا عشق با ازدواج و هم‌خوابی و... هنوز باقی می‌ماند؟» و همچنین، با ارائه تعریفی نسبی از عشق، خیانت، وفا و مقوله‌های دیگری از این دست، می‌کوشد به‌نوعی، از

«نویسنده با

سؤال‌هایی شبیه

این که «آیا عشق با

ازدواج و هم‌خوابی

و... هنوز باقی

می‌ماند؟» و همچنین،

با ارائه تعریفی نسبی

از عشق، خیانت،

وفا و مقوله‌های

دیگری از این دست،

می‌کوشد به‌نوعی،

از خیانت عاطفی

قبح‌زدایی کند و زن

را در انتخاب مردی

به‌جز همسر، برای

عشق‌ورزی مُحق

جلوه دهد



می‌آید؟ جرعه‌ای شراب سر کشید و با خودش خندید. او هیچ‌وقت، هیچ چیز برایم ندوخت»
در این رمان، غیر از آموزش و تبلیغ انحرافات و یاد دادن شیوه‌های مختلف فریب خانواده، مرگ نیز به‌عنوان امری دم‌دستی معرفی می‌شود و آن‌قدر دختر در مرز خیال و واقعیت خود را مرده می‌بیند و توصیفات زیبایی از لحظات مردن و ایستادن نبض هستی ارائه می‌کند که به خواننده القا می‌شود مرگ آن قدرها هم ترسناک نیست و فقط تجربه‌ای متفاوت است که انسان را از رنج‌ها خلاص می‌کند.

مذهبی‌های نادان و زنازاده‌ای به نام مقدسه

در ادامه، به کتابی می‌رسیم که دومین اثر نویسنده آن است. نویسنده‌ای ایرانی که فارغ‌التحصیل رشته گرافیک و عضو انجمن نقاشان آمریکاست. این اثر، حاوی چهارده داستان کوتاه است. داستان‌ها همه بیانگر اندوه و غم بسیاری است که در سینه زنان نهفته و همه را شاک و نالان و سیر از زندگی می‌کند. زنان در دنیای نویسنده، اگر در جامعه دیده نشوند، بیشتر به یک انگل غرغرو، خیالاتی و مزاحم شبیه‌اند و اگر دیده شوند، حیثیت و هستی و نیستی‌شان در معرض حکم و حرف و عمل دیگران خواهد بود. بی‌پروایی و سپاه‌نمایی قلم نویسنده که پیشتر در اثر قبلی او کاملاً جلوه کرده بود، در این مجموعه نیز پنجه بر رخ مخاطب می‌کشد. در یکی از داستان‌ها، مرضیه، در هوس نوشابه تگری، از پسر همسایه، باردار می‌شود. دخترش، مقدسه، به دنیا می‌آید و او نیز با فریبی دیگر، در نوجوانی باردار می‌شود. در این شبه‌داستان‌ها، اسامی مذهبی در زنان، اغلب متعلق به زنانی است که نفهم و نان‌اند و غیبت، تهمت، دل‌شکستن و قضاوت در مورد دیگران و... جزو کارهای روزمره آنهاست؛ هاجر، خالفرقیه، منیرسادات، زهره، کلثوم و... همه اهل روضه و عزاداری‌اند؛ زبانی نیش‌دار دارند و با بی‌ادبی و هتاک‌ی زنی وامانده را در جمع دوره می‌کنند و با کنایه‌های خود، بازار تهمت و افترا را گرم می‌کنند و سرگرم می‌شوند؛ اما «سوری» که اهل عزاداری و جمع‌های مذهبی زنانه نیست، می‌فهمد و درک دارد و می‌داند چطور باید مقدسه را به بهزیستی منتقل کرد. در مردان هم ساجد، سعید، تقی، یعقوب، موسی و... یا هرزه‌اند یا قلدر و خشن؛ بعضی هم، مثل شیخ موسی، ثروتمند و شکم‌سپیرند و تنها هنرشان تور کردن زن‌هاست. نویسنده، متأسفانه، خط قرمزی هم برای خودش نگذاشته و از اسامی اهل بیت و مجالس مربوط به آنان نیز چشم‌پوشی نکرده و در لایه‌های داستان خود، تیغ کنایه و مضحکه را کشیده است؛ حاجیه بتول شوهر نکرده؛ چون پدرش خواب حضرت رقیه را دیده

خانه‌نشین است و در عوض، شخصیت زن داستان، یک ورزشکار و قاتل سریالی است. این بدبینی به جنس مذکر چنان در رمان غالب است که نمی‌توان نویسنده را فقط حامی حقوق زنان دانست، بلکه می‌توان او را نویسنده‌ای با گرایش‌های فمینیستی نامید.

دو فرقه مذهبی در این رمان نقش دارند: جامعه شاهدان و ساکیاگا که، اولی، فرقه‌ای مسیحی است که شخصیت زن از ایمان به آن دست برداشته و دومی، فرقه‌ای جدید و مخلوط از عقاید بودایی، مسیحی، کمونیستی و... است که کاملاً فاسد است. نویسنده، نه‌تنها در مقابل این دو فرقه هیچ دین حقیقی و درستی معرفی نمی‌کند، بلکه ایمان و مذهب را معادل با همین دو فرقه می‌گیرد و از زبان شخصیت‌های مختلف رمان به نقد مذهب و ایمان، به شکل عام آن، می‌پردازد. در بخشی از کتاب، درباره شخصیت زن، می‌گوید: «بیوسست یکی از چیزهایی بود که در دنیا از آن نفرت داشت؛ درست به‌همان اندازه که از مردان پستی که مرتکب خشونت خانگی می‌شدند و عقاید خشک مذهبی متنفر بود.»

رابطه جنسی یک مازوخیست و یک سادیست

پس از رمان قبلی که در نوع خود، پدیده‌ای در بی‌حیایی و پورنوگرافی بود، این رمان را می‌توان یکی از منحرف‌ترین مکتوبات چند سال اخیر دانست. این رمان، برای اولین بار، در بهار ۹۴، با ترجمه‌ای نه‌چندان خوب، وارد بازار شد. این رمان آسیایی که قصه‌ای دم‌دستی و سطحی دارد، به‌قدری بی‌جاذبه و تکراری است که اگر بازی‌های جنسی نویسنده را از آن حذف کنیم، چیزی در حد قصه‌های شب کودکان خواهد بود. رمان، داستان دختر ۱۷ ساله‌ای است که اتفاقی، با پیرمردی مترجم آشنا می‌شود و این آشنایی به یک رابطه جنسی از نوع «مازوخیسم» در دختر و «سادیسم» در پیرمرد می‌انجامد. در بخش‌هایی از داستان، آمده است: «لباس‌هایت را در بیاور.» اولین دستوری بود که به من داد و از این فکر که مخاطب این صدا الان فقط من هستم، به خود لرزیدم. سرم را تکان دادم؛ نه به‌نشانه امتناع، بلکه برای پنهان کردن لرزشم. گفت: «همه را.» زیر چهره آرامش، شوق و ناشکیبایی در هم آمیخته بود. مثل همیشه، تمام روز محبوب بود تا اینکه به جزیره رسیده بودیم. اینجا بود که سلطه‌اش بر من آغاز شد. یا: «حتی دختر خوشگلی مثل تو هم باید کمی به خودش برسد؛ وگرنه پسرها هیچ‌وقت توجه‌شان جلب نمی‌شود. یکی از همین روزها، برایت لباسی می‌دوزم که قسمت باسنش تنگ، ولی روی سینه‌اش کمی چین‌دار باشد؛ یک چیز شیک. خوش

«رمان، داستان دختر ۱۷ ساله‌ای است که اتفاقی، با پیرمردی مترجم آشنا می‌شود و این آشنایی به یک رابطه جنسی از نوع «مازوخیسم» در دختر و «سادیسم» در پیرمرد می‌انجامد. در بخش‌هایی از داستان، آمده است: «لباس‌هایت را در بیاور.» اولین دستوری بود که به من داد و از این فکر که مخاطب این صدا الان فقط من هستم، به خود لرزیدم. سرم را تکان دادم؛ نه به‌نشانه امتناع، بلکه برای پنهان کردن لرزشم. گفت: «همه را.»

زنا، به شرط توافق طرفین، منعی ندارد

در کتابی دیگر، با شمارگان ۲۰۰۰ نسخه، مؤلف دوستی‌های دختر و پسر و عشق‌بازی‌های قبل از ازدواج را راه‌حلی برای از بین بردن کم‌رویی معرفی می‌کند. او مقاربت جنسی را قانونی تلقی کرده است و در بخشی از کتاب، مستقیماً رابطه جنسی با دوست‌پسر را با ذکر جزئیات بیان کرده است. در بحث زنا، صرف توافق کردن یا نکردن طرفین را ملاک برای تجویز برقراری ارتباط معرفی می‌کند. استفاده از نیکوتین و الکل را برای بزرگسالان عادی دانسته است.

درمانی به نام خودارضایی

گذشته از مطالب فوق، یکی از چالشی‌ترین موضوعات بیان‌شده در برخی کتاب‌ها بحث استمنای خودارضایی است. متأسفانه علاوه بر نویسندگان خارجی، نویسندگان ایرانی هم به طرح این موضوع می‌پردازند. برای نمونه، در کتابی، نویسنده ایرانی در پاسخ به سؤال زن سی‌ساله درباره چگونگی رسیدن به ارگاسم می‌گوید: «درصد زیادی از زنان می‌توانند به آسانی و با حالت خاصی از تحریکات،

مانند خودارضایی، به ارگاسم برسند و همچنین، در کتابی دیگر، نویسندگان خارجی کتاب می‌نویسند: «سا (مؤلفین) به‌عنوان متخصص روابط جنسی، تحرکات دیگر، مثل استمنای نیز در روابط جنسی می‌گنجانیم. اگر در تعریف از رابطه جنسی تنها نزدیکی را بگنجانید، به احتمال زیاد، خود را از تجربه موارد زیاد دیگری محروم کرده‌اید و حداقل آن است که خود یا همسران را تحت فشار قرار می‌دهید. اگر چه استمنای از نظر مذهبی کار شایسته‌ای تلقی نمی‌شود، با توجه به بیماری‌های جنسی که این روزها در دنیا غوغا می‌کند و با توجه به نیاز انسان‌ها به ارضای جنسی، به‌عنوان متخصص این کار را رد نمی‌کنیم.»

حال، با نگاهی اجمالی به این کتاب‌ها و کتاب‌هایی با این مضامین، این سؤال در ذهن شکل می‌گیرد که آیا برسران ارشاد که به این کتاب‌ها مجوز داده‌اند، این کتاب‌ها را مطالعه کرده‌اند؟ آیا تعارض این مصادیق را با قانون ممیزی متوجه نمی‌شوند؟ بله، ممکن است بگویند ممیزی از خطا در نظام ممیزی وزارت ارشاد، پذیرفتنی و قابل مسامحه است؛ اما اولاً، تعداد این کتاب‌ها آن قدر زیاد است که احتمال خطای طبیعی از بین می‌رود و ثانیاً، اگر هم خطایی باشد، باید به‌گونه‌ای باشد که مثلاً از ده مسئله‌ای که در یک کتاب وجود دارد، یک مسئله از قلم بیفتد؛ اما طبیعتاً نباید این‌گونه باشد که از ده کتاب، یک کتاب کلاً از قلم بیفتد و هیچ ممیزی نشود.

که در دامن او عروسک‌بازی می‌کند و نتیجه گرفته که بتول نظر کرده حضرت است و نباید شوهر کند! خانه آنها سبزپوش شده و تبدیل به حسینیه‌ای که هر ماه، توی آن روضه برگزار می‌شود. او در جوانی، می‌خواست با پرسی فرار کند که پدرش مانع شده و او را در خانه حبس کرده. حالا حاجیه بتول در حسینیه‌اش مدیریت مجالس روضه و عزاداری را بر عهده دارد و این‌گونه است که مجالس اهل بیت (علیهم‌السلام) شکل می‌گیرد.

نویسنده، با دیدگاهی به‌شدت فمینیستی، می‌گوید: «زنان با اینکه قدرت زندگی دارند و سرشار از محبت و عشقتند، در زیر رنج‌های بی‌حساب اجتماعی و مردسالاری، خرد و شکسته می‌شوند و ضربه به رگ حیات آنان وارد می‌شود. سرنوشت آنان نادیده گرفته شده و دفن شده است؛ همین و دیگر هیچ.» در نهایت، با توجه به رویکرد سیاه‌نمایانه‌ای که خانم نویسنده در این کتاب اتخاذ کرده، انسان یقین می‌کند که یا زن موجودی اضافی است که هیچ نقطه مثبتی در برابر او نیست یا ایران جهنمی است که زن‌ها به آن تبعید شده‌اند.

چند جرعه شراب برای کاهش فشار عصبی

علاوه بر رمان‌ها و داستان‌هایی با مضامین بیان‌شده، متأسفانه امروزه با کتاب‌هایی مواجهیم که تحت لوای سخن علمی، ارزش‌های جامعه را هدف گرفته‌اند. یکی از این کتاب‌ها که در سال ۸۹ در شمارگان سه‌هزارتایی چاپ شده و در سال‌های بعد، دو شمارگان سه‌هزار و پنج‌هزارتایی دیگر هم از آن منتشر شده، درباره دخترانی است که در روابطشان با دیگران دچار مشکل هستند و با بعد از برقراری رابطه دوستی، همه‌چیز را خراب می‌کنند. نویسنده، در ابتدا، این دختران را به خودشان می‌شناساند و نقاط ضعفشان را نشان می‌دهد و در ادامه، به ارائه راهکارهایی برای تبدیل شدن به ایده‌آل‌های مدنظرشان می‌پردازد. وی، برای این منظور، دخترانی را که شاد و خشنود نیستند، به هشت گروه تقسیم می‌کند و توصیه می‌کند که از این نوع دختران نباشید.

اساس مطالب کتاب به‌گونه‌ای است که به دختران مختلف، توصیه می‌کند برای داشتن یک قرار ملاقات موفق با دوست‌پسر چه کار کنند تا دوست‌پسرشان را جذب خودشان کنند و بتوانند رابطه دوستی برقرار کنند و در نهایت، شاید ازدواج هم کردند. در لابه‌لای داستان‌هایی که تعریف می‌کند، چیزهایی مانند درآغوش گرفتن و بوسه‌زدن را هم می‌آورد.

در بخشی از این کتاب، سرکشیدن چند جرعه شراب را پیش از قرارهای آشنایی در کاهش میزان فشار عصبی مؤثر می‌داند.

در کتابی

دیگر، با شمارگان

۲۰۰۰ نسخه، مؤلف

دوستی‌های دختر و

پسر و عشق‌بازی‌های

قبل از ازدواج

را راه‌حلی برای

از بین بردن کم‌رویی

معرفی می‌کند. او

مقاربت جنسی را

قانونی تلقی کرده

است و در بخشی از

کتاب، مستقیماً رابطه

جنسی با دوست‌پسر

را با ذکر جزئیات

بیان کرده است



سخنرانی شه‌ریار زرنشاس در نمایشگاه کتاب تهران

تهاجم فرهنگی از طریق کتاب، یک حقیقت انکارناپذیر است

استاد شه‌ریار زرنشاس، با موضوع «کتاب به مثابه بستری برای تهاجم فرهنگی» در بیست‌وهشتمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، سخنرانی مفصلی داشتند که مشروح این سخنرانی را در ادامه می‌خوانید.

که نقش کتاب و نشردر تهاجم فرهنگی چیست؟ چون در اینجا یک مسئله مهم ظهور می‌کند و آن مسئله سانسور است و رویکرد فراگیری که در زمره مشهورات است، وجود دارد که هر نوع تأمل کردن در مضمون و محتوای کتب را در افکار عمومی، با یک انگ بزرگ سانسور محکوم می‌کند.

روی این موضوع باید بحث کرد که اصلاً مسئله نگاه کردن به کتاب و تأمل کردن در کتاب و اجازه نشر ندادن یا دادن، به چه دلیلی صورت می‌گیرد و در چه شرایطی است؟ که همان شرایط جنگ فرهنگی است. این را هم محور سوم قرار می‌دهیم.

محور چهارم این است که بینیم جریان تهاجم فرهنگی در عرصه کتاب چگونه ورود کرده و چه مضامینی را مورد توجه قرار داده است و آثاری که منتشر شده، نوعاً نه مصداقاً، کجا را دنبال کردند؟

محور پنجم بحث این است که بینیم جریان تهاجم فرهنگی از سال شصت تا الان، حداقل سه دهه، در هر یک از دهه‌ها، مضامین اصلی حرکتش با کانون‌های عمده حرکتش کجاها بوده است؟ یعنی، در حقیقت، تاریخچه حرکت مکتوب تهاجم فرهنگی را بحث کنیم. در محور ششم، درباره بحث نسبت کتاب، به‌عنوان ابزار استراتژیک تهاجم فرهنگی و اینکه چه باید کرد، صحبت می‌کنیم.

امروز می‌خواهیم درباره «کتاب به مثابه بستری برای تهاجم فرهنگی» صحبت کنیم. در این بحث، سعی می‌کنم به این موضوع بپردازم و ابهاماتی را که در این خصوص وجود دارد، بررسی کنم. چون به نظر می‌آید که خود مسئله نسبت میان کتاب و تهاجم فرهنگی و اصلاً نقشی که تهاجم فرهنگی می‌تواند از طریق کتاب داشته باشد، همچنین جریانی که از طریق آثار مکتوب می‌تواند ایجاد کند، محل تردید است؛ یعنی عملکرد بسیاری از مسئولین فرهنگی کشور، چه مسئولیتی که با آرمان‌های انقلاب همدلی دارند و چه مسئولینی که اولاً روشن‌فکر هستند و ثانیاً در مقام مسئول قرار می‌گیرند، کاملاً این موضوع را نشان می‌دهد که این افراد ابهام‌ها، تردیدها و نکاتی دارند که ظاهراً این نکته‌ها باید گفته شود. حال اینکه ما با گروهی هم روبه‌رو هستیم که آن‌ها می‌دانند و نمی‌خواهند بفهمند و تظاهر به نفهمی می‌کنند، بحث دیگری است.

بنابراین، بنده صحبتیم را در چند محور عنوان خواهم کرد. اول، درباره خود تهاجم فرهنگی واقعاً موجود حرف می‌زنم؛ یعنی بحث اول ما این باشد که تهاجم فرهنگی واقعاً وجود دارد. دوم، راجع به این صحبت می‌کنم که چرا تهاجم فرهنگی صورت گرفته است؟ یعنی اگر می‌گوییم تهاجم فرهنگی وجود دارد، چرا ظهور کرده است؟ سوم، راجع به این صحبت می‌کنیم

در عرصه فرهنگ و تبلیغات و جنگ روانی، به‌منظور پیشبرد اهدافشان استفاده می‌کنند. این را خودشان اعلام می‌کنند. یعنی تشکیلی به‌نام ناتوی فرهنگی در حدود سال‌های ۱۹۴۸، ۱۹۴۹ میلادی تشکیل می‌شود که درست به موازات شکل ناتوی نظامی است و این موضوع مکتوب‌شده و ثبت‌شده است. یعنی یک توهم و تخیل یا حرف یابوه نیست. این امری است که خود گردانندگان جنگ سرد در بلوک کشورهای سرمایه‌داری لیبرال، به آن اذعان دارند که آن‌ها برای مقابله با جریان مقابل خودشان در جنگ سرد که همان جریان سوسیالیستی بود، تشکیلی به نام ناتوی فرهنگی تشکیل دادند. این موضوع کاملاً روشن است که وقتی قدرت‌ها کنار هم قرار می‌گیرند، تقابل در عرصه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی صورت می‌گیرد. این امر عجیبی نیست که زمانی که دو قدرت، دو اندیشه، دو جهان، دو عالم مقابل هم قرار می‌گیرند، خب بخشی از این تقابل در عرصه فرهنگ باشد؛ همچنان که بخشی از آن در عرصه سیاست است، بخشی در عرصه اقتصاد است و ...



« ایجاد تشکیلی به‌منظور تضعیف ایدئولوژی حریف و ترویج آرای خود که تحت عنوان ناتوی فرهنگی تأسیس شد، امری رسمی و ثبت‌شده و اعلام‌شده است. پس مسئله اینکه قدرت، خودش را در عرصه فرهنگ هم نشان بدهد و فرهنگ به ابزاری برای اغراض سیاسی تبدیل شود، امر غریب و بعید و دوری نیست

ایجاد تشکیلی به‌منظور تضعیف ایدئولوژی حریف و ترویج آرای خود که تحت عنوان ناتوی فرهنگی تأسیس شد، امری رسمی و ثبت‌شده و اعلام‌شده است. پس مسئله اینکه قدرت، خودش را در عرصه فرهنگ هم نشان بدهد و فرهنگ به ابزاری برای اغراض سیاسی تبدیل شود، امر غریب و بعید و دوری نیست. اگر به عصر روشن‌فکری اروپا نگاه کنید، در قرن هجدهم، بخشی از حرکت جناح سرمایه‌داری نوظهوری که می‌خواست باقیمانده اشراف فئودال و سلطنت‌های آن را کنار بزند و قدرت را در دست بگیرد، بخشی از حرکتش در عرصه فرهنگ بود؛ تهاجمی را در عرصه فرهنگ به اندیشه‌های فئودالی و اندیشه‌های کلیسایی شروع کردند؛ کسانی مانند ولتر، روسو، هولوسوس، هولباخ، دیدرو و مونتسکیو و ... و این چیزی است که خود مورخین غربی و مدرنیست هم تأیید می‌کنند.

پس اولاً باید بفهمیم که تهاجم فرهنگی امر غریبی و امر عجیبی نیست. یعنی این نیست که ما تعجب کنیم؛ مثلاً فرهنگ مگر می‌تواند عرصه جنگ شود؟ مگر می‌تواند عرصه اغراض سیاسی شود؟ مگر می‌تواند عرصه هجوم برای شکست قدرت شود؟ بله می‌شود و شده است. در نمونه‌های عديده‌ای در تاریخ شده است.

سؤال بعدی این است که تهاجم فرهنگی که الآن در ایران درباره‌اش صحبت می‌شود، برای چه صورت می‌گیرد؟ چرا باید تهاجم فرهنگی صورت بگیرد؟ هدف این تهاجم فرهنگی چیست؟ اینجا به محور دوم بحثمان می‌رسیم.

ما برای فهم مقوله تهاجم فرهنگی، باید برگردیم

بحث اول این است که بفهمیم تهاجم فرهنگی واقعاً وجود دارد. یعنی تهاجم فرهنگی موجود را درک کنیم. چون این نکته‌ای است که ظاهراً خیلی‌ها یا متوجه‌اش نیستند یا نمی‌خواهند متوجه‌اش باشند. اگر یک نگاه دقیق کارشناسانه به آنچه در فضای فرهنگی کشور می‌گذرد، داشته باشیم، مسئله ظهور و بروز تهاجم فرهنگی را خیلی راحت درک می‌کنیم و می‌بینیم و من آن را با مصادیقی روشن خواهم کرد. تهاجم فرهنگی در عرصه مطبوعات، کتاب، فیلم‌های سینمایی، نمایش‌ها، آثار نقاشی، موسیقی و در همه این عرصه‌ها ظهور و بروز دارد.

ممکن است سؤال شود که مگر فرهنگ می‌تواند تهاجم کند؟ ممکن است بگوییم چرا می‌گوییم «تهاجم» فرهنگی؟ بگویید «تبادل» فرهنگی؛ بگویید عده‌ای آثارشان را منتشر می‌کند، می‌نویسند و مطرح می‌کنند، عده‌ای هم با این آثار مخالفت دارند. خب آن‌ها هم برونند آثار دیگری را متقابلاً بیان کنند. تبادل فرهنگی است. چرا از تهاجم فرهنگی حرف می‌زنید؟ چرا ماجرا را جنگی می‌کنید؟

بگذارید نگاهی کنیم به پیشینه تاریخی این مسئله در قرن بیستم؛ یعنی زمانی که رسانه‌ها، به‌عنوان ابزار قدرت، به‌طور تام و تمام، ظهور می‌کنند. البته ظهور رسانه مکتوب، به‌عنوان ابزار قدرت، از قرن بیستم آغاز نمی‌شود و از قرن هفدهم است؛ اما در قرن بیستم، به‌صورت بسیار سازمان‌یافته‌ای بلوک کشورهای متروپل سرمایه‌داری، بلوک کشورهای اصلی سرمایه‌داری، عنوان می‌کنند که از یک استراتژی و یک نوع حرکت تهاجمی



« از زمانی که در آغاز دوران قاجاریه، به طور مشخص از حدود سال‌های ۱۲۱۲، ۱۲۱۳ هجری قمری، استعمار غرب مدرن در امتداد حرکت جهان‌گشایانه استعماری که دارد و به سراغ چهار گوشه عالم رفت، به سراغ آمد و تحولی را شروع کرد که این تحول اساساً هدفش تغییر دادن صورت‌بندی تاریخی و هویتی ما بود و این کار را کرد. آن‌ها برای این دگرگونی، پروژه‌های داشتند که به آن «غرب‌زدگی شبه‌مدرن» می‌گوییم

همسو می‌شدند. برای این کار ناگزیر بود که ساخت‌های ماقبل‌مدرن تمدن‌های غیر غربی را در هم بشکنند. یکی از این ساخت‌ها ما بودیم. تمدن سنتی کلاسیک ایران و یا هر چه که نامش را بگذاریم. ایران اسلامی، تمدن اسلامی ایرانی، تمدن سنتی یا هر چه اسمش را بگوییم. آن‌ها ناگزیر بودند آن را بشکنند. نقطه حرکت این شکستن، تهاجم از طریق فرهنگ بود؛ تشکیل هسته‌های روشن‌فکری، تشکیل کاست روشن‌فکری که بعد این روشن‌فکرها هم تبدیل به دولتمرد شوند؛ تبدیل به بنیان نظام سرمایه‌داری شبه‌مدرن در ایران بشوند؛ تبدیل به بنیان و مروجان فرهنگ تجدد شوند و بتوانند این دگرگونی را ایجاد کنند و به پیش ببرند.

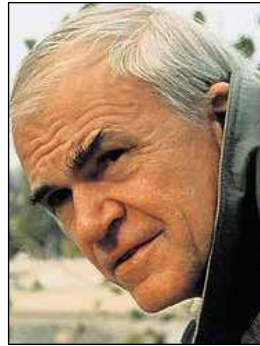
آن‌ها موفق شدند و این کار را کردند. از فردای تسلطشان بر جنبش مشروطه، از سال ۱۲۸۸ به بعد، روشن‌فکران هم‌سو با آن‌ها به قدرت رسیدند و توانستند در قالب رژیم پهلوی آن پروژه‌ای را که آن‌ها می‌خواستند، اجرایی کنند. یعنی صورت‌بندی تاریخی ما را تغییر دهند و صورت‌بندی تاریخی دیگری بیاروند که ما آن را با عنوان فراماسیون غرب‌زدگی شبه‌مدرن می‌شناسیم. این کار را هم کردند.

وقتی این کار را کردند، در سراسر دوران سلطنت پهلوی (آن ۵۷ سال)، بیش از ده سال قبل از آن، از سال ۱۲۸۸ با قدرت رسیدن اعضای لژ فراماسونری بیداری، به صورت سازمان‌یافته، این حرکت را شروع کردند. قبل از آن هم، حدود یک قرن، به صورت غیرحاکم ولی در عین حال، خیلی قدرتمند، این کار را انجام می‌دادند. وقتی این فراماسیون را عوض کردند، فراماسیون جدیدی

به پیشینه تاریخی‌مان؛ به دوپست سال اخیر تاریخمان. کشور ما، در دو قرن اخیر، در معرض مجموعه‌ای از تحولات بسیار بنیادین قرار گرفته است؛ تحولاتی که کل صورت‌بندی تاریخی ما را دگرگون کرده است؛ یعنی اگر به قبل از قرن سیزدهم هجری و قبل از آغاز سلطنت قاجاریه نگاه کنیم، از حدود ۱۷۹۶ میلادی که برابر است با حدود ۱۲۱۰ هجری قمری، هر چه به دوران‌های قبل به عقب بروید، یعنی بروید به دوران زندیه، افشاریه، صفویه، و همین‌طور به عقب برگردید، اگر چه گسست‌ها، فراز و فرودها و کشمکش‌ها را می‌بینید؛ اما در مجموع صورت‌بندی واحدی را می‌بینید که حاکم است و ما با عنوان تمدن سنتی ما، تمدن کلاسیک ما، تمدن ایرانی‌اسلامی ما و یا با هر عنوان دیگری، از آن یاد می‌کنیم. این صورت‌بندی، در عین فراز و فرودها، گسست‌ها و تکانش‌هایش یک روند واحد و یک وحدتی دارد.

از زمانی که در آغاز دوران قاجاریه، به طور مشخص از حدود سال‌های ۱۲۱۲، ۱۲۱۳ هجری قمری، استعمار غرب مدرن در امتداد حرکت جهان‌گشایانه استعماری که دارد و به سراغ چهار گوشه عالم رفت، به سراغ ما هم آمد و تحولی را شروع کرد که این تحول اساساً هدفش تغییر دادن صورت‌بندی تاریخی و هویتی ما بود و این کار را کرد. آن‌ها برای این دگرگونی، پروژه‌های داشتند که به آن «غرب‌زدگی شبه‌مدرن» می‌گوییم. خودشان به آن «پروژه تجدد» یا «پروژه تمدن» می‌گفتند. می‌خواهیم آسیایی‌ها را، وحشی‌ها را، شرقی‌ها را و غیرمتمدن‌ها را متمدن کنیم؛ چون نگاه غرب از آغاز همین بوده است؛ از زمان هردودت، از زمان ارسطو آن‌ها معتقد بودند شرق وحشی است؛ پایگاه استبداد است؛ کانون بربریت است. می‌خواستند این موضوع را تغییر دهند و این بار هم تحت این عنوان آمدند. گفتند این‌ها متجدد نیستند و ما باید متجددشان کنیم.

البته این ظاهر ماجرا بود. هدف باطنی آن‌ها این بود که می‌دیدند در هند، ایران، چین، اندونزی، آفریقا، آمریکای جنوبی مجموعه‌ای از تمدن‌های خودکفای غیرمدرن حضور دارند که این تمدن‌ها ساخت اقتصادی و فرهنگی‌شان خودکفاست و نیازی به آن‌ها ندارد و از غرب مدرن تقلید نمی‌کند. غرب مدرن در مسیر جهانی شدن خود باید این ساخت‌های خودکفا و منسجم را به هم می‌ریخت و این کشورها و سرزمین‌ها را به مجموعه‌های اقماری خودش تبدیل می‌کرد؛ به مجموعه‌هایی اقماری که به لحاظ اقتصادی، به کشورهای مرکزی غرب مدرن وابسته باشند و به لحاظ فرهنگی هم از آن‌ها تبعیت کنند و به لحاظ سیاسی هم با آن‌ها همسو باشند. چرا؟ چون عالم غرب مدرن می‌خواست یک نظام جهانی ایجاد کند و همه باید به نوعی با او



تجسم اراده سیاسی فرماسیون غرب‌زدگی شبه‌مدرن در ایران بود و یک چیز دیگر را هم بخواهند. اینکه بخواهند در این صورت‌بندی غرب‌زدگی شبه‌مدرن فرو بریزد و یک صورت‌بندی اسلامی جای آن را بگیرد. این چیز بی‌نظیری است به‌لحاظ وسعت، به‌لحاظ استمرار زمانی، به‌لحاظ اهداف و خیلی مسائل دیگر.

غرب‌زدگی شبه‌مدرن که این آقایان برای ما آوردند و در اینجا حاکم کردند، با وقوع و ظهور انقلاب اسلامی دچار بحران شد و اراده سیاسی آن که رژیم پهلوی بود، فرو ریخت و درهم شکست. آیا نظام سلطه جهانی، نظام استکبار، نظام امپریالیزم جهانی که به‌خصوص در آن سال‌ها داشتند تدریجاً مدل نئولیبرال بر آن حاکم می‌شد، حاضر بود بپذیرد که نقطه‌های مثل ایران، از مجموعه کشورهای وابسته به او و کشورهای اقماری و ساخت‌های شبه‌مدرن و ساخت‌های طفیلی درمانده مقلد غرب مدرن رها شود و نوعی استقلال و حیات تازه را با هر مسئله و مشکلی که دارد، برای خودش پیدا کند؟ طبیعی بود که نمی‌پذیرفت؛ نه فقط درباره ایران، بلکه درباره هیچ کشوری نمی‌پذیرفت. به‌خصوص که ایران مشککش این بود که یک دعوی بزرگ هم داشت؛ یعنی ایران استقلالش را در پرتو یک ایدئولوژی از ایدئولوژی‌های مدرن جست‌وجو نمی‌کرد.

کوبا استقلالش را در پرتو یک ایدئولوژی سوسیالیستی جست‌وجو می‌کرد که صورتی از ایدئولوژی‌های مدرن بود؛ باز یک سخنیتی با عالم غرب مدرن داشت. مثلاً چین استقلالش را در سال ۱۹۴۹ که مائو قدرت را کامل گرفت، در پرتو یک ایدئولوژی جست‌وجو می‌کرد که از سنخ ایدئولوژی‌های مدرن بود، هر چند که به‌لحاظ سیاسی و اقتصادی در تضاد با نظام جهانی سرمایه‌داری قرار داشت؛ اما ایران علاوه بر این که می‌خواست یک استقلال سیاسی و نوعی بالندگی را بعد از انقلاب تجربه کند، اساساً صورتی از ایدئولوژی را که عالم غرب مدرن داشت، به چالش می‌کشید؛ چون می‌خواست چیز تازه‌ای را در مقابل این، به‌عنوان آلترناتیو قرار دهد. پس میزان ضدیت استکبار با ایران

که با رژیم پهلوی تأسیس شد، یک ساخت اقتصادی شبه‌مدرن داشت که وابسته به غرب بود. حرکت این ساخت اقتصادی به این نحو بود که عمده سرمایه‌های که در این ساخت تولید می‌شد که عمدتاً هم از طریق نفت بود، به سمت کشورهای متروپل می‌رفت؛ به سمت کشورهای اصلی سرمایه‌داری غرب؛ همان‌هایی که ما به‌عنوان کشورهای استکباری می‌شناسیم.

ساخت فرهنگی ما هم به‌گونه‌ای بود که سیطره غرب مدرن را بر ما تقویت و تحکیم می‌کرد و قوام می‌بخشید و ما را به مقلدین آن‌ها تبدیل می‌کرد. ساخت سیاسی‌مان هم به‌گونه‌ای بود که رژیم دست‌نشانده‌ای بر سرکار آمده بود که تمامی این دو ساخت فرهنگی، اقتصادی را در مسیر اغراض تعیین‌شده از طرف امپریالیزم حرکت می‌داد و در عین حال، از منافع امپریالیزم دفاع می‌کرد، سیاست‌های منطقه‌ای خود را هم تابع سیاست‌های امپریالیستی می‌کرد.

این فرماسیون مسلط شد؛ ولی در دوران بسط و تداوم خودش بحران آفرید؛ مشکل ایجاد کرد؛ ناکارآمدی خودش را نشان داد و منجر به این شد که یک انقلاب در ایران صورت گرفت؛ یک انقلاب مردمی با ابعادی فوق‌العاده گسترده به‌لحاظ حضور مردمی؛ یعنی ابعادی که اصلاً شاید هیچ نظیر دیگری در هیچ انقلاب دیگری نتوانیم برای آن پیدا کنیم. نه «شاید»، بلکه «قطعاً» نمی‌توانیم پیدا کنیم. بنده این را از روی تعصب نمی‌گویم. یک مروری به تاریخ انقلاب‌ها بکنید، هیچ انقلابی را، نه انقلاب اکتبر روسیه (۱۹۱۷)، نه انقلاب فوریه روسیه (۱۹۱۷)، نه انقلاب ۱۹۰۵ روسیه، نه انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه، نه انقلاب ۱۷۷۶ آمریکا، نه انقلاب ۱۶۸۹ انگلستان که در واقع یک کودتا بود، نه انقلاب ۱۶۴۹ انگلستان که به رهبری کرامول رخ داد، نه انقلاب ۱۸۴۸ فرانسه، نه انقلاب ۱۹۴۵ چین، هیچ نمونه‌ای را پیدا نمی‌کنید که به‌لحاظ «وسعت مردمی» و «استمرار زمانی» مانند انقلاب ما باشد؛ یعنی بیش از یک سال تمام، میلیون‌ها آدم به خیابان بیایند و مرتب و مستمر و منظم یک چیز بخواهند و آن سرنگونی شاه، به‌عنوان

«هیچ نمونه‌ای را پیدا نمی‌کنید که به‌لحاظ «وسعت مردمی» و «استمرار زمانی» مانند انقلاب ما باشد؛ یعنی بیش از یک سال تمام، میلیون‌ها آدم به خیابان بیایند و مرتب و مستمر و منظم یک چیز بخواهند و آن سرنگونی شاه، به‌عنوان تجسم اراده سیاسی فرماسیون غرب‌زدگی شبه‌مدرن در ایران بود و یک چیز دیگر را هم بخواهند. این‌که بخواهند در این صورت‌بندی غرب‌زدگی شبه‌مدرن فرو بریزد و یک صورت‌بندی اسلامی جای آن را بگیرد. این چیز بی‌نظیری است به‌لحاظ وسعت، به‌لحاظ استمرار زمانی، به‌لحاظ اهداف و خیلی مسائل دیگر»



مضاعف و بلکه چند برابر می‌شد؛ چون مسئله‌اش فراتر از صرف تضادهای سیاسی و ایدئولوژیک بوده است؛ مسئله‌اش این است که یک چالش تمدنی پیدا می‌کند. می‌بیند که یک عالمی ظهور کرده یک دعوی‌ای ورای عالم غرب مدرن. ببینید دعوی ایران اسلامی فقط دعوی تضاد ایدئولوژیک نیست که مثلاً من ایدئولوژی لیبرال را نمی‌خواهم، ایدئولوژی سوسیالیستی را می‌خواهم؛ یا ایدئولوژی سوسیالیستی را نمی‌خواهم، ایدئولوژی فاشیستی را می‌خواهم. چون همه این ایدئولوژی‌ها در ذیل عالم غرب مدرن هستند. دعوی ایران دعوی چیزی فراتر از این ایدئولوژی‌ها بود؛ دعوی یک عالم دیگر بود؛ یک عهد دیگر بود. پس این دعوی، برای آن‌ها، خیلی چالش‌برانگیزتر بود.

در چنین شرایطی، جریان نظام جهانی سلطه که دست روی دست نمی‌گذاشت. کارهای مختلفی می‌کرد که شرایط را به شرایط پیش از انقلاب برگرداند. یعنی دوباره فرامسیون غرب‌زدگی شبه‌مدرن را بتواند احیا و بازسازی کند.

اراده سیاسی این فرامسیون غرب‌زدگی شبه‌مدرن که رژیم پهلوی بود، در هم شکسته بود؛ نظام جهانی نمی‌توانست از طریق این اراده سیاسی ورود کند؛ اما ساخت اقتصادی و فرهنگی همچنان برقرار بود و می‌توانست آنجا خانه کند و متمرکز شود و آن‌ها را به کانون فعالیت خودش تبدیل کند.

ساخت اقتصادی نیاز به این داشت که مدیرانی سر کار باشند و مدل‌هایی را بیابند که بتوانند آن ساخت اقتصاد شبه‌مدرن را احیا کنند؛ کاری که از سال ۶۸ به بعد، در ایران شد؛ اما سال ۵۸، آن‌ها نمی‌توانستند بلافاصله این کار را انجام دهند. آن‌ها باید آن مدیران را می‌پروراندند و این الگوها را در ذهن آن‌ها فرو می‌کردند، آن مدیران را به قدرت می‌رساندند و به مسئولیت می‌رساندند تا آن مدل را اجرا کنند. پس استرات حرکت باید با تهاجم فرهنگی زده می‌شد؛ با شکل‌دهی به یک جریان فرهنگی که بیاورد آرمان‌گرایی انقلابی را انکار کند، در مبانی دینی و اعتقادی تشکیک ایجاد کند، هویت اسلامی و شیعی را انکار کند، هر نوع انقلابی را بگوید که انقلاب امر بی‌حاصلی است. این مسئله را ترویج کند که تسلیم نظام جهانی شوید. چیزی جز این نظام جهانی و الگوها وجود ندارد. در مقابل تسلیم شوید و آن را بپذیرید. با پذیرفتن آن است که وضع خوب می‌شود. با مبارزه با آن، وضع خوب نمی‌شود.

این باید به صورت گسترده القا می‌شد. باید جریانی از آدم‌ها ایجاد می‌شدند که این‌ها را باور می‌داشتند و درون حکومت نفوذ می‌کردند یا آدم‌های حکومتی به این عقاید باور پیدا می‌کردند. مدیرانی روی کار می‌آمدند که این حرف‌ها را قبول داشته باشند و آن وقت، این مدیران،

سیاست‌گذاری‌ها را تغییر دهند و مسیر را عوض کنند؛ همان‌طور که شد. پس تهاجم فرهنگی چرا آغاز شد؟ تهاجم فرهنگی با یک نیت مشخص سیاسی آغاز شد؛ نیت بازگرداندن سلطه مجدد فرامسیون غرب‌زدگی شبه‌مدرن به ایران. ساخت اقتصادی این فرامسیون غرب‌زدگی شبه‌مدرن آسیب دیده بود؛ اما نابود نشده بود؛ ساخت فرهنگی آن هم آسیب دیده بود؛ اما نابود نشده بود. صرفاً ساخت سیاسی آن بود که در هم شکسته بود. پس آن‌ها باید اول به ساخت فرهنگی می‌آمدند و آنجا را کانون حرکت خودشان می‌کردند، نیروهایشان را متمرکز می‌کردند. بعد با قدرت گرفتن در آنجا، در ساخت اقتصادی نقش آفرینی می‌کردند و بعد در این میان، به موازات این‌ها هم به‌طور مداوم، در هر فرصتی که ایجاد می‌شد، نمایندگان خود را وارد ساخت سیاسی می‌کردند.

هدف اصلی تهاجم فرهنگی، احیای صورتی از غرب‌زدگی شبه‌مدرن در ایران بود. البته نه لزوماً آن صورت غرب‌زدگی شبه‌مدرن ساخت پهلوی. این صورت، با هر مدل دیگری هم می‌آمد، برای آن‌ها مهم نبود. مهم این بود که آن محتوا و آن صورت کلی غرب‌زدگی شبه‌مدرن احیا شود؛ حالا می‌خواهد مدل سیاسی‌اش سلطنت باشد، می‌خواهد جمهوری باشد، حتی می‌خواهد یک جمهوری اسلامی با محتوای لیبرال باشد. برای آن‌ها فرقی نمی‌کرد. مهم برگشتن آن صورت بود و آن‌ها حرکت را در این مسیر شروع کردند.

پس به این ترتیب، تهاجم فرهنگی هدف روشن سیاسی داشت هدفش این بود که بکوشد به هر شکلی که می‌تواند آن صورت‌بندی غرب‌زدگی شبه‌مدرن را احیا کند.

این مسئله از چه طریقی انجام می‌گرفت؟ آن‌ها برای اینکه بتوانند این تهاجم را سازمان بدهند، عرصه‌های حرکتی متفاوتی داشتند؛ عرصه‌هایی از قبیل مطبوعات، سینما، کتاب، نمایش، تئاتر، نقاشی و در کل، همه حوزه‌های فرهنگی و فرهنگ عمومی. آن‌ها باید کاری می‌کردند که وزن هویت اسلامی و اعتقادات اسلامی و آرمان‌گرایی انقلابی را مرتب کم کنند و بر وزن باورها و مشهورات مدرنیستی، از هر صورت ایدئولوژیکش هم که باشد، فرقی نمی‌کند، اضافه کنند. چون همه این صورت‌ها در نهایت، به‌نفع آن‌ها تمام می‌شد. کافی بود که فقط اومانستی باشد. سکولاریستی باشد. حالا می‌خواست لیبرالی، نئولیبرالی، سوسیالیستی و یا هر چیز دیگری باشد. البته جریان غالبی که این حرکت را سازماندهی کرد، تعلق اصلیش نئولیبرالی بود، برای همین هم، این رویکرد مسلط شد.

حالا بیاید کمی فضای نیروی انسانی این حرکت را بکاویم. درست است که بحث درباره کتاب است، اما الان

« باید جریانی از آدم‌ها ایجاد می‌شدند که این‌ها را باور می‌داشتند و درون حکومت نفوذ می‌کردند یا آدم‌های حکومتی به این عقاید باور پیدا می‌کردند. مدیرانی روی کار می‌آمدند که این حرف‌ها را قبول داشته باشند و آن وقت، این مدیران، سیاست‌گذاری‌ها را تغییر دهند و مسیر را عوض کنند؛ همان‌طور که شد

« این نیروی انسانی مجموعه‌ای است که حدود شصت، هفتاد، هشتاد نفر آدم، حتی کمتر هستند که از یک جا تغذیه می‌شوند. یک لیدر فکری مشخص دارند که عبدالکریم سروش است. این‌ها در دهه شصت تابلوی علنی و آشکار ندارند؛ تابلوشان را بالا نبرده‌اند، اما کاملاً از روی عملکردشان می‌شود این‌ها را فهمید و شناخت. این‌ها تعلقات روشن‌فکرانه دارند و می‌خواهند در حوزه‌های مختلط، جریان روشن‌فکری شبه‌مدرن را دوباره وارد عرصه کشور کنند و به متن فضای فرهنگی برگردانند و نوعی ایدئولوژی نئولیبرال به‌ظاهر مذهبی را به ایدئولوژی مسلط کشور تبدیل کنند. استراتژی‌های این‌ها در هر یک از دهه‌های شصت، هفتاد و هشتاد، با هم متفاوت است.

چون موضوع بحث ما کتاب است، من بحث راجع به موضوعات دیگر را ادامه نمی‌دهم و به سینما و مطبوعات و حوزه آثار نمایشی و... اشاره‌ای نمی‌کنم و فقط روی کتاب متمرکز می‌شوم. می‌خواهیم ببینیم آن‌ها از طریق کتاب، چگونه عمل کردند.

گفتم که در واقع کتاب تبدیل شد به یک ابزار جنگ. ببینید ما وقتی راجع به جنگ صحبت می‌کنیم، معمولاً جنگ را فقط نظامی می‌فهمیم. فکر می‌کنیم جنگ فقط یعنی شلیک موشک، توپ و خمپاره و مسلسل و تفنگ و... خیر، ماجرا فقط این نیست. جنگ اقسامی دارد، همچنان‌که خود استراتژیست‌های مدرن از این اقسام نام می‌برند. جنگ می‌تواند در عرصه‌های مختلف صورت بگیرد. اتفاقاً بسیاری از جنگ‌ها، مانند جنگ‌های اقتصادی و فرهنگی، آن‌چنان ضربات زیربنایی می‌زنند که توان جنگ نظامی را کاملاً برای یک کشور و برای یک ملت از بین می‌برند. بنابراین تعجب نکنیم اگر بشویم جنگی هم به نام جنگ فرهنگی وجود دارد. جنگ فرهنگی ابزارش چیست؟ جنگ فرهنگی که با خمپاره صورت نمی‌گیرد! با موشک و مسلسل و هواپیما و تانک که صورت نمی‌گیرد! با حضور سرباز مسلح و باتوم و کلت و این‌ها صورت نمی‌گیرد! با چه چیزی صورت می‌گیرد؟ من کاری به صورت‌های سینمایی و این‌ها ندارم، راجع به کتاب مثال می‌زنم.

جنگ فرهنگی در این عرصه‌ای که ما درباره‌اش بحث می‌کنیم، با کتاب صورت می‌گیرد؛ با نوشتن. سربازانش نویسنده‌ها هستند، مترجمین هستند، ناشران هستند و خمپاره و موشک کتاب‌ها هستند. ما فرا

گرفتیم که کتاب چیز خوبی است، درست است. به کتاب حس احترام داریم، این هم درست است؛ برای اندیشه، حرمتی قائل هستیم، این هم درست است. اما این هم یک حقیقت است که کتاب، نویسنده و اندیشه‌ها می‌توانند در مسیری خلاف مسیر کمال حرکت کنند؛ در مسیری خلاف مسیر عدالت حرکت کنند؛ در مسیر ترویج ظلم و در مسیر تحمیل ستم‌دیدگان حرکت کنند. این هم یک حقیقت است. ما این را هم باید بفهمیم.

خُب، بیایید نگاهی کنیم به اینکه این جریانی که ما تحت عنوان جریان تهاجم فرهنگی می‌شناسیم و کانونش روشن‌فکران شبه‌مدرن بودند، در این سال‌ها چه کرده‌اند؟ نمونه‌هایی از حرکت آن‌ها در عرصه کتاب را مثال می‌زنم.

مثال‌ها الآن مربوط به هر سه دهه شصت، هفتاد و هشتاد است و تفکیک نمی‌کنم. در محور بعدی صحبت‌م، هر یک از دوره‌ها را به تفکیک مورد بحث قرار می‌دهم. از سال‌های دهه‌های شصت، هفتاد و هشتاد شاهد بودیم که مجموعه‌ای از کتاب‌ها در زمینه‌های مختلف شروع به انتشار کرد. تعدادی از کتاب‌ها، کتاب‌هایی بودند که به تشکیک در مبانی دینی و اعتقادی می‌پرداختند. یعنی در واقع شبهه‌آفرینی می‌کردند. تمامی آن چیزهایی را که مجموعه باورها و هویت اعتقادی یک دین یا یک امت و یا مجموعه‌ای از ملت بود، مورد سؤال قرار می‌دادند؛ مورد تردید و انکار قرار می‌دادند.

ایضا باید فکر کنیم این‌ها تصادفی بود و به یک‌باره و همین‌جوری آمد؟ اگر این‌گونه فکر می‌کنیم، باید این سؤال را پاسخ دهیم که چرا قبلاً و در سال‌های پنجاه و چهل و سی، آن‌ها به این صورت حمله نمی‌کردند و به این صورت، کلام شیعیه، باورهای دینی، خود دین، اصولی مثل امامت، باورهایی مثل عصمت، عدالت، حکومت دینی را مورد حمله قرار نمی‌دادند؟ چرا، به یک‌باره، کانون حرکت روی این مسائل رفت؟ بعد به موازاتش شاهد هستیم که کتاب‌هایی منتشر می‌شود که به شکل ایجابی و به صورت گسترده، هم در ترجمه و هم در تألیف، به ترویج سکولاریزم مدرن، به ترویج لائیسته، به ترویج جدایی دین از سیاست، به ترویج ارزش‌های مدرنیستی و به ترویج مشهورات مدرن می‌پردازد.

همچنین به موازاتش (به‌خصوص در دهه شصت این موضوع خیلی زیاد است) شاهد کتاب‌هایی هستیم که آرمان‌گرایی را مورد انکار قرار می‌دهند؛ انقلابی بودن را مورد حمله قرار می‌دهند. هر نوع امید یا تلاش برای حرکت انقلابی علیه سطره و علیه وضع موجود و به‌منظور ایجاد تغییر در شرایط موجود را مورد سؤال قرار می‌دهند و به چالش می‌کشند. باز شاهد چاپ کتاب‌هایی، به‌خصوص در دهه‌های هشتاد و نود، هستیم که به ترویج مدل‌هایی نئولیبرالیستی و سرمایه‌داری



می‌پردازند و این مدل‌ها را به‌عنوان راه‌حل‌ها و راه نجات اقتصاد و مدل جامعه ما بیان می‌کنند.

همچنین در کنارش، شاهد شروع انتشار کتاب‌هایی هستیم (بیشتر در دهه شصت و در دهه هشتاد) که به ترویج عرفان انحرافی، اندیشه‌های دینی فردانگاران، آرای معنوی غیردینی، آرای دینی غیرشرعی و مسائلی از این دست می‌پردازند. باز، شاهد انتشار نمونه‌هایی دیگری هستیم که کتاب‌هایی ادبی منتشر می‌شود که مروج اخلاق‌زدایی و نوعی روابطی هستند که نه فقط با اخلاق دینی سازگار نیست که حتی با اخلاق سالم انسانی غربی قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم هم سازگار نیست. این کتاب‌ها مروج تکنیک‌زدگی هستند که می‌خواهد ادبیات را از جهت‌گیری‌ها و محتوای اجتماعی و مسئولانه و متعهدانه دور کند.

من برای این موارد مثال‌هایی را بیان می‌کنم. ما به یک‌باره از دهه شصت، با طوفانی از آثار روبه‌رو می‌شویم، چه ترجمه و چه تألیف، آثاری از کرین برنتون، ساموئل هانتینگتون، هانا آرنت، مانس اشپربر، اریک فروم و... که مضمون همه‌شان ترویج نوعی آرمان‌گریزی و شرم‌زدگی از انقلاب است. القای این احساس است که هر نوع شکست می‌انجامد، القای این احساس است که هر نوع آرمان‌گرایی، یک دیوانگی است و یک بیماری است. ما در سال‌های دهه‌های شصت و هفتاد، به‌خصوص هفتاد، شاهد این هستیم که آثار عبدالکریم سروش، ملکیان، نراقی و کدیور شروع می‌کنند که بنیادهای اندیشه دینی و به‌طور مشخص، باورهای شیعی و باورهای مبتنی بر حکومت دینی را مورد حملات شدید قرار می‌دهد. جاهایی هم که این‌ها کم می‌آورند، به ترجمه دست می‌برند؛ ترجمه آثار محمد اركون، نصر ابوزید، جان هیک و همه کسانی که می‌توانند یقین‌زدایی دینی بکنند و هویت‌های اعتقادی را مورد حمله قرار دهند. ما، به‌خصوص در دهه هفتاد، شاهد این هستیم که جریان سیاسی نئولیبرال در کشور خیلی قوی می‌شود و مدل اقتصادی نئولیبرال از سال ۶۸، به‌عنوان مدل مرکزی

بازسازی ما قرار می‌گیرد، آثار اقتصاددان‌های نئولیبرال در کشور، به‌صورت گسترده شروع به ترجمه و انتشار می‌کند. می‌بینید که آثار فردریش فون هایک، میلتون فریدمن، پوپر، ایزیا برلین که پوپر از دهه قبل هم بوده است، به‌صورت گسترده به میدان می‌آید و نئولیبرال‌های وطنی مثل آقای موسی غنی‌نژاد و بعضی از آقایانی که الان در دولت فعلی هم حضور دارند و افکار و دیدگاه‌های اقتصادی‌شان را هم منتشر کرده‌اند، جولان می‌دهند؛ دانشکده‌های اقتصاد ما تحت سلطه آن‌ها قرار می‌گیرد. همین‌ها برنامه‌ریزان مدل‌های اقتصادی ما هستند و سازمان برنامه و بودجه ما را راه می‌برند و مبانی نظری طرح‌های توسعه ما را طراحی می‌کنند و در چالش‌های اقتصادی به دولت‌ها فرمول می‌دهند. مشخصاً همین دولت و قبل از آن دولت آقای خاتمی و دولت سازندگی و حتی تا حدود زیادی دولت آقای احمدی‌نژاد، از همین طیف اقتصاددان‌ها راهنمایی می‌گرفتند.

این‌ها چه می‌کردند؟ این‌ها می‌خواستند بحران اقتصادی ما را در اقتصاد نئولیبرال حل کنند. در حقیقت، می‌خواستند بحران یک اقتصاد شبه‌مدرن را که دقیقاً به‌دلیل شبه‌مدرن بودنش به این وضع فلاکت‌بار افتاده است، در چهارچوب‌های شبه‌مدرن حل کنند؛ ولی در چهارچوب راه‌حل‌های نئولیبرال شبه‌مدرن که عیناً تقلیدی از راه‌حل‌های کلان‌ایدئولوگ‌های نئولیبرال غربی بود.

اگر شما نگاه کنید، می‌بینید که مثلاً مجله مهرنامه، حداقل دو یا سه بار برای فردریش فون هایک یادنامه گرفت و ویژه‌نامه منتشر کرد. فون هایک و میلتون فریدمن را به کرات تبلیغ کرد. آن‌ها را به الگوها و قهرمانان فکری اقتصاد و فرهنگ تبدیل کردند. طوفانی از آثار اندیشمندان نئولیبرال از ریچارد رورتی، بورگن هابرماس، فردریش فون هایک، کارل پوپر، بسیر ایزیا برلین، هانا آرنت در کشور ما به کرات ترجمه شد، منتشر شد، شرح شد و آن‌ها به‌عنوان متفکران بزرگ به ما القا شدند و در دانشگاه‌های ما آثارشان و آراشان درس داده

« ما در سال‌های

دهه‌های شصت و

هفتاد، به‌خصوص

هفتاد، شاهد این

هستیم که آثار

عبدالکریم سروش،

ملکیان، نراقی و کدیور

شروع می‌کنند که

بنیادهای اندیشه دینی

و به‌طور مشخص،

باورهای شیعی و

باورهای مبتنی بر

حکومت دینی را مورد

حملات شدید قرار

می‌دهد. جاهایی هم که

این‌ها کم می‌آورند، به

ترجمه دست می‌برند؛

ترجمه آثار محمد

ارکون، نصر ابوزید،

جان هیک و همه

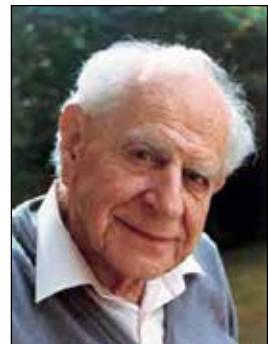
کسانی که می‌توانند

یقین‌زدایی دینی

بکنند و هویت‌های

اعتقادی را مورد حمله

قرار دهند



می گرفت. نظام آموزش دانشگاهی ما که به نفع انقلاب عمل نمی کردا به ضدش عمل می کرد.

پس به این ترتیب، انبوه آن طرفی‌ها را با تکتیر می کرد؛ نه این طرفی‌ها را. لذا یک عدم توازن قوا به وجود آمد. جریان انقلاب، جناح مؤمن انقلاب، نیروهایش اندک، توانش کم، زرادخانهٔ تئوریکش ناچیز! در مقابل، جریان مقابل، هم از کانال ترجمه و هم از کانال تألیف داخلی‌هایی که محصول همین نظام دانشگاهی بودند، هم از کانال روشن‌فکرانی که به حاشیه رانده شده بودند و دوباره با سیاست‌های همین آقایان، به میدان آمدند، هم از کانال روشن‌فکران خارج‌نشین تمام فضا را پر کرد و راز موفقیتشان در همین است.

مگر ما در دههٔ شصت و هفتاد، چند داستان‌نویس مسلمان داشتیم که می‌توانستند با هجوم آثار میلان کوندرا، مارگریت دوراس، ساموئل بکت و سال بلو و انبوه آن‌ها مقابله کنند. آن‌ها تازه نوظهور هم بودند. مگر چقدر قدرت تکنیکی داشتند که بتوانند در برابر این هجوم آثار مقابله کنند و بایستند؟ بعد مگر ما، در دههٔ شصت، مانیفست تئوریک ادبیات انقلاب نوشته بودیم که بتوانیم این بچه‌ها را پپورانیم؟ ما می‌آمدیم با کتاب‌های داستان‌نویسان روشن‌فکر و آثار جمال میرصادقی و امثال این‌ها، به آن‌ها داستان‌نویسی یاد می‌دادیم. خوب این‌ها هم با همان مقدمات شروع می‌کردند. خیلی تعهد می‌خواست که آن‌ها سر از کلاس‌های گلشیری درنیاورند، که در می‌آوردند. چون شما داشتید آن‌ها را با همان پارادایم پرورش می‌دادید و بعد، هشتاد، نود درصدشان رفتند آن طرف.

بنابراین زرادخانهٔ جناح مؤمن، مرتب ضعیف‌تر و قوایش کمتر و قوای طرف دیگر قوی‌تر می‌شد. حال، مسئولین در این میان چه نقشی داشتند؟ آن‌ها باید می‌آمدند به جای اینکه بگویند ما داوریم، جبههٔ خودی را تقویت می‌کردند. آقایان شما داور نیستید. شما مسئولان یک نظام هستید. شما مسئولید که جبههٔ خودی را تقویت کنید و نگذارید جبههٔ مقابل که «جبههٔ برانداز سیاسی» است و از طریق فرهنگ حرکت می‌کند، تقویت شود. جبههٔ مقابل در کار فرهنگ، قصد تجارت ندارد، قصد ترویج مبانی فرهنگی ندارد، بلکه هدف اصلی آن‌ها براندازی است و این راز آثارشان می‌شود فهمید. در فلسفه می‌گوییم برای فهم یک ماهیت، یک روش، روش به رسم است و یک روش، روش به حد. در روش به رسم، شما با آثار ماهیت یک پدیده را می‌فهمید. آثار آن‌ها نشان می‌دهد که آن‌ها ماهیتشان دقیقاً ماهیت برانداز سیاسی است.

خب بیایید مروری کنیم که این حرکت که یک حرکت برانداز سیاسی بود، در این چند دهه‌ای که محل بحث ماست، چگونه حرکت کرد؟ در واقع، بیاییم

شد و در همین وزارت علوم ما، در رشته‌هایی مانند علوم سیاسی و... از آثار و آراء این افراد امتحان گرفتند.

چرا این حرکت‌ها صورت گرفت؟ برای اینکه ایدئولوژی نئولیبرال را به این کشور حاکم کنند و بتوانند اندیشهٔ متعهد به آرمان‌های انقلاب را به حاشیه برانند. از طریق چه کسانی؟ از طریق نخبگان فرهنگی و سیاسی و از طریق حلقه‌های تکنوکرات‌بوروکراتی که به صورت گسترده به خصوص از سال‌های دههٔ شصت به بعد، در کشور پرورش دادند.

نظام دانشگاهی ما بعد از انقلاب فرهنگی درست نشده بود و انقلاب فرهنگی با سيطرة‌ای که سرش بر آن پیدا کرد، عملاً نبود شد، عقیم شد، سترون شد و به ضد خودش تبدیل شد. بی‌دلیل نبود که این نظام انقلاب فرهنگی در بی‌خودش در دهه‌های شصت، هفتاد و هشتاد حجم عظیمی از فارغ‌التحصیلان علوم انسانی را ایجاد کرد. چون این فارغ‌التحصیلان علوم انسانی باید به سربازان حرکت بازاحیای جریان غرب‌زدگی شبه‌مدرن در کشور تبدیل می‌شدند.

آن‌ها را در دانشگاه، با مضامین ایدئولوژیک نئولیبرال، از طریق انبوه آثار نئولیبرالی که از فیلسوفان و متفکران غیرایرانی و ایران ترجمه و منتشر کردند، بار آوردند. آن‌ها در دههٔ شصت، کانون تمرکشان ترجمه بود، اما از دههٔ هفتاد به بعد، هم نویسندگان خارج‌نشین و هم نویسندگان در ایران، دست‌به‌قلم شدند. شما می‌بینید که از دههٔ هفتاد، نویسندگانی مانند همایون کاتوزیان، حسین بشیریه، داریوش شایگان، داریوش آشوری و رامین جهانبگلو و... یا کتاب می‌نویسند و به فارسی ترجمه می‌شود یا اصلاً خودشان به ایران می‌آیند و آثارشان را ترویج می‌کنند. این‌ها دارند برای آن حرکت مشخص سیاسی بسترسازی می‌کنند.

خیلی خامی، حماقت و بلاهت می‌خواهد و گاهی هم شاید خیانت می‌خواهد برای کسانی که می‌دانند معنای این حرکت چیست که ما فکر کنیم این‌ها فقط دارند در میدان اندیشه حرکت می‌کنند و نظری است که باید با نظر جواب داد و تضارب آراء و از این حرف‌ها. نه آقا! این‌ها مسلسل‌های فرهنگی است؛ خمپاره‌های فرهنگی است که حرکت کرده است و به خصوص این خمپاره‌ها در شرایطی که طرف مقابل این خمپاره‌ها را ندارد، مؤثرتر هستند.

طرف مقابل چه جوری باید تجهیز فکری می‌شد؟ طرف مقابل که قبل از انقلاب نیرو نداشت و قدرتی هم نداشت! بعد از انقلاب باید تجهیز می‌شد. بعد از انقلاب چه کسانی باید این نیروها را می‌پروراندند؟ خمپاره‌ها را چه کسانی باید می‌ساختند؟ دانشگاه‌ها! دانشگاه‌ها که دست همین جریان تکنوکرات‌بوروکراتی بود که اندیشه‌های خودش را از ایدئولوژی‌های نئولیبرالی

◀ مگر ما در دههٔ

شصت و هفتاد،

چند داستان‌نویس

مسلمان داشتیم

که می‌توانستند با

هجوم آثار میلان

کوندرا، مارگریت

دوراس، ساموئل بکت

و سال بلو و انبوه

آن‌ها مقابله کنند.

آن‌ها تازه نوظهور

هم بودند. مگر چقدر

قدرت تکنیکی

داشتند که بتوانند

در برابر این هجوم

آثار مقابله کنند و

بایستند؟ بعد مگر

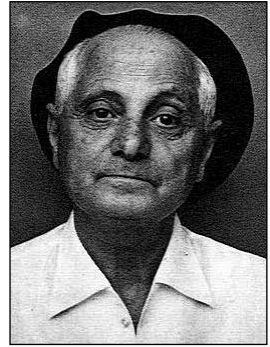
ما، در دههٔ شصت،

مانیفست تئوریک

ادبیات انقلاب نوشته

بودیم که بتوانیم این

بچه‌ها را پپورانیم؟



« از سال ۵۹، جریانی در مسیر ترجمه و نشر آثار نویسندگانی به نام هانا آرنت در کشور شروع می‌شود. قبل از انقلاب، نشانه و ردپایی از هانا آرنت نیست، اگر هم هست، خیلی کم‌رنگ است. جریان روشن‌فکری ایران، قبل از انقلاب، هیچ توجهی به هانا آرنت نشان نمی‌دهد، چون ضرورتی ندارد؛ اما، بعد از انقلاب، می‌بینید سال ۵۹، کتاب خوشونتش چاپ می‌شود، سال ۶۰، کتاب انقلابش چاپ می‌شود، سال ۶۲، کتاب توتالیتاریزمش چاپ می‌شود، سال ۶۳، کتاب امپریالیزم همین‌طور و زنجیروار، آثار هانا آرنت به بازار کشور ما می‌آید

از انقلاب و آرمان‌گریزی ایجاد کند؛ اما فقط که هانا آرنت نیست. در همان دهه شصت، طوفانی از آثار یک داستان‌نویس هم به کشور وارد می‌شود که قبلاً خبری از آن نبود. نویسندگانی به نام آرتور کستلر متوفی به سال ۱۹۸۳ است. از آرتور کستلر، قبل از انقلاب فقط یک کتاب به نام از ره رسیدن و بازگشت به فارسی ترجمه شده. بعد از انقلاب، از سال ۶۰ پشت سرهم آثار این فرد ترجمه می‌شود. ظلمت در نیمروز، عصر عطش، تلفنی‌ها، خزران. چرا؟ این‌ها از آرتور کستلر چه می‌خواهند؟ آرتور کستلر چه کسی است؟ آرتور کستلر یک یهودی مارکسیست بوده که از مارکسیسم و هر نوع انقلابی‌گری سرخورده شده است و مطابق اسنادی که خانم فرانسیس ساندرز در کتاب سیا و جنگ سرد فرهنگی منتشر کرده است، آرتور کستلر، از سال‌های ۱۹۴۹، ۱۹۵۰ به بعد، همکار ناتوی فرهنگی بوده است. بسیاری از آثار کستلر به‌عنوان القای انقلاب‌گریزی، آرمان‌ستیزی و آرای نئولیبرالی توسط ناتوی فرهنگی به زبان‌های مختلف و در کشورهای مختلف جهان، از جمله کشورهای اروپای شرقی که با آن‌ها جنگ ایدئولوژیک داشتند، منتشر شده است.

خب می‌بینید که آثار آرتور کستلر در کشور ما به طول و تفصیل شروع به انتشار می‌کند؛ برای القای همان احساس پشیمانی از انقلاب. گفتم که مضمون اصلی و حرکت جریان تهاجم فرهنگی در دهه شصت، القای پشیمانی از انقلاب است؛ ایجاد نسلی از انقلابی‌های سرخورده، پشیمان و شرمگین. برای همین مجبور بودند آثاری را بیاورند. آثار هانا آرنت در عرصهٔ تئوریک، آثار مثلاً آرتور کستلر در عرصهٔ ادبی و...

یکی دیگر از کسانی که در عرصهٔ ادبی به درد آن‌ها می‌خورد، ماسن اشپیرر است. قبل از انقلاب هیچ اثری از او به فارسی نیست و اصلاً او را نمی‌شناسند. بعد از انقلاب، به یک نویسنده مطرح تبدیل می‌شود. کتاب دوجلدی قطره‌اشکی در اقیانوس او منتشر می‌شود، بعد روشنگر داریوش چند اثر دیگر او را در انتشارات روشنگران ترجمه می‌کند. کتاب جباریتش ترجمه

دهه‌های حرکت این جریان را مورد بحث قرار دهیم. اولین دههٔ حرکت تهاجم فرهنگی در عرصهٔ کتاب، دههٔ شصت است. مضمون اصلی و محوری حرکت در این دهه، القای پشیمانی از انقلاب، آرمان‌گریزی و القای این احساس است که حرکت انقلابی به نتیجه نمی‌رسد. انقلاب همیشه فرزندان را می‌بلعد. انقلاب‌ها همیشه به استبدادها منجر می‌شوند. نمونهٔ آثاری را که این صحبت‌ها در آن‌ها موجود است، مثال می‌زنم:

وقتی نگاه می‌کنید، می‌بینید از سال ۵۹، جریانی در مسیر ترجمه و نشر آثار نویسندگانی به نام هانا آرنت در کشور شروع می‌شود. قبل از انقلاب، نشانه و ردپایی از هانا آرنت نیست، اگر هم هست، خیلی کم‌رنگ است. جریان روشن‌فکری ایران، قبل از انقلاب، هیچ توجهی به هانا آرنت نشان نمی‌دهد، چون ضرورتی ندارد؛ اما، بعد از انقلاب، می‌بینید سال ۵۹، کتاب خوشونتش چاپ می‌شود، سال ۶۰، کتاب انقلابش چاپ می‌شود، سال ۶۲، کتاب توتالیتاریزمش چاپ می‌شود، سال ۶۳، کتاب امپریالیزم لیبرال‌ش چاپ می‌شود. همین‌طور و زنجیروار، آثار هانا آرنت به بازار کشور ما می‌آید. از دههٔ هفتاد، شروع متعدد آثارش شروع می‌شود. در دههٔ هشتاد، آن آثاری که هنوز ترجمه نشده بود، ترجمه می‌شود.

باید پرسید چرا؟ هانا آرنت چه پیامی دارد که این‌ها به او این قدر توجه می‌کنند و قبلاً توجه نمی‌کردند؟ هانا آرنت سرخوردگی از هر نوع انقلاب را القا می‌کند. آرنت این مسئله را در کتاب انقلابش آشکارا بیان می‌کند که هر انقلابی که برای رفع ظلم و برای ایجاد عدالت و نابودی گرسنگی و فقر باشد، این انقلاب، اصلاً انقلاب نیست و ارزشی ندارد و یقیناً شکست می‌خورد. این انقلاب همیشه نتیجه‌اش به‌روی کار آمدن استبداد و حکومت‌های خشن است. تنها انقلابی که ارزش دارد، انقلابی است که برای آزادی لیبرالی انجام شود که آزادی لیبرالی هم یعنی آزادی سرمایه، آزادی استثمار، آزادی ظلم و بی‌عدالتی و فقر.

هانا آرنت به این جهت ترویج می‌شود که می‌تواند این بستر تئوریک را در خصوص القای سرخوردگی

در آن است و وجه برجسته آن مبارزه با ظلم و شیطان است، یک نوع جریان معنوی ایجاد کنند که این جریان معنوی، مایه‌های عرفانی داشته باشد و اضطراب وحشتناک بشر مدرن را آرام کند، اما وجه مبارزه طلبانه نداشته باشد، وجه متعهدانه و مجاهدانه نداشته باشد، شریعت‌گرا هم نباشد.

برای درست کردن این حرکت، به ترجمه آثار کارلوس کاستاندا اقدام کردند. نگاه که کنید، می بینید قبل از انقلاب تقریباً چیزی از کاستاندا به فارسی ترجمه نشده است. در صورتی که کاستاندا کسی است که اوج آثارش در آمریکا در دهه ۱۹۶۰ است و در همان آمریکا، عده‌ای از روشن‌فکران منتقد، معتقد بودند کارهای او را سی‌آی‌ای (CIA) پخش می‌کند تا از این طریق، نوعی معنویت افیون‌زده خاموش و معنویت منفعل را ترویج کند.

در فاصله سال‌های ۶۰ تا ۶۷، تمام آثار این فرد، یکی یکی به فارسی ترجمه می‌شود. چند اثر هم در شرح او درمی‌آید. برای آثار او به‌خوبی جریان‌سازی هم می‌شود. موازات حرکت ترویج عرفان کاستاندایی، ترویج عرفان پاراجانفی و عرفان تارکوفسکی در سینمای ایران است که آن هم توسط جریانی ایجاد می‌شود که همه آن‌ها به عبدالکریم سروش و نحله روشن‌فکران نتولیبرال ایران برمی‌گردد. من نمی‌خواهم اسم ببرم. خودتان بروید ببینید. مدیر وقت بنیاد فارابی دهه شصت، معاون وقت سینمایی ارشاد دهه شصت، معاون وقت مطبوعاتی ارشاد، معاون فرهنگی ارشاد! شما اگر این‌ها را بروید و ببینید، وحدت در سیاست‌های آن‌ها را به راحتی می‌توانید ببینید. آن وقت می‌توانید بفهمید معاون فرهنگی چطور در بازار کتاب، عرفان فرادانگار منفعل غیرمبارزه‌جوی غیرشریعت‌مدار ترویج می‌کند و رئیس بنیاد فارابی، در همان زمان، همان کار را در سینما انجام می‌دهد. در مطبوعات هم همین حرکت وجود دارد. تهاجم فرهنگی یعنی این.

تهاجم فرهنگی در جریان دهه ۷۰، با توجه به

می‌شود و خلاصه به یک چهره تبدیل می‌شود. مانس اشپربر کیست؟ او هم یکی از انقلابیون بریده از انقلاب و سرخورده است که در جریان ناتوی فرهنگی، همکاری مستمر دارد و در جهت ترویج اندیشه‌های آرمان‌گریزانه و انقلاب‌ستیزانه و القای سرخوردگی از انقلاب تلاش می‌کند. ببینید چقدر قشنگ آدم‌ها را دارند چنین می‌کنند و به جلو می‌آیند؟ بگذارید یک مثال دیگر بیاورم.

یک نویسنده دیگر جورج اورول است. جورج اورول کیست؟ او یک نویسنده انقلابی چپ‌گرا بود که مدتی بعد، مطابق اسنادی که سیا و جنگ سرد فرهنگی منتشر کرده و کدهای دیگری که موجود است و خودش هم انکار نمی‌کند، با ام‌آی‌سی‌کس همکاری کرد و به نویسنده سفارشی نویس ناتوی فرهنگی تبدیل شد، به طوری که خودش می‌گوید کتاب *قلعه حیواناتش* را به سفارش نوشته است. این نویسنده، در دوره جوانی‌اش اثری دارد که ضد سرمایه‌داری و ضدلیبرالی است، مثل *آس و پاس‌های لندن و روزهای برمه*. مجموعه‌ای از آثار هم دارد که این آثار مضامین نتولیبرالی دارند، مانند *۱۹۸۴ و قلعه حیوانات*.

جالب است بدانید جریانی که حرکت تهاجم فرهنگی را در دهه شصت تنظیم می‌کند، عمده توجیهش را روی آثار *۱۹۸۴ و قلعه حیوانات* می‌گذارد. یعنی آس و پاس‌های لندن مثلاً یک چاپ می‌گیرد، ولی قلعه حیوانات تا همین امروز مرتباً چاپ می‌شود، *۱۹۸۴* نیز به همین صورت. آن هم نه با یک ترجمه و نه با یک ناشر. هر ناشری که توانسته، با یک ترجمه جدیدی دوباره آن را وارد میدان کرده. این حرکت‌ها معنی دارد. در دهه شصت، مثال‌های زیادی وجود دارد که به دلیل کمبود وقت، تنها یک نمونه دیگر را مطرح می‌کنم.

یک نمونه دیگر در دهه شصت، حرکتی است که این‌ها در زمینه ایجاد یک نوع عرفان انحرافی آغاز می‌کنند. می‌خواستند در مقابل معنویت‌گرایی دین‌دارانه شریعت‌مدارانه اسلامی که روح مجاهدت و روح مبارزه

« جالب است بدانید جریانی که حرکت تهاجم فرهنگی را در دهه شصت تنظیم می‌کند، عمده توجیهش را روی آثار ۱۹۸۴ و قلعه حیوانات می‌گذارد. یعنی آس و پاس‌های لندن مثلاً یک چاپ می‌گیرد، ولی قلعه حیوانات تا همین امروز مرتباً چاپ می‌شود، ۱۹۸۴ نیز به همین صورت. آن هم نه با یک ترجمه و نه با یک ناشر. هر ناشری که توانسته، با یک ترجمه جدیدی دوباره آن را وارد میدان کرده است





« در سال‌های ۶۸ به بعد و در دهه ۷۰، اولاً در سینما، مضامین سکولاریستی خود را با فیلم‌هایی مانند نوبت عاشقی، شب‌های زاینده‌رود و... خیلی صریح‌تر و روشن‌تر بیان می‌کنند. در واقع، جریان نئولیبرال، ظهور و بروز خود را در سینما علنی می‌کند. همین وضع در مطبوعات هم وجود دارد. دیده می‌شود که جریان معاونت مطبوعاتی، از سال ۶۹ به بعد، به دو چیز دامن می‌زند: یکی، میدان دادن به مطبوعات روشن فکر و دوم، میدانیسم زرد.

به صورت آشکاری فرموله می‌کنند و شروع می‌کنند نئولیبرالیسم را الگوسازی و فرموله کنند و ارائه دهند. این مضمون اصلی حرکت آن‌ها در دهه ۷۰ است. آن‌ها از سوی دیگر، آشکارا ولایت فقیه را و حکومت اسلامی را به چالش می‌گیرند. انتشار کتاب حکومت ولایتی کدیور، انتشار کتاب کدیور درباره فقه شیعه، انتشار سخنرانی‌های سروش در این خصوص و ترویج پرولایزم دینی و... در این خصوص است و در این بستر صورت می‌گیرد.

این را بگذارید کنار حرکتی که آن‌ها در مطبوعات هم دارند و فرصتی نیست که من درباره آن‌ها بحث کنم. در دهه ۸۰، جریان حرکت این‌ها استمرار دارد. حرکت این‌ها در دهه ۸۰، با این ویژگی است که در ادبیات، به سمت ترویج اخلاق‌گریزی آشکار می‌روند. این‌ها در دهه ۸۰، احساس می‌کنند کاملاً موفق شده‌اند که ادبیات آرمان‌گرا و ادبیات مبارز را به کنار برانند. یعنی توانسته‌اند این مدعای بی‌پایه را جا بیندازند که ادبیات تعهد ندارد؛ ادبیات نسبتی با سیاست و آرمان نباید داشته باشد؛ ادبیات باید یک‌سره و به‌طور مشخص فقط باید به وجوه تکنیکی بپردازد. در عین حال، این‌ها در آثار ادبی دهه ۸۰، به ترویج نوعی ابزوردیسم اخلاقی می‌پردازند. آثار میلان کوندرا، مارگريت دوراس، سال بلو، ساموئل بکت، اوژن یونسکو و خیلی‌های دیگر در این حوزه است.

در حوزه اندیشه‌های سیاسی و مبانی نظری در دهه ۸۰، آن‌ها عمدتاً روی آن دسته از نئولیبرال‌ها که کمتر آن‌ها را مطرح کرده‌اند، تکیه می‌کنند. چهره‌هایی مانند

اینکه سال ۶۸ با به‌روی کار آمدن دولت سازندگی فضا برای این آقایان خیلی گسترده‌تر شد و حرکت آن‌ها در جریان‌سازی در عرصه کتاب هم خیلی گسترش پیدا کرد، مشاهده می‌شود.

آن‌ها در سال‌های ۶۸ به بعد و در دهه ۷۰، اولاً در سینما، مضامین سکولاریستی خود را با فیلم‌هایی مانند نوبت عاشقی، شب‌های زاینده‌رود و... خیلی صریح‌تر و روشن‌تر بیان می‌کنند. در واقع، جریان نئولیبرال، ظهور و بروز خود را در سینما علنی می‌کند. همین وضع در مطبوعات هم وجود دارد. دیده می‌شود که جریان معاونت مطبوعاتی، از سال ۶۹ به بعد، به دو چیز دامن می‌زند: یکی، میدان دادن به مطبوعات روشن فکر و دوم، میدان دادن به ژورنالیسم زرد.

با انتشار یک نشریه که عکس خانمی رویش است شروع می‌شود. ارغنون درست می‌شود. مجله کیان تأسیس می‌شود و... به موازات این حرکت، در عرصه نشر کتاب هم بسیار فعال می‌شوند. حرکتی که در عرصه کتاب در دهه ۷۰ و از سال‌های ۶۸ به بعد می‌کنند، خیلی گسترده است. در عرصه ادبیات با آثار فرشته ساری، امیرحسین چهلتن، آثار نویسندگان گذشته و حالشان و تأسیس انتشارات گردون به سمت ایجاد یک جریان ادبی حرکت می‌کنند؛ جریانی ادبی که به تعهد، اخلاق، مبارزه و آرمان در ادبیات هیچ اعتقادی ندارد و آنچه برایش مهم است، ادبیت ادبیات است. ادبیات تکنیک‌زده آرمان‌گریز غیرمبارز که بستر مناسبی برای ترویج نئولیبرالیسم است. این حرکت در ادبیات دقیقاً صورت می‌گیرد به موازاتش، در بازار نشر کتاب، این موضوع در کتاب‌هایی که میدان نشر فعالیت پیدا می‌کنند، وجود دارد. از سال‌های ۶۸، ۶۹، آثار نئولیبرال‌های خارج از کشور مثل همایون کاتوزیان شروع به ترجمه و انتشار به فارسی پیدا می‌کند. اقتصاد سیاسی مشروطیت، مصدق و نبرد قدرت، مجموعه مقالاتی که کاتوزیان درباره شرایط ایران دارد، از جمله آثار او هستند. به موازاتش حرکت بشیریه شروع می‌شود. به موازاتش، آمدن شایگان به ایران و انتشار آثار دهه هفتادی او مثل تفکر چهل تیکه، بخش‌هایی از انقلاب دینی چیست و... که قبلاً نوشته بوده است، شروع می‌شود.

این حرکت به موازات کاملاً شروع می‌شود و مضمون حرکت آن‌ها در دهه ۷۰، ترویج نوعی مدل نئولیبرالی در عرصه سیاست به‌عنوان آلترناتیو حکومت اسلامی است و ترویج اینکه ما باید برای رفع مشکلاتمان، الگوهای تحلیلی نئولیبرال را به کار گیریم. کتاب‌های بشیریه، کتاب‌های کاتوزیان، کتاب‌های نقیب‌زاده، کتاب‌های برخی از استادان دانشگاه، ترویج آشکار این دیدگاه است. یعنی آن‌ها نئولیبرالیسم را در عرصه سیاست و اقتصاد



«هیچ جایی، هیچ

کسی نمی گوید که اگر شما جمع شوید و همین جوری مرتباً با هم بحث کنید یا آرایبی را مطرح کنید، به حقیقت می رسید. اگر شما انبوهی از آرای خلاف و باطل را مرتب منتشر و پخش کنید، از درون آمدن و پیوستن این آرای خلاف، کجا حقیقت ظاهر می شود؟ این چه منطقی است؟

چیزی که در هیئت یک کتاب در آمد، پس این یک امر بی خطری است که فقط فایده دارد.

ممکن است این سؤال پیش بیاید که آیا شما طرفدار سانسور هستید؟ شما طرفدار حذف آرا هستید؟ شما چرا آرا را با آرا جواب نمی دهید؟ چرا آثار را با آثار جواب نمی دهید؟ آیا معتقد نیستید که تضارب آرا موجب کشف حقیقت می شود؟

اول از پاسخ به پرسش آخر شروع می کنم. این مدعا که تضارب آرا موجب کشف حقیقت می شود، مدعایی نیست که همیشه و همه جا و همه وقت درست باشد. کشف حقیقت راهش تضارب آرا نیست. اگر از منظر دینی نگاه کنیم، کشف حقیقت و اساس رسیدن به حقیقت، از طریق اخلاص و تقوا است. خداوند می فرماید وقتی تو خودت را برای خدا خالص کنی، خداوند درهای حکمت را بر زبان و قلبت جاری می کند. پس کشف حقیقت و حکیم شدن و رسیدن به حقیقت راهش، در اندیشه دینی، تضارب آرا نیست، راهش اخلاص و تقوا و قرب الهی است؛ چون شما به حقیقت معتقدید. در اندیشه دینی حقیقت در خداست، پس نزدیکی به او، نزدیکی به رسیدن به حقیقت است.

اگر عرفانی نگاه کنید، رسیدن به حقیقت در اندیشه دینی اساسش وحی است و اخلاص خود ما و تبعیت دینی و تقواست. در عرفان، از طریق تسبیح درون و الهامی است که الهام ربانی باشد و الهام شیطانی نباشد. در فلسفه، رسیدن به حقیقت از طریق تعقل است. از طریق تفکر سامان مند سالم جهت دار است که این تفکر خودش مبنایش یک تذکری است.

هیچ جایی، هیچ کسی نمی گوید که اگر شما جمع شوید و همین جوری مرتباً با هم بحث کنید یا آرایبی را مطرح کنید، به حقیقت می رسید. اگر شما انبوهی از آرای خلاف و باطل را مرتب منتشر و پخش کنید، از درون آمدن و پیوستن این آرای خلاف، کجا حقیقت ظاهر می شود؟ این چه منطقی است؟ این با هیچ روش شناسی نمی خواند؛ این مدعا یک مدعای کذب

هابرماس، رورتی، آیزیا برلین، که کمتر آمده بودند. چون دهه ۶۰، عمدتاً عرصه در دست امثال پوپر بود. دهه ۷۰، بقیه آثار پوپر و یک سری دیدگاه های ویر و مانند او مورد توجه بود. دهه ۸۰ دهه ای است که آن ها طوفانی از اندیشه های نئولیبرالی را در کشور ایجاد می کنند. و دهه ای است که به ترجمه آثار اصلی و انبوهی از شروع مختلف در خصوص این اشخاص می پردازند. دهه ۸۰ دهه ای است که آن ها کاملاً نظام آکادمیک کشور در حوزه علوم انسانی در کنترلشان است. بنابراین، به راحتی می توانند آثار بشریه، کاتوزیان، جواد طباطبایی و... را بیاورند و به عنوان آثار دانشگاهی مطرح کنند.

توجه کنید که آنچه عمده تلاش آن ها در دهه ۸۰ است، این است که با حرکتی که شروع کردند و تسلطی که بر مجموعه نظام دانشگاهی ما از دهه ۶۰ و ۷۰ داشتند، می خواهند به تجهیز طبقه متوسط مدرن، به خصوص لایه فوقانی اش بپردازند. این ها، در دهه ۸۰، می خواهند نئولیبرالیسم را به ایدئولوژی اصلی جامعه تبدیل کنند و نئولیبرالیسم را به عرصه فرهنگ عمومی بکشانند و الگوهای رفتاری و مناسبات نئولیبرال را به سبک زندگی رایج جامعه تبدیل کنند.

توجه کنید که در دهه ۷۰ و به خصوص دهه ۸۰، ماهواره ها به شدت به آن ها کمک می کنند. از طرفی، ریشه دار شدن ژورنالیسم زرد هم به شدت به این ها کمک می کند.

بحث ما را راجع به این دهه جمع می کنم و دوباره به بحث اولم، یعنی کتاب به عنوان محور استراتژیک تهاجم فرهنگی، برمی گردم و یک بحث مختصر در خصوص چه باید کردها خواهیم داشت.

از این بحث می خواهیم این موضوع را بفهمیم که کتاب و اندیشه می تواند ابزار یک جنگ باشد؛ جنگ فرهنگی. جنگ فرهنگی می تواند ابزار نابود کردن یک حکومت، هویت یک جامعه، به اسارت بردن مردم یک کشور و به دلت کشاندن آن ها و در واقع، به اسارت بردن مجموعه ای از انسان ها باشد. یعنی ما فکر نکنیم هر



دیگر جامعه باز مطرح نیست. اینجا ما آن‌ها را محدود می‌کنیم و با آن‌ها برخورد می‌کنیم». خب اینکه حرف تازه‌ای نیست، همه همین را می‌گویند. پس ما اسیر این توهمات نشویم.

اینجا ما نمی‌خواهیم از سانسور دفاع کنیم؛ اما می‌خواهیم یک حرفی بزنییم و آن حرف این است که در شرایطی که توازن قوا، صورتی بسیار ناعادلانه دارد، یعنی جناح مؤمن فرهنگی انقلاب، به‌صورت وحشتناکی ضعیف است و جناح روشن‌فکری برانداز، معاند، فوق‌العاده قوی است، ما باید سیاست‌ها را به سمتی ببریم که در این سیاست‌گذاری‌ها، یکی بیش از دیگری حتماً تقویت بشود. این کار را همه کشورهای می‌کنند. وقتی آمریکا در شروع جنگ سرد، احساس خطر کرد، فقط احساس خطر کرد، مگر کاترینم را راه انداخت. شروع به تفتیش عقاید کرد، شروع به کنترل آرا و آثار کرد. آن هم در سطح هنرمندان و روشن‌فکران بازیگران و دانشمندان و متفکران و کمترین ممانعتی هم نکرد. تازه آن‌ها مثل الان ما هم در معرض طوفان خاندان برانداز تهاجم فرهنگی قرار نداشتند.

در سال ۲۰۰۳، وقتی آمریکا جنگش با عراق را آغاز کرد، بلافاصله اعلام رسمی سانسور خبرهای جنگی در نشریات را اعلام کرد. دستور مستقیم دولت آمریکا در زمان بوش است که اخبار جنگ فقط باید از طریق پنتاگون اعلام بشود و کسی حق ندارد چیزی غیر از آنچه که پنتاگون اعلام می‌کند، منتشر کند. چرا؟ چون خودش را در جنگ احساس می‌کرد.

خب ما هم الان در جنگ هستیم. آن چیزی که از اول مرتب می‌گویم، همین است. ما در جنگ هستیم و چون در جنگ هستیم، سیاست‌گذاری فرهنگی‌مان باید منطبق با جنگ باشد. من نمی‌گویم در سیاست‌گذاری منطبق با جنگ، اجازة ندهیم هیچ اثری از هابرماس، هانا آرنت یا لاک منتشر شود. نه من این را نمی‌گویم؛ اما می‌گویم میزان انتشار این آثار کنترل شود و در مقابل، به جهت انقلاب این امکان داده شود که در کنار انتشار هر یک از این آثار، یک اثر حداقل با نقد جدی آن منتشر بشود.

توازن قوا باید تغییر کند. وقتی توازن قوا به‌نحوی تغییر کرد که ما از شرایط جنگی یا از شرایط حساس جنگی خارج شدیم، آن وقت می‌شود سیاست‌ها را به شکل دیگری عوض کرد.

شما بروید به سیاست‌های دولت چرچیل، در زمان جنگ جهانی دوم، نگاه کنید. واقعاً این را بروید دنبال کنید. این‌ها با سخت‌گیری یا کنترل وحشتناک عمل می‌کردند. بروید نوع حرکت این‌ها را در سیاست‌های فرهنگی، سیاست‌های مطبوعاتی، سیاست‌های رسانه‌ای و سیاست بازار نشرشان را نگاه کنید. وقتی می‌دیدند

ژورنالیستی است. از بیان این تعبیر معذرت می‌خواهم ولی این تعبیر در ادبیات معاصر ما به‌کار رفته است: این مدعا، مدعای «خررتگ کنی» است. معذرت می‌خواهم این را می‌گویم. این تعبیر جایی استفاده می‌شود که شما می‌خواهید آدمی را احمقش کنید، استعمارش کنید. این‌ها با زدن این حرف، ما را استعمار می‌کنند.

اگر طوفانی از اندیشه‌های باطل از شرق و غرب و جنوب و شمال جریان پیدا کند، چطور از این طوفان حقیقت در می‌آید؟ تضارب آرا به این صورت نیست.

بله! اگر واقعاً رأی و سخن حقی در یک طرف ماجرا باشد، سخن باطلی هم در طرف دیگر ماجرا باشد و دل آماده شنیدن و پذیرشی هم باشد، می‌شود گفت از تضارب آن‌ها می‌شود یک حقیقتی را فهمید. اما اینکه شما طوفانی از اندیشه‌های گمراهی به راه بیندازید و بعد بگویید ما به کشف حقیقت می‌رسیم، این یک دروغ است، این استعمار است.

اگر ما دغدغه حقیقت داریم، لزوماً ربطی به تضارب آرا ندارد. دغدغه حقیقت این است که شما اول به حق برسید و اندیشه حق هم مبتنی بر تذکر و تفکر است.

خب. حالا بیا بید درباره این صحبت کنیم که آقایان می‌گویند اگر بخواهید با این اندیشه‌ها مقابله کنید، اهل سانسور هستید. من این سؤال را می‌پرسم که کدام حکومت، کدام نظام، کدام جامعه را در طی تاریخ پیدا می‌کنید که وقتی احساس کرد هویتش، وجودش، موجودیتش، بودش، زندگی‌اش در معرض خطر قرار گرفته، مخالفین و دشمنانش را محدود نکرده است؟ آن را به من نشان دهید. آیا لیبرال‌ها این کار را نکردند؟ چرا. لیبرال‌ها همین الان هم این کار را می‌کنند. همین الان هم به آثاری که احساس می‌کنند، به تعبیر خودشان، امنیت ملی آن‌ها را برهم می‌زند، مجوز نمی‌دهند. در آمریکا و انگلستان و در همه جا این موضوع است. هیچ تئوریسین لیبرالی را پیدا نمی‌کنید که مدعی شده باشد که من هوادار آزادی مطلق و نامشروطم. در تبلیغ و سرورودا و هیجان و حرف، این را می‌گویند اما در آثار تئوریکشان را عرض می‌کنم.

شما بروید رساله تسامح جان لاک را ببینید. شما آزادی جان استوارت میل را ببینید. شما به جامعه باز پوپر رجوع کنید. آن‌ها لیبرال‌ها و نولیبرال‌های معاصرند و هیچ کدامشان این حرف را نمی‌زنند. کارل پوپر وقتی مقابل مصاحبه‌گر ایشپیکل قرار می‌گیرد، وقتی که مصاحبه‌گر به او می‌گوید: «جامعه باز تو چه جور جامعه‌ای است؟» می‌گوید: «جامعه‌ای که در آن تغییر غیرخوشونتبار قدرت ممکن باشد». وقتی مصاحبه‌گر از او می‌پرسد: «خب اگر فاشیست‌ها رأی آوردند و خواستند از همان طریق غیرخوشونتباری که تو می‌گویی، قدرت را جابه‌جا کنند، آن وقت چه؟» می‌گوید: «نه، اینجا

« اگر واقعاً رأی و

سخن حقی در یک

طرف ماجرا باشد،

سخن باطلی هم در

طرف دیگر ماجرا باشد

و دل آماده شنیدن

و پذیرشی هم باشد،

می‌شود گفت از

تضارب آن‌ها می‌شود

یک حقیقتی را فهمید.

اما اینکه شما طوفانی

از اندیشه‌های گمراهی

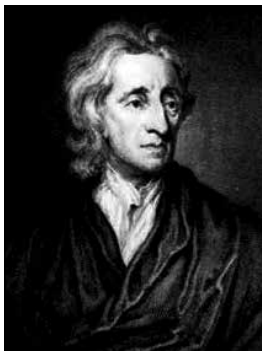
به راه بیندازید و بعد

بگویید ما به کشف

حقیقت می‌رسیم، این

یک دروغ است، این

استعمار است



نمی‌شد، ماهواره این قدر تأثیر نمی‌گذاشت.

دوستان عزیز! اگر دانشگاه‌های ما مرکز و کانون ترویج شکاکیت و نسبی‌انگاری و انکار ارزش‌های دینی و ترویج اندیشه‌های نئولیبرالی و... و هابرماس و بشریه و همایون کاتوزیان و بابک احمدی نبوده، امروز شما این قدر بدحجاب در خیابان نداشتید. این را باید بفهمید! که هنوز هم مسئولین ما نمی‌خواهند بفهمند. من معتقدم عده‌ای از مسئولین ما این قدر هوشمند هستند که این را بفهمند، فقط نمی‌خواهند بفهمند. البته یک عده‌ای هم لایه‌های پایین‌تر هستند و جلوی و پتیرین قرار دارند که یک نوع بلاهت فرهنگی دارند. آن‌ها تقصیری ندارند، اما آن عده دیگر، کسانی هستند که می‌دانند. ببینید برتولت برشت می‌گوید: «کسی که حقیقت را نمی‌داند، احمق است؛ اما آن کس که آن را می‌داند و انکار می‌کند، تبهکار است». ما با تبهکارها دست به گریبان هستیم و با سیاست فرهنگی تبهکارانه دست به گریبانیم و این، مسئله را مشکل می‌کند.

در پایان، یک بار دیگر بگویم که کتاب می‌تواند به‌عنوان محور استراتژیک یک جنگ فرهنگی برانداز عمل کند. اینکه این قدر حضرت آقا می‌فرمایند شیخون فرهنگی و جنگ نرم به این دلیل است. همین تعبیر اخیر ایشان که می‌گفتند جنگ سیاسی، جنگ اقتصادی، جنگ فرهنگی، برای این است که بفهمیم ما در جنگ هستیم. استراتژی جنگی لازم داریم.

در جنگ اگر کسی به دشمن سرویس بدهد، خائن جنگی است و ما نباید بگذاریم مدیران فرهنگی ما در عرصه جنگ نرم، خیانت جنگی بکنند. این را هم بدانیم که هر وقت، هر جا، هر نظامی، هر جامعه‌ای، هر انسانی، هر موجود زنده‌ای احساس خطر بکند؛ به‌منظور حفظ خودش، دست به هر کاری می‌زند. از جمله محدود کردن اطرافش، محیطش، مراوداتش. ما نمی‌خواهیم سانسور به‌پا کنیم؛ اما می‌خواهیم توازن قوا را به نفع نیروهای مؤمن جناح انقلاب تغییر بدهیم و البته به نظرم مدیران فرهنگی ما این را نمی‌خواهند.

مسئله، مسئله مرگ و زندگی است، به هیچ وجه اداهای تضارب آرای بی‌درنمی‌آوردند؛ به هیچ وجه.

شما بروید سیاست‌های ناتوی فرهنگی را در دوران جنگ سرد نگاه کنید. مجموعه‌آثاری که این‌ها منتشر کردند، نوع حمایت‌ها و نوع فشارهایی را که به طرف مقابل آوردند، واقعا نگاه کنید. هرگاه احساس خطر کردند و احساس کردند مسئله جدی است، سخت‌گیری کردند؛ آن هم نه مانند سخت‌گیری‌های الکی ما. سخت‌گیری‌های ما که سخت‌گیری نیست، فقط حرف است. این ظاهربینی احمقانه را ول کنید که تمام دانشگاهتان را دست کتاب‌های نئولیبرال داده‌اید. شصت، هفتاد درصد استادهای سکولار را می‌فرستید سر کلاس تا آثار نئولیبرال را ترویج کنند و به‌عنوان حقیقت علمی به خورد دانشجو بدهند، بعد یک آدم بی‌ادب را می‌گذارید جلوی در انتظامات که به دخترهای مردم بگوید روسریت را فلان کن و به پسره بگوید آستینت را پایین بکش و... و کینه و نفرت نسبت به انقلاب را در ذهن او ایجاد کند و او را آماده می‌کنیم که برود حرف‌ها و کتاب‌های نئولیبرال استاد سکولار را بشنود. سیاست این نیست. این عین حماقت است. من این را نمی‌گویم سیاست. این هیچ است. این که مسئول فرهنگی بگوید من داور هستم، شما آن وسط مسابقه بدهید، من ببینم چه کسی می‌برد. در شرایطی که یکی قدرت‌ش صد است و دیگری قدرت‌ش ده هم نیست. این‌ها سیاست نیست. این‌ها کسک است. این‌ها بازی است.

این که از در و دیوار مملکت نئولیبرالیسم بیارد، بعد گشت بیابرد در خیابان که بیشتر زمینه حرف‌های نئولیبرال را فراهم کنید. این‌ها سیاست نیست. من به این‌ها سیاست نمی‌گویم.

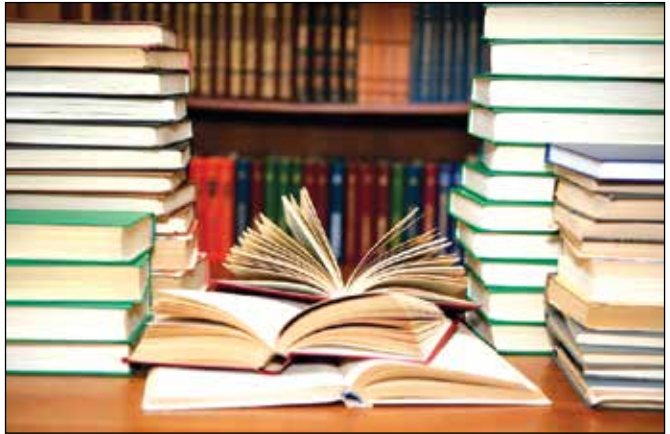
ما به سیاست منسجم فرهنگی نیاز داریم؛ سیاستی که بفهمد جنگ نرم وجود دارد؛ جنگ فرهنگی وجود دارد و بفهمد این جنگ فرهنگی کجاها دارد حرکت می‌کند. جنگ فرهنگی فقط در ماهواره نیست. اگر این دانشگاه‌های ما در این بیست سال، به مرکز نشر آرای نئولیبرالی تبدیل

« این که از در و دیوار مملکت نئولیبرالیسم بیارد، بعد گشت بیابرد در خیابان که بیشتر زمینه حرف‌های نئولیبرال را فراهم کنید. این‌ها سیاست نیست. من به این‌ها سیاست نمی‌گویم

« کتاب می‌تواند به‌عنوان محور استراتژیک یک جنگ فرهنگی برانداز عمل کند. اینکه این قدر حضرت آقا می‌فرمایند شیخون فرهنگی و جنگ نرم به این دلیل است. همین تعبیر اخیر ایشان که می‌گفتند جنگ سیاسی، جنگ اقتصادی، جنگ فرهنگی، برای این است که بفهمیم ما در جنگ هستیم. استراتژی جنگی لازم داریم

هلی بُرن از پشت میز

خط اخبار
پرونده ویژه
طعم کتاب
خانواده نشر



- ۷۲ بسته پیشنهادی سامانه کارشناسی برای آذر و دی
- ۷۸ یادداشت | اگر این دو کتاب نبود...
- ۷۹ بسته پیشنهادی | دستچینی از بهترین کتاب‌ها برای واکاوی فتنه ۸۸
- ۸۷ گزارش | گزیده‌ای از کتاب‌های معرفی شده در نشست کتاب‌خوان
- ۹۲ گزارش | دستچینی از بهترین کتاب‌ها برای آمریکا شناسی
- ۹۶ کتبی برای بررسی اهداف راهبردی آمریکا از مذاکرات دوجانبه با ایران | هلی بُرن از پشت میز





بسته پیشنهادی سامانه کارشناسی برای آذر و دی



۷۲

طعم کتاب

بسته پیشنهادی



برج قحطی
هادی حکیمیان
شهرستان ادب

برج قحطی نوشته هادی حکیمیان و برنده جایزه اشراق، روایتی خواندنی از یک مبارز انقلابی است. داستان از دبیرستانی دخترانه در یزد شکل می‌گیرد. شخصیت اول که برای خدمت در سپاه دانش، پا به شهر یزد می‌گذارد، از ساختن تئاتری به نام برج قحطی در دبیرستانی دخترانه برای ورود فرح به آن، شهر قصه‌اش را آغاز می‌کند. از اکراه و تنش‌هایش برای ساختن تئاتر و میل به مبارزه حرف می‌زند و در همین اثنا، به زندان می‌افتد. در زندان، من راوی حافظه‌اش را از دست داده و... استفاده از شیرینی و کشش لهجه یزدی، بومی‌نگاری و فلکلورنویسی از جمله امتیازات این رمان است. نواب صفوی و رهروان انقلابی‌اش در این قصه، جایگاهی بارز و پذیرفتنی دارند که در بطن داستان، به‌خوبی نمایش داده می‌شود. البته این برش و برش‌های دیگر تاریخی کتاب در عین ضربه‌زدن به پی‌رنگ داستانی، مستند و رجوع‌کردنی هستند و همه این‌ها در مجموع، می‌تواند برج قحطی را در لیست پیشنهادهای مطالعه‌مان قرار بدهد.



آبلوموف
ایوان گنچاروف/سروش حبیبی
فرهنگ معاصر

رمان فاخر علاوه بر درگیر کردن آنی مخاطب با ماجراها و برانگیختن احساساتش، جامعه را نیز در درازمدت درگیر ویژگی‌های خود می‌کند. چه‌بسا اثری آنا، احساسی و هیجان‌انگیز است؛ ولی چون ساختاری مستحکم ندارد، بعد از چند روز، بالکل همه‌چیزش از یاد می‌رود. اما در مقابل آثاری یافت می‌شوند که علاوه بر درگیر کردن احساسات و عواطف، به‌خاطر ساختار و نیز قصه خوب، روایتی ماندگار می‌شوند و در درازمدت، جامعه را درگیر خود می‌کنند. گاهی این آثار چنان تأثیرگذارند که اصطلاحات خاصشان، اصطلاحات رایج جامعه می‌شوند. از جمله این آثار، رمان ماندگار آبلوموف است. روان‌شناسان اصطلاح آبلوموفیسم را مدیون نامی هستند که ایوان گنچاروف برای نام و یکی از شخصیت‌های رمانش برگزیده است. شخصیتی که علی‌رغم ثروت و تمکن کافی، دچار نوعی سستی، خمودگی، از کارافتادگی، خستگی بیمارگونه، بی‌توجهی به زندگی، دوری از عشق و احساسات و پناه‌آوردن به خواب می‌شود. رمان آبلوموف نوشته ایوان گنچاروف روسی را با ترجمه سروش حبیبی در انتشارات فرهنگ معاصر مطالعه کنید.

ماهنامه شیرازه کتاب

شماره ۶ و ۷، آذر و دی ۱۳۹۴



خورشید می ماند
کامران پارسی نژاد
کانون اندیشه جوان

رمان خورشید می ماند شرحی از زندگی ششیخ بهایی از کودکی تا مرگ به روایت کامران پارسی نژاد است. این رمان سالم که به دور از بزرگ‌نمایی و ایجاد تصویر غیر قابل لمس از زندگی یکی از مشاهیر شیعه نگاشته شده، یک محصول فرهنگی خوب برای جامعه نوجوان و جوان اهل اندیشه است. قلم ساده پارسی نژاد به تمام زوایای زندگی تا اشتیاق عجیب شیخ به یادگیری علوم مختلف تا حد استادی، مشاهیری که با آن‌ها هم عصر و تحت ارتباط بود، روابط عاطفی و خانوادگی و ازدواج تا ساخت حمام و مسجد و پل و مداخله در امور حکام صفوی...

خورشید می ماند یادآور ارزش‌هایی چون کمال معنوی، روحیه تهذیب و دانش‌اندوزی است که مخاطب را به اغتنام فرصت عمر دعوت می‌کند. پیشنهاد می‌کنیم برای آشنایی بیشتر با این نابغه جهان اسلام رمان پارسی نژاد را مطالعه کنید.



جایی که خیابان نام داشت
رنده عبدالفتاح/مجتبی ساقیانی
نشر آرما

«من قدس را از دست دادم حیات... غم و اندوه به گلویم چنگ انداخته. همه‌اش، روستا و خانه‌ام که از سنگ آهک ساخته شده بود، جلوی چشمم است. همه‌اش رادیویی را که پدر بزرگت از بازار قدیمی شهر خریده بود می‌بینم.»

رنده عبدالفتاح در رمان جایی که خیابان نام داشت، روایت‌کننده دردهای ملت مظلومی است که سال‌هاست از وطنشان، به‌زور اسلحه و قطع‌نامه‌های ظالمانه بیرون رانده شده‌اند و لمس کردن یک مشت از خاک وطنشان، به آرزویی دست‌نیافتنی برایشان مبدل شده است.

این اثر در کنار ایجاد همزادپنداری خوب، برای خواننده و با کاشکی مناسب که در قالب سفر دختری، سیزده سال برای به‌دست‌آوردن مشت از خاک خانه مادر بزرگ دارد، تصویری جدید نیز، از مخالفان رژیم غاصب صهیونیست به ما می‌دهد. در این رمان، فلسطین از قالب ناسیونالیستی عربی خارج شده و پسر بچه مسیحی و زن و شوهر یهودی نیز حیات سیزده ساله عرب را در راه رسیدن به خاک وطنش کمک می‌کنند.



پنجره چوبی
فهیمه پرورش
کتابستان معرفت

پنجره‌های چوبی مشرف به یک باغ و دختری که در پشت این پنجره، عاشق می‌شود. به‌دنبال عشقش می‌رود و در راه رسیدن به این عشق زمینی، گام‌به‌گام در راه بزرگ شدن و بالیدن پیش می‌رود.

رمان پنجره چوبی، سرگذشت دختری جوان و بی‌توجه به مسائل اعتقادی و اجتماعی است که در جریان مبارزات انقلاب و فارغ از تحول جامعه و کشورش، عاشق جوانی انقلابی و مبارز می‌شود؛ اما این عشق، او را به درک و نگاهی جدید از دنیای اطرافش می‌رساند. پایه‌پای عشقش برای رسیدن به هدفی که حالا برای او هم مهم شده است، مبارزه می‌کند و در ادامه هدف و آرمانش، در جنگ تحمیلی نیز با عشق و حمایت و صبوری خود، مایه دلگرمی همراهش در جاده زندگی می‌شود.

رمان پنجره چوبی با نثری ساده و روان، این عاشقانه را روایت می‌کند. داستان همچنین فضا و نثری زنانه دارد و از آنجا که نویسنده خود، یک زن است، توانسته با این نوع نوشتار و خلق دنیایی زنانه در داستانش، با مخاطبان خانم خود ارتباط عمیق‌تری برقرار کند.



ریشه‌ها

الکس هیلی / علی‌رضا فرهمند
امیرکبیر

پیشنهادهای رهبر انقلاب برای مطالعه ریشه‌ها نشان از خاص بودن این کتاب دارد؛ کتابی که تاکنون به ۳۷ زبان زنده دنیا چاپ شده است. سال ۱۷۶۷ است که کونتاکینته را می‌دزدند و پس از شکنجه، سفری آبی، دور و دراز و جان‌فرسا به سواحل مریلند در آمریکا می‌برند. مزرعه‌داری سفیدپوست، او را با ۸۵۰ دلار می‌خرد. ادامه کتاب، شرح هنرمندانه زندگی بسیار سخت و تحت ستم کونتاکینته و نسل‌های بعدی‌اش تا «الکس هیلی» است. قانون می‌گوید: «اگر سیاه‌پوستی در چشم سفیدپوستی راست نگاه کند، ده شلاق می‌خورد. اگر سفیدی قسم بخورد که سیاهی دروغ گفته، حقی دارند یک گوش او را ببرند و اگر قسم بخورد که دو دروغ گفته، دو گوش او را. خواندن و نوشتن برای سیاهان، غیرقانونی است و کتاب‌دادن به آن‌ها هم.» این واقعیات تلخ و برخی موضوعات مستند تاریخی دیگر، از ظلم رفته به سیاه‌پوستان، تکه‌هایی از ریشه‌های هیلی است که در پی دوازده سال پژوهش او خلق شده است.



آینده کهن

آرمان آرین
زعفران

«... این شعارها چیست که برای خودت ول می‌دهی؟!... تو که قبلاً آدم عاقلی بودی. چطور شد یکهو این جور خل شدی شعیب؟!... ما زرنگیم... همین است که هست! تو هم اگر زرنگی، بیا کار کردن یاد بگیر و حالش را ببر! به جای اینکه... حرف‌های صد تا به غاز بزنی!» (ص ۱۵۸) بیانی امروزی با نَمی از طنز، واقعی بودن داستان‌های فرعی و استفاده از برخی آیات قرآن، به‌همراه تسلط آرین به داستان‌نویسی، از آینده کهن، «کتابی فراموش‌نشدنی» در ذهن مخاطب می‌سازد.

«عالی‌جناب» به‌طور ناشناس، از کاخش خارج می‌شود تا از اوضاع مملکتش خبری بگیرد. پیرمردی بازرگان در مسیرش قرار گرفته و روایتی نو و شگفت برای او دارد. روایت «شب نخست»، «شب دوم» و «شب واپسین» رقم می‌خورد و پنج جن به نام‌های طلسم، وهوش، زلنبور، ساروخ، شمهاروش، سعصیائیل، پادشاه را به دل تاریخی می‌برند که سراسر عبرت است. اختصاری از زندگی پیامبران با پی‌رنگ‌هایی جذاب، ضرب‌آهنگی تند و اوج و فرودی مناسب، در خط فرعی آینده کهن جای گرفته است. اما آیا پادشاه «عبرت» خواهد

گرفت؟



دختری که

پادشاه سوئد را نجات داد
یوناس یوناسون / کیهان بهمنی
نشر آموت

دختری که پادشاه سوئد را نجات داد، نامی جذاب و چالش‌برانگیز است که مخاطب را با این سؤال مواجه می‌کند: چطور امکان دارد دختری بتواند جان یک پادشاه را نجات دهد؟ یوناس یوناسون، نویسنده سوئدی رمان دختری که پادشاه سوئد را نجات داد، داستان دختری را روایت می‌کند که با تلاش و هوش خود مراحل ترقی و پیشرفت در کارش را طی کرده، با اتفاقات و ماجراها همراه شده و با سماجت، راز ساخت بمب اتم را کشف می‌کند. سپس با انتقال آن به کشور سوئد، مانع از رسیدن بمب اتم به دست صهیونیست‌ها می‌شود.

او به‌همراه دوستانتش، سال‌ها بمب را پنهانی جابه‌جا کرده و در تمام این مدت، تلاش دارد تا خود را به پادشاه سوئد برساند.

یوناسون سوئدی با نثری روان و ماجراهای جاندار و دارای کشمکش و تعلیق، خواننده را با خود همراه می‌کند.

فضاسازی خوب و چینش به‌جای اتفاقات، گره‌افکنی‌ها و گره‌گشایی‌ها به‌موقع، باعث شده رمان یوناسون در جذب مخاطب، موفق باشد.

رمان یوناسون را با ترجمه خوب کیهان بهمنی در نشر آموت بخوانید.



■ **آنگاه به پایان رسیدیم**
 جاشوا فریس/علی قائمیان
 نشر نیستان

«ما لوس و نر بودیم و حقوق‌های آن‌چنانی دریافت می‌کردیم.» داستان صعود بر پشت بالنی از جنس حباب، وزیدن بادی ملایم و ازهم‌پاشیدن تمام قصه‌های حبابی؛ کارمندانی مست از پول، شغل، امکانات و بی‌غمی، تا بن دندان نوشیده از مخدر مدرن توده‌های دنیا رویای آمریکایی که به یک‌باره فرو می‌ریزند، می‌شکنند، با سر سقوط می‌کنند و چاقوی سنت الهی بر گردن تقدیرشان قرار می‌گیرد، دست و پا می‌زنند؛ اما مذبح‌خانه.

آنگاه به پایان رسیدیم مرثیه دیگری است بر رویای آمریکایی؛ این‌بار از جنس رمان و با دست‌مایه قراردادن زندگی کارمندان یک شرکت بزرگ از اوج تا ورشکستگی. داستان زیبایی از جاشوا فریس که با زوایه دیدی خاص و اثرگذار این سُرخوردن از سرسره رفاه مادی را روایت کرده و درد و رنج از بین رفتن آن و در نتیجه نابودی تمام زندگی یک انسان مصرف‌گرا را به‌گونه‌ای ملموس و با نماهایی نزدیک از زندگی قربانیان به تصویر می‌کشد. این رمان زیبا را نشر نیستان با ترجمه نسبتاً خوب علی قائمیان راهی بازار نموده است.



■ **قصه‌ها**
 غسان کنفانی/غلامرضا امامی
 نشر روزبهان

اصطلاح «ادبیات مقاومت» که اولین بار غسان کنفانی از آن استفاده کرد، امروزه کلیدواژه‌ای در ادبیات تمام نویسندگانی است که در سرتاسر جهان در مقابل تجاوز و تهاجم بیگانه به کشورشان از هنر ادبیات به‌عنوان سلاحی در مقابل ظلم، بهره می‌برند. این نوع ادبی، مایه اصلی بیشتر داستان‌های مجموعه‌ای به نام **قصه‌ها** از همین نویسنده است.

در مجموعه داستان **قصه‌ها** که از حدود پنجاه قصه به‌همراه طراحی‌های سیاه‌قلمی مرتبط با داستان‌ها تشکیل شده، بخشی از داستان‌ها مقاومت و جنگ در مقابل تجاوز صهیونیست‌ها و بخشی دیگر، نگاه انتقادی به فرهنگ آن روز سرزمین فلسطین را بیان می‌کند. در این مجموعه، داستان‌هایی نیز دیده می‌شود که نگاهی موشکافانه به شخصیت آوارگان ساکن در اردوگاه‌ها دارد. نویسنده توانسته به‌زیبایی، هر سه موضوع را در قالب داستان کوتاه، روایت کند.

ریتیم داستان‌ها بر اساس موضوعشان کند یا تند می‌شود. اتمسفر پخته داستان‌ها در کنار قوت تکنیکی و فرمی نویسنده، آن‌ها را خواندنی‌تر کرده است.



■ **تابستان آن سال**
 دیوید بالداجی / شقایق قندهاری
 آموت

تابستان آن سال داستانی جذاب درباره خانواده است. دکترها پدر خانواده را به‌خاطر بیماری جواب کرده‌اند؛ اما برخلاف انتظار مادر خانواده در جریان تصادفی می‌میرد و پدر را با بیماری و خانواده‌ای در حال متلاشی شدن، تنها می‌گذارد. این رمان امیدبخش دارای روایتی ساده و سرگرم‌کننده برای عموم است. **تابستان آن سال** مشکلات نگهداری یک خانواده را واکاوی کرده و برای آن‌ها راه حل ارائه می‌دهد.

مبارزه با فرهنگ سرمایه‌داری و توجه به اقشار فقیر جامعه، دومین نکته درخور توجه این رمان است. «شهر عرق‌ریزان» (weat town) عنوانی است که نویسنده در این رابطه، به شهر داستان خود می‌دهد. هرچند پدر خانواده با آن‌ها کمی درگیر است؛ اما درگیری اصلی مسابقه‌ای است که دختر بزرگ خانواده با دختر یکی از سرمایه‌دارها دارد و این موقعیت بحرانی تا آخر رمان، قصه را به‌خوبی پیش می‌برد.

در بر می‌گیرد، که همگی از لطافت و روانی ملموس‌ی برخوردار هستند. زیست جهان مذهبی شاعر در فضای تجربیات عینی عاشقانه‌ای که در این مجموعه دستمایهٔ سرایش شده‌اند، اثر محسوس دارد و این اشعار را از غالب اشعار عاشقانهٔ جوانان این دوره مجزا می‌کند. صرافان عنصر روایت را برای ساخت فضای عاشقانه در چندین شعر از این مجموعه که هویتی دراماتیک دارند، به کار گرفته است. طنزهای و طرفت‌به‌خرج‌دادن‌های شاعر در هوای حس و حالی عاشقانه، مجموعه را خواندنی‌تر و جذاب‌تر هم کرده است: «تیزی گوشه‌های ابرویت / آن دوتا چشم ماجراجویت / راز عطر شبیه شب بویت / این به هم خوردن انگبوت / آخرش کار می‌دهد دستم // طعم لبخندهای شیرینت / لحن نازک، نگاه سنگینت // ها، دو چشم پلاک ماشینت / شیطننت در تلفظ شینت / آخرش کار می‌دهد دستم»



ه دو چشم
قاسم صرافان
فصل پنجم

صرافان را اهل شعر، به‌عنوان شاعر آیینی توانا، به‌خوبی می‌شناسند. اما ه‌دو چشم زاویه‌ای دیگر از طبع تغزلی او را به تماشا می‌گذارد که پیش از این با این وضوح دیده نشده بود. این مجموعه شعرهای عاشقانهٔ او را

را تجربه می‌کند که تحت تأثیر سفر او به هندوستان است. هندوستان پر رمز و راز که دست‌مایهٔ شیرین‌سخنی و خوش‌طبعی شاعرانی چون قزوه نیز شده بود، این بار از نگاه امیری اسفندقه و در قالب نیمایی، ظهور می‌کند. عناصر زیستی مجذب‌کننده و اشتیاق درک معنای زندگی در اشعار این مجموعه، رنگ و بوی خاصی به آن بخشیده است که شبیه آن را آخرین بار در شعر سهراب چشیده بودیم. اسفندقه از واژه‌های خاص هندی که اشاره به رسم یا اتفاقی بومی دارند، به‌وفور در شعرش استفاده کرده است. شعرهای این مجموعه در سیال اندیشه و احساس غوطه‌ورند و بیشتر از آنکه به قضاوت بپردازند، به تماشا نشسته‌اند: «دهلی / نه گریه کرد و / نه خندید / بل به خنده / گریست»



دهلی ستاره بود
مرتضی امیری اسفندقه
شهرستان ادب

«دهلی ستاره بود / سوسوزان به سحر / می‌آمدت به چشم و نمی‌آمدت به چشم...» مرتضی امیری اسفندقه در مجموعهٔ دهلی ستاره بود، فضای تازه‌ای

شاعرانی چون استاد مجاهدی نفس می‌کشد و زندگی می‌بخشد. شاید مهم‌ترین ویژگی شعر پروانه، عنصر معرفت‌بخشی و نگاه عمیق او به زندگی و انسان باشد. وقتی صحبت از حفظ کرامت و بلندی جایگاه ائمه در شعر آیینی روزگار ما می‌شود، شعر ایشان در اوج قرار می‌گیرد. مجموعهٔ *آینه‌های سفالی* مفاهیم بلند عرفانی را با ارزش‌ها و آموزه‌هایی چون ولایت، انتظار، شهادت و... توأمان داراست. استاد پروانه، از این مجموعه که همگی در قالب غزل سروده شده‌اند، به‌عنوان مجموعه‌ای از اشعار عاطفی‌اش یاد کرده است؛ چرا که در این مجموعه، اشعار عاشقانهٔ بیشتری نسبت به دفاتر دیگر ایشان دیده می‌شود. او خود، حق مطلب را تمام می‌کند که: «این مصرع پروانه مرا کشت که گفت / از عشق، بلای ناگهانی‌تر نیست»



آینه‌های سفالی
محمدعلی مجاهدی (پروانه)
فصل پنجم

«اینجا که من به شوق تماشا نشستام / جنس تمام آینه‌های سفالی است» شعر عارفانه که در سنت شعری ایران قدمتی دیرینه دارد، هنوز هم با دم گرم و گیرای



لازم است. مجموعه هم صدا با حلق اسماعیل در سه فصل تنظیم شده است که فصل اول با عنوان «سروده‌های سحر زاد» گزیده‌ای از سروده‌های پس از انقلاب، فصل دوم با عنوان «شب سروده‌ها» گزیده‌ای از سروده‌های پیش از انقلاب و فصل سوم دفتر رباعیات مرحوم حسینی است. قالب‌های شعری این مجموعه متنوع هستند و غزل، مثنوی، رباعی و سپید را شامل می‌شوند. در «شب سروده‌ها» شاعر با زبانی نمادین به ظلم ستیزی می‌پردازد. حماسه آمیخته با امیدواری، اشاعه فرهنگ ایثار و شهادت و حساسیت‌های اجتماعی از ویژگی‌های دو فصل دیگر اشعار این مجموعه است. شعر مرحوم حسینی با طنز و ظرافت‌های زبانی و مفهومی عمیقش تأثیری دوچندان در مخاطب می‌گذارد. یادش را با خواندن شعرش گرامی می‌داریم.



هم صدا با حلق اسماعیل

سیدحسن حسینی

سوره مهر

«بیا عاشقی را رعایت کنیم/ ز باران عاشق حکایت کنیم...» اگرچه مرحوم سیدحسن حسینی نیازی به معرفی ندارد؛ اما برای نسل جوان‌تر آشنایی با آثار هنوز با طروات و بارور این شاعر نجیب

روشنگری و اشاره به مفاهیم اعتقادی دین، علاوه بر ستایش ائمه اطهار^(ع)، شعر آیینی را پخته‌تر می‌کند: «به حکم صبر پذیرفت درد بیعت را/ و گرنه دست خدا کی دهد به دشمن دست» زبان یکدست و استحکام در ساختار، شعرهای برقی را میان خوانندگان حرفه‌ای شعر مطرح کرده است. در این مجموعه که چند شعر هم با مضمون آزاد و عاشقانه وجود دارد، استخدام قالب‌های مختلف عاملی در راستای تنوع فرمی آن ده است. نوستالژی شاعر از خاطرات مجالس مذهبی و عزاداری‌های ایام محرم، از بخش‌های جذاب این مجموعه است که مخاطبان جوان را به روزگار کودکی می‌برد و وسط هیئت‌های باصفا و بی‌ریای آن روزگار، مبهوتانه در تماشا غرق می‌کند: «عطر پر رنگ چایی روضه/ زبیر و رو کرده خانه او را/ چقدر ناگهان هوس کردم/ طعم آن چای قند پهلوی را»



رقعه

سید حمیدرضا برقی

فصل پنجم

شعر مذهبی زمانی که با عموم مردم صمیمی شود و با خواص هم حرف‌ها برای گفتن داشته باشد، آن وقت می‌توان گفت در انجام رسالت خود موفق بوده است. مجموعه رقعہ حاوی چنین اشعاری است.



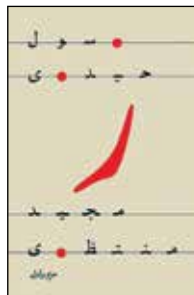
اگر این دو کتاب نبود...



« همیشه فکر می‌کردم که رایزن‌های فرهنگی ایران در خارج از کشور، افرادی کارنابلد هستند که از سر رابطه به این سمت‌ها منصوب می‌شوند، اما خواندن این دو کتاب نظرم را عوض کرد. البته شاید رویکرد کلی همینی باشد که گفتیم

« این شهید را داخل کشور گمنام هستند و کمتر کسی می‌داند این‌ها چه کردند. شاید اگر این دو کتاب هم چاپ نمی‌شد، نگارنده این متن هم نمی‌دانست که روزگاری رسول حیدری و محمدعلی رحیمی چه کسانی بودند و چه کردند؟

مصطفی وثوق کیا - این روزهای پاییزی، کتاب خواندن حس و حالی خوب می‌خواهد و البته کتاب‌هایی خوب‌تر تا این حس و حال را جلا دهد. در آشفته‌بازاری که همه‌جور کتاب اعم از زرد و غیرزرد پیدا می‌شود، دو کتاب خاطره به دستم



رسید که حس و حالی خوب را برای مدتی طولانی در ذهن و روانم ادامه‌دار کرد. تا به حال، کتاب‌های خاطرات زیادی خوانده بودم، اما درباره شهیدای برون‌مرزی کتابی نخوانده بودم، تا این که ر و رسول مولتان به دستم رسید. دو کتاب درباره مردانی که از عاقبت خود و خانواده گذشتند و رفتند تا پرچم نهضت جهانی انقلاب اسلامی را در دیگر سرزمین‌ها برافراشته کنند و الحق که این کار را به شایستگی به سرانجام رساندند و مزدشان را نیز با نثار خون خود گرفتند.

همیشه فکر می‌کردم که رایزن‌های فرهنگی ایران در خارج از کشور، افرادی کارنابلد هستند که از سر رابطه به این سمت‌ها منصوب می‌شوند، اما خواندن این دو کتاب نظرم را عوض کرد. البته شاید رویکرد کلی همینی باشد که گفتیم!

وقتی می‌بینی که شهید رحیمی زندگی خود در ایران را می‌گذارد و به هند می‌رود، هشت‌سال در بدترین شرایط زندگی می‌کند تا فقط یک پیام را برساند، شرمنده می‌شوی. تازه این پایان کار نیست. هشت‌سال زندگی در غربت که تازه تمام می‌شود، حالا نوبت پاکستان است. آن هم نه شهرهایی چون کراچی و اسلام‌آباد، بلکه شهری دورافتاده چون مولتان که حتی یک ایرانی هم در آن پیدا نمی‌شود؛ اما وقتی افق نگاهت

اسلام و انقلاب باشد، دست زنی و بچه را می‌گیری و می‌روی تا کاری کنی که نهایتاً وهابی‌ها خونت را بریزند.

این ماجرا همین‌جا تمام نمی‌شود. رسول حیدری نامی هم هست که وقتی جنگ هشت‌ساله عراق علیه ایران تمام



می‌شود، باز هم آرام و قرار ندارد. او که حتی در دوره هشت‌ساله جنگ، باز هم در جاهایی داخل خاک عراق عملیات انجام می‌داده است، این بار با شروع جنگ غیرانسانی علیه مردم مسلمان بوسنی، راهی آن سرزمین می‌شود و زن و بچه را می‌گذارد، باز هم در پناه خدا و برای یاری یک ملت مظلوم تا به مردمی که از اسلام فقط اسمی داشتند، پیام انقلاب را برساند و به حدی جلو می‌رود که رسول حیدری در بوسنی می‌شود نمادی از یک مرد قهرمان. این قهرمان اما، اگر ایرانی باشد، مخالف هم دارد که تحملش نمی‌کنند و حتی اگر چند روز به پایان مأموریتش باقی مانده باشد، خونش را می‌ریزند و رسول حیدری می‌شود اولین شهید ایرانی در بوسنی. ولی خب مردم اگر قدرشناس باشند، مانند مردم بوسنی برایش مقبره و مزار درست می‌کنند و تا الآن که بیست‌و‌اندی سال از شهادتش گذشته، هر ساله برایش مراسم می‌گیرند و یادشان نمی‌رود که رسول حیدری با نام مستعار مجید منتظری، برای مردم بوسنی در روزهای سخت جنگشان چه کرد؟

با این همه، اما، این شهید در داخل کشور گمنام هستند و کمتر کسی می‌داند این‌ها چه کردند. شاید اگر این دو کتاب هم چاپ نمی‌شد، نگارنده این متن هم نمی‌دانست که روزگاری رسول حیدری و محمدعلی رحیمی چه کسانی بودند و چه کردند؟

دستچینی از بهترین کتاب‌ها برای واکاوی فتنه ۸۸

۷۹



طعم کتاب
بسته پیشنهادی

«بعضی‌ها احساس دارند، احساس مسئولیت می‌کنند، انگیزه دارند اما این انگیزه را غلط خرج می‌کنند؛ بد جایی خرج می‌کنند؛ اسلحه را به آنجایی که باید، نشانه نمی‌گیرند؛ این بر اثر بی‌بصیرتی است. حالا ما چند سال پیش در قضیه فتنه گفتیم بصیرت؛ بعضی دهن کجی کردند که بصیرت! بله، بصیرت؛ بصیرت که نبود، هر چه که مسئولیت و انگیزه بیشتر باشد، احساس بیشتر باشد، خطر بیشتر است؛ اطمینانی دیگر نیست به این آدم بی‌بصیرت و بدون روشن‌بینی که دوست را نمی‌شناسد، دشمن را نمی‌شناسد و نمی‌فهمد کجا باید این احساس راه این نیرو راه این انگیزه را خرج کند این پس شد رکن دوم که بسیار بسیار لازم است. اگر این رکن دوم نباشد، امر به معروفش هم اشتباهی درمی‌آید، جهادش هم اشتباهی درمی‌آید، امر مورد اهتمامش هم دچار خطا می‌شود و به کج‌راهه می‌افتد.»

دستچینی از بهترین کتاب‌ها برای

واکاوی فتنه ۸۸



ماهنامه شیرازه کتاب
مجموع‌ناشران انقلاب اسلامی



روش تحلیل سیاسی
آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای
 انقلاب اسلامی

این کتاب تلاشی است مبتنی بر منظومه فکری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، با هدف ارائه روشی منسجم و منطقی برای تحلیل مسائل و پدیده‌ها در چهارچوب تحلیلی انقلاب اسلامی.

این مجموعه در قالب یک کتاب کار و در دو گفتار و دو ضمیمه تنظیم شده است. فصل نخست به مقدمات و پیش‌نیازهای ضروری جهت کسب آمادگی‌های لازم برای تحلیل سیاسی پرداخته است و فصل دوم، در دو بخش ایجابی و سلبی، گام‌ها و بایسته‌های یک تحلیل سیاسی خوب و متقن را مشخص کرده است.

همچنین در پایان کتاب، دو نمونه از تحلیل‌های رهبر انقلاب اسلامی از دو موضوع «مذاکره با آمریکا» و «نگاه تحلیلی کلان به انقلاب اسلامی» به‌منظور تمرین خوانندگان و تطبیق نکات روشی مذکور در متن کتاب با تحلیل‌های صورت‌گرفته توسط رهبر انقلاب ارائه شده است.

با توجه به طراحی زیبای داخل کتاب و شکل صفحه‌بندی، می‌توان گفت مخاطب به‌هیچ‌وجه از مطالعه آن خسته نمی‌شود.



عدالت در گرداب
جواد سلیمانی امیری
 مؤسسه اشراق حکمت و فرهنگ اسلامی

انقلاب اسلامی که ادامه حرکت جهانی نبی اکرم (ص) و بروز دوباره حکومت شیعی در تاریخ است، همانند تجربه پیشین خود، امروز از برخی آفت‌های درونی رنج می‌برد. آفت‌هایی که در یک ارزیابی کوتاه به قرابت شگفت‌آورشان به چالش‌های دوره پیشین حاکمیت تشیع می‌رسیم.

در آن زمان، مردم و جریان‌های خاص، هر یک به‌نحوی عدالت‌مداری علی^(ع) را تهدید می‌کردند. تحجرگرایی و بی‌بصیرتی مردم نسبت به مقام مولا از یک سو، و شرایط آن روز اسلام از سوی دیگر، گردابی را به‌وجود آورد که عدالت علوی را در خود فرو می‌برد. از این‌رو، بازخوانی شرایط و مشکلات حکومت علوی از جمله ضروریات امروز ماست. چرا که ما راه و عملکرد خود را در ادامه حکومت مولا تفسیر می‌کنیم و چالش‌های پیش روی خود را از همان سنخ می‌یابیم. کتاب حاضر، به بررسی جریان‌های اثرگذار حکومت علوی پرداخته است؛ به‌نحوی که قابلیت تطبیق بر جریان‌های موجود در کشور را داشته باشد. محتوای مذکور در دو بخش اصلی چالش‌های مردم و چالش‌های نخبگان ارائه گردیده است.



■ نقشه نقش بر آب ■ آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای ■ انقلاب اسلامی

سال ۱۳۸۸ یکی از مهم‌ترین مقاطع تاریخ انقلاب اسلامی ایران به‌شمار می‌رود. بروز فتنه بزرگ و سازمان‌یافته‌ای که دشمنان قسم‌خورده این انقلاب و سرزمین، سال‌ها برای آن برنامه‌ریزی و آماده‌سازی کرده بودند، کشور و همه‌آحاد جامعه را در معرض آزمونی بزرگ و سرنوشت‌ساز قرار داد.

به‌مدد لطف و عنایت الهی و برکات خون شهیدان و با رهبری حکیمانه و بی‌نظیر مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، انقلاب اسلامی این گردنه دشوار را پشت سر نهاد. کتاب، حاوی فرازهای مهمی از رهنمودهای معظم‌له در طول یک سال و نیم پس از انتخابات، یعنی سال ۸۸ و ۸۹، است و حاوی درس‌هایی ماندگار از این دوران حساس می‌باشد.

از مهم‌ترین موضوعاتی که در این کتاب به آن‌ها اشاره شده است، به موارد ذیل می‌توان اشاره کرد: اهمیت انتخابات در نظام اسلامی، دهمین انتخابات ریاست‌جمهوری، وظایف مردم و نامزدها، آسیب‌شناسی انتخابات، مواضع و رهنمودها درباره فتنه براندازی نظام اسلامی، اهمیت و معنای بصیرت، جنگ نرم دشمن و راه‌های مقابله با آن.



■ کالبدشکافی فتنه هشتادوهشت ■ آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای ■ انقلاب اسلامی

با مطالعه این کتابچه، خواننده می‌تواند به یک درک جمع‌بندی‌شده و نظام‌مند از مواضع و تحلیل‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی در برابر فتنه ۸۸ دست پیدا کند، خطوط اصلی تحلیل ماجرا را به‌دست آورد، ارزیابی جامعی از عوامل مؤثر در ماجراهای پس از انتخابات داشته باشد و جایگاه، نقش و وظایف خود را در افق آینده مشخص نماید.

کالبدشکافی فتنه هشتادوهشت، شامل نمایه بیانات رهبر معظم انقلاب از اول فروردین سال ۸۸ در حرم امام رضا^(ع) تا سخنان ایشان در جمع مبلغان مذهبی در آستانه ماه محرم سال ۸۸ است.

این کتاب با محوریت بیانات رهبر معظم انقلاب در قالب نمودار درختی در پنج فصل تنظیم شده است که در فصل اول، شاهد سخنان رهبری پیش از انتخابات هستیم که در آن به وظیفه مردم، نامزدها، چالش‌های پیش‌رو و آسیب‌های احتمالی پرداخته‌اند. فصل دوم، مواضع، تحلیل‌ها، آسیب‌شناسی، توصیه‌ها و هشدارهای ایشان در فاصله انتخابات تا نماز جمعه تاریخی ۲۹ خرداد را دربرمی‌گیرد. ماجرای فتنه و جوانب آن و همچنین راهکارهای ایشان برای خروج از فضای فتنه، فصل سوم این کتاب را تشکیل می‌دهد. فصل چهارم به موضوع بصیرت توجه دارد و فصل پنجم به جنگ نرم و بازی بازیرگانش می‌پردازد.



جامعه‌شناسی ۲۲ خرداد
 پرویز امینی
 ساقی



انقلاب اسلامی در بوته آزمون
 منوچهر محمدی
 مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر

کتاب جامعه‌شناسی ۲۲ خرداد، نوشته آقای پرویز امینی، به‌عنوان یک اثر جامعه‌شناسانه درباره یک پدیده اجتماعی سیاسی تأثیرگذار، نگاه‌های قابل‌اعتنا در زمینه تاریخ‌نگاری و نگاه تحلیلی به انتخابات ۲۲ خرداد ۸۸ است. در کتاب، نه رویکردی یک‌سره تعریف و تملق از جریانی خاص و نه نقدهای یک‌سویه و سفارشی از جریان فکری مشخص به‌چشم می‌خورد؛ بلکه سعی شده با اجتناب از نگاه تک‌بعدی و تک‌ساحتی، جامع‌نگری قابل‌قبولی در پرداخت به مسائل در آن صورت گیرد.

دیگر آنکه، در هر فصل و هر گفتار، با ذکر متغیرهایی مشخص، نسبت هر مطلب با متغیر سنجیده می‌شود که این به روال منطقی طرح مسئله برای مخاطب کمک شایانی می‌کند و این‌گونه تحلیل در نقطه مقابل تحلیلی است که در آن صرفاً به ذکر مشهورات پرداخته می‌شود و مخاطب آماج اطلاعاتی مسلسل قرار می‌گیرد که جمع‌زدن و دسته‌بندی آن‌ها سخت، و ماندگاری و اثرگذاری‌اش کم می‌شود.

حوادث و اتفاقات قبل و بعد از انتخابات دوره دهم ریاست‌جمهوری در ایران، در تاریخ سی‌ساله نظام جمهوری اسلامی، یقیناً از حوادث و اتفاقات استثنایی و کم‌نظیر بوده است. برای کشوری که در طول این سه دهه و در شرایط سخت و حتی در دوران هشت‌ساله جنگ تحمیلی، تقریباً همه‌ساله یک انتخابات سراسری برگزار کرده و اجازه نداده است حتی یک روز هم وقفه و تأخیری در انجام انتخابات ایجاد شود و عموم آن‌ها به‌آرامی و بدون ایجاد تنش و برخورد، برگزار شده‌اند. آنچه در دوران انتخابات دهم ریاست‌جمهوری اتفاق افتاد، همه را شگفت‌زده کرد.

این شگفتی‌ها ما را به این نقطه می‌رساند که آنچه اتفاق افتاد، نمی‌توانست حاصل یک حرکت خودجوش، ناگهانی و بدون طراحی قبلی باشد؛ بلکه حاصل یک برنامه‌ریزی درازمدت، طولانی و نتیجه کار عمیق اتاق‌های فکر و درهم‌تنیده دشمن بوده است و می‌طلبد که بر اساس این پیش‌فرض، پژوهشی عمیق و همه‌جانبه صورت گیرد.

در این کتاب، ضمن پرداختن به برنامه‌ریزی‌های دشمن در این جنگ، فازهای عملیاتی و اجرایی آن نیز بررسی و تجزیه و تحلیل می‌شود.



■ نکبه‌گاه

✍ محمدحسن روزی طلب
📖 مرکز اسناد انقلاب اسلامی



■ ارتش سری روشن فکran

✍ پیام فضلی نژاد
📖 کیهان

جریان فتنه ۱۳۸۸ دارای ابعاد و زوایای مختلف آشکار و پنهانی است که تقسیم تاریخ انقلاب به پیش و پس از فتنه، جهت نشان دادن مواضع اشخاص و جناح‌های مختلف بی‌راه نیست.

انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری و پیروزی رئیس‌جمهور وقت بر رقیبان بانام‌ونشان خود، سرآغاز تنش‌ها و تحولاتی شد که اگر چه ریشه در مدیریت‌های پیشین و سالیان دور داشت، تأثیر عمیقی در رفتار سیاسی شخصیت‌ها گذاشت. اکبر هاشمی رفسنجانی یکی از این افراد بود که در طول چهار سال فعالیت دولت نهم از مانع‌تراشی در برابر اقدامات دولت بازنایستاد و همه مخالفان دولت را به نوعی زیر چتر حمایت خود برد.

پس از اعلام نتیجه انتخاب، مردم در روز ۲۲ خرداد ۸۸، رقبای انتخاباتی به‌جای تبریک به شخص منتخب، «تقلب» در انتخابات را القا کردند که باعث بروز فتنه بزرگی شد. متأسفانه آقای هاشمی بعد از انتخابات ۸۸ نیز با مواضع غیر شفاف خود باعث جری شدن فتنه‌گران شد.

این اثر به عملکرد هاشمی در انتخابات نهم و دهم ریاست جمهوری پرداخته و با نقل انبوهی از مدارک و مستندات، نحوه سلوک هاشمی را با جریان انتخابات دهم روشن می‌سازد.

واکاوی اندیشه‌ها و یافتن ارتباطات پنهان و آشکار آن‌ها با عوامل و کارگزاران صحنه سیاست، منجر به دریافت شناختی عمیق از وقایع و رویدادهای پیرامون می‌شود. ارتش سری روشن فکran بر اساس یک روش تاریخ‌نگاری تازه در زمینه «تاریخ ستری» و پیوند آن با «تاریخ اندیشه‌ها» نوشته شده و روایت ناگفته‌هایی از تاریخ سیاسی معاصر ایران و نیمه پنهان کارگزاران فتنه سبز و علوم انسانی سکولار است.

این کتاب، ضمن بازخوانی سیاست‌های سرمایه‌داری در دولت‌های سازندگی و اصلاحات، به نیمه پنهان زندگی و حرفه عوامل سرویس‌های جاسوسی غرب در حوزه علوم انسانی، مطبوعات، ترجمه، نشر کتاب و... پرداخته و کوشیده است تا به این موضوع، از زاویه بحث‌هایی که رهبر معظم انقلاب پس از فتنه سال ۱۳۸۸، در حوزه علوم انسانی غربی ارائه دادند، وارد شود.



آرکیو هشتادوهشت
حسین قدیبانی
مرکز اسناد انقلاب اسلامی



نقش بهائیت در فتنه ۱۳۸۸
سلیمان علوی نیک
مرکز اسناد انقلاب اسلامی

فتنه ۸۸ جدا از آثار زبان‌بار، واژگان و اصطلاحات زیادی را وارد فرهنگ واژگان انقلاب اسلامی کرد و انواع نوشته‌ها را در قالب‌های مختلف به‌وجود آورد: طنز فتنه، دل‌نوشت فتنه و تدارک انواع نرم‌افزارها برای روشن کردن ابعاد مختلف و پیچیده جریان فتنه برای مردم، از جمله ادبیات راجع به فتنه می‌باشد.

آرکیو هشتادوهشت، نوشته‌های یکی از روزنامه‌نگاران است که در همان روزگار پرازگردوغبار فتنه، درباره حوادث و اشخاص مختلف نوشته شده است. نویسنده برای بیان مقصود خود قالب طنز را برگزیده که دارای ظرفیت‌های زیادی برای بیان مفاهیم بلند و عالی است.

نقش دولت‌های بیگانه در شکل‌گیری و قوام فرقه بهائیت و اقدامات و اهداف آن علیه ایران بر کسی پوشیده نیست. این حزب سیاسی با بدعت‌های زشت بنیان‌گذاری شد و در دامن بیگانگان پرورش یافت؛ اما با پیروزی انقلاب اسلامی که دیگر مجالی برای تحقق اهداف شوم این فرقه باقی نمانده بود، بهائیان از طریق هم‌دستی با استکبار در تضعیف نظام اسلامی کوشیدند و به‌نحای مختلف در صدد تبلیغ مرام خود برآمدند. انتخابات دهم ریاست جمهوری و حوادث متعاقب آن عرصه‌ای بود تا دوباره بهائیان با اشاره محافل بیگانه علیه جمهوری اسلامی ایران توطئه کنند. تا پیش از انتخابات این دوره، بهائیان به‌دلیل بی‌علاقگی به سرنوشت ایران، در هیچ انتخاباتی شرکت نمی‌کردند و خود را ایرانی نمی‌دانستند. اما این بار که اراده محافل بهائی بر شرکت در انتخابات و رأی‌دادن به نامزد مشخصی قرار گرفته بود، پیروان خود را به شرکت فعال فراخواندند. مردم ایران که با حضور چهل میلیونی خود در انتخابات، دشمنان خارجی را در تحقق نقشه‌هایشان ناکام گذاشتند، این بار نیز دست رد بر سینه‌ای داخلی آنان زدند. حوادث بعد از انتخابات و اغتشاشات سران فتنه باعث شد که گروه کوچک بهائیان نیز به گروه‌های آشوبگر بپیوندند و در خیابان‌ها با نیروهای امنیتی درگیر شوند. به‌علاوه، رسانه‌های غربی و در رأس آنها تلویزیون فارسی بی‌بی‌سی نیز با تبلیغ و حمایت گسترده از بهائیان، آنها را به حضور در خیابان‌ها تشویق می‌کرد. با دستگیری برخی از شرکت‌کنندگان بهائی در اغتشاشات و اعترافات آنان، نیت پلید این فرقه در ضربه‌زدن به نظام اسلامی مشخص گردید. اثر پیش‌رو شامل برخی بازجویی‌ها از دستگیرشدگان بهائی در اغتشاشات روز عاشورا است که دقت در اعترافات و اقرارهای آنها بسیاری از ابعاد و ماهیت فتنه ۱۳۸۸ را روشن می‌سازد.



■ **شورش اشرافیت بر جمهوریت**
 ■ حمیدرضا اسماعیلی
 ■ مرکز اسناد انقلاب اسلامی

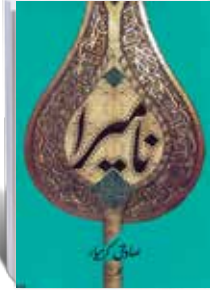
نظام جمهوری اسلامی ایران بر پایه ایدئولوژی اسلامی شکل گرفته و با پایبندی به احکام این دین مبین قوام یافته است. طبق وعده الهی که نص صریح قرآن کریم می‌باشد، خداوند مستضعفان را حاکم بر جهان خواهد کرد و این اراده و خواست خداوندی لایتغیر است. نهضت امام خمینی^(ع) که با همراهی مستضعفان به پیروزی انقلاب اسلامی منجر شد، پیروزی مظلومان بر مستکبران را رقم زد. در این راستا، جمهوری اسلامی ایران از همان ابتدای پیروزی انقلاب برای اعاده حقوق مستضعفین از مستکبران تلاش کرده است و این ایدئولوژی انقلاب در تمامی تصمیم‌سازی‌های نظام اسلامی جریان دارد. حوادث و وقایع بعد از انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری و تمکین نکردن نامزدهای انتخاب‌نشده به قانون و رأی مردم در یک نگاه، غلبه روح طاغوتی و زیاده‌خواهی را جلوه‌گر می‌کند که شایسته واکاوی و ریشه‌یابی دقیق‌تر است. اثر پیش‌رو با نگاهی به گفت‌وگو دوم خرداد، دلایل اقبال مردم به منتخب انتخابات دهم را بررسی کرده و به تلاش‌های جبهه دوم خرداد برای دامن‌زدن بر شایعه تقلب و آشوب‌آفرینی می‌پردازد. نگارنده با موشکافی روش‌های اغتشاشگران و نقش و همراهی بیگانگان و اپوزیسیون خارج‌نشین، به روشن کردن ریشه و علل حوادث پس از انتخابات همت گماشته است.



■ **شنبه پس از انتخابات**
 ■ محمدسعید کاوه
 ■ مرکز اسناد انقلاب اسلامی

انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری در نظام جمهوری اسلامی وقایعی را در برداشت که از هر لحاظ شایسته دقت و توجه است. مشارکت حدود ۸۵ درصدی مردم در این انتخابات که بالاترین میزان مشارکت را در انتخابات‌های مختلف نشان می‌داد، از جمله این وقایع است. اما وقایع فردای روز انتخابات و اعتراض بی‌رویه و شبهه‌افکنی در نتیجه و نحوه برگزاری انتخابات باعث شکل‌گیری جو تشنج در جامعه شد که از نخستین ساعات پس از اعلام نتایج شروع شد و مدتی تداوم داشت.

مرکز اسناد انقلاب اسلامی در راستای ثبت و ضبط تحولات دوران حاکمیت نظام جمهوری اسلامی و شناساندن بهتر ماهیت جریان‌ها و حرکات و اغتشاشات اخیر، اقدام به بازخوانی وقایع قبل و بعد از انتخابات و مواضع کاندیداها، افراد و گروه‌ها اقدام به چاپ این اثر نموده است.



نامیرا
صادق کرمیار
کتاب نیستان



طوفان فتنه و کشتی بصیرت
آیت الله محمد تقی مصباح یزدی
مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)

امیرالمؤمنین علی (ع) می فرمایند: «إِنَّ الْفِتْنَ إِذَا أَقْبَلَتْ شَتِّهَتْ و إِذَا أُدْبِرَتْ تَبَّهَتْ... فتنه‌ها در آغاز پیدایش، شبهه و اشتباه پدید می آورند.» یعنی فتنه شفاف نیست و توأم با شبهه‌ها و ابهام‌هاست و مردم را به اشتباه می اندازد. فتنه خود را نشان نمی دهد. فتنه‌گران نیز دست خود را رو نمی کنند و نمی گویند که ما در پی فتنه‌گری هستیم. اکنون که آنان خود را معرفی نمی کنند و به‌طور معمول، فتنه با اشتباه، جهل، غفلت و تشابه پدید می آید، چه کنیم تا فتنه را بهتر بشناسیم و چگونگی فعالیت فتنه‌گران را بدانیم تا بتوانیم در مقابل آن‌ها موضع مناسب گرفته، وظیفه خود را درست انجام دهیم؟ به عبارت ساده، فتنه را چگونه بشناسیم؟ اگر فتنه شناخته شود، فتنه‌گر نیز شناخته می شود. این کتاب درصدد تبیین دقیق مفهوم فتنه در فرهنگ اسلامی و تحلیل فتنه‌های اجتماعی صدر اسلام است.

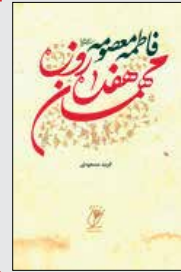
نامیرا داستانی شخصیت‌محور است؛ زمانی با خرده‌روایت‌هایی از تغییر روش، هدف، آرزو و عاقبت آدم‌ها. این روزگار است که آدم‌ها را در محک انتخاب‌شدن و انتخاب کردن می گذارد و نویسنده نامیرا فقط تصویرساز صادق این رویدادهاست. کرمیار، کتاب را به سبک رمان‌های کلاسیک با شروعی آرام آغاز می کند، تصویرسازی می کند، شخصیت‌ها را یک به یک وارد داستان می کند، آن‌ها را معرفی می کند و با داستان پیش می برد. نامیرا اسیر اختلاف روایت‌های تاریخی نشده و البته از عقبه تحقیقی درستی بهره برده است. در نامیرا است که می فهمی بخشی از انبوه مردمی که به امام نامه نوشتند، حضور امام را برای منافع شخصی خود می خواستند. امضاها به‌خاطر درد دین نبود؛ بلکه برای طایفه‌ای، سؤال این بود که چرا معاویه شام را برتر از کوفه دانسته است. وقتی که ابن‌زید سر کیسه را شل کرد و از بیت‌المال کیسه‌های طلا بخشید، دیگر آمدن امام فایده‌ای برای این قوم نداشت. قصور معاویه را یزید جبران کرده بود. شاید اگر امام می آمد به کوفه و زعامت قوم را برعهده می گرفت، اینان باز هم مخالفت می کردند؛ هرچند ابن‌زید هلاکشان کرد و دستشان را به خون پسر پیامبر (ص) آلوده کرد.



گزیده‌ای از کتاب‌های معرفی شده در نشست کتاب‌خوان



الهام امانی، کتابدار کتابخانه عمومی استاد ابراهیم دهگان، کتاب بریل لهوف، نوشته علی بن موسی بن طاووس را معرفی کرد. وی در معرفی این اثر گفت: «موضوع این کتاب، جریان شهادت امام سوم شیعیان حسن بن علی^(ع) و واقعه جان سوز عاشورا است. کتاب حاضر برای مسافرت‌ها و آداب زیارت نوشته شده است و از آنجا که مؤلف بنا بر اختصار داشته است، سلسله اسناد روایات را حذف کرده و تنها آخرین راوی یا کتاب مرجعی که روایت از آن نقل شده، آورده شده است. مؤلف، که هدفش بیان واقعه عاشورا بوده، احادیث را طوری کنار هم قرار داده که یک جریان منسجم را تشکیل دهد.



فاطمه شیخی، کتابدار کتابخانه عمومی گل‌سار تهران، کتاب حضرت معصومه^(س) مهمان هفده‌روزه، نوشته فرید مسعودی، را معرفی کرد. وی در معرفی این اثر گفت: «این اثر در بین کتاب‌های مربوط به زندگی حضرت معصومه^(س)، ویژگی‌های منحصر به فردی دارد؛ از جمله اطلاعات فراوان تاریخی، موارد تحقیقی، سلسله اسناد احادیث و... که اغلب آن موارد برای مخاطبان محقق و اهل علم بسیار قابل استفاده است. کتاب حاضر در هشت فصل سامان یافته است: خاندان آن حضرت، القاب حضرت فاطمه معصومه^(س)، از میلاد مسعود تا اجل موعود، زیارت حضرت معصومه^(س)، مختصری درباره حرم مطهر حضرت معصومه^(س)، قم و حضرت معصومه^(س) و...»



ویدا سلیمی، عضو کتابخانه عمومی علامه دهخدا، کتاب منطق الطیر، نوشته شیخ عطار نیشابوری، را معرفی کرد. وی در معرفی این اثر گفت: «منطق الطیر یا مقامات الطیور منظومه‌ای است از عطار نیشابوری که به زبان فارسی و در قالب مثنوی در بحر رمل مسدس مقصور (محذوف) سروده شده است. کار سرودن این مثنوی در قرن ششم هجری قمری (۱۱۷۷ میلادی) پایان یافته است. ابیات این مثنوی را معمولاً بین ۴۳۰۰ تا ۴۶۰۰ بیت دانسته‌اند. مراحل و منازل در راه پوییدن و جست‌وجوی عرفان یعنی شناختن رازهای هستی در منطق الطیر عطار هفت منزل است. او این هفت منزل را هفت وادی یا هفت شهر عشق می‌نامد.»



زهره شنیدی، کتابدار، کتاب آذرخشی دیگر در آسمان کرپلا مجموعه سخنرانی‌های آیت‌الله مصباح‌یزدی به قلم محمود پاکروان را معرفی کرد. وی در معرفی این اثر گفت: «نویسنده در این کتاب کوشیده شده ضمن بیان شرایط تاریخی حرکت حسینی و زمینه‌های اجتماعی و تحولات پیش‌آمده در جامعه مسلمان پس از رحلت رسول اکرم (ص) تا حکومت یزید، به ترسیم و تعمیم این شرایط در هر زمان و مکان و امکان وقوع انحرافات در جامعه اسلامی و ضرورت مقابله با آن پرداخته شود.»



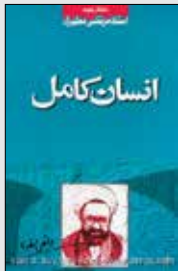
فاطمه ابراهیمی، عضو کتابخانه، کتاب عاشقانه‌های یونس در شکم ماهی، نوشته جمشید خانیان را معرفی کرد. وی در معرفی این اثر گفت: «داستان این کتاب روایت دختری با نام سارا است که به نقل داستان خود می‌پردازد. او عاشق موسیقی است که در یک خانواده علاقمند به موسیقی رشد کرده است و موسیقی و ابزار آن در خانواده وی، جایگاهی ویژه دارد. داستان این کتاب درباره عشق سارا به سازش، لچبازی‌های او و برادرش و رؤیاهایی است که این شخصیت برای تبدیل شدن به یک نوازنده بزرگ در سر می‌پروراند.»



حمیده ارشادی، مسئول کتابخانه عمومی علامه دهخدا، کتاب راه زندگی الفبای سعادت خانواده، نوشته جواد محدثی، را معرفی کرد. وی در معرفی این اثر گفت: «این کتاب ارائه تجربه‌ها و اصول اولیه زندگی و الفبای حیات برین و زندگی مشترک و معاشرت شایسته و آموزش روش مردم‌دوستانه و خداپسندانه است. در این کتاب، رهنمودهای فراوانی با الهام از مکتب وحی و تعالیم قرآن و عترت آمده است که با عناوینی چون: سلامت خانواده، الفت خانوادگی، خوشرویی و خوشخویی، حرمت و حریم بزرگ‌ترها و... به آن‌ها اشاره شده است.»



فرامرز محمدی‌پور، شاعر، نویسنده و پژوهشگر، مجموعه شعر عینک با بوی پاییز، سروده خود را معرفی کرد. وی در معرفی این اثر گفت: «مطالعه سروده‌های این مجموعه که از سوی انتشارات سوره مهر روانه بازار کتاب شده است، می‌تواند اندیشه روشن شعر و شعور را به خواننده ارزانی کند. نگاه شاعر به محیط اطراف و پژوهش‌های او در عرصه‌های مختلف سبب شده که در این مجموعه شعر سپید با رویکردی از ارزش‌های انسانی و دینی، مؤمن به اندیشه‌هایی از این دست باشد.»



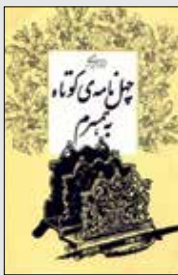
حمیدرضا گرامی، فرماندار کازرون، کتاب انسان کامل، نوشته شهید مرتضی مطهری و داستان داستان‌ها؛ رستم و اسفندیار در شاهنامه، نوشته محمدعلی اسلامی ندوشن، را معرفی کرد. وی در معرفی این اثر گفت: «کتاب انسان کامل مجموعه‌ای است تنظیم‌شده مشتمل بر سیزده جلسه سخنرانی شهید مرتضی مطهری که در سال ۱۳۵۳ و در ماه مبارک رمضان ایراد شده است. شش جلسه اول، این سخنرانی‌ها در مسجد جاوید تهران و بقیه در محل دیگری ایراد شده است. کتاب داستان داستان‌ها؛ رستم و اسفندیار در شاهنامه نیز تحلیلی از داستان رستم و اسفندیار به‌عنوان برجسته‌ترین داستان شاهنامه است.»



امیر نقدی دیوشلی، شاعر و نویسنده، کتاب بار دیگر شهری که دوست می‌داشتیم، نوشته نادر ابراهیمی را معرفی کرد. وی در معرفی این اثر گفت: «این کتاب در کنار یک عاشقانه آرام در زمره عاشقانه‌ترین کتاب‌های نادر ابراهیمی است که با توجه به حجم کم، از تأثیرگذاری چشم‌گیری برخوردار است. کتاب داستان عاشقانه پسر مردی کشاورز است که سخت دل‌باخته دختر خان شده است و هنگامی این داستان را روایت می‌کند که عشقش، هلیا، پس از گذر روزها از فرارشان از شهری که در آن کودکی خود را به جوانی سپرده بودند، او را تنها رها کرده و به خانه بازگشته بود. مرد عاشق به شهری باز می‌گردد که روزگاری به‌خاطر عشقش از آن گریخته و طرد شده بود.»



حجت‌الاسلام روح‌الله زارع، فعال فرهنگی، کتاب حیات القلوب، نوشته علامه محمدباقر مجلسی، را معرفی کرد. وی در معرفی این اثر گفت: «این اثر یکی از تألیفات نفیس به‌جای‌مانده از علامه مجلسی است که جلد اول آن درباره پیامبران و جلد دوم، در احوال پیامبر بزرگ اسلام (ص) و جلد سوم آن در باب امامت است. این کتاب مورد توجه علاقه‌مندان در عصر علامه مجلسی و پس از آن بوده است و علمای بزرگی همچون سید بحر العلوم نسبت به آن عنایت داشته‌اند.»



حسین هاشمی، شهردار شهر شریفیه، کتاب چهل نامه کوتاه به همسر، نوشته نادر ابراهیمی را معرفی کرد. وی در معرفی این اثر گفت: «کتاب شامل چهل نامه و برگزیده‌ای از نامه‌های کوتاهی است که نادر ابراهیمی برای همسر خود خانم فرزانه منصوری نوشته است. به گفته خود نویسنده، نامه‌هایی را که در سال‌های ۶۳ تا ۶۵، زمانی که تازه شروع به تمرین خطاطی کرده بود، در سال ۶۶ جمع‌آوری کرده و آن را در سال ۶۸ به چاپ رسانده است. در واقع، نامه‌ها فقط جملات عاشقانه و زیبا نیستند؛ بلکه شامل شادی‌ها، غم‌ها، اختلاف‌ها، تفاوت باورها و دیدگاه‌ها در هر زندگی مشترک است و راه و رسم عاشقانه و زیبا زندگی کردن را می‌آموزد.»



شیوا پورقدیم، دانش‌آموز، کتاب بینوایان، نوشته ویکتور هوگو را معرفی کرد. وی در معرفی این اثر گفت: «بینوایان، نام رمانی معروف از ویکتور هوگو، نویسنده سرشناس فرانسوی است. این کتاب اولین بار، در سال ۱۸۶۲ منتشر شده و یکی از بزرگ‌ترین رمان‌های قرن ۱۹ است. وی در کتاب بینوایان به تشریح بی‌عدالتی‌های اجتماعی و فقر و فلاکت مردم فرانسه می‌پردازد. این رمان پس از انتشار، با استقبال بی‌پایان از حد انتظار مواجه شد و واکنش‌های انتقادی زیادی را به خود جلب کرد.»



رقیه احمدی، دانش‌آموز، کتاب سارده کوچوم، کوچولو، نوشته آنتوان دو سنت اگزوپری را معرفی کرد. وی در معرفی این اثر گفت: «این داستان، اثری از آنتوان دو سنت اگزوپری است که اولین بار در سال ۱۹۴۳ منتشر شده و توسط احمد شاملو به فارسی ترجمه شده است. شخصیت اصلی داستان، شاهزاده‌ای است که از یک سیاره به زمین می‌آید تا تجربه‌های جدیدی کسب کند.»



نسرین قاسم‌زاده، دانش‌آموز، کتاب بهم می‌آید؟، نوشته رنده عبدالفتاح را معرفی کرد. وی در معرفی این اثر گفت: کتاب، داستان بلندی است درباره ضرورت حفظ حجاب اسلامی که توسط رنده عبدالفتاح، یک دختر مسلمان استرالیایی، روایت می‌شود. رنده که از پدر و مادری فلسطینی زاده شده است و در حومه ملبورن زندگی می‌کند، با ماجراهایی حول محور حجاب روبه‌رو می‌شود. رمان بهم می‌آید؟ مخاطب تعریف‌شده‌ای دارد و نویسنده با هم‌ذات‌پنداری دقیق، موقعیت واقعی او را به تصویر می‌کشد و مسیر داستان را بر اساس همدلی با او پیش می‌برد و بدین ترتیب، پیام خود را به دختران مسلمانی که دغدغه حجاب دارند، می‌رساند.



علیرضا جعفری، رئیس اداره کتابخانه‌های عمومی کازرون، کتاب محمد^(ص) پیامبری برای همیشه، نوشته حسن رحیم‌پور ازغدی را معرفی کرد. وی در معرفی این اثر گفت: «این کتاب، متن پیاده‌شده چهار سخنرانی از حسن رحیم‌پور ازغدی است که در ارتباط با شخصیت پیامبر اکرم^(ص) می‌باشد. در سخنرانی اول، پس از ذکر مقدماتی از ویژگی‌های آن حضرت، چند نکته از شیوه حکومت اسلامی پیامبر^(ص) عنوان شده است. در سخنرانی دوم، ضمن ذکر خصوصیات پیامبر اکرم^(ص) از زبان امام حسین^(ع)، به برخی رفتارهای اجتماعی این حضرت اشاره می‌شود. در سخنرانی سوم، از غدی به برخی شبهات که به دنبال تضعیف و تحریف اعتقاد به نبوت است، پاسخ داده و در نهایت، چهارمین سخنرانی نیز با الگوبرداری از جامعه اسلامی عهد رسول، نکاتی راجع به نظریه حکومت دینی مطرح کرده و به انتقادات وارد بر آن پاسخ می‌دهد.»



پروین طاهری، کتابدار کتابخانه عمومی پیامبر اعظم^(ص) شهر ری، کتاب مفاتیح الحیات، نوشته آیت‌الله جوادی آملی، را معرفی کرد. وی در معرفی این اثر گفت: «اکثر مسائل مطرح در این کتاب به‌نوعی نگاه تمدنی اسلام را روشن می‌سازد؛ آن هم در نگاهی وسیع که حتی شامل نگاه زیست‌محیطی اسلام هم می‌شود. این کتاب نقطه مقابل تفکر سکولار به دین را به نمایش می‌گذارد.»



عسگر محمدلو، کتابدار کتابخانه پانزده‌خرداد شهرستان خوی، کتاب مردی در تبعید ابدی، نوشته نادر ابراهیمی را معرفی کرد. وی در معرفی این اثر گفت: «این کتاب داستان زندگی ملامحمد صدرا شیرازی به‌قلم و روایت نادر ابراهیمی است. کتاب نه با کودکی یا نوجوانی محمدصدرا بلکه با روایت صحنه‌ای از سختی‌های سفر تبعید شروع می‌شود. کلیت رمان از شانزده فصل جداگانه، اما به‌هم‌پیوسته شکل گرفته است. سر فصل‌هایی با عنوان مشترک «راه» که در این کتاب اشاره به سفر تبعید دارد، زمان حال روایت رمان را تشکیل می‌دهند.»



علی علیانی، مدرس دانشگاه، کتاب مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی، نوشته شهید مرتضی مطهری، را معرفی کرد.

وی در معرفی این اثر گفت: «این اثر یکی از کتاب‌های مجموعه شش‌جلدی مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی است که از آخرین آثار نگارشی استاد مطهری به شمار محسوب می‌شود. انگیزه ایشان از نگارش این مجموعه، بیشتر رفع شبهات و نمایاندن انحرافات فکری در زمینه اصول دین بوده است. این مجموعه، در واقع، یک دوره اصول عقاید است (غیر از مسئله امامت که در کتاب امامت و رهبری بحث شده است) و از سبکی بدیع و بیانی شیوا برخوردار است.»

دستچینی از بهترین کتاب‌ها برای آمریکاشناسی



۹۲

طعم کتاب

بسته پیشنهادی

آبان و آذر، ماه‌هایی هستند که برای ما، نامشان با ایالات متحده آمریکا گره خورده است. تسخیر لانه جاسوسی، روز دانشجو، کاپیتولاسیون و... همگی مناسبت‌هایی هستند که هر کدام به نوعی خیانت و ردالت آمریکا را نشان می‌دهند. به همین مناسبت، بسته شماره ۲۱۲ از بسته‌های پیشنهادی مجمع ناشران انقلاب اسلامی با موضوع آمریکاشناسی را معرفی می‌کنیم.

دستچینی از بهترین کتاب‌ها برای



آمریکاشناسی



ماهنامه شیرازه کتاب
شماره ۶ و ۷، آذر و دی ۱۳۹۴



آمریکا از نگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی

منوچهر محمدی

مؤسسه انقلاب اسلامی

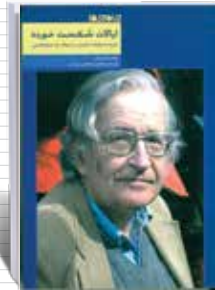


کتاب حاضر مجموعه بیانات مقام معظم رهبری حول موضوع آمریکاست. به گفته صاحب‌نظران، در میان رهبران دنیا در حال حاضر آیت‌الله خامنه‌ای دارای آگاهی بسیار زیادی در زمینه آمریکاست و به همین دلیل، سخنان ایشان می‌تواند راهگشای حل بسیاری از سوالات ذهن ما باشد.

ایالات شکست خورده

نوآم چامسکی / مترجم: یعقوب نعمتی و روحنی

جام جم



«آوران نوآم چامسکی»، استاد بازنشسته دپارتمان فلسفه و زبان‌شناسی مؤسسه فناوری ماساچوست آمریکا، در این کتاب با ذکر نکات بسیاری سعی کرده است سیاست‌های داخلی و خارجی دولت آمریکا را نقد کند. واقعیت این است که طبق گفته بسیاری از روشن‌فکران برجسته، نظام سیاسی این کشور از خلأ دموکراتیک عمیقی رنج می‌برد. ساختارهای قدرت نهادهای عقیدتی و مؤسسات تجاری و غول‌های رسانه‌ای و تبلیغاتی، نهادهای دموکراتیک این کشور را به شدت فرسوده ساخته‌اند و پیگیری منافع زورمندان و اغنیا، به قیمت جنایات هولناک و نقض قوانین و معاهدات بین‌المللی، در پس ادعای متعالی و خیرخواهانه پنهان نگه داشته می‌شوند.

آمریکاشناسی: فراز و فرود یک امپراطوری

حمید مولانا

امیر کبیر



پروفسور «حمید مولانا»، استادی علوم ارتباطات اجتماعی در دانشگاه جرج واشنگتن ایالات متحده آمریکا، با توجه به تجربه ۵۰ ساله‌ای که از زندگی در آمریکا دارد، تلاش می‌کند مخاطب کتاب خود را به شناخت واقع‌بینانه‌ای از ایالات متحده آمریکا برساند و در این مسیر، به مراحل اوج و فرود این سرزمین و تفاوت بین آمریکا و آمریکایی‌ها نظر دارد. کتاب آمریکاشناسی در سه بخش کلی «شناخت جامعه» و «شناخت نظام» و «شناخت فرهنگ»، به معرفی جامعه آمریکا می‌پردازد.

نیمه پنهان آمریکا

شهریار زرشناس

کتاب صبح

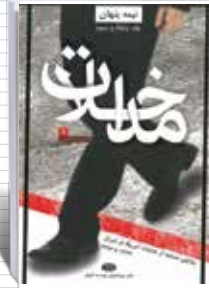


آمریکا برای بسیاری ظاهر زیبایی دارد. کم نیستند کسانی که شیفتهٔ آمریکا هستند و حتی آن را می‌پرستند. کسی که دل‌بستهٔ چیزی می‌شود، خوب است دربارهٔ تاریخچه و شکل‌گیری آن و سازو کار داخلی و چگونگی استیلای آن بر جهانیان، مطالبی را بداند و این‌گونه نباشد که چشم‌و گوش‌بسته، دل‌سپرده شود. این کتاب با متنی بسیار خلاصه، در صدد توصیف این سازو کارها برآمده است.

مداخلات

کامران غضنفری

کیهان



تاریخ پر فراز و نشیب کشور ما، به‌خصوص در دوران معاصر، ناگفته‌های بسیاری در سینهٔ خود دارد. سال‌های سال ایران برای قدرت‌های خارجی همچون آمریکا و انگلیس، «جزیره ثبات» تلقی می‌شد و آنان با آسودگی خاطر، به غارت و چپاول ثروت‌های این سرزمین مشغول بودند. پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۵۷ و سرنگونی رژیم پهلوی، مهم‌ترین متحد ایالات متحدهٔ آمریکا و غرب در منطقه خاورمیانه، علاوه بر آنکه یک شوک بزرگ در عرصهٔ بین‌الملل بود، شرایط استراتژیک خاورمیانه را دست‌خوش تغییرات اساسی کرد. کتاب مداخلات که توسط مؤلف کتاب *راز قطعنامه* به رشتهٔ تحریر درآمده، مروری مستند به برخی دخالت‌ها و جنایات دولت آمریکا طی شصت سال اخیر در ایران دارد.

هاروارد مک‌دونالد

سیدمجید حسینی

افق



سید مجید حسینی با سفر به آمریکا سعی کرده است تصویری واضح از وضعیت کنونی آمریکا به ما بدهد. از جمله کارهای جالب بعد از چاپ کتاب، راه‌اندازی سایتی با اسم کتاب است که در آن به تمام حواشی کتاب پرداخته شده است.



چرا مردم از آمریکا متنفرند

ضیاءالدین سردار

اطلاعات



ایالات متحده آمریکا در چندین سال قدرت یافتن خود و سیطره‌ای که بر جهانیان انداخته است، تاکنون ناتوانی بسیاری در افزایش دادن سطح محبوبیت خود در میان جهانیان داشته است. این مسئله در کنار هزینه‌های سرسام‌آور در زمینه فعالیت‌های فرهنگی و سیاسی این کشور، حائز اهمیت بسیاری است. در این کتاب، علل و پیش‌زمینه‌های شکل‌گیری حادثه ۱۱ سپتامبر با محوریت دخالت آشکار آمریکا در مسائل داخلی دیگر ملل برای منافع خود، بررسی شده است.

آمریکا دنیا را به کدام سو می‌برد؟

جمعی از نویسندگان بنیاد فرهنگی پژوهشی غرب‌شناسی

سروش

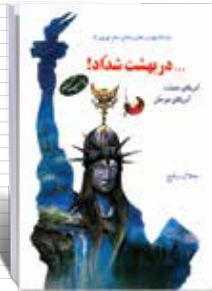


چرا آمریکا با ایران سر دشمنی دارد؟ اهداف و علل این دشمنی چیست؟ دانستن پاسخ‌های این سؤال‌ها برای کسی که دنبال تحلیلی واقع‌بینانه از شرایط سیاسی جهان است، ضرورتی انکارناپذیر است. به‌عبارت دیگر، راه‌های جدیدی که آمریکا برای حفظ سلطه اقتصادی و نظامی و سیاسی خود بر جهان و به‌خصوص بر کشورهای اسلامی و ایران در پیش گرفته است، چیست؟ تاریخ سیاسی آمریکا با جنگ آغاز شد و این کشور در طول بیش از دو قرن، همواره دنبال کسب قدرت داخلی و سلطه خارجی رو به اوج بوده است.

در بهشت شداد

جلال رفیع

اطلاعات



یکی از راه‌های مفید برای شناخت آمریکا، خواندن کتاب‌هایی است که نویسندگان آن را در خلال سفر خود به این کشور نوشته است. کتاب در بهشت شداد از این نوع کتاب‌هاست. این کتاب، ره‌آورد سفر نویسنده است؛ اما نه سفرنامه است و نه خاطرات و نه گزارش، بلکه مجموعه‌ای مانند سفرنامه است؛ با همه تنوع و حتی تهوعی که گاه خاص سفر است.



کتابی برای بررسی اهداف راهبردی آمریکا از مذاکرات دوجانبه با ایران

هلی بُرن از پشت میز

به دنبال پاسخ‌هایی روشن برای آن‌هاست. پرداختن به این اهداف و انگیزه‌ها موضوعی است که در سال‌های گذشته، از چشم‌نخبگان و تحلیلگران عزیز کشورمان به دور مانده است، لذا برای روشن‌نمودن چراغی در این مسیر، کتاب حاضر تهیه و تدوین گردیده است. پیرامون نحوه نگارش مطالب و موضوعات در کتاب حاضر نکاتی مدنظر بوده است:

۱. بهترین مرجع برای رسیدن به تصویری واقعی از انگیزه‌های ایالات متحده در این موضوع، توجه جدی به مواضع رسمی مقامات، اندیشکده‌ها و سایر نهادهای تصمیم‌ساز در کشور آمریکا می‌باشد. بهره‌گیری دقیق از این منابع، می‌تواند ما را از فرارگرفتن در مسیر حدس و گمان بازداشته و درکی عینی از واقعیت‌های موجود در این مسئله برساند. لذا چارچوب‌های اصلی تحلیلی در این کتاب مبتنی بر همین مواضع و مستندات بوده است.

۲. برخی از مواضع و اظهارات مقامات و مراکز رسمی آمریکا مشخصاً مصرف داخلی داشته و نسبت کمتری به آن‌چه در عالم واقع مورد پیگیری قرار گرفته است، دارد. لذا در کتاب حاضر، این دست اطلاعات مورد تحلیل و پرداخت قرار نگرفته است.

۳. در موضوعات گوناگون سعی بر آن بوده است، برای عمق بخشی به نتایج، از تحلیل‌های پشتیبان اعم از مستندات تاریخی، مبانی نظری، اطلاعات فنی و... بهره‌گیری شود.

۴. تحلیل‌های مطرح شده مستقیماً تصویرگر اهداف و انگیزه‌های قدرت‌های حاکم در ایالات متحده بوده و ثمررسیدن یا نتیجه‌بخش نبودن آن‌ها تابع مؤلفه‌های دیگری است که موضوع بررسی این کتاب نبوده است.

کتاب هلی بُرن از پشت میز با موضوع بررسی اهداف راهبردی ایالات متحده آمریکا از پیگیری مذاکرات دوجانبه با ایران در موضوع هسته‌ای به‌همت مؤسسه شهید کاظمی منتشر شد.

این کتاب در دوازده فصل، با محور قراردادن مواضع و تحلیل‌های رسمی مقامات، اندیشکده‌ها و نهادهای تصمیم‌ساز در کشور آمریکا، به دنبال روشن‌نمودن انگیزه‌های اساسی کاخ سفید از پیگیری گفت‌وگوهای هسته‌ای با جمهوری اسلامی ایران است. در مقدمه این کتاب آمده است:

یکی از مقاطع پرمتحوی تاریخ انقلاب اسلامی، روند تعاملات آن با دنیای غرب در مسئله هسته‌ای بوده است. بی‌شک، طرف اصلی جمهوری اسلامی در این مناقشه تاریخی، دستگاه حاکمه ایالات متحده آمریکا می‌باشد. کشوری که داعیه رهبری همه تحولات کره خاکی را در سر دارد، چه ظرفیت ویژه‌ای در بستر گفت‌وگوهای هسته‌ای با ایران یافته است که با چنین قوت و دقتی پیگیر در به نتیجه رساندن این مذاکرات می‌باشد؟ مسیر توافقات صورت گرفته چگونه زمینه مدیریت جمهوری اسلامی توسط حاکمیت آمریکا را فراهم خواهد آورد؟ چه ابعادی از سیاست‌های جمهوری اسلامی در جریان مذاکرات هسته‌ای مورد چالش قرار گرفته است؟ توافق هسته‌ای با چه سازوکاری مقدمات لازم برای ورود مقامات کاخ سفید به فضای تصمیم‌سازی ایران را فراهم خواهد آورد؟

این‌ها پرسش‌هایی است که این کتاب با محور قراردادن مواضع و تحلیل‌های رسمی مقامات، اندیشکده‌ها و نهادهای تصمیم‌ساز در کشور آمریکا،

ایران قدرتمندانه اعتراض کرد



خط اخبار پرونده ویژه طعم کتاب خانواده نشر

- ۹۸ یادداشت | همه دزد هستند، مگر اینکه اعتراف کنند
- ۱۰۰ یادداشت شفاهی | حضور در نمایشگاه‌های بین‌المللی جنبه تفریحی و توریستی پیدا کرده است!
- ۱۰۱ گفت‌وگو با حجت‌الاسلام سبحانی نسب | از ظرفیت‌های کار نشر در کشورهای هم‌جوار غافلیم
- ۱۰۵ یادداشت | آیت‌الله موسوی لاری؛ پُر عمل و بی‌ادعا
- ۱۰۹ یادداشت | آغاز عصر کتاب‌فروشی‌های جدید
- ۱۱۳ یادداشت شفاهی | اقتصاد نشر در جهان در حال تغییر است
- ۱۱۶ گزارش | در این سال‌ها فقط تجربه به‌دست آورده‌ایم
- ۱۲۰ گزارش | باید با دست پُر و بابرنامه در نمایشگاه‌های بین‌المللی حاضر شویم
- ۱۲۴ گزارشی از بازتاب انصراف ایران از حضور در نمایشگاه فرانکفورت در رسانه‌های جهان
- ۱۳۵ گزارشی از حضور در نمایشگاه فرانکفورت ۲۰۱۵ | آن قدر که شعار دادیم، کار نکردیم!
- ۱۳۶ گزارش | دهن‌کجی به میهمانان نمایشگاه برنامه‌ریزی شده و سابقه‌دار است
- ۱۳۸ گفت‌وگو با سیدغلامرضا حسینی | یکصد عنوان کتاب در دست انتشار داریم
- ۱۴۰ گفت‌وگو با سیدعارف علوی | افزایش سرائه مطالعه در گرو معارفه خوب کتاب است
- ۱۴۴ گفت‌وگو با علی رمضانی | عناصر گفتمان‌ساز عملکرد ضعیفی در معرفی کتاب دارند
- ۱۴۶ کندوکاوی در اوضاع و احوال کتاب‌خوانی | تو خود حجاب خودی حافظ از میان برخیز
- ۱۴۸ گفت‌وگو با محمد الهیاری | برای ارتقای کتابخانه‌ها به توسعه فعالیت‌های ترویجی نیاز داریم
- ۱۵۲ گفت‌وگو با ناصر فیض | روال هفته کتاب تکراری شده است
- ۱۵۳ یادداشت | کتاب و کتاب‌خوانی بچه سرراهی نهاد‌های فرهنگی
- ۱۵۵ گزارش | می‌خواهیم جریان کتاب کودک با رویکرد دینی راه بیفتد
- ۱۵۷ یادداشت | مهارت کتاب خواندن را جدی بگیریم
- ۱۵۹ یادداشت | ترک بر دیوار بدیهیات
- ۱۶۰ یادداشت | باور یا عادت، مسئله این است
- ۱۶۱ یادداشت | درودیار گواهی بدهد، کاری نیست!
- ۱۶۲ گزارش | مشکلاتمان در نشر چندان قابل توجه نیست
- ۱۶۴ گزارش | معرفی سامان‌مند کتاب در تریبون‌های نماز جمعه یک ساله شد



«**خواه یا ناخواه، بخش زیادی از کسانی که دست به تکثیر، عرضه یا حتی دانلود غیرقانونی کتاب می‌زنند، کسانی هستند که به ابعاد مجرمانه این کار آگاهی ندارند. به‌عنوان مثال، خیل عظیمی از دانشجویانی که کتابی را در دانشگاه کپی می‌کنند و استفاده می‌کنند، قطعاً انگیزه‌های مجرمانه ندارند و صرفاً به‌دلیل ناآگاهی از این مسئله دست به چنین اقدامی می‌زنند**»

همه دزد هستند، مگر اینکه اعتراف کنند

که معمولاً برای این پدیده شوم مطرح می‌شوند. در این میان، تردیدی نیست که دولت و نهادهای صنفی و قضایی باید با یک حرکت همه‌جانبه و جدی، با این پدیده برخورد کنند تا هم هر چه زودتر شاهد ازبین‌رفتن این جنس تخلفات باشیم. البته برخورد قضایی و قهری همه کار نیست و نباید از فرهنگ‌سازی غافل شد. خواه یا ناخواه، بخش زیادی از کسانی که دست به تکثیر، عرضه یا حتی دانلود غیرقانونی کتاب می‌زنند، کسانی هستند که به ابعاد مجرمانه این کار آگاهی ندارند. به‌عنوان مثال، خیل عظیمی از دانشجویانی که کتابی را در دانشگاه کپی می‌کنند و استفاده می‌کنند، قطعاً انگیزه‌های مجرمانه ندارند و صرفاً به‌دلیل ناآگاهی از این مسئله دست به چنین اقدامی می‌زنند و حتماً اگر آگاهی لازم در آن‌ها ایجاد شود، چنین کاری نخواهند کرد. بخشی از این فرهنگ‌سازی باید از طریق حاکمیت و دولت اتفاق بیفتد؛ همان‌طور که مثلاً در فرهنگ‌سازی نسبت به مسائل ترافیکی رخ

لیلا منصوری - سال‌هاست که ناشران و نویسندگان با پدیده تکثیر غیرقانونی آثار خود مواجه هستند. بعضی افراد سودجو پس از تولید و چاپ کتاب و پرفروش شدن اثری اقدام به چاپ و تکثیر آن اثر بدون اجازه ناشر می‌کنند و از این طریق سود زیادی را به جیب می‌زنند؛ البته پس از رونق گرفتن فضای مجازی و با روی آوردن مردم به کتب الکترونیک، مشابه این کار در فضای مجازی نیز انجام می‌گرفت و برخی افراد، آگاهانه یا بعضاً از روی ناآگاهی، به عرضه نسخه‌های غیرقانونی کتب دست می‌زدند و همین امر و راحتی و سهل‌الوصول بودن آن، بر نگرانی‌های ناشران درباره کتب‌هایشان می‌افزود. وجود چنین پدیده‌ای در جامعه ما، می‌تواند علل گوناگونی داشته باشد: نبود قوانین به‌روز، کارآمد و جامع، نبود نظارت بر چاپ، تکثیر و توزیع و عرضه کتاب، برخوردهای نامناسب و غیربازدارنده با متخلفان، آگاه‌نبودن مردم نسبت به وجوه قانونی و شرعی تکثیر غیرقانونی و... در زمره علت‌هایی هستند



«مدتی است که پوششی به بهانه فرهنگ‌سازی برای «نه به دانلود غیرقانونی» و تحت عنوان «من دزد نیستم» آغاز به کار کرده است که افرادی را جلوی دوربین می‌نشانند و این افراد اعتراف می‌کنند که «دزد نیستند» و «با دانلود غیرقانونی مخالفانند». هر چند، از ابتدای این طرح، انگیزه‌های اقتصادی و تبلیغی این طرح، بیشتر خودنمایی می‌کرد تا دغدغه دانلود غیرقانونی کتاب

نفوذ رسانه‌ای برای کار با استفاده از کارهایی نظیر انتخاب شعارهایی حساسیت‌برانگیز همچون «من دزد نیستم»، با جنس فعالیت فرهنگ‌ساز سازگار نیست. قطعاً اولین مخاطب فعالیت فرهنگ‌ساز کسانی هستند که نسبت به خود یک فعل یا تبعات مختلف آن بی‌اطلاع است، و گرنه «دزد» که نیازی به «فرهنگ‌سازی» ندارد. از قضا، دزد، معمولاً مشکل آگاهی نسبت به مسئله ندارد و با علم به غلط و مجرمانه بودن یک فعل، به آن دست می‌زند. فعالیت فرهنگ‌ساز باید از در همراهی و هم‌کلامی با مردم بر بیاید و نه به دنبال برجسب‌زدن به آن‌ها و دزدخطاب کردن آن‌ها. آیا واقعاً همه مردمی که ناآگاهانه دست به دانلود غیرقانونی یا کپی کتاب انجام می‌زنند دزد هستند؟

این شعار و نوع رفتاری که این پوشش در پیش گرفته است، به‌گونه‌ای است که گویا همه مردم دزد هستند، مگر آن‌هایی که جلوی دوربین این پوشش می‌نشینند و اعتراف می‌کنند که «من دزد نیستم».

حتی اگر با نگاه خوشبینانه هم به این مسئله نگاه کنیم و انگیزه‌های اقتصادی و سودجویانه این پوشش را نادیده بگیریم، به‌نظر می‌رسد، باز هم این نقد جدی به این پوشش وارد است که خواسته یا ناخواسته به مردم توهین می‌کند. کسی که به قصد فرهنگ‌سازی و بدون نیت جوسازی کاری می‌کند باید متین، محترمانه، عالمانه و صبورانه کار کند و از اقدامات حساسیت‌زا، غیرمحترمانه، غیرهوشمندانه و شائبه‌برانگیز، خودداری کند.

داد و با یک کار فرهنگی حساب‌شده مؤثر، جهش قابل‌ملاحظه‌ای درباره فرهنگ‌راندگی و رعایت قوانین ترافیکی به‌وجود آمد. بخش دیگری از این فرهنگ‌سازی، به‌دست خود مردم و مجموعه‌های غیردولتی است که باید بنا به توان خود، دست به این کار بزنند. البته این فرهنگ‌سازی و فعالیت‌ها هم باید طبق آداب و قواعدی صورت بگیرد.

مدتی است که پوششی به بهانه فرهنگ‌سازی برای «نه به دانلود غیرقانونی» و تحت عنوان «من دزد نیستم» آغاز به کار کرده است که افرادی را جلوی دوربین می‌نشانند و این افراد اعتراف می‌کنند که «دزد نیستم» و «با دانلود غیرقانونی مخالفانند». هر چند، از ابتدای این طرح، انگیزه‌های اقتصادی و تبلیغی این طرح، بیشتر خودنمایی می‌کرد تا دغدغه دانلود غیرقانونی کتاب، به هر تقدیر، این طرح با تابلوی مبارزه با دانلود غیرقانونی کتاب و حمایت از کسانی که به‌دلیل نداشتن شغل و درآمد به این «دزدی» روی آورده‌اند، کار خود را ادامه داد.

هر چند به‌نظر می‌رسد که نبود اقدام قاطع و جدی از سوی دولت و صنف، راه را برای این جنس از فعالیت‌ها بازتر می‌کند، و هر چند انگیزه‌های اقتصادی در این کار خیلی پررنگ به‌نظر می‌رسند، نمی‌توان گفت که نفس این کار ایرادی دارد و نباید انجام بشود. چه‌بسا، همان‌طور که پیش‌تر هم ذکر کردیم، تلاش برای ایجاد فرهنگ در این زمینه، نه‌تنها کار بدی نیست، که کار بسیار خوبی هم هست. اما قطعاً رعایت‌نکردن آداب این کار و تلاش برای ایجاد

حضور در نمایشگاه‌های بین‌المللی جنبه تفریحی و توریستی پیدا کرده است



علی اکبر تورانیان
عضو هیئت‌مدیره مجمع ناشران انقلاب اسلامی

می‌گوییم اگر هر کشوری جای ما بود و دفاع مقدس ما را داشت، حداکثر بهره‌برداری را از آن می‌کرد و هویت ملی‌اش را با این پدیده به جهان نشان می‌داد؛ اما متأسفانه بعضی از کسانی که به این نمایشگاه‌ها رفت و آمد داشتند، به جای معرفی انقلاب اسلامی و ارزش‌های ملی ما، دنبال گرفتن گرین کارت و اقامت و تور اروپاگردی بوده‌اند.

ما ملتی با تاریخی کهن هستیم. گفت‌وگو و دیدار با شخص ایرانی، باید در سطح بین‌الملل آرزو باشد؛ اما وقتی کسانی به نمایشگاه‌های بین‌المللی اعزام می‌شوند که نمی‌توانند ارتباط کلامی برقرار کنند، همه هزینه‌هایی که شده، به هدر رفته است.

وقتی یک عده سیاهی‌لشکر با عناوین و شکل‌های مختلف به نمایشگاه‌های بین‌المللی اعزام می‌شوند و کاروان نشر، شکل کاروان توریستی به خود می‌گیرد، یک ریال هزینه کردن هم زیان بزرگی است.

به نظر می‌رسد وزارت ارشاد و مؤسسه نمایشگاه‌ها باید به‌جای اینکه متولی برگزاری غرفه در نمایشگاه‌های بین‌المللی باشند، از مشورت تشکل‌های ارزشی نشر که برنامه مدون و راهبردی دارند، استفاده کنند. این کار چند فایده برای ما دارد: اول اینکه سابقه نیروها و تشکل‌های ارزشی نشان داده است که به‌خوبی می‌توانند از هویت انقلابی و اسلامی کشورمان دفاع کنند. ضمن اینکه برنامه تشکل‌ها به‌جای فردمحوربودن بر اساس راهبردها تعریف شده است که مسلماً در این میان، حضور ایران را از حالت نمایشی و بدون‌هدف، درمی‌آورد.

حضور فعال تشکل‌های ارزشی در این مسیر، موجب می‌شود بسیاری از اقدامات و هزینه‌های انجام‌شده، شفاف‌تر شده و مشخص شود چه میزان حیف و میل در این زمینه صورت گرفته است و این همه نیروی اداری که با حق مأموریت هنگفت، به نمایشگاه‌ها اعزام شده‌اند، چرا بدون داشتن دستاورد خاصی به کشور بازگشته‌اند.

یکی از بحث‌های چند وقت اخیر، حضور ایران در نمایشگاه‌های بین‌المللی است که به نظر من، ضرورتی انکارناپذیر است. ما نیاز داریم در سطح بین‌الملل، حضوری قوی داشته باشیم که باعث ارتقای سطح کاری ما در حوزه نشر می‌شود. حضور ما در عرصه بین‌الملل، موجب می‌شود به راهکارهای جدید تولید کتاب دست پیدا کنیم و این دستاورد خوبی برای صنعت نشر کشور ما خواهد بود. با این حال، معتقدم اگر این حضور، مدیریت‌شده و هدفمند نباشد، چیزی جز هدررفتن بیت‌المال در پی نخواهد داشت. اگر برآیند حضور چند سالی که ما به‌صورت پُررنگ در عرصه بین‌الملل حضور داشته‌ایم، بررسی شود، متوجه خواهیم شد که خواسته ما و صنعت نشر، تأمین نشده است و طنز ماجرا اینجاست که رفتن به نمایشگاه بزرگی چون فرانکفورت، بیشتر جنبه تفریحی و توریستی برای مدیران و مسئولان داشته است. اگر بررسی شود، بسیاری از کسانی که در جایگاه نویسنده، ناشر یا نماینده ایران به نمایشگاه‌های خارجی رفته‌اند، در اولین گام که تعامل و برقراری ارتباط است، مشکل داشته‌اند. این پرسش مطرح می‌شود که وقتی مدیر یا نماینده‌ای از طرف صنعت نشر کشور به نمایشگاه‌های بین‌المللی اعزام می‌شود، چطور می‌تواند بدون دانستن زبان، از هویت و اصالت ما دفاع کند؟ در وضعیتی مانند آنچه امسال در نمایشگاه فرانکفورت پیش آمد، چگونه می‌توانیم از ارزش‌های خودمان به‌خوبی دفاع کنیم و وقتی نمایشگاه تمام می‌شود، بگوییم هزینه‌ای که از بیت‌المال برای اعزام نیروها، حق مأموریت و برپایی غرفه انجام داده‌ایم، دستاوردهای خوبی داشته است؟

یکی از مسائلی که صنعت نشر، امروز به آن رسیده، هزینه کمتر و بهره‌برداری بیشتر است. واقعاً با هزینه‌های گزافی که در این سال‌ها، برای حضور در نمایشگاه‌های بین‌المللی انجام داده‌ایم، چه چیزی به‌دست آوردیم؟ من در اغلب نمایشگاه‌های بین‌المللی حضور داشته‌ام و به‌جرت

« وقتی یک عده سیاهی‌لشکر با عناوین و شکل‌های مختلف به نمایشگاه‌های بین‌المللی اعزام می‌شوند و کاروان نشر، شکل کاروان توریستی به خود می‌گیرد، یک ریال هزینه کردن هم زیان بزرگی است



از ظرفیت‌های کار نشر در کشورهای هم‌جوار غافلیم

مینادهقان.....

حجت‌الاسلام علیرضا سبحانی نسب از ناشران خوب حوزهٔ کودک و از فعالان نشر بین‌الملل است. او در سال‌های اخیر در بسیاری از نمایشگاه‌های بین‌المللی کتاب حضور داشته است و اخیراً نیز حق بهره‌برداری (رایت) تعدادی از کتاب‌های خود را به یک ناشر روسی فروخته است. آنچه در ادامه می‌خوانید، گفت‌وگو ما با او دربارهٔ اولویت‌ها و ابعاد بین‌المللی نشر کشور است.

در حال حاضر، به لحاظ صادرات آثار مکتوب در چه وضعیتی قرار داریم؟ آیا اساساً چیزی به نام صادرات آثار مکتوب در کشور ما وجود دارد یا باید آن را تأسیس کنیم؟ یکی از بخش‌هایی که در حال حاضر، به صورت جدی در صنعت نشر ما از بیرون از ایران دنبال می‌شود، نه داخل، بردن کتاب‌های ایرانی به کشورهای مختلف است. تقریباً هر ساله حدود سه تا پنج میلیارد تومان کتاب‌های فارسی ایرانی به کشور افغانستان می‌رود. یک بخش قابل توجهی از کتاب‌های عراق، لبنان و دیگر کشورهای عربی در ایران چاپ می‌شود و به عراق و کشورهای خلیج فارس ارسال می‌شود. برای مثال، با واگذاری رایت یک کتاب در عراق، این کتاب از طریق آن‌ها به کویت رفته و حتی به آموزش و پرورش آن‌ها هم رسیده است. همچنین گزارشاتی وجود دارد که شخصی کتاب‌های ایران را تک‌تک، یعنی یک نسخه و دو نسخه، به صورت متفاوت تهیه می‌کند و به کتابخانهٔ کنگرهٔ آمریکا می‌دهد. لذا ما صادرات کتاب داریم و لیکن صادرات ما نظام‌یافته، هدف‌گذاری شده و دقیق نیست و ضمن اینکه صادرات کتاب فقط فیزیکی نیست و از طریق راه‌انداختن ای‌بوک‌ها و یا امکان افست کتاب‌های ما در کشورهای دیگر صادرات صورت می‌گیرد. به عنوان مثال، بنده سه کتاب به زبان اردو ترجمه کردم و در ایران چاپ کردم. تقریباً یک

یا دو ماه بعد شنیدیم در پاکستان افست شده. یعنی بدون اینکه به ما خبر بدهند، همان نسخه‌ای را که ما به زحمت توانسته بودیم آماده و چاپ کنیم، افست کرده بودند.

بخش قابل توجهی از کتاب‌های ما که در خارج از کشور قابل دسترسی است، یا چاپ‌های افست دیجیتال است یا چاپ افستی است که در چاپخانه‌هاست و یا کتاب‌هایی هستند که از اینجا می‌برند.

آنچه ما باید به فکرش باشیم، توسعهٔ صادرات کتابمان است نه ایجاد آن. ما باید دربارهٔ صادرات به برنامه‌ریزی برسیم که ایران در فرصت‌هایی که اولویت دارد، حضور پیدا کند.

کتاب‌های ما چه جذابیتی برای مخاطب خارجی دارد که بخواهد به سمت آن برود و آن را مطالعه کند؟ کدام یک از کتاب‌های ما برای مخاطب خارجی جذابیت دارد که ما به سمت آن برویم و روی آن سرمایه‌گذاری کنیم؟ به عبارت دیگر، ما در حوزهٔ محتوا چه مزیت‌هایی داریم؟

ما واژه‌ای داریم به نام «خارج». خارج، در نگاه آدم‌های متفاوت، مصداق‌های متفاوتی دارد و این سؤال برای افرادی است که منظورشان از خارج فقط اروپا و آمریکاست. در صورتی که منظور ما از خارج، بیرون رفتن از مرزهای ایران است. بزرگ‌ترین خطای

« آنچه ما باید به فکرش باشیم، توسعهٔ صادرات کتابمان است
نه ایجاد آن. ما باید دربارهٔ صادرات به برنامه‌ریزی برسیم که ایران در فرصت‌هایی که اولویت دارد، حضور پیدا کند

« ما صادرات کتاب داریم و لیکن صادرات ما نظام‌یافته، هدف‌گذاری شده و دقیق نیست

شعر و... آثار فاخری را که ادامه راه سعدی و حافظ و مولوی و دیگران هستند یا هر چیزی که نگاه حکیمانه حکمای ما را داشته باشد، شناسایی کنیم، آن وقت این آثار هم همان اثرگذاری آثار پیشینیان را دارند.

متأسفانه ما برای شناساندن آثار فاخرمان در بیرون از کشورمان کارهای جدی نمی‌کنیم. برای مثال، افرادی که در حوزه نشر بین‌الملل فعالیت دارند، به‌ندرت از تعداد فعالان در این حوزه و کتاب‌های آن‌ها اطلاع دارند. همچنین افرادی که مرتب به نمایشگاه‌های فرانکفورت و... می‌روند، حلقه بسته محدود کسانی را که اهل نمایشگاه هستند، نمی‌شناسند. یعنی ما حتی در ایران هم نتوانسته‌ایم تعداد ناشران بین‌الملل را مشخص کنیم. به‌عنوان مثال، مرحوم موسوی لاری! ایشان به چندین زبان کارهای جدی داشتند و خودشان به کشورهای مختلف رفته و آن‌ها را توزیع می‌کنند. در ایران، به‌جز افراد معدودی، کسی خبر ندارد که آقای موسوی لاری چند تا کتاب چاپ کرده و به کجا برده و توزیع کرده‌اند. همچنین انتشارات انصاریان در قم که از همه‌جای دنیا وقتی به ایران می‌آیند، سراغ این انتشارات را می‌گیرند برای خرید کتاب‌های بین‌المللی و لیکن ایشان نه در ایران شناخته شده و نه ما سعی کرده‌ایم ایشان را بشناسیم. ایشان به‌طور طبیعی از اول انقلاب شروع به کار کرده است و ارتباط موثری با خوانندگان در کشورهای آفریقایی دارد.

ما اگر قرار است ادبیات معاصرمان را صادر کنیم، لازمه‌اش معرفی است. ما حتی در ایران ناشران بین‌المللی خودمان را جمع نکرده‌ایم تا آن‌ها هم‌افزایی داشته باشند، چه برسد به خارج از کشور. لذا لازمه صدور ادبیات معاصر، معرفی ناشران بین‌الملل است.

اگر بخواهیم فرهنگ خود را به سایر کشورها منتقل کنیم، بخشی از آن در حوزه اندیشه است که حوزه اندیشه ما اسلامی و انقلابی است. اما متأسفانه خیلی شاهد نیستیم که کتاب‌هایمان در حوزه اندیشه به خارج از کشور صادر بشود تا در اختیار مخاطبان کشورهای دیگر قرار بگیرد. آیا این گزاره درست است یا خیر؟ و اگر درست است، علتش چیست؟

یکی از مزیت‌های جدی ما بحث اندیشه‌های است و تلاش برای صدور انقلاب و اندیشه دینی است، اما متأسفانه، کارهای متفرقه در جاهای متفاوت باعث می‌شود که ما احساس کنیم هیچ کاری نمی‌شود. من قبلاً که به نمایشگاه مسکو رفته بودم، دیدم گروهی در زمینه ترجمه کتاب‌های فلسفی به زبان روسی کارهایی کرده‌اند؛ ولی بعد احساس کرده‌اند که این وادی علی‌رغم اینکه اثرگذاری‌اش می‌تواند در جامعه

دوستان ما در صدور کتاب این بود که چشمشان به اروپا بوده است. علی‌رغم اینکه ما برای اروپا و آمریکا هم محتوا داریم؛ ولی این دیدگاه، منطقی و سنجیده نیست. ما یک هم‌جواری و همسایگانی داریم که فقط هم‌جواری جغرافیایی با ما ندارند، بلکه از نظر فرهنگی و دینی با ما هم‌جواری دارند.

در کشور افغانستان، کتاب ایرانی را اگر فقط در شناسنامه، قیمت افغانی درج کنیم، گویا این کتاب در افغانستان برای افغان‌ها چاپ شده است. افغانستان هم‌جواری جغرافیایی و هم‌جواری فرهنگی و زبانی با ما دارد. همچنین ما با عراق، هم‌جواری فرهنگی، جغرافیایی و دینی داریم و شکل زبان ما متفاوت است. خب این باید اولویت دوم ما باشد. چرا؟ چون آنچه به‌عنوان مزیت نسبی ماست، وجود معنویت و ویژگی داشتن خانواده در فرهنگمان است؛ چیزی که جوامع غربی از آن فاصله گرفته‌اند. این اشتراک را ما با عراق داریم، لذا صدور کتاب‌های ایران به عراق با ترجمه عربی می‌تواند جزو اولویت‌های ما باشد و بعد از عبور از افغانستان، اولویت بعدی ما است. بعد از آن می‌رسیم به ترکیه.

ترکیه نیز با ما هم‌جواری جغرافیایی و هم‌جواری نسبی فرهنگی و دینی دارد. در آنجا، غلبه با اهل سنت است؛ اما چون مسلمان هستند، بسیاری از کتاب‌های ما برای آن‌ها جذاب است؛ آنچه بین ما مشترک است مثل بخشی که با نگاه دینی نوشته می‌شود یا روابط اجتماعی یا سُنن نبوی ما، مشترک است و سنن ویژه مذهب ما، به این معنا که روایاتی که از اهل بیت به ما رسیده، از پیامبر بوده یا در راستای سخنان پیامبر است و مخصوصاً علمای اهل سنت و کتاب‌های اهل سنت در آن زمینه‌ها حاشیه‌های خلافی ندارند، لذا این‌ها پذیرش دارد. همچنین کتاب‌هایی در حوزه اخلاق اجتماعی و خانواده در خیلی از کتاب‌فروشی‌های خلیج فارس دیده شده است. ما متأسفانه اولویت به اروپا می‌دهیم و فکر می‌کنیم اگر در قلب اروپا نفوذ کنیم، صادرات کرده‌ایم. اگر از بخش دینی عبور نکنیم، بزرگ‌ترین مزیت‌های فرهنگی و نشری ما ادبیات است. ما اگر از دریچه ادبیاتمان نگاه نکنیم، هر جای دنیا برویم، بازارمان را داریم. در اروپا، شاهنامه، مولوی، کتاب‌های سعدی و حافظ به زبان‌های مختلف چاپ می‌شود. ادبیات فاخر ما در آن سوی مرزها خواهان دارد.

آیا به ادبیات معاصر ما هم توجه می‌شود؟

توجه آن‌ها به شاهنامه، مولوی و سعدی و دیگر بزرگان به‌خاطر شناختی است که ملت‌ها و خوانندگان از این افراد دارند. ما اگر در هر ژانر، اعم از داستان، رمان،

« در کشور افغانستان، کتاب ایرانی را اگر فقط در شناسنامه، قیمت افغانی درج کنیم، گویا این کتاب در افغانستان برای افغان‌ها چاپ شده است. افغانستان هم‌جواری جغرافیایی و هم‌جواری فرهنگی و زبانی با ما دارد. همچنین ما با عراق، هم‌جواری فرهنگی، جغرافیایی و دینی داریم و شکل زبان ما متفاوت است. خب این باید اولویت دوم ما باشد



◀◀ یکی از مزیت‌های

جدی ما بحث
اندیشه‌ای است و
تلاش برای صدور
انقلاب و اندیشه دینی
است، اما متأسفانه،
کارهای متفرقه در
جاهای متفاوت باعث
می‌شود که ما احساس

کنیم هیچ‌کاری
نمی‌شود

◀◀ متأسفانه در

ایران کارهای موازی
زیاد انجام می‌شود،
در خارج از کشور هم
همین‌طور. در زمینه
ترجمه آثار اندیشه‌ای
هم کارهایی شده؛ ولی
آن‌قدر کارها متفرق و
چراغ خاموش است و
یک‌جا عرضه نمی‌شود
که اصلاً نمی‌دانیم
چقدر کار شده است

به شما بگویم چقدر در این زمینه کار کرده‌ایم. بزرگ‌ترین خسارت ما در ایران این است که نمی‌دانیم چه کسی چه کاری انجام داده است و باید درباره آن چه موضعی گرفت؟

شما به آیت‌الله موسوی لاری اشاره کردید که ایشان تجربیات بسیار موفقی در صادرات کتاب داشتند و توانسته بودند مخاطبان زیادی در نقاط مختلف دنیا به‌دست آورند و با آن‌ها در ارتباط باشند و به آن‌ها کتاب عرضه کنند. این را بگذارید در کنار حضور سالانه و مستمر ناشران و فعالان فرهنگی ایران در نمایشگاه‌های بین‌المللی مثل فرانکفورت، بلونیا و امثالهم که عملاً زمانی که این‌ها از این نمایشگاه‌ها برمی‌گردند و ما از دستاوردهای این سفرها از آن‌ها سؤال می‌کنیم، می‌بینیم که بخش قابل‌توجهی از آن‌ها با نگاه توریستی رفته‌اند و شاید دستاورد چندانی به‌دست نیاورده باشند و خیلی‌ها معتقدند که اگر این سفرها به نمایشگاه‌های بین‌المللی را متوقف کنیم، عملاً اتساق خاصی نمی‌افتد، چون ما دستاورد ویژه‌ای نداشته‌ایم. آیا این درست است یا خیر؟ علت آن چیست که یک نفر مانند آقای موسوی لاری توانسته است شخصاً با تک‌تک مخاطبان خود ارتباط برقرار کند و از این سمت، ما وارد نشر مدرن و حرفه‌ای امروز می‌شویم، ولی باز نمی‌توانیم موفقیت‌هایی را که گذشتگان ما داشته‌اند، تکرار کنیم؟

بزرگ‌ترین مشکل ما این است که نگاه مسئولان ما به نشر در ایران، بیمار است و نگاه درستی ندارند و

زیاد باشد؛ ولی برای مخاطبین کم و خاصی باید این کار را بکنند؛ لذا رو آوردند به کتاب‌های عمومی‌تر. بنابراین کارهایی شده است اما کارها منسجم نیست. متأسفانه در ایران کارهای موازی زیاد انجام می‌شود، در خارج از کشور هم همین‌طور. در زمینه ترجمه آثار اندیشه‌ای هم کارهایی شده؛ ولی آن‌قدر کارها متفرق و چراغ خاموش است و یک‌جا عرضه نمی‌شود که اصلاً نمی‌دانیم چقدر کار شده است. من در چند نمایشگاه خارجی که شرکت کردم، دیدم مثلاً در بخش عربی، یکی دو تا مؤسسه، خیلی خوب کار کرده‌اند. بحث‌های اندیشه‌ای ما را کار کرده و به عربی ترجمه کرده‌اند که از کتاب ایرانی ما متن‌تر شده است.

ما در چند جهت مزیت داریم. بحث‌های دینی ما یک بخشی هست که برمی‌گردد به داستان زندگی و بحث خانواده که این‌ها می‌توانند فقط برای کشورهای اسلامی است؛ اما بخش‌های اساسی دینی مثلاً نگاه دین ما به محیط زیست، به طبیعت، به انسان و به ماوراء و... این‌ها مسائلی است که با نگاه اسلامی ما قابل‌عرضه به کل جهان است؛ به‌خاطر اینکه این کلیات در همه ادیان مورد بحث قرار می‌گیرد. از ادیان هم بگذریم، همه اندیشه‌ها، همه فلسفه‌ها این‌ها درش مورد بحث قرار می‌گیرد. ما در این زمینه اگر هم کار کرده‌ایم، من ناشری که به خارج از کشور رفت‌وآمد دارم، از آن اطلاع کمی دارم. یعنی من الآن نمی‌توانم

بیشتری برای ما دارند. یک رقم سنگینی، در حال حاضر، صرف نمایشگاه‌های اروپایی می‌شود. الان برای نمایشگاه فرانکفورت هر میزانی که هزینه شد، حالا فرض می‌گیریم که رفته بودیم، آن چیزی که شما از آن به‌عنوان ورودی یا خروجی به ایران انتظارش را دارید، از این نمایشگاه دریافت نمی‌شود. اگر یک‌بار هزینه‌ای که در نمایشگاه‌های اروپایی می‌کنیم، برای ورود به نمایشگاه افغانستان هزینه کنیم، کل فرهنگ مکتوب افغانستان را می‌توانیم متحول کنیم، یعنی یک نوع صدور انقلاب اتفاق می‌افتد.

دولت باید حمایت‌هایی را در جهت تسهیل فرایند صادرات آثار مکتوب داشته باشد که این حمایت‌ها می‌تواند در قالب حمایت از تولید و ترجمه آثار باشد یا دادن آن چیزی که شما حرفه‌ای‌های این حوزه به آن گرننت می‌گویید. این نقش را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ دولت چه نقشی در ایجاد انگیزه و تشویق صادرکنندگان این حوزه ایفا می‌کند؟

گرننت یک روش معمول است و نزدیک به ۱۵۰ کشور دارند از این ابزار برای ترجمه استفاده می‌کنند و این روش خوبی است. الان، به نظر من، حمایت از نمایشگاه‌هایی که قابلیت ارسال کتاب و فروش کتاب به زبان فارسی و عربی را دارند، می‌تواند در اولویت برنامه دولت قرار بگیرد، در کنار گرننت. نشر بین‌الملل هزینه‌بر است، اگر در دو زمینه بخش حمایت از تولید و بخش ترویج و توزیع دولت بتواند یک ساماندهی انجام دهد و رسانه‌های بین‌المللی و نمایشگاه‌های بین‌المللی را در اختیار نشر بین‌الملل قرار دهد، کار بسیار خوبی صورت گرفته است.

هنوز نشر داخل ایران را نتوانستیم نه در بخش تولید به مرحله قابل‌قبولی برسانیم، نه در بخش توزیع. این نگاه بیمار حتی به ایجاد نمایشگاه‌های داخلی ما نیز سرایت کرده است، مثل نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران و نمایشگاه‌های استانی. این یک بیماری هست که اگر بخواهیم درباره‌اش گفت‌وگو کنیم، برمی‌گردد به نوع نگاهی که دوستان داشتند و اگر از همان اوایل ایجاد نمایشگاه‌ها، مصاحبه‌ها را بخوانیم، بی‌توجهی مسئولین به کل زنجیره تولید و توزیع را می‌توانید ببینید همین نگاه در بخش بین‌الملل هم وجود دارد. یعنی گاهی وقت‌ها به بعضی چیزها اصالت می‌دهند؛ مثلاً با توجه به اینکه می‌گویند نمایشگاه، پس بزرگ‌ترین نیاز حضور ایران هم است، در صورتی که این طور نیست. حتی اگر فرانکفورت بزرگ‌ترین رخداد کتابی دنیاست، برای ما جزء اولویت‌ها نیست. برای ما حضور در نمایشگاه افغانستان اولویت دارد تا در آنجا، بتوانیم کتابمان را بفروشیم.

آیا به نمایشگاه افغانستان می‌رویم؟

متأسفانه فقط مؤسسه الهدی سالانه می‌رود و سالی یکی دو میلیارد کتاب می‌برد و موفق هم هست. الان بیشتر، دلالت‌هایی داریم که داخل ایران می‌آیند و کتاب‌ها را جمع می‌کنند و می‌برند؛ یعنی عملاً حضور ناشران ایرانی در آنجا خالی است و کسی بازخورد ندارد که چه کتابی بیشتر خریداری می‌شود و نقد آن‌ها نسبت به کتاب‌های ما چیست؟ نمایشگاه‌های عراق نیز، اولویت بیشتری برای ما دارند. نمایشگاه‌هایی که نزدیک ما هستند، مثلاً خلیج فارس، این‌ها اولویت

◀◀ اگر یک‌بار

هزینه‌ای که در

نمایشگاه‌های اروپایی

می‌کنیم، برای ورود به

نمایشگاه افغانستان

هزینه کنیم، کل

فرهنگ مکتوب

افغانستان را می‌توانیم

متحول کنیم. یعنی

یک نوع صدور انقلاب

اتفاق می‌افتد

◀◀ حتی اگر

فرانکفورت بزرگ‌ترین

رخداد کتابی دنیاست،

برای ما جزء اولویت‌ها

نیست. برای ما حضور

در نمایشگاه افغانستان

اولویت دارد تا در آنجا،

توانیم کتابمان را

بفروشیم





مروری بر زندگی یکی از موفق ترین ناشران و نویسندگان در عرصه بین الملل

آیت الله موسوی لاری؛ پُر عمل و بی ادعا



مهدی ابراهیمزاده

شاید اگر در نوزدهم اسفندماه سال ۹۱، رهبر معظم انقلاب برای درگذشت آیت الله آقای سیدمجتبی موسوی لاری پیام صادر نمی کردند، اسم این نویسنده و شخصیت علمی دوران ما به گوش خیلی ها از اهالی کتاب و فرهنگ نمی رسید. حتی باوجود این پیام هم، هنوز بسیاری از خواص فرهنگی جامعه هستند که از خدمات و آثار این عالم ارجمند بی خبرند. پیامی که در آن، رهبر انقلاب از کتاب های ایشان در «پنج قاره دنیا» گفته بودند: «خدمات این عالم فرزانه و بزرگوار و ارزشمند به گسترش معارف اسلامی و مکتب اهل بیت (علیهم السلام) در سراسر جهان، در چند دهه اخیر حقا کم نظیر است و هزاران انسان منصف و مشتاق، با هدایت نوشته های وی که با چیرگی علمی و تبیین منطقی نوشته و در پنج قاره منتشر می شد، به سرچشمه حقیقت دست یافته و اسلام را شناخته و بدان ایمان آورده اند.»

مطالعه زندگی، آثار و نحوه عملکرد ایشان در راه نشر اسلام در روزگار ما که قرائت های انحرافی از اسلام، مانند داعش، دنیا را متأثر کرده است، بیش از پیش

اهمیت می یابد. این روزها به سالگرد نامه رهبر انقلاب به جوانان غربی، متعاقب حوادث سال گذشته نشریه شارلی ابدوی فرانسه که مضمون آن دعوت به شناخت بی واسطه اسلام بود نیز نزدیک می شویم و از این جهت هم خروجی و مدل کار آقای موسوی لاری خوراک آماده ای است برای کسانی که در این راستا به دنبال ارائه چهره حقیقی اسلام به دنیا هستند.

خواندن سرنوشت این عالم بی ادعا و اهل عمل برای بسیاری از فعالان فرهنگی از این جهت هم قابل استفاده و بهره برداری است که نشان می دهد در کار فرهنگی بیش از آنکه جذب بودجه های آن چنانی برای طرح های فرهنگی جواب بدهد، اخلاص و کار برای خداست که راهگشا و ماندگار است. کاری که با یک انگیزه و نیت خالصانه آغاز می شود و به همین واسطه، مورد توجه قرار می گیرد و برکاتش همه دنیا را فرامی گیرد.

مرحوم آیت الله سیدمجتبی موسوی لاری، فرزند مرحوم آیت الله سید علی اصغر موسوی لاری و نوه مجاهد بزرگ آیت الله العظمی سید عبدالحسین نجفی

« خواندن سرنوشت

این عالم بی ادعا

و اهل عمل برای

بسیاری از فعالان

فرهنگی از این جهت

هم قابل استفاده و

بهره برداری است که

نشان می دهد در کار

فرهنگی بیش از آنکه

جذب بودجه های

آن چنانی برای

طرح های فرهنگی

جواب بدهد، اخلاص و

کار برای خداست که

راهگشا و ماندگار است

لاری، در سال ۱۳۱۴ در شهر لار متولد شدند؛ پس از تحصیلات ابتدایی و مقدمات علوم اسلامی در لار، در سال ۱۳۳۲، برای ادامه تحصیل علوم اسلامی راهی قم شدند.

ماجرای تبلیغ اسلام و انتشار کتاب‌هایی به زبان‌های خارجی توسط ایشان از آنجا شروع می‌شود که در سال ۱۳۴۲ برای معالجه بیماری خود به آلمان می‌روند و ابتدا مشاهداتشان را تحت عنوان «سفری به آلمان» در مجله مکتب اسلام منتشر می‌کنند.

بعد از چندی، به فکر تکمیل این یادداشت‌ها می‌افتند که حاصل آن کتاب اسلام و سیمای تمدن غرب می‌شود. ایشان در این کتاب، در مقایسه‌ای جامع و مستدل و دقیق، برتری تمدن جامع و چندبعدی اسلام را بر تمدن غرب به اثبات رسانده است. کتاب به سیر زندگی و تمدن بشر، پاسخ اسلام به مشکلات موجود جهان، موقعیت خانواده از نظر اسلام، طلاق در اسلام، ازدواج موقت و تعدد همسر می‌پردازد و در فصول فرعی، علل پیشرفت مسیحیت، تمدن کنونی غرب، فجایع دستگاه رهبری کلیسا، تبلیغات مسیحیان بر ضد اسلام، اخلاق غربیان، عبادت در کلیسا، تناقضات دنیای کنونی، تبعیض‌های نژادی، زلزله نظام خانوادگی، حیوان دوستی و... را مورد کنکاش قرار می‌دهد.

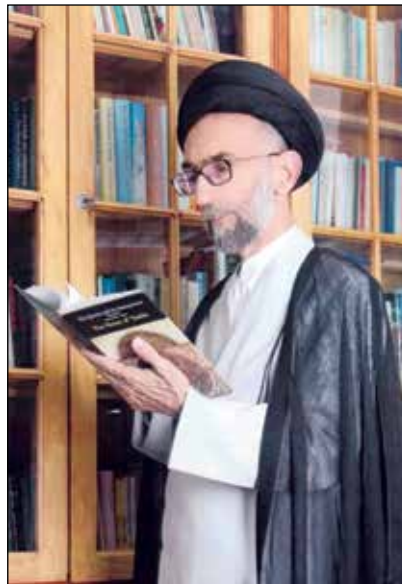
ایده معرفی اسلام و تشیع به مردم کشورهای دیگر جهان که با کتاب اسلام و سیمای تمدن غرب شروع شد، با استقبال مخاطبان در کشورهای مختلف دنیا کم‌کم گسترش پیدا کرد و با بازخوردهای مثبتی که کتاب در بین مخاطبانش داشت، به صورت خودجوش به زبان‌های فرانسه، ژاپنی، عربی، اسپانیولی، تایلندی، چینی، روسی، مالایی، کردی و بوسنیایی نیز ترجمه شده است.

تعداد زیادی از شخصیت‌های سیاسی و فرهنگی اروپایی و آمریکایی تحت تأثیر آثار ایشان بوده‌اند. حامد الگار استاد معروف مطالعات اسلامی و زبان فارسی دپارتمان خاورمیانه دانشگاه کالیفرنیا آمریکا که ترجمه مجموعه کتاب چهار جلدی اعتقادات ایشان را بر عهده داشته است، در نامه‌ای به آقای موسوی لاری می‌نویسد: «مژده می‌دهم که من چند بار ترجمه خود را خواندم و هر بار که آن را خواندم، به مذهب شیعه نزدیک‌تر شدم و از ماه رمضان، تغییر مذهب داده و شیعه شده‌ام.»

لحن ساده و بی‌پیرایه مرحوم موسوی لاری، چگونگی به ثمر رسیدن این ایده خالص را روایت می‌کند:

«بعد از انتشار این کتاب (اسلام و سیمای تمدن غرب) مرتب از گوشه و کنار جهان با ما مکاتبه می‌نمودند و به همین خاطر، زیرزمین منزل ما هم، محل نشر و پخش کتاب شد و خانواده ما بیشتر اوقات مشغول بسته‌بندی کتاب برای ارسال بودند و فرزندم نیز در امور مربوط به مرکز، همکاری می‌کرد. جا تنگ بود ما هم تصمیم گرفتیم جایی را برای ارسال کتاب و مکاتبات خود پیدا کنیم. کم‌کم منزل مخروبه‌ای در همسایگی ما بود آن را خریداری کردیم و به‌همت دوستان مخلص و نیکوکار ساخته شد. البته ابتدا ما به

«فرانسویس گوردین»، مستشرق انگلیسی، وقتی که کتاب به دستش می‌رسد، ابراز علاقه می‌کند تا کتاب را به زبان انگلیسی ترجمه کند. مدتی بعد هم «ولف سینگلر» از اساتید دانشگاه آلمان، داوطلبانه





◀ با فروپاشی

کمونیسم در شوروی،

آثار ایشان جزو

اولین کتاب‌هایی

بود که به دست

جوان‌ها در کشورهای

تازه استقلال یافته

می‌رسید. وقتی

کتاب اسلام و سیمای

تمدن غرب در

جمهوری آذربایجان

منتشر شد، دانشگاه

باکو به واسطه سطح

عالی محتوای این

کتاب، دکترای

افتخاری به آیت‌الله

موسوی لاری اهدا

کرد

با مراجعه به سایت این مرکز در اینترنت، احتمالاً در مرحله اول دست‌نگاه شما هم پرچم کشورهای مختلف را در کنار فونت‌های نامعلوم درهم‌فروخته نشان خواهد داد. به این دلیل که توضیحات و فایل کتاب‌های زیادی به زبان‌های مختلفی که اساساً روی سیستم شما نصب نشده است و احتمالاً نام برخی از آن‌ها را هم نشنیده‌اید، در سایت این مرکز وجود دارد. علاوه بر قرآن، نهج‌البلاغه، صحیفه سجادیه و کتاب اسلام و سیمای تمدن غرب، کتاب‌های زیر از جمله کتاب‌های پربازدید است که در پایگاه اطلاع‌رسانی این مرکز وجود دارد و برای مخاطبان به زبان‌های مختلف در دسترس است: رسالت اخلاقی در تکامل انسان، بررسی مشکلات اخلاقی و روانی، دوره چهار جلدی مبانی اعتقادات در اسلام، رساله الحقوق امام

فکر تأسیس چنین مرکزی نبودیم، بلکه تدریجاً درست شد و پس از انقلاب، درخواست کتاب‌ها بیشتر شد.» این‌گونه بود که «مرکز نشر معارف اسلامی در جهان» در سال ۱۳۵۵ باهدف معرفی اسلام با ترجمه آثار به زبان روز در دنیا شکل گرفت. «مرکز نشر معارف اسلامی در جهان» تنها به زبان‌های رایج و فراگیر اکتفا نکرده و آثاری را به زبان‌های محلی و منطقهای نیز ترجمه کرده است. انگلیسی، فرانسه، اسپانیولی، اردو، ایتالیایی، تاجیکی، مالایو، تایی، تامیلی، لهستانی و لهجه‌های محلی و منطقهای، از جمله زبان‌هایی است که این مرکز کتاب‌هایش را به مخاطبان عرضه کرده است؛ به‌گونه‌ای که سوابق مکاتباتی از سوی مخاطبان از بیش از ۱۱۰ کشور دنیا با این مرکز در قم، ثبت شده است و وجود دارد.



شخصیتی آقای موسوی لاری را همت بلند، جدیت در کار، عزت نفس، تقوا، اخلاص، امیدواری، مهربانی و نیازسنجی وضعیت موجود و آینده‌نگری می‌دانند و تناسب کارهای ایشان با مخاطب و نیازهای روز را از جمله ویژگی‌های آثار ایشان بیان می‌کنند. ویژگی‌هایی که مرور جزئیات آن‌ها در نحوه عملکرد این عالم فرزانه می‌تواند سرمشق فعالان فرهنگی حوزه کتاب برای امروز باشد.

سجاد (علیه‌السلام)، *چهل گفتار از رسول اکرم (ص)*، *چهل گفتار از امام علی (علیه‌السلام) و...*

آیت‌الله موسوی لاری در طرح مسائل اسلامی از دیدگاه تشیع روشی «تقریبی» داشتند. ایشان در مصاحبه‌های در این باره می‌گویند: «نخست باید مسائل کلی اسلام مطرح شود و نباید در آغاز به امور اختلافی دامن زد، باید کتاب‌هایی درباره سیره و شرح حال ائمه (علیهم‌السلام) نگاشته شود... مثلاً به آن‌ها معرفی کنیم که امام صادق (علیه‌السلام) چه شخصیتی بوده است و چه شاگردانی تربیت نموده است، اگر بتوانیم و از روایت‌ها و کتب آنان در خصوص ائمه استفاده کرد و به آن‌ها ارائه دهیم، جاذبه بیشتری دارد و بسیار مؤثر است.»

در مکاتبات با لایک‌ها در ابتدا از اسلام چیزی نمی‌گفتند. ابتدا از این که خدایی هست و هستی خالق دارد شروع می‌کردند. ابتدا تفکر خداشناسی را نهادینه می‌کردند و اصل امامت را برای گام آخر می‌گذاشتند و آرام آرام مطالب را بیان می‌کردند تا مخاطب به امامت می‌رسید.

ایشان معتقد بودند که باید در درس حوزه تحولی ایجاد شود، قرآن از مهجوریت بیرون آید و طلاب به تفسیر بیشتر بپردازند و تفاسیری نوشته شود که دنیاپسند باشد. ایشان می‌گفتند ما تفسیر دنیاپسند برای جهان امروز کم داریم و ائمه معصومین (علیهم‌السلام) هم هنوز ناشناخته باقی مانده‌اند.

آیت‌الله مصباح یزدی در همایش بزرگداشت ایشان در سال ۱۳۸۹ که با نام «خلوص کامیاب» به همت جامعه المصطفی‌العالمیه برگزار شد، ویژگی‌های

«ایشان معتقد بودند که باید در درس حوزه تحولی ایجاد شود، قرآن از مهجوریت بیرون آید و طلاب به تفسیر بیشتر بپردازند و تفاسیری نوشته شود که دنیاپسند باشد. ایشان می‌گفتند ما تفسیر دنیاپسند برای جهان امروز کم داریم و ائمه معصومین (علیهم‌السلام) هم هنوز ناشناخته باقی مانده‌اند»

منابع:

- پایگاه اطلاع‌رسانی مرکز نشر معارف اسلامی در جهان www.musavilari.org
- «مرکز نشر معارف اسلامی در جهان»، مجله آینه پژوهش، بهمن و اسفند ۱۳۷۶، شماره ۴۸
- «مبلغ نمونه اسلامی در عرصه بین‌المللی، حضرت آیت‌الله سیدمجتبی موسوی لاری»، مجله منبر، پاییز ۱۳۹۰، شماره یک
- گفت‌وگو با آیت‌الله سیدمجتبی موسوی لاری، مجله فرهنگ کوثر، بهمن ۱۳۷۷، شماره ۲۳
- گفت‌وگو با حجت‌الاسلام سیدمجتبی موسوی لاری درباره فرهنگ، اخلاق و تعلیم و تربیت، مجله آموزش و پرورش (تعلیم و تربیت)، آبان ۱۳۵۸، شماره ۲
- متن سخنرانی آیت‌الله مصباح یزدی در همایش «خلوص کامیاب» (بزرگداشت آیت‌الله سیدمجتبی موسوی لاری) در تاریخ ۱۳۸۹/۷/۸، به نقل از پایگاه MesbahYazdi.org

آغاز عصر کتاب‌فروشی‌های جدید

۱۰۹



خانواده نشر
یادداشت



محمد معمار یازان

روز دوازدهم آبان، آمازون اولین شعبه کتاب‌فروشی غیرمجازی خود را در سیاتل افتتاح کرد. این اتفاق که فقط مدتی قبل از تأسیس فروشگاه اعلام شده بود، سر و صدای زیادی به پا کرد. راهاندازی یک کتاب‌فروشی سنتی و مملو از قفسه‌های کتاب، از جانب شرکتی که مقصر اصلی افول کتاب‌فروشی‌های مستقل تلقی می‌شود، حرکتی است که در نگاه اول، طنزآمیز به نظر می‌رسد. اما جنیفر گنست، معاون آمازون بوکر، می‌گوید: «ما بیست سال تجربه کتاب‌فروشی آنلاین را برای ساخت فروشگاه‌های استفاده کرده‌ایم که مزایای خرید آنلاین و آنلاین کتاب را ادغام می‌کند.»

در دسرهای کتاب‌فروشی‌ها

گرفتاری‌های مغازه‌های کتاب‌فروشی در قرن جدید، ماجرای پنهانی نیست. به گفته استیو واسرمن، در دو دهه پیش، بیش از ۴ هزار کتاب‌فروشی مستقل در ایالات متحده فعال بوده‌اند؛ اما اکنون کمتر از ۲ هزار فروشگاه باقی مانده‌اند. سرنوشته دو نمونه از کتاب‌فروشی‌های زنجیره‌ای این کشور که خود در قتل عام فروشگاه‌های کوچک‌تر نقش داشته‌اند، شایان توجه ویژه است. بُردرز در سال ۲۰۱۱، اعلام ورشکستگی کرد و صدها فروشگاه خود در سرتاسر آمریکا را تعطیل نمود. این واقعه در کوتاه‌مدت، به نفع بارنزان‌نوبل، رقیب شانه‌به‌شانه بُردرز، تمام شد؛ اما این شرکت نیز علی‌رغم سهم در خور توجه خود در فروش کتاب، بر روی لبه تیغ حرکت می‌کند. در جزیره منهتن نیویورک، از ۲۴۹ کتاب‌فروشی فعال در سال ۱۹۸۱، تعداد ۲۰۴ کتاب‌فروشی وارد قرن جدید شدند؛ اما ظرف پانزده سال، این رقم با افت سریع به ۱۰۹ عدد کاهش یافت. این‌گونه در دسرهای علاوه‌بر فروشگاه‌های زنجیره‌ای، دامن انواع کتاب‌فروشی‌های مستقل تجاری و عام‌المنفعه را گرفته‌اند. برای نمونه، کتاب‌فروشی کتابخانه مرکزی مینیاپولیس آمریکا نیز، بهار امسال تعطیل شد. این کتاب‌فروشی که با کمک داوطلبان و گروه‌های دوستی گردانده می‌شد، کتاب‌های دست‌دوم، اهدایی و از رده خارج‌شده کتابخانه را به قیمت

کمتر از بازار، به مشتریان می‌فروخت و عایدات آن نیز برای توسعه کتابخانه استفاده می‌شد.

این روند اما، مخصوص آمریکا نیست. ۵۷ درصد از دست‌اندرکاران خرده‌فروشی کتاب‌های چاپی در آلمان، در سال ۲۰۱۳ گفته بودند که انتظار دارند در مواجهه با سهم فزاینده بازار کتاب‌های الکترونیک، درآمدهایشان طی دو سال آینده، کاهش یابد. لهستان امسال اولین برنامه حمایت از کتاب‌فروشی‌های مستقل کوچک را در شهر کراکوف، اقامتگاه سابق دو برنده جایزه نوبل ادبیات (چسلاو میلوش و ویسلاوا شیمبورسکا)، پیاده کرده است. یونسکو در سال ۲۰۱۳، عنوان «شهر ادبیات» را برای کراکوف انتخاب کرده بود. اما فشارهای اقتصادی در سال‌های اخیر موجب کاهش فعالیت‌های فرهنگی مستقل در این شهر شده‌اند که محفل روشن‌فکری فرهنگی لهستان تلقی می‌شود و کتاب‌فروشی‌های قدیمی و معتبری نیز یکی پس از دیگری، در میدان اصلی این شهر تعطیل می‌شدند. به گزارش وب‌سایت هندو، کتاب‌فروشی‌های دهلی نیز، درگیر جنگ طاقت‌فرسایی برای بازنگه داشتن درهای خود هستند. به گفته صاحبان این فروشگاه‌ها، افزایش محبوبیت پایگاه‌های خرید آنلاین، خواه خرید کتاب الکترونیک یا چاپی، مشتریان را از این مغازه‌ها دور کرده است. گزارش گاردین در زمستان سال ۱۳۹۲ می‌گوید که با افزایش

« یونسکو در سال ۲۰۱۳، عنوان «شهر ادبیات» را برای کراکوف انتخاب کرده بود. اما فشارهای اقتصادی در سال‌های اخیر موجب کاهش فعالیت‌های فرهنگی مستقل در این شهر شده‌اند که محفل روشن‌فکری فرهنگی لهستان تلقی می‌شود و کتاب‌فروشی‌های قدیمی و معتبری نیز یکی پس از دیگری، در میدان اصلی این شهر تعطیل می‌شدند

در روندی آرام ولی یکنواخت، رو به نزول بوده است. در سال ۲۰۱۴، از مجموع ۶۳۵ میلیون نسخه کتاب فروخته شده در این کشور، کتاب‌های الکترونیک سهمی نزدیک به ۲۲۰ میلیون نسخه را از آن خود کردند. با این حال، مدیرعامل واترستونز، بزرگ‌ترین زنجیره خرده‌فروشی کتاب انگلستان، می‌گوید که قسمت نفس‌گیر نبرد ایبوک با کتاب‌های چاپی، به پایان رسیده است و سهم دو طرف نسبتاً تثبیت شده است. گزارش نیویورک‌تایمز از افت فروش کتاب‌های الکترونیک، در سال جاری میلادی نیز این نظر را تأیید می‌کند. استفن فاولر، مالک یک کتاب‌فروشی مستقل کوچک در تورنتو که کسب‌وکار توزیع کتاب‌های چاپی خود را الکترونیک کرده است، در توضیح علت افول این حرفه در شهر خود می‌گوید: «هرچند کتاب‌ها دیگر به قدر گذشته محبوب نیستند؛ اما به هر روی، بعید است به‌زودی کتاب الکترونیک جای کتاب چاپی را بگیرد.»

شکل‌گیری بازارهای گسترده موزی کتاب‌های چاپی و به‌طور خاص، بازار کتاب‌های دست‌دوم نیز، عامل دیگر مشکلات کتاب‌فروشی‌هاست. این عامل به‌طور خاص، فروش کتاب‌های علمی و آکادمیک را تهدید می‌کند که معمولاً گران‌قیمت هستند و خطری برای کتاب‌فروشی‌های دانشگاهی محسوب می‌شود که در گذشته، بخش پر‌فایده‌ای از این صنعت بوده‌اند. حتی بارزاندنوبل با هفتصد فروشگاه دانشگاهی در ایالات

متحد هم این خطر را احساس کرده است. به‌واسطه عواملی که آمد، کتاب‌فروشی‌های مستقل و حتی زنجیره‌ای در حاشیه باریک سربه‌سر یا سود اقتصادی، فعالیت می‌کنند. این وضعیت شکننده،

فشار رقابت از سوی سوپرمارکت‌ها، آمازون و کتاب‌های الکترونیک، تعداد کتاب‌فروشی‌های مستقل انگلستان با یک‌سوم کاهش به کمتر از هزار عدد رسیده است. به‌گفته سارا باتلر در این گزارش، روندهای اقتصادی موجب تعطیلی پانصد کتاب‌فروشی مستقل از سال ۲۰۰۵ به این سو در انگلستان شده است.

علت چیست؟

سارا باتلر علت اصلی را تغییر عادات و ذائقه خرید مردم می‌داند. این تغییر ذائقه را در چند سو می‌توان ردگیری کرد.

یکی از علل اصلی این تغییر عادت، ظهور غول کتاب‌فروشی آنلاین یعنی آمازون بوده است که در مقام سرسخت‌ترین رقیب، برای سایر کتاب‌فروشی‌های جهان، آنلاین یا آفلاین، ظاهر شد. رشد آمازون به‌گونه‌ای بوده است که در سال ۲۰۱۱، سهم این شرکت از کتاب‌های فروخته‌شده در ایالات متحده ۲۶ درصد بود که آن را در صدر فهرست و بالاتر از رقیب قدرتمندی مانند بارزاندنوبل با سهم ۱۷٫۳ درصد قرار می‌داد. شبکه‌های توزیع اینترنتی که به ابتکار آمازون رونق پیدا کردند، امکان دسترسی ساده‌تر و بهره‌مندی از قیمت‌های بهتر را حتی برای کتاب‌های چاپی فراهم می‌کنند تا به‌تدریج کار را برای فروشگاه‌های سنتی‌تر سخت کنند.

بخش دیگری از ماجرای افول کتاب‌فروشی‌ها، به محبوبیت کتاب‌های الکترونیک مربوط می‌شود. فروش کتاب‌های چاپی در ایالات متحده، بزرگ‌ترین بازار کتاب دنیا، در سال ۲۰۰۷ پس از مدتی افول، به رکورد ۱۷٫۱۸ میلیارد دلار دست پیدا کرد؛ اما از آن زمان،

«**سارا باتلر علت اصلی را تغییر عادات و ذائقه خرید مردم می‌داند. این تغییر ذائقه را در چند سو می‌توان ردگیری کرد. یکی از علل اصلی این تغییر عادت، ظهور غول کتاب‌فروشی آنلاین یعنی آمازون بوده است که در مقام سرسخت‌ترین رقیب، برای سایر کتاب‌فروشی‌های جهان، آنلاین یا آفلاین، ظاهر شد**

«**شکل‌گیری بازارهای گسترده موزی کتاب‌های چاپی و به‌طور خاص، بازار کتاب‌های دست‌دوم نیز، عامل دیگر مشکلات کتاب‌فروشی‌هاست. این عامل به‌طور خاص، فروش کتاب‌های علمی و آکادمیک را تهدید می‌کند**





تبدیل کرده است. گوو یاکیان، نویسنده کتابی درباره کتابفروشی‌های چین، می‌گوید این فروشگاه‌ها سعی می‌کنند مؤلفه‌های دیگری نیز به تجربه خرید و خوانش کتاب بیفزایند تا ارزش افزوده‌ای برای مخاطب به‌همراه داشته باشند. راهاندازی کافه‌کتاب، باشگاه‌های کتابخوانی، فروشگاه‌های ۲۴ ساعته و شعبه‌های مضمونی، از جمله این مؤلفه‌ها هستند. این روند ارائه خدمات جانبی البته جهانی است. کتابفروشی «شکسپیر & کمپانی» پاریس، یکی از نقاط مشهور این شهر که محفل ملاقات همینگوی و دوستانش در بازه میان دو جنگ جهانی بوده است، پس از شصت سال، اصرار سرمایه‌گذاران بالاخره پذیرفت کافه‌ای کنار مغازه راهاندازی کند تا حس نوستالژیک بازگشت به گذشته، همراه با تجربه کتاب در کناره رود ساین، مشتریان بیشتری را جلب نماید و نمونه‌های رادیکال‌تری از عرضه کتاب، به‌صورت آنلاین نیز موفق بوده‌اند. برای نمونه، یک مهمان‌سرای ویژه «خوره‌های کتاب» در توکیو، نمونه دیگری از راهکارهای متفاوت برای ادغام میل به کتابخوانی با سایر نیازهای مشتریان است. کابین‌های کوچک خواب، به سبک مرسوم در ژاپن، با نور ملایم چراغ مطالعه، پشت قفسه‌های کتاب ردیف شده‌اند و کتاب‌هایی نیز از سقف آویزان هستند تا بتوان یک شب آرام را با بو و مزه لغات مکتوب در کاغذ گذراند.

در مجموع، شاید بتوان ادعا کرد که با فروکش کردن موج «گونه‌های جدید کتاب و کتابفروشی»، فضا برای به‌روزرسانی کتابفروشی‌های سنتی در شمالی جدید، جهت‌ارضای نیازهای کتابخوانان فراهم شده است.

آن‌ها را در برابر سایر فشارهای بازار، مثلاً افزایش اجاره‌بهای املاک یا حداقل دستمزدها آسیب‌پذیر می‌کند.

راهکار بقا

بهینه‌سازی عملکرد بازاربایی کتابفروشی‌ها و تأمین ارزش افزون بر خرید کتاب به مشتریان، گویا دو راهکار اصلی بقای کتابفروشی‌های سنتی در دنیا هستند. در یک‌سو، بهره‌مندی از پایگاه‌های داده‌های وسیع، برای انتخاب بهینه کتاب‌هایی که درون قفسه‌هاست و متناسب‌سازی ذخیره انبار با علایق مشتریان، مخاطبان را به‌صورت هدفمندتر به فروشگاه‌ها می‌کشاند و در هزینه‌های اداره فروشگاه صرفه‌جویی کند. این گویا همان مزیتی است که آمازون در راهاندازی اولین کتابفروشی خود به سبک سنتی دنبال می‌کند و قصد الگوسازی آن را دارد.

در سوی دیگر، چیزی علاوه بر کتاب نیز می‌توان به مشتریان تحویل داد تا حضور در مغازه را برای آن‌ها به‌صرفه کند. شاید یک استثنای مهم در میانه افول بازار کتابفروشی‌ها، چین باشد. کتابفروشی‌های چین طی دو دهه گذشته، رشد و سود درخور توجهی را نصیب خود کرده‌اند و در عرصه بین‌المللی نیز به‌چشم آمده‌اند. یکی از شعبه‌های کتابفروشی زنجیره‌ای شهر نانجینگ، در نزدیکی استادپوم ووتایشان، در فهرست ده‌تایی زیباترین کتابفروشی‌های دنیا به انتخاب بی‌بی‌سی، در سال ۲۰۱۳ قرار داشت. ثمردهی این بازار، پیروی از «الگوی چینی» در صنعت نشر را به یکی از ضرب‌آهنگ‌های مکرر تحلیل‌های این صنعت

«شاید بتوان

ادعا کرد که با

فروکش کردن

موج «گونه‌های

جدید کتاب و

کتابفروشی»، فضا

برای به‌روزرسانی

کتابفروشی‌های

سنتی در شمالی

جدید، جهت‌ارضای

نیازهای کتابخوانان

فراهم شده است

«کتابفروشی‌های

چین طی دو دهه

گذشته، رشد و سود

درخور توجهی را

نصیب خود کرده‌اند و

در عرصه بین‌المللی

نیز به‌چشم آمده‌اند.

یکی از شعبه‌های

کتابفروشی

زنجیره‌ای شهر

نانجینگ، در نزدیکی

استادپوم ووتایشان،

در فهرست

ده‌تایی زیباترین

کتابفروشی‌های دنیا

به انتخاب بی‌بی‌سی،

در سال ۲۰۱۳ قرار

داشت

کتاب‌فروشی‌های شهر

مشخص شدن سرانه فروشگاه‌ها، می‌توان نمایی از وضعیت فعلی را دریافت. ردیف مربوط به تهران را بنا به گفته‌های شهردار تهران، دکتر قالیباف، در اختتامیه نمایشگاه کتاب امسال به این جدول افزوده‌ام.

گزارش چند ماه پیش انجمن فرهنگی شهرهای جهان، تعداد کتاب‌فروشی‌های تعدادی از پایتخت‌ها و شهرهای دیگر دنیا را فهرست کرده بود. با تقسیم تعداد فروشگاه‌ها بر جمعیت هر شهر، برای

شهر	تعداد کتاب‌فروشی به ازای هر صد هزار نفر جمعیت
آمستردام	۲۱
برلین	۷
بوگوتا	۳
بوئنوس آیرس	۲۴
هنگ‌کنگ	۲۲
استانبول	۳
ژوهانسبورگ	۲۳
لندن	۴
لس‌آنجلس	۱۲
مادرید	۱۶
مونترآل	۷
مسکو	۵
بمبئی	۴
نیویورک	۹
پاریس	۴۶
ریودژانیرو	۵
سائوپائولو	۳
سنول	۵
شانگهای	۶
سنگاپور	۳
استکهلم	۹
سیدنی	۱۰
توکیو	۱۳
تورنتو	۱۱
تهران	۱۰



اقتصاد نشر در جهان در حال تغییر است



سید مجید حسینی
مدیر نشر شهر

دکتر سیدمجید حسینی دانش آموخته‌اندیشه سیاسی و عضو هیئت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران است. او هم‌اکنون مدیرعامل مؤسسه نشر شهر، مدیر کانون فرهنگ، ادب و اندیشه (کفا) و عضو شورای عالی فرهنگی و اجتماعی شهرداری تهران است. سیدمجید حسینی در گذشته، مدیر گروه مجلات همشهری بوده و فعالیت مطبوعاتی خود را با مدیر مسئولی فصل‌نامه «روایت» ادامه داده است. مجله روایت با رویکردی نو، پدیده‌های فرهنگی و اجتماعی کشور را با استفاده از روایت ناظران مختلف واکاوی می‌کند. متنی که در زیر می‌خوانید، حاصل گفت‌وگوی ما با دکتر سیدمجید حسینی است که به شکل یادداشت تنظیم شده است.

کاهش فعالیت‌های حوزه کتاب: فاجعه یا پیامد موردانتظار؟

امسال فرصتی شد که در نمایشگاه کتاب هنر نیویورک حضور داشته باشم. این نمایشگاه در مقایسه با سال‌های قبل بزرگ‌تر شده بود؛ به این معنی که اداره‌کنندگان آن، بخش‌های جدیدی را به آن افزوده بودند. خوب است بدانید که بازدیدکنندگان امسال نمایشگاه کتاب فرانکفورت نقل می‌کردند که در این دوره از نمایشگاه سالن شماره ۹ آن تعطیل شده بود؛ به بیانی دیگر این نمایشگاه نسبت به سال‌های گذشته کوچک‌تر شده بود! هر دو نمایشگاه، یعنی نمایشگاه نیویورک و فرانکفورت، ویژه کتاب بودند، پس عامل اصلی تفاوت در توسعه یکی و کاهش حجم فعالیت دیگری از چه بابت بوده است؟ برای درک این تفاوت، کافی است بدانیم که نمایشگاه کتاب نیویورک، نمایشگاهی کاملاً تخصصی است و نمایشگاه فرانکفورت، با وجود شهرت فراوان و اقبال جهانی به آن، جزء نمایشگاه‌های عمومی کتاب دسته‌بندی

می‌شود. ممکن است عده‌ای با خود بیندیشند که کوچک‌شدن نمایشگاه‌های کتابی همانند فرانکفورت و مسکو، نشان‌دهنده کم‌رونق‌شدن بازار نشر و فروش کتاب در دنیا است؛ اما به عقیده من، این تغییر مقیاس در اندازه نمایشگاه‌های بین‌المللی کتاب، به معنی کاهش سرانه مطالعه در جوامع مختلف نیست. در حقیقت، دلایل این امر را باید به افزوده‌شدن انتخاب‌های نوین در عرصه اقتصاد نشر نسبت داد.

نوامبر امسال، کتاب‌فروشی «بارنز اند نوبل» نیویورک، بزرگ‌ترین کتاب‌فروشی جهانی و دارای ۱۴ هزار متر مربع فضای عرضه کتاب، تعطیل شد. طبق اطلاعات موجود، مدیران ارشد این فروشگاه‌های زنجیره‌ای کتاب به دنبال تعطیل کردن تمام شعبه‌های آن در ایالات متحده آمریکا هستند. شاید جالب باشد که بدانیم امروز دیگر در شهر لس‌آنجلس که از لحاظ سرانه مطالعه، آمار بسیار خوبی در کشور آمریکا دارد، کتاب‌فروشی «بارنز اند نوبل» فعالیت ندارد. چرا چنین اتفاقی رخ داده است؟ پاسخ این سؤال را باید در حضور

◀◀ نوامبر امسال،

کتاب‌فروشی

«بارنز اند نوبل»

نیویورک، بزرگ‌ترین

کتاب‌فروشی جهانی

و دارای ۱۴ هزار متر

مربع فضای عرضه

کتاب، تعطیل شد.

طبق اطلاعات

موجود، مدیران ارشد

این فروشگاه‌های

زنجیره‌ای کتاب

به دنبال تعطیل کردن

تمام شعبه‌های آن در

ایالات متحده آمریکا

هستند

فروش کل، میان این دو نوع شیوه تولید کتاب تقسیم شده است. مدیران این وبسایت پیش‌بینی می‌کنند آمار فروش کتاب‌های الکترونیک در سال‌های آینده بالاتر برود و در طی چند سال آینده، فروش کتاب کاغذی در وبسایت آمازون به یک‌سوم میزان فروش کل، کاهش یابد. مفهوم این تغییرات این است که علاوه بر حضور موثر شرکت‌های پستی در بازار نشر که کتاب‌خوانان را از مراجعه به فروشگاه‌های کتاب بی‌نیاز می‌کنند، نشر الکترونیک نیز آینده خوبی در کسب و کار تولید و عرضه کتاب دارد. به‌قول اهالی بازار، آینده بازار نشر کتاب متعلق به کتاب‌های الکترونیکی است. با توجه به مباحث گذشته‌شده، به عقیده من اقتصاد نشر به آن معنا که برخی صاحب‌نظران و تحلیل‌گران معتقدند، ضربه نخورده است. شاید به جرئت بتوان گفت: تنها تغییر مهم در سطح جهانی در این حوزه، کاهش سهم میزان فروش کتاب‌های کاغذی به نفع فروش کتاب‌های الکترونیکی است.

امروز در دنیا، بسیاری از مخاطبان، ترجیح می‌دهند کتاب را به‌صورت الکترونیک خریداری کنند؛ چرا که علاوه بر وجود ابزار و امکانات مناسب برای مطالعه ساده و بی‌دردسر آن، به این شیوه، دسترسی به کتاب نیز از سهولت بیشتری برخوردار است و نگهداری آن برای مخاطبان زحمت زیادی ندارد. حتی بسیاری از ناشران، به‌جای حضور در نمایشگاه‌های بین‌المللی، ترجیح می‌دهند خرید حقوق معنوی انتشار کتاب‌های خود را در بستر فضای مجازی انجام دهند. با همه این تفاسیر، در حال حاضر هنوز

حساب‌شده و قدرتمند نشر الکترونیک در بازار کتاب جست‌وجو کرد. علاوه‌براین، در شرایطی که به‌دلیل استقرار نظام‌مند سامانه‌های تحویل کتاب، در اغلب کشورهای توسعه‌یافته صنعتی، شرکت‌های پستی، زمان سفارش کتاب کاغذی تا تحویل آن به مشتری به کمتر از یک روز رسیده است. شاید بسیاری از اهل مطالعه با در نظر گرفتن هزینه‌های ریالی و زمانی رسیدن به محل فروشگاه کتاب و خرید مستقیم از آن، ترجیح بدهند که حتی کتاب‌های کاغذی را به شیوه‌های جدید سفارش دهند و خریداری کنند.

نگاهی به اقتصاد کتاب

در کشورهای توسعه‌یافته صنعتی

امروز در کشوری مانند آمریکا، وبسایت آمازون به‌عنوان پدیده اقتصاد نشر و فراگیرشدن کتاب الکترونیک در کنار سیستم‌های پستی کارآمد، مسئولیت‌پذیر، سریع و دقیق تحویل کتاب، موجب شده است تا کسب و کار کتاب‌فروشی‌ها رونق گذشته را نداشته باشند و رو به تعطیلی بروند. این تعطیلی را نباید به منزله افت بازار نشر یا کاهش تعداد خوانندگان کتاب فرض کرد؛ چرا که اقتصاد نشر همانند سایر کسب و کارها متأثر از تغییرات محیطی، هماهنگ با ذائقه مشتری‌ان و همگام با پیشرفت‌های فناورانه، در حال تغییر است.

مطابق آمار سال جاری وبسایت آمازون، نسبت فروش این وبسایت برای کتاب‌های کاغذی و الکترونیک به صورت مساوی، هر کدام ۵۰ درصد از

◀ مطابق آمار

سال جاری وبسایت آمازون، نسبت فروش

این وبسایت برای کتاب‌های کاغذی و

الکترونیک به صورت مساوی، هر کدام

۵۰ درصد از فروش کل، میان این دو نوع شیوه

تولید کتاب تقسیم شده است. مدیران این

وبسایت پیش‌بینی می‌کنند آمار فروش

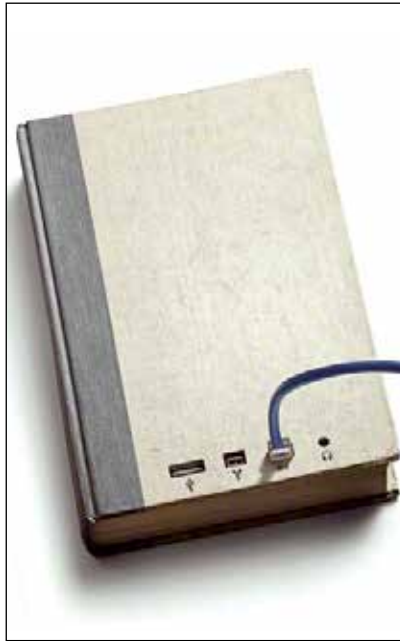
کتاب‌های الکترونیک در سال‌های آینده

بالاتر برود و در طی چند سال آینده،

فروش کتاب کاغذی در وبسایت آمازون به

یک‌سوم میزان فروش کل، کاهش یابد





مانند تاجیکستان و افغانستان است. ما در خصوص کشورهای فارسی‌زبان، نیاز به ایجاد و یا توسعه امکان عرضه کتاب یا کتاب‌فروشی داریم، نه ایجاد غرفه در نمایشگاه‌های آن‌ها به‌منظور معرفی و ترویج آثار جدید تولید شده در کشور. البته با در نظر گرفتن تمام جوانب کار می‌توان گفت: باید حضور قدرتمند و برنامهریزی شده در عرصه بین‌الملل از طریق حضور در نمایشگاه کتاب فرانکفورت، در اولویت باشد. چرا که این نمایشگاه، به‌نوعی اسکار عرصه نشر کتاب است.

وقتی برای حضور در نمایشگاه کتاب فرانکفورت حساب‌شده و دقیق عمل نکنیم، ظهور و بروز قدرت فرهنگی‌مان کم‌رنگ و ضعیف می‌شود. امروز ترکیه، مالزی و حتی کشوری مانند اندونزی متوجه چنین فرصت مناسبی در ارائه دستاوردهای فرهنگی خود در نمایشگاه کتاب فرانکفورت شده‌اند و در سال‌های اخیر عملکرد قابل قبولی داشته‌اند. بر این اساس، به‌جای پیگیری و تفاخر به فروش اثر در نمایشگاه کتاب فرانکفورت، باید به دنبال حضور قدرتمند در این رویداد فرهنگی باشیم. بنابراین، علاوه بر غفلت‌نورزیدن از حضور مؤثر در نمایشگاه‌های بین‌المللی کتاب، باید با ایجاد آژانس‌های ادبی فعال، به‌دنبال بازاریابی آثار تولیدی خود باشیم که خودنمایی تعدادی مدیر فرهنگی دولتی در نمایشگاه‌های مختلف کتاب و ارائه گزارش عملکرد بر این مبنا، دردی را از صنعت نشر کشور دوا نخواهد کرد.

نمایشگاه‌های کتاب از پایه‌های اصلی مناسبات عرصه تولید و نشر کتاب هستند و کماکان اهمیت خود را تا حدود زیادی حفظ کرده‌اند و فکر نمی‌کنم به این زودی‌ها، دچار تعطیلی و انحلال شوند.

ما، بازارها و ابزارهای نوظهور عرصه نشر

حال سؤال اینجاست که در چنین فضایی ناشران ایرانی در بخش دولتی و خصوصی باید چه نوع مواجهه‌ای با تحولات عرصه نشر داشته باشند؟ پاسخ آن ساده است؛ حرکت به سمت نشر الکترونیک. زیرا اگر بر مبنای روال فعلی پیش برویم که ناشران ما دودستی به نشر کتاب کاغذی چسبیده‌اند و به سمت نشر الکترونیک نمی‌روند، به‌سرعت از چرخه تولید کتاب حذف خواهیم شد. برای دستیابی به نقطه ایده‌آل هم باید به سمت تأسیس آژانس‌های ادبی و سرمایه‌گذاری بر روی آن‌ها حرکت کنیم. امروز در ایران، حق نشر کتاب به‌صورت حرفه‌ای و از طریق آژانس‌های ادبی به فروش نمی‌رسد. آژانس‌های ادبی می‌توانند با ایجاد نشان تجاری معتبر و زیرساخت مناسب، صنعت نشر ما را متحول کنند و با ارتباط با ناشران، آنان را به‌سوی نشر الکترونیک سوق دهند. امروز آژانس‌های ادبی به‌راحتی می‌توانند در زمینه معرفی و حضور جهانی یک اثر فعالیت کنند. خرید و فروش کپی‌رایت با کمک این آژانس‌ها بسیار آسان‌تر و کم‌هزینه‌تر خواهد بود و هم‌اکنون این شیوه فروش آثار در دنیا کاملاً رایج و فراگیر است.

مورد دیگری که هم‌زمان با ایجاد آژانس‌های ادبی باید آن را پیگیری کنیم، افق و تشویق بخش دولتی برای ایجاد زیرساخت‌های مورد نیاز نشر کتاب الکترونیک است. بخش دولتی باید به‌جای سرمایه‌گذاری در راه‌اندازی فروشگاه‌های بزرگ‌مقیاس برای فروش کتاب کاغذی، به‌دنبال ایجاد زیرساخت ترویج صنعت نشر الکترونیک باشد. همان‌طور که فروشگاه کتاب کاغذی نیازمند زمین، ساختمان، نرم‌افزار فروش و... است، توسعه صنعت نشر الکترونیک هم به زیرساخت‌هایی متناسب با قد و قواره خود نیاز دارد. به بیان دیگر، صنعت نشر کتاب الکترونیک را نمی‌توان به فروش اینترنتی کتاب فرو کاست.

در چنین فضایی، بسیاری از افراد، حضور در نمایشگاه‌های بین‌المللی کتاب را از اولویت‌های صنعت نشر کشور نمی‌دانند و معتقدند که ابتدا باید با حوزه کشورهای فارسی‌زبان و سرزمین‌های دارای قرابت فرهنگی با ایران تعامل کرد. باید اذعان کرد که در این زمینه، بحث بر سر اولویت نیست. حضور ایران در نمایشگاه‌های بین‌المللی، مقوله‌ای جدا از کسب، سهم بیشتر از بازار کتاب کشورهای فارسی‌زبان

« وقتی برای حضور

در نمایشگاه کتاب

فرانکفورت حساب‌شده

و دقیق عمل نکنیم،

ظهور و بروز قدرت

فرهنگی‌مان کم‌رنگ و

ضعیف می‌شود. امروز

ترکیه، مالزی و حتی

کشوری مانند اندونزی

متوجه چنین فرصت

مناسبی در ارائه

دستاوردهای فرهنگ

خود در نمایشگاه

کتاب فرانکفورت

شده‌اند و در سال‌های

اخیر عملکرد قابل

قبولی داشته‌اند

گزارشی از دستاوردهای حضور ایران در نمایشگاه‌های بین‌المللی

در این سال‌ها فقط تجربه به دست آورده‌ایم

نیلوفر هوشمند

یکی از نکاتی که درباره حضور ایران در نمایشگاه‌های بین‌المللی مطرح می‌شود، این است که ایران پس از چندین سال حضور در این نوع نمایشگاه‌ها، چه دستاوردی داشته است و به چه میزان توانسته است با استفاده از حضور در این نمایشگاه‌ها، کتاب‌های خود را به دست مخاطب بین‌المللی برساند. در این باره حرف و حدیث‌های مختلفی مطرح می‌شود. این سؤال را از چند نفر از فعالان این حوزه پرسیدیم و پاسخ‌های جالبی شنیدیم.

«حجت‌الاسلام

سبحانی‌نسب:

هیچ کدام از نمایشگاه‌هایی که تاکنون رفته‌ایم، با هدف‌گذاری بلندمدتی که حساب شده باشد، نبوده است؛ به طوری که ناشر بداند چه کاری انجام دهد و یا مؤسسه واردکننده بداند چه کاری باید انجام دهند. بعد از آن باز خورد بگیرد و بگوید ما چند هدف داشتیم و در نمایشگاه حضور پیدا کردیم و این هدف‌ها فلان درصد محقق شد و برگشتیم

یک سال حافظ‌شناسی را مطرح کردیم و... ولی به نظر من شاید نمایشگاه بین‌المللی جای این کارها نباشد. از نظر سیاسی هم در بعضی از سال‌ها انفعال بوده و در بعضی از سال‌ها فعال بوده است، ولی برنامه‌ریزی کلان سیاسی برای حضور در نمایشگاه‌های سیاسی نداشته‌ایم. بنابراین، می‌خواهم عرض کنم هیچ کدام از نمایشگاه‌هایی که تاکنون رفته‌ایم، با هدف‌گذاری بلندمدتی که حساب شده باشد، نبوده است؛ به طوری که ناشر بداند چه کاری باید انجام دهد و یا مؤسسه و واردکننده بداند چه کاری باید انجام دهند. بعد از آن باز خورد بگیرد و بگوید ما چند هدف داشتیم و در نمایشگاه حضور پیدا کردیم و این هدف‌ها فلان درصد محقق شد و برگشتیم. به هر حال، من ندیدم. مگر اینکه صرفاً حضوری بوده و در حضوری نمایشگاهی انجام شده و کتابی بردند و به نمایش گذاشتند و جلوه‌ای از نشر ارائه شده و ثمرات حداقلی هم برای نشر کشور داشته است.»

حضور ایران، منطق با فلسفه وجودی خود نمایشگاه‌ها نبوده است

حجت‌الاسلام علیرضا سبحانی‌نسب، مدیر انتشارات جمال و از فعالان نشر بین‌الملل معتقد است که



نمایشگاه‌های بین‌المللی که پیش رو داریم و گاهی نشر ایران هم حضور پیدا می‌کند، هر کدام با یک منطق و رویکرد و عملکرد خاصی برگزار می‌شود. او در ادامه می‌گوید: «اما متأسفانه حضور نمایشگاهی ایران در نمایشگاه‌های متفاوتی که رفته است، تا جایی که ما خبر داریم، منطق با فلسفه وجودی خود نمایشگاه‌ها نبوده است. بنده چند نمایشگاهی را که همراهی و بازدید کردم، دیدم که مؤسسه نمایشگاه‌ها حضور داشته، ولی مطابق شعار مثلاً فرانکفورت که اقتصاد، سیاست و فرهنگ است، نبوده است. بحث اقتصاد که اصلاً کار نشده است. یعنی نتوانسته‌اند برنامه‌ریزی دقیق یک‌ساله‌ای برای این کار داشته باشند. از نظر فرهنگی هم اینکه بتوانند به صورت جدی و با پیام حضور پیدا کنند، به نظر من ملموس نبوده است. اینکه می‌گوییم نبوده، شاید بیایند و دفاع کنند و بگویند ما یک سال موسیقی را مطرح کردیم،

تعداد رایتهای فروخته شده، در مقایسه با سایر کشورها، عدد قابل توجهی نیست

امیر صالحی طالقانی، مدیر نشر نخل و از فعالان عرصه بین‌الملل، شناخته شدن نشر ایران به عنوان یک نشر بین‌المللی را جزء دستاوردهای این حضور



«**صالحی طالقانی:**
تعاملات بین‌المللی،
یاد دادن و یاد گرفتن
که این تبادلات بسیار
ارزشمند است، یکی
از دستاوردهای بزرگ
است؛ اما اینکه چقدر
توانسته‌ایم کتاب
عرضه کنیم، چقدر
موفق بودیم و چقدر
فروختیم؟



هندی به نمایشگاه فرانکفورت می‌آیند. آن‌ها حداقل صد کتاب را می‌فروشند، یعنی سه‌هزار عنوان کتاب می‌فروشند و در فروش به ده کشور یعنی سی‌هزار رایب می‌فروشند. در مقابل، ایران خیلی خوش‌بینانه، شاید در هر سال و در هر نمایشگاه سی رایب فروخته باشد. سی در مقابل سی‌هزار می‌شود یک‌هزارم، یعنی یک‌دهم درصد.»

کتاب‌های ما مناسب ذائقه مخاطب خارجی نیست

او یکی از دلایل فروش کم کتاب‌ها را در این می‌داند که کتاب ایرانی به ذائقه مخاطب خارجی خوش نمی‌آید و باید مطابق با ذائقه او کتاب تولید کنیم. او می‌گوید: «قورمه‌سبزی یک غذای مطلوب ایرانی است و همه، آن را دوست داریم؛ اما آیا یک اروپایی می‌تواند راحت بخوردش؟ خیر. باید مطابق سلیقه و ذائقه آن‌ها ساخت.»

صالحی طالقانی معتقد است که هزینه‌هایی هم که برای حضور در نمایشگاه‌های بین‌المللی می‌شود، در مقایسه با دستاوردی که برای ما دارد، ناچیز است؛ مثلاً اگر یک نمایشگاه فرانکفورت پانصد میلیون تومان هزینه دارد، این هزینه در مقابل چیزی که برای ناشران دارد و چیزی که آن‌ها یاد می‌گیرند عدد قابل توجهی نیست.»

نمایشگاه‌های خارجی فرصت ارتباط‌گیری با بدنه نشر کشورهای است

امیرمسعود شهرام‌نیا، مدیرعامل مؤسسه نمایشگاه‌های فرهنگی ایران، ارتباط‌گیری با بدنه نشر کشورهای

می‌داند و می‌گوید: «از سال ۲۰۰۰ به بعد که ایران حضور پررنگ‌تری در نمایشگاه‌های مختلف داشته است، ارتباط‌های فراوانی گرفته شده و یکی از دستاوردهای آن، این است که در حال حاضر، نشر ایران را به‌عنوان یک نشر بین‌المللی می‌شناسند؛ می‌دانند ما پنج نویسنده مطرح داریم، دانشگاه‌های ما اطلاعات ارزشمندی دارند و دانشمندان بزرگی داریم که در ایران می‌نویسند و صاحب کرسی هستند و باید به سراغشان بیایند.»

ایران، در هر نمایشگاه، حداکثر سی عنوان کتاب فروخته است

صالحی طالقانی معتقد است تبادلات فرهنگی و یادگرفتن، مهم‌تر از تعداد کتاب‌هایی است که به فروش



رفته است. او می‌گوید: «تعاملات بین‌المللی، یاد دادن و یادگرفتن که این تبادلات بسیار ارزشمند است، یکی از دستاوردهای بزرگ است؛ اما اینکه چقدر توانسته‌ایم کتاب عرضه کنیم، چقدر موفق بودیم و چقدر فروختیم؟ یک زمانی آمار می‌دهیم می‌گوییم پنج کتاب فروختیم، یک موقع می‌گوییم پانصد کتاب فروختیم. این عددها فقط به کمیت نیست، بلکه گاهی کیفیت هم مطرح است. اگر بخواهیم ببینیم در عرصه بین‌المللی چقدر موفق بوده‌ایم و چقدر رایب فروخته‌ایم یا چقدر کتاب‌هایمان را عرضه کرده‌ایم، عدد، عدد قابل توجهی در مقایسه با کشورهای دیگر نیست. تقریباً بیش از سی ناشر

مدیرعامل مؤسسه نمایشگاه‌های فرهنگی ایران ادامه می‌دهد: «با توجه به این که نمایشگاه فرانکفورت مهم‌ترین نمایشگاه کتاب دنیا است و تقریباً تمام ناشران مهم دنیا از کشورهای مختلف در آن حضور دارند، ما هم تلاش می‌کنیم تا با حضور پررنگ ناشران فعال در عرصه بین‌الملل و تشکل‌های نشر، آثار نشر جمهوری اسلامی ایران را معرفی کنیم و تعاملاتی را با ناشران ایجاد کنیم و در جهت درآمدزایی اقتصادی برای نشر کشورمان برنامه‌هایی را اجرا کنیم.»

در نمایشگاه فرانکفورت سال گذشته، حدود بیست عنوان کتاب منجر به قرارداد شد



شهرام‌نیا درباره تعداد کتاب‌های ایرانی فروخته‌شده در نمایشگاه‌های خارجی می‌گوید: «چون مؤسسه نمایشگاه‌ها خود طرف قراردادها نیست، لذا من هر عددی بگویم، تخمینی است. در سال گذشته، طبق آماري که از ناشران حاضر در نمایشگاه و آژانس‌های ادبی به‌دست آمده، حدود بیست عنوان کتاب در نمایشگاه فرانکفورت منجر به قرارداد شده است. یا در نمایشگاه مسکو که امسال به‌عنوان مهمان ویژه در آن حضور داشتیم، دوستان انجمن ناشران دفاع مقدس، دوستانی از ناشران انقلاب اسلامی و بعضی از نشراتی که حضور داشتند، بیان کردند که در موارد مختلفی توانستند تفاهم‌هایی را بکنند. هرچند، از نظر اقتصادی، ممکن است نتوان انتظار داشت که آورده خوبی داشته باشند.»

شهرام‌نیا البته وضعیت فعلی را وضعیت مطلوبی ارزیابی نمی‌کند و می‌گوید: «اگر بگویم از شرایطی که

خارجی و دیپلماسی فرهنگی را هدفی مهم برمی‌شمرد و می‌گوید: «در خصوص فواید و نتایج حضور در نمایشگاه‌های خارجی کتاب، مخصوصاً نمایشگاه کتاب فرانکفورت، می‌توان گفت معمولاً نمایشگاه کتاب در کشورهای مختلف یک فرصت فرهنگی برای ارتباط با بدنه نشر آن کشورها و تعامل با افراد مختلف جامعه و مردمی است که در آن کشورها هستند؛ لذا سال‌ها سعی شده است از فرصت ویژه حضور در نمایشگاه‌های کتاب به‌عنوان یک فرصت برای دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران استفاده شود.»

شهرام‌نیا با اشاره به برنامه‌ریزی برای بهره‌برداری از برنامه‌های جانبی در نمایشگاه‌های خارجی می‌گوید: «سطح حضور ما در نمایشگاه چند سطح مختلف است. گاهی این حضور یک حضور حداقلی است و در حد معرفی صنعت نشر ایران، نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، بازاریابی و جذب مشتریانی برای نمایشگاه کتاب تهران است؛ لذا در قالب نمایشگاه در حد یک غرفه محدود با این منظور حضور پیدا می‌کنیم. اما سعی می‌کنیم برنامه‌های مختلفی مثل حضور برخی از نویسندگان، برگزاری روز ایران، ارائه آثار و کتاب‌های ایرانی و توزیع بروشور و نامه‌های مختلف داشته باشیم. اخیراً در نمایشگاه‌های مختلف سعی کردیم نامه مقام معظم رهبری به جوانان غربی را معرفی و یا عرضه کنیم. در بخش جنبی تلاش کردیم در جهت ارتباطات فرهنگی هم برنامه‌هایی داشته باشیم. در برخی از نمایشگاه‌ها مقداری گسترده‌تر و تخصصی‌تر حضور پیدا می‌کنیم و سطح حضور ما گسترده‌تر است. به‌صورت خاص، نمایشگاه کتاب فرانکفورت و نمایشگاه‌هایی که ما در آن‌ها مهمان ویژه می‌شویم، این ویژگی وجود دارد.»

◀◀ شهرام‌نیا: سطح حضور ما در نمایشگاه چند سطح مختلف است. گاهی این حضور یک حضور حداقلی است و در حد معرفی صنعت نشر ایران، نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، بازاریابی و جذب مشتریانی برای نمایشگاه کتاب تهران است؛ لذا در قالب نمایشگاه در حد یک غرفه محدود با این منظور حضور پیدا می‌کنیم





ورود دارد؛ یکی اینکه خود ناشران وارد عمل بشوند که این سرمایه‌ی زیادی می‌خواهد و امکان تحقیق خیلی کم است. راه دوم، اینکه ما بیایم از امکانات و پشتوانه‌های دولتی استفاده بکنیم. اینجا یک واسطه و مجموعه‌ای به اسم دولت جمهوری اسلامی مطرح است که او بستر و زمینه‌ی حضور آثار را در فضای بین‌المللی فراهم می‌کند. هر چه با برنامه‌تر و هدفمندتر وارد این فضاها بشوند، ما بهتر می‌توانیم نتیجه بگیریم.»

ما در فرانکفورت صاحب یک دستاورد کامل و مثبت، نیستیم

ناظری با مثبت‌ارزیابی نکردن دستاورد حضور ایران می‌گوید: «حضور ما در نمایشگاه‌های بین‌المللی، هم مسکو، هم فرانکفورت، تحت تأثیر تلاشی بوده که از قبل توسط دولت انجام گرفته است. به نظر من، ما در فرانکفورت، صاحب یک دستاورد کامل و مثبت نیستیم. ما در این سال‌ها فقط توانسته‌ایم تجربه به‌دست آوریم؛ ولی، به نظر من، موفق به عملیاتی کردن و کاربردی کردن آن نشده‌ایم.»

او ادامه می‌دهد: «مجمع ناشران دفاع مقدس حدود صدوسی، چهل عنوان کتاب به زبان‌های مختلف عربی، انگلیسی، اردو، روسی و فرانسه دارد و هر ساله تعدادی از این کتاب‌ها را به نمایشگاه فرانکفورت می‌برد. از کتاب‌هایمان بازدید هم می‌شود؛ ولی مشکل بعدی ما همین است که من می‌گویم سازوکار دولتی، کارآمدی لازم را ندارد؛ زیرا بعد از نمایشگاه همه‌چیز به پایان می‌رسد. در حالی که ما در آنجا قرار و مدارهایمان را می‌گذرایم و بعدش باید پیگیری کنیم، ناکارآمدی سازوکارهای ما باعث می‌شود که ما به نتیجه نرسیم.»

در آن قرار داریم، راضی هستیم، قطعاً خطا گفته‌ایم؛ چون تا سطح مطلوب، با توجه به سرمایه‌گذاری انجام‌شده، هنوز فاصله‌ی زیادی داریم. اما از نظر میزان موفقیت در نمایشگاه‌ها، خوشبختانه ما در نمایشگاه‌های مختلف توانستیم در برخی از حوزه‌ها که دنیا از ایران توقع دارد و می‌شناسد مانند حوزه ادبیات دفاع مقدس موفقیت‌های خوبی کسب کنیم.»

در ارتباط‌گیری بدنه‌ی نشر ایران با نشر بین‌الملل، هنوز عقب هستیم

او ادامه می‌دهد: «در مجموع این تأثیر بوده؛ ولی واقعیت این است که ما تا سطح مطلوب نه‌تنها در خصوص کتاب‌های دفاع مقدس و یا انقلاب اسلامی، بلکه در جهت ارتباط‌گرفتن بدنه‌ی نشر ایران با نشر بین‌الملل متأسفانه هنوز عقب هستیم و خیلی فاصله داریم و کارهای نکرده‌ی ما بیشتر از کارهای انجام‌شده‌ی ماست.»

انتقال کتاب‌های دفاع مقدس به سایر کشورها هنوز موفقیت‌آمیز نبوده است



علی ناظری، رئیس مجمع ناشران دفاع مقدس هم عملکرد ایران را در این

سال‌ها موفقیت‌آمیز نمی‌داند و اظهار می‌کند: «ما باید زمینه‌ای را فراهم کنیم که آثارمان بتواند به سایر کشورها منتقل بشود. این کلیات ذهن من است و مدتی است که در این زمینه فعالیت می‌کنم. تلاش ما و دوستان ما این است که بتوانیم کتاب‌های دفاع مقدس را به کشورهای دیگر منتقل بکنیم، اما این کار هنوز به‌طور موفقیت‌آمیز صورت نگرفته است.»

ناظری البته فضای کار در کشورهای مختلف را متفاوت می‌داند و می‌گوید: «فضای کشورها با هم متفاوت است؛ هم فضای مردمی و هم دولتی. فضای روسیه فضای خوبی است. هم مردمش از ملت ایران خوششان می‌آید و مشکلی ندارند و شاید هم علاقه‌مند به برقراری رابطه هستند و هم دولتشان با دولت ما مشکلی ندارد و محدودیت ایجاد نمی‌کند. اما رابطه‌ی ما با کشورهای دیگر به همین نسبت تفاوت دارد و به همین نسبت فعالیت‌هایمان تحت تأثیر این تفاوت‌هاست.»

دولت باید بابرنامه‌تر و هدفمندتر وارد شود

مدیرعامل مجمع ناشران دفاع مقدس با اشاره به لزوم حرکت هدفمندتر و بابرنامه‌تر دولت در این نمایشگاه‌ها می‌گوید: «برای حضور در فضای بین‌الملل، دو طریق

«علی ناظری:

ما باید زمینه‌ای را

فراهم کنیم که آثارمان

بتواند به سایر کشورها

منتقل بشود. این

کلیات ذهن من است و

مدتی است که در این

زمینه فعالیت می‌کنم.

تلاش ما و دوستان ما

این است که بتوانیم

کتاب‌های دفاع مقدس

را به کشورهای دیگر

منتقل بکنیم، اما

این کار هنوز به‌طور

موفقیت‌آمیز صورت

نگرفته است

باید با دست پُر و با برنامه در نمایشگاه‌های بین‌المللی حاضر شویم



مصطفی وثوق کیا
دبیر سرویس کتاب و ادبیات خبرگزاری فارس

نشر ایران مواجه شد و همگان بر انصراف از حضور تأکید کردند، هرچند نظراتی نیز در این زمینه وجود داشت که معتقد بود حضور ایران در این نمایشگاه و ارائهٔ منطق خود در مخالفت با سلمان رشدی و نیز معرفی پیامبر اسلام به طرق مختلف، می‌تواند اقدام مسئولان نمایشگاه کتاب فرانکفورت در دعوت از این شخص مرتد را خنثی کند؛ اما به دلیل کمبود وقت و نیز دست خالی پیشنهادکنندگان، این طرح به مرحلهٔ اجرا نرسید و همان تصمیم اولی، یعنی انصراف از حضور در نمایشگاه به مسئولان نمایشگاه اعلام شد.

نمایشگاه کتاب فرانکفورت در نهایت، با حاضر نشدن ایران برگزار شد و مراجعه‌کنندگان نیز با غرفهٔ بسته روبه‌رو شدند و دلایل حاضر نشدن ایران در این دوره را نیز از دو کارشناس اعزامی ایران شنیدند. با این حال، یک سؤال بسیار مهم و کلیدی در اینجا

فقط چند روز مانده به آغاز نمایشگاه کتاب فرانکفورت، خبرگزاری فارس خبری منتشر کرد با این عنوان که «سلمان رشدی نمایشگاه کتاب فرانکفورت را افتتاح می‌کند». همین خبر کافی بود که تمام برنامه‌های ایران اعم از حضور دولتی و غیردولتی تحت‌الشعاع قرار بگیرد؛ چرا که حضور سلمان رشدی که با فتوای امام راحل مه‌دورالدم شناخته شده، آشکارا یک دهن‌کجی به ایران بود به‌خصوص در دورانی که غرب ادعا می‌کرد، پس از توافق در عرصهٔ هسته‌ای می‌تواند باب مرادده با ایران را تسهیل‌تر کند؛ ولی این بار، دست به اقدامی زده بود که جزو خطوط قرمز ایران به‌شمار می‌رفت.

خیلی زود جلسه‌ها تشکیل شد و نهایتاً راهکاری که از طرف وزارت ارشاد ایران اعلام شد، انصراف از حضور در نمایشگاه کتاب فرانکفورت به دلیل حضور سلمان رشدی مرتد بود. این تصمیم با حمایت اهالی

«**راهکاری که از طرف وزارت ارشاد ایران اعلام شد، انصراف از حضور در نمایشگاه کتاب فرانکفورت به دلیل حضور سلمان رشدی مرتد بود. این تصمیم با حمایت اهالی نشر ایران مواجه شد و همگان بر انصراف از حضور تأکید کردند**»



سال بعد را چه کنیم؟

برای سال‌های بعد و در صورت مواجهه با اتفاقی مشابه چه باید کرد؟ سبحانی‌نسب می‌گوید باید نقشه راه داشت و البته در سال ۲۰۱۶ دیگر نمی‌شود فقط با دست خالی اعتراض کرد:

«ما نیازمند یک نقشه راه هستیم برای سال بعد و از امروز باید درباره‌اش فکر و هزینه شود. یک سال روی ایده‌های لازم کار شود تا در سال ۲۰۱۶ دیگر نگوئیم دستمان خالی است، پس فقط اعتراض کنیم. برای حضوری با دست پر از امروز فکر کنیم. معاونت محترم هم از امروز سرمایه‌گذاری کند. آبروی نظام در گرو تصمیم‌های درست است؛ نه تصمیم‌های درشت. به یقین با این همدلی که در این نمایشگاه به وجود آمده است، می‌توان از حمایت تشکل‌ها و بخش خصوصی به بهترین شیوه برای حفظ آبروی نظام و نشر ایران در خارج از کشور استفاده کرد.»

گل‌زدن در آخرین ثانیه

و مقابله با پنالنتی بورگن باس

امیر صالحی طالقانی، مترجم و مدیر انتشارات نحل، نفر بعدی بود که پاسخ‌گوی سؤالات بود. وی نیز تجربه سال‌ها حضور در نمایشگاه‌های بین‌المللی را دارد. وی در بدو شروع و در پاسخ درباره حضور نیافتن اعتراضی ایران در نمایشگاه کتاب فرانکفورت یک مثال فوتبالی می‌زند:

«در آخرین ثانیه آخرین دقیقه وقت اضافه هم

مطرح است و اینکه اگر در دوره‌های آتی این نمایشگاه و سایر رخدادهای بین‌المللی، باز اقدامات مشابهی از سوی برگزارکنندگان نمایشگاه انجام شود، ایران باید چه تصمیمی بگیرد؟ اگر دیگر نمایشگاه مطرح اروپا مثل نمایشگاه کتاب پاریس، نمایشگاه کتاب لندن و یا حتی نمایشگاه کتاب بولونیا روزی تصمیم بگیرند به نحوی دهن کجی کنند، در آن صورت تکلیف ما چیست؟ بهترین راه برخورد با این نوع اقدامات چیست؟ چه راهبردی باید در دستور کار ایران قرار بگیرد؟ سؤال مهم‌تر اینکه این جنس واکنش‌ها تا چه اندازه در چشم مخاطب غربی مهم و پراثر جلوه می‌کند؟

برای رسیدن به جواب این پرسش‌ها، با چند تن از اهالی نشر که تجربیاتی نیز در حوزه بین‌الملل داشتند، صحبت کردیم و نظرات آن‌ها را جویا شدیم.

نشر ایران امسال مورد توجه قرار گرفت

علیرضا سبحانی‌نسب، مدیر انتشارات جمال، درباره نتایج حضور نیافتن ایران در این دوره معتقد است:

«من یقین دارم که هیچ‌سالی به اندازه امسال نشر ایران در کانون توجهات نبوده است. نشر ایران مورد دقت و توجه قرار گرفت. جهان، یا بخشی از جهانیان با رویدادی روبه‌رو شدند که شاید تاکنون ندیده بودند؛ چیزی از جنس مُحَرَّم؛ هزینه کردن پای ارزش‌ها. امسال برای ناشران اسلامی هم نشر ایران مزه‌ای دیگر داشت. شاید شرمندگی را بتوان از ضمیر برخی از آنان حس کرد... ناشران خصوصی علی‌رغم هزینه‌های شخصی، دشمنی دشمنان را برنناقتند و کاسه خود را از نظام جدا نکرده و با حضوری فعال در عرصه و انجام یک عملیات سلبی و اعتراضی، همراهی خود را به خوبی نشان دادند. آنچه اتفاق افتاد، تلاشی ناباورانه بود برای نصرتی از قبل مژده داده شده.»

این مدیر باتجربه نشر که سال‌ها قبل در نمایشگاه‌های خارجی نیز به صورت متعدد شرکت کرده، از نقشه‌های آینده‌ای که احتمالاً برای ما کشیده خواهد شد، این چنین می‌گوید:

«مدیران نمایشگاه برای حضور ایران در سال آینده، اگر شرط نگذارند، نقشه‌های بازدارنده خواهند داشت؛ از جنس آوردن کشیش قرآن‌سوز یا کاریکاتوریست دانمارکی و یا شیرین و ترشی دیگر.»

سبحانی‌نسب، در عین حال، معتقد است که برای سال بعد، از همین امروز باید شروع کرد: «نمایشگاه ۲۰۱۶ برای حرفه‌ای‌های نشر بین‌الملل از همین امروز شروع شده است. از ایمیل‌بازی‌های تجاری گرفته تا ترجمه و هزینه و سفرهای لازم و دیگر کارها. از این رو، دیگر سال ۲۰۱۶ نمایشگاهی عادی درخور جمهوری اسلامی ایران نخواهد بود.»

«ما نیازمند یک نقشه»

راه هستیم برای سال

بعد و از امروز باید

درباره‌اش فکر و هزینه

شود. یک سال روی

ایده‌های لازم کار

شود تا در سال ۲۰۱۶

دیگر نگوئیم دستمان

خالی است، پس فقط

اعتراض کنیم. برای

حضوری با دست پر

از امروز فکر کنیم.

معاونت محترم هم از

امروز سرمایه‌گذاری

کند. آبروی نظام در

گرو تصمیم‌های درست

است؛ نه تصمیم‌های

درشت. به یقین با

این همدلی که در

این نمایشگاه به وجود

آمده است، می‌توان

از حمایت تشکل‌ها

و بخش خصوصی به

بهترین شیوه برای

حفظ آبروی نظام و

نشر ایران در خارج از

کشور استفاده کرد.»

نمایشگاه ادعا کرد و من در صفحه دوم مجله The Bookseller Daily روز سوم نمایشگاه... اما حتی در یخ از دریافت یک «دمت گرم» تلگرامی از خواص گوناگون متنوع مختلف!

سواد بین الملل در حد پنجم دبستان!

با همه این حرف‌ها، حرف صالحی طالقانی می‌گوید نباید منفعل باشیم. این یک کلمه را خود بیشتر توضیح می‌دهد و می‌گوید مصداق منفعل نبودن در عرصه بین‌الملل مترادف با داشتن سواد این حوزه است:

«امروز در هر حوزه و عرصه‌ای که ورود می‌کنید باید که سواد حرفه‌ای آن را داشته باشید. متوسط سواد نشر بین‌المللی مان در بین اهل فضل و ادب حوزه بین‌الملل، همین حدود پنجاه، شصت نفر، بدون اغراق در حد پنجم دبستان هم نیست؛ اما اولین راهکار، بالابردن سواد و اطلاعات است. ما خیلی اطلاعات از حوزه بین‌الملل کم داریم.»

این نداشتن سواد بین‌المللی، به تعبیر این فعال نشر، باعث می‌شود که قواعد بازی را ندانیم و به راحتی در این عرصه‌ها غافل گیر می‌شویم:

«وقتی اطلاعات نداشته باشیم و قواعد بازی را ندانیم، به راحتی منفعل می‌شویم. این‌ها امثال سلمان رشدی زیاد دارند و کتاب‌های مانند آن هر روز چاپ می‌شود. در همین نمایشگاه کتاب شارجه که این ایام برپاست، ملاحظه بفرمایید که علناً کتاب‌های مخالفین و معاندین منتشر می‌شود و حمایت می‌کنند. ما چرا جوابی و اعتراضی به آن‌ها نداریم؟»

بدون ارائه منطق، شکست می‌خوریم

سیدعارف علوی، معاون مجمع ناشران انقلاب اسلامی

می‌توان گل زد و نتیجه را عوض کرد؛ پس باید همیشه به‌هوش بود. انفعال راه چاره نیست.»

این جمله نشان می‌دهد که صالحی نیز در برابر بی‌برنامگی ایران در این دوره، احساس خوبی ندارد. او صراحتاً می‌گوید:

«بزرگوارانی که در ایام برپایی نمایشگاه در تهران تشریف داشتند، در برابر این ضربه پنهالی آقای بورگن باس، رئیس نمایشگاه، چه عکس‌عملی نشان دادند؟! اشاره غیر مستقیم طالقانی به ضربه پنهالی را شاید به همین اعتراض کمرق ایران بدانیم و البته نگاه خوش‌بینانه‌ای که تا روز آخر در مسئولین ارشاد وجود داشت که شاید مسئولین نمایشگاه کتاب فرانکفورت دعوت خود را به‌خاطر اعتراض ایران از سلمان رشدی پس بگیرند. اتفاقی که عملاً با توجه به سابقه غرب در حمایت از سلمان رشدی محال می‌نمود.»

«ما تعداد انگشت‌شمار ناشران خصوصی حاضر در نمایشگاه، در مقابل این حرکت ایستادیم و اعلام کردیم در نمایشگاه هستیم؛ ولی در حمایت از تصمیم نظام، حرف‌هایمان را باز نخواهیم کرد. ما به‌عنوان یک شیعه مقلد که مشغله فرهنگی داریم، رفتیم، همه مشکلات و هزینه‌ها را به جان خریدیم و حرف زدیم و حرف شنیدیم و دفاع کردیم از حکم تاریخی قاعدمان و مقام شامخ پیامبر رحمتان؛ هم با حضور در میدان و هم در رسانه‌ها؛ مشابه آنچه آن‌ها از آن بهره بردند برای رسیدن به مقاصد پلیدشان. طبیعی است که او، سلمان رشدی ملحد است و با حمایت آمده است و من امیر صالحی طالقانی هستم، مدیر مسئول مجله Printed in Iran که بی هیچ پشتیبانی آنجا بودم؛ برای دفاع از تصمیم نظام.»

او در صفحه اول مجله Show Daily روز اول

«صالحی طالقانی:

وقتی اطلاعات نداشته

باشیم و قواعد بازی

را ندانیم، به راحتی

منفعل می‌شویم. این‌ها

امثال سلمان رشدی

زیاد دارند و کتاب‌های

مانند آن هر روز چاپ

می‌شود. در همین

نمایشگاه کتاب شارجه

که این ایام برپاست،

ملاحظه بفرمایید

که علناً کتاب‌های

مخالفین و معاندین

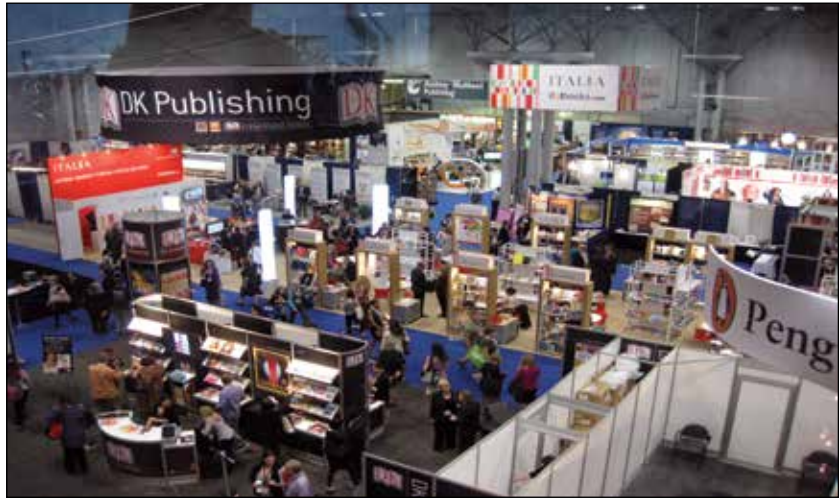
منتشر می‌شود و

حمایت می‌کنند. ما

چرا جوابی و اعتراضی

به آن‌ها نداریم؟





«سیدعارف علوی:

«در نمایشگاه‌های

کتاب همچون

فرانکفورت، چنین

اتفاقاتی قطعاً

با برنامه‌ریزی

از پیش تعیین شده رخ

می‌دهد و به نظرم

مهم‌ترین بحث آن

سنجش عیار ماست.

در این باره، نباید اسیر

سخنان روشن‌فکران

باشیم. قصه سلمان

رشدی یک بار دیگر به

دنیا ثابت کرد که مردم

و دولت ایران در این

قضیه در یک موضع

هستند و اگر مشابه

این کار تکرار شود،

ناشران ما سخت‌تر

در مقابل آن خواهند

ایستاد.»

همه ناشران با تصمیم وزارت ارشاد همراهی و همدلی داشتند؛ امری که علی‌اکبر تورانیان، مدیرعامل شرکت تعاونی ناشران دانشگاهی نیز آن را تأیید می‌کند:

«در نمایشگاه‌های کتاب همچون فرانکفورت، چنین اتفاقاتی قطعاً با برنامه‌ریزی از پیش تعیین شده رخ می‌دهد و به نظرم مهم‌ترین بحث آن سنجش عیار ماست. در این باره، نباید اسیر سخنان روشن‌فکران باشیم. قصه سلمان رشدی یک بار دیگر به دنیا ثابت کرد که مردم و دولت ایران در این قضیه در یک موضع هستند و اگر مشابه این کار تکرار شود، ناشران ما سخت‌تر در مقابل آن خواهند ایستاد.»

دچار بحرانی

از مجموع سخنان افراد این گزارش و نیز سخنان دیگر فعالان نشر که درباره حضور نیافتن ایران در این دوره نمایشگاه فرانکفورت اظهار نظر کرده بودند، بر می‌آید که برای حضور مؤثر و قوی در رویدادهای بین‌المللی باید فکر و برنامه‌ریزی کرد و برای اتفاقاتی مشابه، راهکار داشت و نقشه راه تعریف کرد. این کار مستلزم این است که دستگاه‌های فرهنگی به این رویدادها به منزله یک رخداد زودگذر نگاه نکنند که قرار باشد از یک‌ماه قبل از حضور، تازه برنامه‌ریزی را شروع کنند که نتیجه این برنامه‌ریزی‌های کوتاه‌مدت این می‌شود که وقتی تصمیم گرفته می‌شود در نمایشگاه کتاب فرانکفورت شرکت نکنیم، چیز قابل‌عرضه‌ای در چنته نداریم. برای کشوری مثل ایران که ام‌القرای جهان اسلام محسوب می‌شود، پذیرفتنی نیست که چند کتاب جهانی درباره پیامبر اسلام نداشته باشد و تازه در موقع بحران، به فکر ترجمه کتابی خاص باشند و آن هم در نهایت، بی‌ثمر باشد.

نیز که سابقه حضور در نمایشگاه‌های کتاب خارجی را دارد، درباره حضور نیافتن ایران در این دوره و نتایج آن معتقد است:

«اینکه امسال ما نرفتیم و به‌خاطر حضور سلمان رشدی اعتراض کردیم، دارای منطقی بود که پذیرفته شد. دولت هم اعلام کرد که شرکت نمی‌کند. طبیعتاً این کار اگر بخواهد تکرار شود، باید روی موضع خودمان بایستیم. این یک «ولی» دارد که دلایل خود را باید خوب معرفی کنیم. ما کار اول را که حضور نیافتن بود، کردیم؛ ولی حرکت دوم که لازم و شایسته بود، به‌صورت کامل انجام نشد.»

علوی معتقد است که این حرکت باید بازتاب داشته باشد و بدون این حرکت نتیجه کار مشخص نخواهد شد:

«اگر قرار باشد این مدلی انجام شود، ما سودی از نرفتن نمی‌بریم. باید مکرر اعتراض خودمان را نشان دهیم. باید با ناشران حاضر در نمایشگاه هم مکاتبه می‌کردیم و دلایل حضور نیافتن خودمان را می‌گفتیم. ولی این مدل و شکل نرفتن فایده نخواهد داشت. این کار یک فرصت برای ماست که بگوییم با سلمان رشدی و نوع نگاه غرب به اسلام و ادیان مشکل داریم؛ ولی اگر کار این شکلی که انجام شد، صورت بگیرد، سودی برای ما نخواهد داشت.»

با اینکه در روزهای برگزاری نمایشگاه کتاب فرانکفورت حضور نیافتن ایران در رسانه‌ها بازتاب داشت، عموم ناشران شرکت‌کننده از این دلایل بی‌اطلاع بودند و شاید بهتر بود سایر دستگاه‌های مرتبط فرهنگی در این حوزه به کمک وزارت ارشاد می‌آمدند تا دلایل حرکت اعتراضی ایران بهتر تبیین شود. اتفاقات این دوره نشان داد که در این زمینه،

ایران قدرتمندانه اعتراض کرد

گزارشی از بازتاب انصراف ایران
از حضور در نمایشگاه فرانکفورت در رسانه‌های جهان

یکی از مسائلی که پیش از نمایشگاه کتاب فرانکفورت رخ داد و عکس‌العمل مسلمانان را برانگیخت، دعوت از سلمان رشدی، به‌عنوان سخنران افتتاحیه این نمایشگاه بود. این دعوت، عکس‌العمل فعالان نشر و مسئولین را برانگیخت و نهایتاً پس از تلاش‌هایی که برای لغو این حضور انجام شد، منتج به لغو برنامه سخنرانی وی نشد. ایران از حضور در این نمایشگاه انصراف داد. حاضرشدن ایران در این نمایشگاه، در رسانه‌های مختلف جهان منعکس شد و اخبار آن پخش شد. آنچه در ادامه می‌خوانید، بازتاب رسانه‌ای حاضرشدن ایران در این نمایشگاه در رسانه‌های مختلف است که فارغ از نوع موضع‌گیری‌شان که طبیعتاً منطبق با سیاست‌های رسانه‌های رسانه‌شان است، حکایت از دیده‌شدن این اتفاق دارد که از قضا، در مواردی، ناراحتی رسانه‌های وابسته به جریان سلطه را از لابه‌لای سطور آن‌ها می‌توان به‌وضوح مشاهده کرد. به‌این منظور، تعدادی از مهم‌ترین رسانه‌های آلمانی، انگلیسی، عربی، اسپانیولی و فرانسه زبان و همچنین برخی خبرگزاری‌های داخلی بررسی شده‌اند.

رسانه‌های اسپانیایی زبان

در ادامه، با استفاده از صحبت‌های بورگن باس، رئیس نمایشگاه، این دوره را «سیاسی‌ترین» دوره نمایشگاه فرانکفورت می‌نامد که حضور رشدی، آن را تشدید کرده تا آنجا که ایران تهدید به تحریم نمایشگاه نموده است. آبت در مطلب دوم خود، در ۱۳ اکتبر، در آستانه افتتاح نمایشگاه، تیتتر زده است: «رشدی نمایشگاه امسال را سیاسی‌تر کرد». این مطلب با اشاره به جَو امنیتی ناشی از حضور رشدی در نمایشگاه، آغاز و با صحبت‌های این نویسنده هتاک در افتتاحیه ادامه می‌یابد. در ادامه، آبت خبر حضور نیافتن ایران را با یادآوری حکم تاریخی امام خمینی^(ع) آورده است.

EL PAÍS

ال پائیس، پرتیراژترین روزنامه اسپانیایی زبان وابسته به بنیاد رسانه‌ای پی‌ریسانیز که در ۲۲ کشور فعال است، این خبر را حائز اهمیت دیده است. این روزنامه به‌طور هم‌زمان در آلمان، بلژیک، ایتالیا، مکزیک و آرژانتین چاپ می‌شود و علی‌رغم مواضعش علیه دولت‌های انقلابی، در تمام قاره آمریکا مخاطب دارد. ال پائیس هم‌زمان با افتتاح نمایشگاه نوشت: «ایران به‌علت حضور رشدی از شرکت در نمایشگاه انصراف داد». ال پائیس در وصف رشدی تیتتر زده است: «مهم‌ترین نویسنده دنیا در افتتاحیه نمایشگاه»^(۱) ال پائیس مطلب خود را این‌گونه شروع کرده است:

سماء رضوی - اقدام اعتراضی ایران در انصراف از حضور در نمایشگاه کتاب فرانکفورت، مهم‌ترین نمایشگاه بین‌المللی کتاب در دنیا، به‌علت حضور نویسنده هتاک، سلمان رشدی، در رسانه‌های اسپانیایی زبان هم، مورد توجه قرار گرفت رسانه‌ها به آن پرداختند. آنچه در ادامه می‌آید، نمونه‌هایی از برجسته‌ترین این نشریه‌ها و در واقع، نشریه‌های مرجع است؛ چه اینکه اگر فقط هر کدام از نشریه‌های آبت، ال پائیس و ال موندو هم به این اقدام پرداخته بودند، فارغ از مَشی سیاسی و فکری‌شان و با در نظر گرفتن حوزه نفوذ و دایره مخاطبشان، اهمیت و برجستگی این اقدام را نشان می‌داد.

شایان ذکر است که در متن تمام مطالب پیش رو، به کارنامه موهن رشدی، واکنش جهان اسلام و حکم تاریخی امام خمینی پرداخته شده که به‌منظور پرهیز از تکرار، آورده نشده است.

ABC Cultura

آبت قدیمی‌ترین روزنامه اسپانیایی زبان با سابقه بیش از صدسال انتشار و گرایش‌های سلطنت‌طلبانه و دست‌راستی، یک هفته قبل از افتتاح نمایشگاه، به تاریخ ۶ اکتبر در صفحه فرهنگ خود چنین تیتتر می‌زند: «دعوت به تحریم نمایشگاه کتاب فرانکفورت، از سوی ایران، در اعتراض به حضور رشدی».



کرده است.

Los Tiempos

روزنامه لوس تیمپوس از کشور بولیوی نیز در ۱۴ اکتبر تیتیر خود را از صحبت‌های افتتاحیه رئیس نمایشگاه انتخاب کرده است: «بازگشایی نمایشگاه کتاب در فضایی شدیداً سیاسی»

این روزنامه در توضیح صحبت‌های باس در حمایت از آنچه آزادی بیان خوانده است، به دعوت از رشدی و تحریم از جانب ایران اشاره کرده است.

laRazón

لازاسون دیگر روزنامه بولیویایی با گرایش ملی و منتقد آمریکا در مطلبی در باب بررسی کارنامه نمایشگاه امسال به تاریخ ۳۰ اکتبر، به حضور نیافتن ایران، رشدی و کارنامه وی می‌پردازد. لازاسون نوشته است: «نمایشگاه امسال بعد از تحریم بحث‌برانگیز ایران به آرامی طی شده است.»

LABERINTO

روزنامه مکزیکی میلیو وابسته به بنیاد رسانه‌های میلیو با تمایلات لیبرال سرمایه‌داری در مطلبی شدیدالحن با عنوان «فرهنگ سانسور» به تاریخ ۱۷ اکتبر، به بررسی حضور نیافتن ایران در نمایشگاه پرداخته است. گرچه

«مذهب، سیاست و آزادی بیان، نمایشگاه شصت و هفتم را تحت تأثیر قرار داده‌اند. ایران در اعتراض به حضور رشدی نمایشگاه را تحریم کرده است. از نظر آن‌ها، کتاب آیات شیطان‌ی کتابی کفرآمیز است.» رشدی هفته قبل، ۶ اکتبر، به خبرنگار ال پائیس درباره اعتراض ایران به حضورش گفته بود: «چیزی ندارم که در این باره بگویم. اگر نمی‌خواهند بیایند، نیایند؛ ولی من به نمایشگاه می‌روم.» این مطلب در ادامه، به ابراز تأسف بورگن باس مدیر نمایشگاه از حضور نیافتن ایران اشاره کرده و از قول وی، اضافه می‌کند که رشدی همواره در تهدید است.

EL MUNDO

روزنامه لیبرال ال موندو، برجسته‌ترین روزنامه دیجیتال اسپانیا، با رکورد بازدید ۲۴ میلیون در روز، به تاریخ ۱۲ اکتبر با تیتیر «سیاسی‌ترین نمایشگاه این سال‌ها»، الهام‌گرفته از صحبت‌های مدیر نمایشگاه، به حضور نیافتن ایران اشاره می‌کند. همچنین در مطلب دوم خود در این باره، به تاریخ ۱۳ اکتبر تیتیر زده است: «انصراف ایران از نمایشگاه فرانکفورت به خاطر حضور رشدی»

ال موندو در بیانی کنایی و تأمل‌پذیر می‌نویسد: «در نمایشگاه امسال، بیش از ۷ هزار ناشر از کشورهای مختلف حضور دارند که ایران در بین آن‌ها نیست. به نظر می‌رسد مقامات ایرانی به خاطر خستگی ناشی از مذاکرات توافق هسته‌ای و پذیرش ارزش‌های غربی، از ای پاسخ منفی نمایشگاه به لغو برنامه حضور رشدی، از شرکت در نمایشگاه کتاب انصراف دادند!»

ClarínX

روزنامه آرژانتینی «کلارین هم که متحد رسانه‌های ال پائیس در این کشور محسوب می‌شود، با معرفی رشدی و فتوای امام درباره او، به حضور نیافتن ایران می‌پردازد. کلارین در پایان افزوده است باید بیش از یک هفته منتظر بود و دید که آیا به فتوای مربوط در مهم‌ترین نمایشگاه کتاب عمل می‌شود یا خیر!»

LaJornada

خرنادار روزنامه انقلابی، ضدآمریکایی و پر طرفدار مکزیکی که نوام چامسکی درباره‌اش گفته: «شاید تنها روزنامه مستقلی است که در همه نیمکره شمالی می‌شناسم، هم به انعکاس این خبر پرداخته است. خرنادا در مطلب ۱۸ اکتبر خود برخلاف دیگر رسانه‌ها که موضع علیه رشدی را بیشتر اقدامی ایرانی می‌دانند، با معرفی کامل وی و کتاب موهنش و همین‌طور فتوای امام، اثر وی را را موجب خشم همه مسلمانان معرفی

la diaria

نشریه لاداریا، دومین نشریه پرمخاطب اروگوئه با تمرکز بر مسائل علوم انسانی در مطلب خود، هم‌زمان با آغاز نمایشگاه به تاریخ ۱۴ اکتبر نوشت: «سیاست و آزادی بیان قبل از شروع نمایشگاه شصت و هفتم، خبرساز شدند.» لاداریا در ادامه آورده است: «ایران در روزهای اخیر، اعتراضات شدیدی علیه حضور رشدی ابراز نمود و نهایتاً از نمایشگاه انصراف داد.»

میلینو سیدعباس صالحی را به‌اشتبهاء، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی می‌کند و لحنی تند و بعضاً تمسخرآمیز دارد، در پایان مقاله، به نتیجه جالبی رسیده است: «آن چه آقای عباس صالحی انجام داد، فقط یک تحریم ساده نبود. او به میلیون‌ها متعصب بیمار ذهن یادآوری کرد که هنوز وظیفه‌های انجام‌نشده دارند؛ وظیفه‌ای که به‌خاطر عشق به پیامبرشان باید در حق یک نویسنده اجرا کنند: وزیر فرهنگ نازنین!»

رسانه‌های فرانسه‌زبان

می‌نویسد: «با گذشت ۲۷ سال، سلمان رشدی، همواره در خطر کشته‌شدن است. از سال ۱۹۸۹، وی در حالی که شمشیری برهنه و تیغی بُزَن در بالای سرش قرار دارد، زندگی می‌کند. آیت‌الله خمینی^(۶)، طی فتوایی، همه مسلمانان جهان را به کشتن این نویسنده دعوت کرده بود.» این روزنامه پُرشمارگان، دلایل اعتراض کشورمان را این‌گونه انتشار می‌دهد: «معاون وزیر فرهنگ ایران، ضمن اعتراض، از کشورهای مسلمان درخواست کرد که این رویداد را تحریم کنند. عباس صالحی تصریح کرد: مسئولان، آزادی بیان را به‌عنوان موضوع نمایشگاه انتخاب کرده‌اند، ولی از کسی دعوت به‌عمل آورده‌اند که به اعتقادات ما توهین کرده است. توهین‌های سلمان رشدی و برخی کاریکاتوریست‌ها، تخطی از آزادی بیان است.» رمان نویس بریتانیایی از حدود سه دهه قبل، با کتاب کفرآمیز آیات شیطانی، که در سپتامبر سال ۱۹۸۸ چاپ شد، به شهرت رسید. وی با توصیف حضرت محمد^(ص) در این کتاب، خشم مسلمانان جهان را برانگیخت.»

حمیده خوبی - در کنار رسانه‌های انگلیسی، آلمانی و اسپانیولی‌زبان، رسانه‌های فرانسه‌زبان نیز به پوشش خبر انصراف ایران از حضور در نمایشگاه و توضیح علل تاریخی آن پرداختند. این خبر در بسیاری از شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های اینترنتی انتشار یافت.

LE FIGARO.fr

روزنامه فیگارو (*Le figaro*) که یکی از قدیمی‌ترین و مشهورترین روزنامه‌های صبح فرانسه و از جمله معروف‌ترین نشریات جهان است، شش روز پیش از آغاز نمایشگاه، با تیتر «رشدی در نمایشگاه فرانکفورت: ایران مسلمانان را به تحریم فراخواند» به توصیف این حرکت ایران پرداخت. فیگارو نوشت: «نویسنده کتاب آیات شیطانی، که در سال ۱۹۸۹ با فتوای آیت‌الله خمینی^(۶) به مرگ محکوم شده است، یکی از میهمانان افتخاری این نمایشگاه کتاب است. ایران ضمن اعتراض، تهدید به تحریم رویدادی کرده که در ۱۴ اکتبر افتتاح خواهد شد.» این روزنامه در ادامه

ACQUÉIL 7.11.2015 Mâ à jour à 10h51

REPORTER MOBILE EPAPER ABOS AUTO Météo 14°

Le Matin

MONDE SUISSE SPORTS FAITS DIVERS PEOPLE LOISIRS SOCIÉTÉ HIGH-TECH ÉCONOMIE AUTO SANTÉ SERVICES

Cinéma Télévision Musique Autres Arts Mode, Beauté Animaux Cuisine Maison, Jardin Voyages Images

L'Iran boycotte la foire de Francfort à cause de Rushdie

LITTÉRATURE — La présence au salon du livre de l'écrivain contre lequel Téhéran avait prononcé une fatwa en raison de ses «Versets sataniques», ne plait pas à l'Iran.

Mâ à jour le 08.10.2015 1 Commentaire

QIWA

Qui va remporter le prix d'Artiste masculin international de l'année aux NRJ Awards 2015?

Celui	Pourcentage
Ed Sheeran	75,6%
Enrique Iglesias	15,6%
Jay-Z	6,7%

Ces articles peuvent vous aider

Connex pages 986 hits!



حضور رشدی برای موضوع آزادی بیان، می‌نویسد: «سلمان رشدی در سال ۱۹۸۹ با فتوای آیت‌الله خمینی^(۵) ایرانی، برای کتاب آیات شیطانی مواجه شد. با گذشت ۲۵ سال، این مسئله موجب ناراحتی ایران شد و این کشور تصمیم گرفت این نمایشگاه بین‌المللی را تحریم کرده و از گرفتن غرفه بین‌المللی صرف‌نظر کند.» در ادامه، این شبکه، به تأسف مدیر نمایشگاه از انصراف ایران اشاره کرده و می‌گوید: «یورگن باس تأیید کرد که تعدادی از انتشارات‌های ایرانی در هر حال در نمایشگاه شرکت می‌کنند.»

Le Parisien

یکی دیگر از رسانه‌های مکتوب مطرح در کشور فرانسه که به تشریح اقدام ایران در تحریم نمایشگاه کتاب پرداخت، روزنامه لوپاریزی (le parisien) است. لوپاریزی اولین روزنامه بین‌المللی فرانسه است که بیشترین مخاطب را در پاریس و ایل دو فرانس دارد. این روزنامه هم با رویکردی شبیه شبکه فرانس ۲۴، به تشریح فتوای امام خمینی^(۶) درباره سلمان رشدی و تحریم نمایشگاه توسط ایران پرداخت.

Le Matin

سیر بازتاب حرکت ایران در رسانه‌های فرانسه به روزنامه لومتین (le matin) می‌رسد که بیش از ۲۵ سال سابقه فعالیت دارد. این روزنامه با اشاره به اینکه ایران نمایشگاه فرانکفورت را به‌خاطر حضور رشدی، تحریم کرده است، سخنان وزیر فرهنگ را نقل می‌کند: «نمایشگاه فرانکفورت تحت عنوان آزادی بیان، شخصیتی منفور در جهان اسلام را دعوت کرده است و موقعیتی برای سلمان رشدی، نویسنده کتاب کفرآمیز آیات شیطانی فراهم آورده تا به سخنرانی بپردازد.» این روزنامه در ادامه، با تعبیری جالب‌توجه، این حرکت ایران را توصیف می‌کند: «ایران قدرتمندانه اعتراض کرد» و تصمیم به شرکت نکردن در این نمایشگاه گرفت. تهران همچنین از دیگر کشورهای مسلمان خواست تا عکس‌العمل نشان دهند. ایران پیش از این نامه‌ای اعتراض‌آمیز به مسئولان نمایشگاه فرستاده بود و از آنان خواسته بود از دعوت سلمان رشدی صرف‌نظر کنند.»

مسئله قابل تأمل و بسیار مهم درباره عکس‌العمل رسانه‌های فرانسه نسبت به حرکت اعتراض‌آمیز ایران آن بود که تقریباً تمام این رسانه‌ها، به تشریح فتوای امام خمینی^(۷) پرداخته و خواسته یا ناخواسته مسئله ولایت‌مداری، تقلید و مرجعیت در اسلام را به جهانیان معرفی کردند. تمام این رسانه‌ها هنگامی که خبر درخواست ایران از دیگر کشورهای مسلمان را مطرح می‌کردند، وحدت سیاسی و دینی میان مسلمانان را به مخاطبان خود گوشزد می‌نمودند.

روزنامه لومتین، در توضیح این فتوا، از لفظ «امام خمینی» استفاده می‌کند: «در فوریه ۱۹۸۹، امام خمینی،

روزنامه فیگارو با بیان علل فتوای بنیان‌گذار انقلاب اسلامی، عملاً مخاطبان فرانس‌زبان خود را با این اتفاق تاریخی آشنا کرد: «در آن زمان، کتاب‌های سلمان رشدی در انگلستان به آتش کشیده شد. (...) به‌جز از اعتراضات خشونت‌آمیز در بسیاری از کشورهای مسلمان، انتشار کتاب در ایالات متحده، حمله‌هایی را علیه مرکز فرهنگی آمریکاییان اسلام‌آباد در فوریه ۱۹۸۹ به دنبال داشت. در ۱۴ فوریه، آیت‌الله خمینی^(۸) فتوایی علیه این نویسنده صادر کرد. این محکومیت بار دیگر در سال ۲۰۰۵ توسط رهبر معظم، آیت‌الله علی خامنه‌ای، و در سال ۲۰۰۷ توسط رئیس‌جمهور وقت، محمود احمدی‌نژاد، تصدیق شد.»

این روزنامه، ضمن ارائه نقل قولی از مدیر نمایشگاه کتاب فرانکفورت، مبنی بر اینکه «بیوگرافی و آثار ادبی رشدی، به وی جایگاهی مهم در مقیاس جهانی برای بحث درباره آزادی بیان بخشیده است»، نظر یورگن باس در دفاع از سلمان رشدی را مطرح نمود. روزنامه فیگارو یادداشت خود در باره ایران را با این جملات به پایان رساند: «این کشور نمی‌بایست ... مسلمانان را به تحقیر بزرگ‌ترین نمایشگاه کتاب دنیا تشویق می‌نمود.»

RFI

رسانه مهم دیگری که این خبر را پوشش داده بود، رادیو بین‌المللی فرانسه (RFI) بود. این ایستگاه رادیویی دولتی فرانسه که به ۲۰ زبان زنده دنیا برنامه تولید و پخش می‌کند، مانند دیگر رسانه‌های فرانسه به توصیف این حرکت ایران پرداخت: «نه ماه پس از سوءقصد به هفته‌نامه شارلی ابدو، با دعوت سلمان رشدی به نمایشگاه کتاب، آزادی بیان بار دیگر در مرکز توجه قرار گرفت. دعوت سلمان رشدی توسط مدیریت نمایشگاه کتاب و اهمیت به حضور وی در ابتدای این رویداد، منجر به یک جنجال شد. چند روز قبل، تهران با انصراف از غرفه بین‌المللی، تصمیم به تحریم این رویداد گرفت و از دیگر کشورهای مسلمان هم درخواست انجام چنین کاری را نمود. مدیر نمایشگاه فرانکفورت ضمن اظهار تأسف بابت انصراف وزیر فرهنگ ایران، تأکید کرد: «آزادی بیان قابل معامله نیست. نباید فراموش کنیم که رشدی همواره برای کارش در معرض تهدید است.»

France 24

یکی از مهم‌ترین رسانه‌های فرانسه نیز که در مرکز توجه بسیاری از افراد فرانس‌زبان قرار دارد، این حرکت ایران را پوشش داد. شبکه فرانس ۲۴ (France 24) که یکی از مشهورترین شبکه‌های بین‌المللی فرانس‌زبان است، سعی کرد با دیدی سیاسی‌تر از دیگر رسانه‌ها، به توصیف این رویداد بپردازد. این شبکه حضور سلمان رشدی در نمایشگاه فرانکفورت را زبانی بزرگ برای ایران خواند. فرانس ۲۴ پس از اشاره به سخنان یورگن باس و لزوم



آقای خمینی، در سال ۲۰۰۵ بار دیگر تایید کرد که سلمان رشدی مرتد است و می‌بایست بدون محاکمه کشته شود. در سال ۲۰۰۷ هم دولت محافظه‌کار محمود احمدی‌نژاد اعلام کرد که این «فتوای همیشه‌معتبر» است.»
دیگر رسانه‌های فرانسه‌زبان، اعم از رسانه‌های مکتوب، شنیداری و مجازی نیز به توصیف دلایل انصراف کشورمان از حضور در نمایشگاه بین‌المللی کتاب فرانکفورت پرداختند و بدین ترتیب پیام ایران به مخاطبان خود را انتقال دادند. شیوه‌پرداختن این رسانه‌ها به موضوع، نقدی تاریخی بر اقدام نفرت‌انگیز سلمان رشدی در نوشتن کتاب آیات شیطانی بود.

بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، فتوای (حکم اسلامی) کشتن سلمان رشدی، نویسنده بریتانیایی هندی‌الاصل را که اکنون ۶۸ ساله است، به‌خاطر کتاب کفرآمیز آیات شیطانی صادر نمود و وی را مرتد اعلام کرد.»
این روزنامه هم سعی کرد با بیان نظریات افراد مختلف در ایران، در رابطه با حکم سلمان رشدی مرتد، صبغه‌ای سیاسی به یادداشت خود دهد: «دولت اصلاح‌طلب محمد خاتمی در سال ۱۹۹۸ وعده داد که ایران فتوایی را که باعث شده بود این نویسنده ده سال مخفی بماند، تحمیل نمی‌کند. ولی رهبر معظم ایران، آیت‌الله خامنه‌ای، جانشین

رسانه‌های آلمانی زبان

خود را اجزایی کرد و نوشت که چون قرار است سلمان رشدی در مراسم افتتاحیه نمایشگاه فرانکفورت سخنرانی کند، جمهوری اسلامی هم اعلام کرد که در این نمایشگاه شرکت نمی‌کند.

euronews

بخش آلمانی شبکه خبری یورونیوز هم اعلام کرد که ایران به‌دلیل حضور سلمان رشدی در نمایشگاه کتاب فرانکفورت شرکت نمی‌کند. وی برای سخنرانی درباره آزادی بیان به نمایشگاه فرانکفورت دعوت شده است، اما این اقدام ایران را خشمگین کرده است. در سال ۱۹۸۹، به‌دلیل نوشته‌های ضداسلامی رشدی، علیه وی فتوایی صادر شد.

۲

شبکه خبری (ZDF) هم با انتشار فیلمی از روند آماده شدن نمایشگاه، به انصراف دولت ایران از حضور در نمایشگاه سال جاری اشاره کرد و اعلام کرد که به این ترتیب شمار زیادی از انتشارات‌های ایرانی در نمایشگاه حضور نخواهند داشت و همه این‌ها به‌دلیل سخنرانی سلمان رشدی در مراسم

آزاده عطار - پس از آنکه جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد که از حضور در نمایشگاه کتاب فرانکفورت به دلیل سخنرانی سلمان رشدی خودداری می‌کند، رسانه‌های آلمانی زبان این اقدام را با پرداختن به اقدام وی در انتشار کتاب آیه‌های شیطانی و رویکرد ایران پس از صدور فتوای امام خمینی^(۶) مبنی بر ارتداد وی محور توجه قرار دادند. نخست خبرگزاری آلمان بود که به موضوع غیبت ایران در نمایشگاه پرداخت و در ادامه، دیگر نشریات هم از این موضوع غافل نشدند.

SPIEGEL ONLINE

هفته‌نامه اشپیگل در مطلبی با عنوان «ایران نمایشگاه فرانکفورت را تحریم کرد» نوشت که این کشور به این دلیل در نمایشگاه یاد شده شرکت نمی‌کند که سلمان رشدی به‌عنوان سخنران مهمان دعوت شده است. این نویسنده هندی-انگلیسی به‌دلیل کتاب توهین‌آمیزی که درباره اسلام نوشته است، مورد نفرت جهان اسلام است.

Frankfurter Allgemeine

روزنامه فرانکفورتر آلگماینه هم نوشت که ایران تهدید



خودداری ایران از حضور در نمایشگاه امسال واکنش داد و نوشت که چون سلمان رشدی به نمایشگاه می‌آید، ایران هم در نمایشگاه حاضر نخواهد شد و از دیگر کشورهای اسلامی خواسته است که آن‌ها هم در نمایشگاه شرکت نکنند.

افتتاحیه نمایشگاه است در بخشی از این گزارش به فتوای امام خمینی^(ره) علیه رشدی هم پرداخته شده است.



شبکه خبری (ARD) دیگر رسانه آلمانی بود که به

رسانه‌های انگلیسی زبان

به تحریم نمایشگاه از سوی ایران، اشاره کرد که سال گذشته نزدیک به ۲۷۰ هزار نفر از ۱۳۲ کشور دنیا از این نمایشگاه بازدید کرده‌اند.



پایگاه فایننشال تریبیون در گزارش تحریم نمایشگاه از سوی ایران، گفته‌های یکی از فعالان ادبی ایتالیایی را به نقل از خبرگزاری ایرنا منعکس کرد که «تأسف عمیق خود را از غیبت ایران ابراز کرده بود. همچنین در این گزارش، صحبت‌های یکی از دانشجویان آلمانی علاقه‌مند به «ادبیات خاورمیانه و خصوصاً ایران» ارائه شده که گفته بود: «از سیاست جهانی سردر نمی‌آورم؛ اما پول زیادی برای اینکه اینجا باشم، خرج کرده‌ام و الآن چیزی جز یک تالار بزرگ خالی نمی‌بینم.» این پایگاه عنوان گزارش خود را از صحبت‌های یکی از مسئولان ارشد نمایشگاه فرانکفورت انتخاب کرده است که گفته بود: «جای ایران به شدت خالی است.»



روزنامه انگلیسی گاردین در دو گزارش متوالی در روزهای سه‌شنبه و چهارشنبه، ۱۴ و ۱۵ مهر، تهدید ایران به تحریم نمایشگاه و سپس اقدام ایران به بستن غرفه خود را گزارش داد. در گزارش اول که خبرنگار ایرانی این روزنامه تهیه کرده است، اشاره شده که سال گذشته، ۲۸۲ ناشر ایرانی با بیش از ۱۲۰۰ عنوان کتاب، در فرانکفورت حاضر شده بودند. این خبر به نقل از خبرگزاری‌های ایرانی، نقل می‌کند که دعوت از سلمان رشدی، تحقیر عمدی مهمان افتخاری امسال نمایشگاه، یعنی کشور اندونزی بوده است.

گزارش دوم گاردین، بازنویسی روایت ژانسن خبری فرانسه بود که بیشتر به توضیح پیش‌زمینه این ماجرای جنجالی و نظرات مسئولین نمایشگاه اختصاص داشت.



پایگاه خبری حریت دیلی نیوز، متعلق به ترکیه نیز، در عنوان و متن گزارش خود از افتتاح نمایشگاه فرانکفورت، به دعوت از سلمان رشدی و تحریم



محمد معماریان - ژانسن خبری فرانسه (AFP) در عنوان گزارش خود از افتتاح نمایشگاه فرانکفورت به تحریم آن از سوی ایران اشاره کرد و نوشت: «ایران از سایر ملت‌های مسلمان خواسته است به تحریم نمایشگاه بپیوندند.»



خبرگزاری آسوشیتدپرس در گزارشی اختصاصی، اما کوتاه، در ۶۷ کلمه، خبر جمع شدن غرفه ایران از نمایشگاه را منتشر کرد.



دویچه‌وله، خبرگزاری رسمی آلمان، در دو گزارش، به تهدید ایران به تحریم نمایشگاه و باقی‌ماندن نزدیک به ده ناشر ایرانی در این نمایشگاه، اشاره کرده است. در این گزارش‌ها، همچنین به اعتراض عربستان سعودی، به انتشار ترجمه این کتاب از طرف جمهوری چک اشاره کرده است.



مجله آتلانتیک با اشاره به گزارش گاردین، مبنی بر تهدید ایران به تحریم نمایشگاه تلاش کرد که عواقب این کار را به سوی نویسندگان ایرانی بازگرداند و اشاره کرد که نمایشگاه فرانکفورت بزرگ‌ترین جشنواره دنیا در نوع خود است و نویسندگان ایرانی بیش از همه، از این اقدام متضرر خواهند شد.



وبسایت ایرلندی اخبار فوری، در گزارشی ویژه به خوانندگان خود خبر داد که ایران در اعتراض به دعوت از سلمان رشدی به عنوان سخنران افتتاحیه، این نمایشگاه را تحریم کرده است. این وبسایت از گفته‌های مقامات وزارت ارشاد ایران در صداوسیما نقل کرده است که این اقدام نمایشگاه را «ضدفرهنگی» نامیده‌اند.



پایگاه خبری یورونیوز نیز با اختصاص گزارشی ویژه

Newsweek

نیوزویک در بخشی از گزارشی خود با عنوان «نمایشگاه کتاب فرانکفورت آوارگان را به بازدید رایگان دعوت می‌کند»، در یک پاراگراف به لغو برنامه ایران برای حضور در نمایشگاه، در اعتراض به حضور سلمان رشدی اشاره کرد.

PW

مجله پابلیشرز ویکلی، هفته‌نامه ناشران که اخبار مربوط به صنعت نشر را پوشش می‌دهد، در گزارشی درباره برنامه افتتاحیه نمایشگاه با حضور سلمان رشدی، اعتراض ایران و بسته‌شدن غرفه رسمی کشورمان را به خوانندگان خود اطلاع داد.

The Jakarta Post

پایگاه خبری جاکار تاپست اندونزی که کشورش مهمان افتخاری نمایشگاه فرانکفورت بوده و بزرگ‌ترین جمعیت مسلمان دنیا را دارد، یک گزارش ویژه، اما کوتاه از تحریم نمایشگاه از سوی ایران، منتشر کرد که نیمی از آن، به سابقه اقدامات ایران درباره رشدی اختصاص داشت.

TODAYS ZAMAN

پایگاه خبری تودیز زمان، نسخه انگلیسی روزنامه زمان ترکیه، در یک خبر کوتاه، تحریم نمایشگاه کتاب فرانکفورت از طرف ایران را پوشش داد.

TV

پایگاه خبری تی‌وی‌آی پاکستان در گزارشی نسبتاً

نمایشگاه توسط ایران اشاره کرد. با این حال، بخش عمده محتوای این گزارش به انعکاس گفته‌های سلمان رشدی اختصاص داشت.

INTERNATIONAL BUSINESS TIMES

پایگاه خبری آی‌بی‌تی‌ایمز در گزارشی با عنوان «به‌خاطر دعوت از رشدی، ایران نمایشگاه کتاب فرانکفورت را تحریم می‌کند»، تصمیم مسئولان وزارت ارشاد به تحریم شصت‌وهشتمین نمایشگاه کتاب فرانکفورت را منعکس کرد. این گزارش ترکیبی از اخبار آژانس خبری فرانسه و گاردین را به همراه اطلاعات پیش‌زمینه ماجرا در اختیار کاربران خود قرار می‌داد.

INDEPENDENT

روزنامه انگلیسی ایندپندنت نیز خبر تحریم نمایشگاه توسط ایران را به‌صورت مجزا در مقاله‌ای با این عنوان منتشر کرد: «پس از اعلام رشدی به‌عنوان سخنران مهمان، ایران از نمایشگاه کتاب فرانکفورت خارج می‌شود». این روزنامه نیز تلاش کرد این تصمیم را یک تصمیم دولتی نشان دهد و مدعی شد که به‌گفته مسئولان نمایشگاه، تعدادی از ناشران ایرانی در آنجا حاضر خواهند بود.

NATIONAL POST

روزنامه کانادایی نشنال پست خبر تهدید ایران به تحریم نمایشگاه را به‌قلم یک روزنامه‌نگار ایرانی منتشر کرد. در این خبر، مواضع مقامات ایرانی از جمله سیدعباس صالحی، معاون وزارت ارشاد و فرهنگ اسلامی و همچنین مسئولان نمایشگاه منعکس شده بود.

The screenshot shows the RFI website interface. At the top, there are navigation links: 'Apprendre le français', 'RFI Musique', 'France Médias Monde', and 'Bas débit'. Below this is the RFI logo and the text 'LES VOIX DU MONDE'. There are also buttons for 'Direct Monde', 'Direct Afrique', 'Journaux', and 'Vidéos'. A section titled 'À L'ÉCOUTE Journal' features a soundwave graphic. Below this is a menu with categories: 'ACCUEIL', 'AFRIQUE', 'MONDE', 'FRANCE', 'ÉCONOMIE', 'CULTURE', 'SPORTS', 'AFRIQUE FOOT', and 'SCIENCES'. The main article headline reads: 'Foire du livre de Francfort: boycott iranien et liberté d'expression'. The author is 'Par Pascal Thibaut' and the publication date is 'Publié le 14-10-2015 • Modifié le 14-10-2015 à 16:21'. A partial image of a man's face is visible at the bottom of the article.



ایران به تحریم نمایشگاه به خاطر دعوت از سلمان رشدی را پوشش داد. این روزنامه نیز مانند برخی دیگر از رسانه‌هایی که این خبر را منعکس کردند، اشاره کرد که رهبر ایران ده سال پیش، بر اعتبار فتوای امام خمینی^(۶) دربارهٔ سلمان رشدی صحنه گذاشته است.



روزنامهٔ انگلیسی تلگراف نیز بازنشر گزارش آژانس خبری فرانسه، خبر ویژه‌ای دربارهٔ تحریم نمایشگاه از طرف ایران، کار کرده است. وبسایت خبری آمریکایی راولاستوری، اخبار خام، هم به نقل از آژانس خبری فرانسه، تهدید ایران به تحریم نمایشگاه را پوشش داد.



روزنامه‌های رژیم اشغالگر قدس، یعنی تایمز و دیدیوت اهرانوت نیز گزارش خبرگزاری آسوشیتدپرس دربارهٔ تحریم نمایشگاه از سوی ایران را کار کرده‌اند. پایگاه خبری سالن، متعلق به گروه رسانه‌ای سالن و یکی از وبگاه‌های مطرح در زمینهٔ اخبار روزمره نیز، گزارش آسوشیتدپرس را انعکاس داده است.

طولانی با عنوان «در اعتراض به حضور رشدی، ایران نمایشگاه کتاب فرانکفورت را تحریم می‌کند»، به نقل از وزیر ارشاد کشورمان نوشت که دعوت از سلمان رشدی «احساسات مذهبی مسلمانان را جریحه‌دار می‌کند».



روزنامهٔ آمریکایی نیویورک تایمز خبر آسوشیتدپرس دربارهٔ تحریم نمایشگاه از سوی ایران را بازنشر کرد. همچنین در بخش وبلاگ‌های وبسایت این روزنامه، گزارشی به سخنرانی سلمان رشدی و تحریم نمایشگاه توسط ایران اختصاص داشت.



پایگاه‌های خبری ایندیاتایمز، دهمین وبسایت پربینندهٔ هند و رتبهٔ ۱۱۳ وبسایت‌های دنیا طبق برآوردهای وبسایت الکسا و بیزنس اینسایدر، گزارش کوتاه آسوشیتدپرس دربارهٔ تحریم نمایشگاه از سوی ایران را بازنشر داد.



روزنامهٔ انگلیسی دیلی میل در یک گزارش ویژه، تهدید

رسانه‌های عربی زبان

کتاب موهن آیات شیطانی، مهدورالدم خوانده بود. ایران اعلام کرد این نمایشگاه با فرصتی که به رشدی داد تا حرف‌های خود را به گوش همه برساند، با این عمل به مقدسات مسلمانان توهین کرده است. ایران به‌همین دلیل مراتب اعتراض شدید خود را اعلام و نمایشگاه کتاب فرانکفورت را تحریم می‌کند.

ایران همچنین دیگر کشورهای اسلامی را به تحریم این نمایشگاه فراخواند و اعلام کرد این پایان ماجرای توهین به مقدسات اسلام نخواهد بود. پس از نوشتن کتاب آیات شیطانی، در سال ۱۹۸۹، امام خمینی^(۶) دربارهٔ سلمان رشدی فتوای ارتداد داد و اجازهٔ قتل او را صادر کرد. در سال ۱۹۹۸، در دوران اصلاحات خاتمی، رئیس‌جمهور سابق ایران، در عملی‌نشدن فتوا و فراموشی آن تلاش‌هایی انجام داد؛ اما در سال ۲۰۰۵ با فتوای مجدد رهبر کنونی جمهوری اسلامی ایران، آیت‌الله خامنه‌ای، وی مهدورالدم اعلام شد. در سال ۲۰۰۷، در دورهٔ احمدی‌نژاد و تأکید بر حکم، این فتوا همچنان پایرجا ماند.



المنار، شبکهٔ اطلاع‌رسانی و رسانه‌ای حزب‌الله لبنان،

ملیحه رضایی - دعوت از سلمان رشدی به بهانهٔ انتشار آخرین کتاب وی، برای ایراد سخنرانی در نمایشگاه کتاب فرانکفورت، منجر به اعتراض شدید ایران و تحریم نمایشگاه از سوی ایران شد. بازنشر این حرکت از سوی خبرگزاری‌های عربی به تأسی از خبرگزاری‌های انگلیسی‌زبان، به‌زمینهٔ تاریخی صدور حکم ارتداد و قتل سلمان رشدی، به‌سبب نوشتن کتاب آیات شیطانی، در ساختار سیاسی سه دههٔ اخیر ایران توجه داشت.



الجزیره که شبکه‌ای تلویزیونی با مرکزیت دوحهٔ قطر است، در رابطه با این مسئله، بیش از آنکه به تحریم نمایشگاه بپردازد، از روند تاریخی فتوای ارتداد امام خمینی^(۶) و عکس‌العمل‌های دولت‌های مختلف و ساختار سیاسی ایران نوشت. الجزیره اعلام کرد که ایران نمایشگاه فرانکفورت، یکی از نمایشگاه‌های مهم کتاب جهان را به‌دلیل حضور سلمان رشدی، تحریم کرد. براساس بیانیهٔ وزارت ارشاد ایران، ایران به‌دلیل حضور سلمان رشدی، نویسندهٔ انگلیسی، تصمیم به تحریم نمایشگاه کتاب فرانکفورت گرفت که سال‌ها پیش، جمهوری اسلامی ایران او را به‌دلیل نوشتن



فرانس ۲۴ نام شبکه‌ای خبری است که به سه زبان فرانسه، انگلیسی و عربی، اخبار پخش می‌کند. بودجه شبکه فرانس را دولت فرانسه تامین می‌کند. این خبرگزاری، متأثر از الجزیره، خبر تحریم نمایشگاه کتاب فرانکفورت را عکس‌العمل سیاسی دولتمردان ایران به این موضوع دانست.

العربية که یکی از شبکه‌های مهم خبری عرب‌زبان است و از امارات اداره می‌شود، در رابطه با ایران و انصراف از حضور در نمایشگاه فرانکفورت، ضمن اشاره به بیانیه وزارت ارشاد و فرهنگ اسلامی و نکوهش آزادی‌بیانی که به توهین مسلمانان منجر شده است، نوشت که فتوای ارتداد و قتل رشدی که امام خمینی^(ره) سال ۱۹۸۹ صادر کرده است، به اعتراض جدی مقامات جمهوری اسلام ایران منجر شده است.

خبرگزاری هافینگتون‌پست عربی نیز خبر تحریم نمایشگاه کتاب فرانکفورت از سوی ایران را بازتاب داد و بر دعوت ایران از کشورهای اسلامی، در تحریم نمایشگاه و شروع جریان جدید توهین به مقدسات اسلام تأکید داشت.

نوشت: «وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی جمهوری اسلامی ایران، دعوت از سلمان رشدی را بازی مذهبی و سیاسی عنوان کرد و این دعوت را محکوم و حضور در نمایشگاه را تحریم کرد.»

در بیانیه‌ای که از سوی این وزارتخانه درباره مشارکت‌نکردن ایران در این نمایشگاه منتشر شد، تأسّف خود را از تناقض آشکار با اهداف فرهنگی اعلام‌شده نمایشگاه ابراز کرد و اعلام کرد: «امسال به دلیل دعوت یکی از چهره‌های مهم نفرت‌انگیز جهان اسلام، یعنی سلمان رشدی مرتد، نویسنده کتاب آیات شیطانی، و دادن فرصتی به او برای ایراد سخنرانی در نمایشگاه، شرکت در آن را تحریم می‌کنند.»

همچنین تأسّف خود را از این موضوع ابراز کرد که مسئولان این نمایشگاه خود را بازیچه دست صهیونیست‌ها قرار داده و با این حرکت خود، احساسات مسلمانان را جریحه‌دار کردند.»

القدس

القدس العربی به نقل از رویترز، ضمن اشاره به تحریم نمایشگاه توسط ایران نوشت: «عربستان سعودی نیز سفیر دولت چک را در رابطه با چاپ ترجمه جدید از آیات شیطانی و توهین به مسلمانان فراخواند و خواستار توقف انتشار کتاب شد. القدس العربی در ادامه نیز به هم‌جهت شدن ایران و عربستان در رابطه با فتوای ارتداد سلمان رشدی پرداخت.»



رسانه‌های داخلی



لیلا منصور - خبرگزاری تسنیم با انتشار تصاویر غرفه‌های خالی ایران، تحریم این نمایشگاه بین‌المللی را اقدامی هوشمندانه دانست و نوشت: «با اقدام هوشمندانه مؤسسه نمایشگاه‌های فرهنگی ایران، مجری برپایی غرفه ایران در نمایشگاه، تعدادی از نمایندگان ایران با حضور در غرفه‌ای با طراحی زیبا و وسیع، اما خالی، به مراجعه‌کنندگان به غرفه، درباره چرایی حضور نیافتن ایرانیان در نمایشگاه، توضیحاتی ارائه کردند.

توزیع ترجمه انگلیسی رمان محمد^(ص) و نامه مقام معظم رهبری به جوانان غربی، از دیگر اقدامات ایران در نمایشگاه کتاب فرانکفورت بوده است. همچنین نصب پوستره‌های اعتراضی ایران به زبان‌های آلمانی و انگلیسی، نصب نوار مشکی مقابل غرفه و... از دیگر اقداماتی است که توجه بازدیدکنندگان و ناشران کشورهای مختلف حاضر در نمایشگاه را به خود جلب کرده است.

این خبرگزاری همچنین در گزارشی دیگر، اقدام ایران را در تحریم این نمایشگاه را موفقیت‌آمیز دانست و در گزارشی مفصل‌تر این‌طور نوشت: «نسخه‌ای که وزارت ارشاد برای نمایشگاه کتاب فرانکفورت پیچید و مؤسسه نمایشگاه‌های فرهنگی آن را اجرا کرد، جواب‌گو بود، چرا که پیش از آغاز نمایشگاه و روزهای نخست، چندین بار جلساتی میان مسئولان نمایشگاه کتاب فرانکفورت و نمایندگان ایرانی حاضر برگزار شد و فرانکفورتی‌ها بر بازبودن غرفه و حضور ایرانیان به‌شیوه معمول اصرار ورزیدند.

اگر نگاهی همه‌جانبه به حضور ایران در این دوره از نمایشگاه کتاب فرانکفورت داشته باشیم، باید گفت، هر چند نشر ایران هزینه مالی بسیاری را برای حضور نیافتن در نمایشگاه کتاب فرانکفورت متحمل شد و فرصت‌هایی را نیز از دست داد، اما در بُعد دیگری از ماجرا، فرصت‌هایی برای معرفی ایران اسلامی امروز به‌دست آورد که شاید در کمتر موقعیت دیگری می‌توانست نظیر آن را تجربه کند.»



خبرگزاری مشرق نیز تحریم نمایشگاه فرانکفورت را از سوی جمهوری اسلامی ایران، اقدامی مثبت ارزیابی کرد؛ اما با انتشار متنی با عنوان «حضور در نمایشگاه تحریم‌شده با گذرنامه ایرانی/تقلیل حکم سلمان رشدی به توزیع بروشور» به انتقاد از عملکرد برخی از ناشران

مدیران دولتی پرداخت و نوشت: «اعزام نمایندگانی از انتشاراتی‌های کشور، همراه با دست‌اندرکاران مؤسسه نمایشگاه‌های فرهنگی ایران به آلمان، برای حضور در نمایشگاه کتاب فرانکفورت، در حالی که بنا بر اعلام این مؤسسه، حتی از چیدن کتاب در قفسه‌های غرفه ایران خودداری شده و دور تا دور آن با روبان مشکی بسته شده است، مفهومی ندارد؛ به‌ویژه آنکه متأسفانه در میان افراد اعزام‌شده، نمایندگانی از حوزه نشر ادبیات متعهد و ارزشی نیز حضور دارند.

اگر اخبار و تصاویر حضور این افراد در نمایشگاه کتاب فرانکفورت را در خبرگزاری‌ها و به‌شکل غیررسمی‌تر آن در شبکه‌های اجتماعی دنبال کنید، متوجه خواهید شد که نفرت زیادی از کشورمان، راهی آلمان شده‌اند؛ اما آیا چنین حضوری با اصل تحریم و اعتراض جمهوری اسلامی ایران به‌دعوت از سلمان رشدی مرتد مغایرت ندارد؟ اینکه شماری از فعالان نشر و مدیران فرهنگی ما، مقابل غرفه تعطیل ایران بایستند و دلیل بسته‌بودن آن را توضیح دهند، چه معنایی می‌تواند داشته باشد؟ جالب‌تر آنکه چند مدیر بی‌ربط به حوزه کتاب و ادبیات هم، در میان افراد اعزامی هستند!»

این خبرگزاری با انتقاد شدید از حضور فعالان نشر ایران در این نمایشگاه نوشت: «در متنی که به‌صورت بئر در غرفه جمهوری اسلامی ایران نصب شده، آمده است: «دعوت از نویسندگانی که به مقدسات بیش از یک میلیارد انسان، به‌بهانه «آزادی بیان» بی‌احترامی می‌کند، در کنفرانس خبری نمایشگاه بین‌المللی کتاب فرانکفورت، نقض آشکار اعلامیه جهانی «حقوق بشر» است. ما به این حرکت غیر فرهنگی اعتراض داریم.»

سؤال اینجاست که آیا بار توضیحی شرکت‌نکردن کشورمان در این رویداد فرهنگی را بنرها و استندهای چندزبانه به دوش نمی‌کشیدند و آیا لازم بود افرادی به‌نمایندگی از چند مؤسسه انتشاراتی دولتی و خصوصی و حتی مدیران فرهنگی ایران، به فرانکفورت بروند؟ ضمن اینکه بیشتر افراد اعزامی به نمایشگاه‌های خارجی، معمولاً زبان دیگری غیر از زبان مادری‌شان را نمی‌دانند و رفت‌وآمدشان به فرانکفورت، جز زیان مالی و خروج ارز از کشور، نتیجه‌ای ندارد. البته، گشت‌وگذار در یکی از شهرهای مدرن اروپا، خودش هم فال است و هم تماشا!

مشرق حضور این افراد را تقلیل حکم امام خمینی^(ره) دانست و تأکید کرد: «حضور در نقطه‌ای که بوی مشمئزکننده و نفرت‌آور سلمان رشدی مرتد، از آن استشمام می‌شود، هر قدر هم که انقلابی و



خبرگزاری مهر با انتشار خبری با عنوان «غرفه ایران در فرانکفورت به کانون توجه رسانه‌ها تبدیل شده است»، تصاویر غرفه‌های خالی ایران را در اختیار مخاطبان خود قرار داد. این خبرگزاری در گزارشی به نقل از یک فرد مطلع، به دیگر اقدامات اعتراضی ایران این چنین اشاره کرد: «برخی از این اقدامات اعتراضی ایران که در محل غرفه جمهوری اسلامی ایران به نمایش گذاشته شده است، عبارت‌اند از: تهیه و نصب بنرهایی با موضوع دلیل حضور نیافتن ایران و نصب آن در چهار گوشه غرفه، توزیع بروشور به دلیل حضور نیافتن ایران در نمایشگاه کتاب فرانکفورت، توزیع بروشور انگلیسی اعجاز قرآن کریم، طراحی و چاپ پوستر «من محمد را دوست دارم»، در دو طرح متفاوت و نصب آن در غرفه و اهدا به بازدیدکنندگان متقاضی، طراحی چهار پوستر با محتوای آزادی بیان و اعتراض به حضور سلمان رشدی و نصب آن در غرفه ایران، هدیه رمان محمد^(ص) به بازدیدکنندگان.

خبرگزاری ایبنا نیز به بازتاب خبری غرفه‌های خالی ایران اشاره کرد و نوشت: «بسته بودن غرفه جمهوری اسلامی ایران و دیگر ناشران ایرانی موجب جلب توجه بازدیدکنندگان، خبرنگاران و عکاسان رسانه‌های حاضر در نمایشگاه فرانکفورت شده است. همچنین اقدام اعتراضی ایران در این نمایشگاه بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌ها پیدا کرده و شکل جدیدی از اعتراض مدنی را به نمایش گذاشته است.

غیرت‌مندانه باشد، آن حکم تاریخی را به یک اعتراض تنزل می‌دهد؛ اعتراضی که با تحریم قاطع ایران در رسانه‌های پرمخاطب جهان مثل دوپچه وله، تلگراف، بی‌بی‌سی، ایندپندنت و ... بازتاب یافته بود. کاش، همه کسانی که با گذرنامه ایرانی به فرانکفورت رفتند و گمان می‌کنند با حضور به موقع و توزیع بروشور اعتراضی، صدای غیرت‌مندانه ایران را به دنیا رسانند، حکم تاریخی و خدشه‌ناپذیر امام خمینی^(ره) علیه نویسنده منفور آیات شیطانی را یک‌بار دیگر می‌خواندند و بعد، گردشگر نمایشگاه شصت و هفتم می‌شدند!»



خبرگزاری فارس پس از تحریم نمایشگاه توسط ایران و با آغاز نمایشگاه فرانکفورت، با اشاره به اعزام نمایندگان مؤسسه نمایشگاه‌ها برای ابلاغ اعتراض ایران نوشت: «نکته حائز اهمیت اینکه مجمع ناشران انقلاب اسلامی و اتحادیه ناشران و کتاب‌فروشان تهران کتاب‌ها و محموله مد نظر خود را پس از این، اعلام نمایشگاه به دلیل حضور نویسنده مرتد به فرانکفورت ارسال نکردند. اما دو روز پیش، محموله‌ای از کتاب‌ها به نمایشگاه از سوی ایران ارسال شده است که باید دید با توجه به این تحریم، ارسال کتاب‌های ایران برای چه منظوری بوده است.»

خبرگزاری فارس همچنین به پوشش این اقدام جمهوری اسلامی ایران پرداخت و علاوه بر انتشار تصاویر غرفه‌های خالی ایران و تعجب بازدیدکنندگان، بیانه‌های نوشته‌شده از سوی ناشران و افراد حاضر در نمایشگاه را منتشر کرد.

پنجشنبه ۱۲ آذر ۱۳۹۴ - ۱۴:۵۲ بوقت

MEHR NEWS AGENCY

خانه | معاونین اخبار | فرهنگ | هنر | دین و اندیشه | حوزه و دانشگاه | دانش و فناوری | سلامت | جامعه | اقتصاد | بازار | ورزش | سیاست | بین‌الملل | استانها | عکا | ناوین سرویس | ایران در جهان | آسیای غربی و آسیای میانه | آسیای غربی | اوراسیا | خاورمیانه و آفریقای شمالی | آفریقای مرکزی و جنوبی | اروپا | آمریکای شمالی | آمریکا

بقی خبرها در گفتگو با مهر:

سرگرمی اعراب به اختلافات داخلی مانع درک خطر سلمان رشدی شد

۱۰ خبر اول

- قیمت مرغ در بازار نوبار رسید
- دولت جابجایی بنس فرو دگاه نجف
- وزرای خارجه روس با نگراد دیدار می‌کند
- ملاک تیم سال ۵
- نژاد با قدرت مغایلت
- پرتوی رسید / اخت

آن قدر که شعار دادیم، کار نکردیم



هادی جبردهی

۱۳۵



خانواده نشر
بادداشت

«**بالاخره تا روز افتتاحیه، غرفه حاضر شد؛ اما کتاب‌ها و وسایل هنوز نرسیده بود و معلوم نبود اگر تحریم صورت نمی‌گرفت، مسئولان محترم غرفه، بدون کتاب و کاتالوگ و... چه کار می‌خواستند بکنند**»

اسلامی ایران در بدترین جای سالن ۴ قرار داشت. حال سؤال اینجاست: با تغییراتی که امسال در جانمایی غرفه‌ها و جابه‌جایی سالن‌ها پیش آمده بود (سالن ۸ که یکی از بزرگ‌ترین غرفه‌ها بود، به کلی از نمایشگاه حذف شده بود) و نمی‌شد ادعا کرد که غرفه‌های سالن ۴ از سال‌ها پیش جای خود را رزرو کرده بودند، آیا نمی‌شد با کمی درایت جای بهتری را گرفت. این در حالی است که جانمایی‌ها براساس قیمت اجاره غرفه نبوده و غرفه‌های با مدیریت و برنامه‌ریزی قوی‌تر می‌توانند صاحب جای بهتری شوند. البته غرفه کودک نیز وضعیت مشابهی داشت. این غرفه در انتهای سالن و در میان غرفه‌های عروسک‌فروشی و غرفه‌های سیاسی که ربطی به کتاب ندارند، جانمایی شده بود.

بالاخره تا روز چهارشنبه، ۲۲ مهرماه، روز افتتاحیه، غرفه حاضر شد؛ اما کتاب‌ها و وسایل هنوز نرسیده بود و معلوم نبود اگر تحریم صورت نمی‌گرفت، مسئولان محترم غرفه، بدون کتاب و کاتالوگ و... چه کار می‌خواستند بکنند.

ای کاش به‌جای این همه هزینه، از چهارشنبه هفته قبل که وزارت ارشاد رسماً موضع خود را در قبال نمایشگاه مزبور اعلام کرد، متن مناسبی تهیه و به زبان‌های مختلف ترجمه و در قالب یک بروشور و در تعداد وسیع به بازدیدکنندگان داده می‌شد تا هم شخصی که خیلی در جریان مسایل نبود، تفسیر به‌رأی نکند و هم شکل‌تر، منسجم‌تر، هدفمندتر و وسیع‌تر این کار صورت پذیرد.

در هر صورت، روز یکشنبه، ۲۶ مهرماه، نمایشگاه فرانکفورت بدون هیچ دستاورد مثبتی با صرف چندصد میلیون تومان هزینه برای وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به پایان رسید و مسئولان به‌جای این که بیشتر به فکر توضیح تحریم نمایشگاه توسط دولت باشند، نگران تلگرام و خبرسازی در آن بودند و از یکدیگر تشکر می‌کردند.

صبح روز دوشنبه، ۲۰ مهرماه ۹۴، از تهران عازم فرانکفورت شدیم و قبل از ظهر به این شهر رسیدیم. از آنجایی که سه ماه قبل هتل را رزرو کرده و در آن موقع خبری از انصراف از حضور در نمایشگاه نبود، هتل را نزدیک نمایشگاه انتخاب کرده بودیم، تا از نظر رفت‌وآمد به مشکلی برخوردیم. بعد از ظهر همان روز، عازم محل برگزاری نمایشگاه شدیم. غرفه‌آرایی غرفه جمهوری اسلامی ایران هنوز انجام نشده و نمایندگان مؤسسه نمایشگاه‌های فرهنگی ایران با پیمان کار مربوط بحث و جدلی بر سر تسریع در انجام کار داشتند. در حالی که انتظار می‌رفت حالا که قرار بر تحریم شده و قرار نبود کتابی به نمایش درآید، حداقل از ساختن برخی قسمت‌ها مانند قفسه‌ها، محل پذیرایی، انبار و... جلوگیری شود تا هم صرفه‌جویی در هزینه‌ها شود و هم فرصت برای برنامه‌ریزی و آماده‌سازی سخت‌افزاری مواردی که برای حضور اعتراض‌آمیز لازم بود انجام شود. برای مثال، بنری که به‌عنوان توضیح تحریم نمایشگاه توسط جمهوری اسلامی ایران تهیه شده بود، همان‌گونه که در عکس‌ها مشخص است، تنها به زبان آلمانی بوده و تا روز سوم از بنر به زبان انگلیسی خبری نبود، در حالی که اکثر بازدیدکنندگان از کشورهای مختلف دنیا بودند و زبان آلمانی نمی‌دانستند یا فردی که در غرفه برای توضیح به بازدیدکنندگان نشسته بود، از روز جمعه یعنی روز سوم از نمایشگاه پنج‌روزه در غرفه مستقر شد و این در حالی است که بسیاری از افراد حرفه‌ای روز جمعه نمایشگاه را ترک می‌کنند، چرا که روزهای شنبه و یکشنبه بازدید عمومی صورت گرفته و نمایشگاه از حالت حرفه‌ای درمی‌آید.

امسال غرفه جمهوری اسلامی ایران، از سالن ۵ به سالن ۴ انتقال یافته و در انتهای سالن و در میان دو دیوار بلند بود و این باعث شده بود که کمتر کسی از کنار غرفه ایران عبور کند. شاید بتوان ادعا کرد که غرفه جمهوری

« پُر آزادی بیان
برگزار کنندگان
نمایشگاه کتاب
فرانکفورت امسال
هم نمودی دیگر یافت
و برگزار کنندگان
نمایشگاه با دعوت
از سلمان رشدی
به عنوان سخنران در
نشست مطبوعاتی این
نمایشگاه، بار دیگر بر
رفتارهای متناقض خود
صحیح گذاشتند

دهن کجی به میهمانان نمایشگاه برنامه ریزی شده و سابقه دار است

لیلی کریمی

بین‌المللی کتاب فرانکفورت شرکت کرد و عبدالله گل، رئیس‌جمهور ترکیه و ارهان پاموک، نویسنده برنده جایزه نوبل ادبیات، پیام خود را برای این دوره از نمایشگاه اعلام کردند. در نمایشگاه کتاب فرانکفورت غرفه‌های نیز به گروه کردهای مخالف ترکیه موسوم به «پ‌ک‌ک» داده شده بود که در آن نقشه‌ای از کردستان بزرگ را نصب کرده بودند و اعتراضات غرفه ترکیه باعث درگیری بین ترک‌ها و اعضای گروه پ‌ک‌ک در بیرون از نمایشگاه شد.

دو‌پچه‌وله نیز این چنین به سیاست‌های ضدونقیض مسئولان نمایشگاه فرانکفورت اشاره کرد: سالی که چین میهمان افتخاری نمایشگاه بین‌المللی کتاب فرانکفورت آلمان بود، خانم آنگلا مرکل به همراه معاون رئیس‌جمهور کشور چین، نمایشگاه را افتتاح کرد. پیام این دوره از نمایشگاه «چین و آگاهی‌ها و واقعیات جهان» بود. در این دوره، یورگن باس، تحت فشار دولت چین «بی‌لینگ» و «دای کینگ»، دو نویسنده مخالف سیاست‌های این کشور را از لیست دعوت‌شدگان به نمایشگاه حذف کرد. رفتار دوگانه مقامات رسمی آلمان آنجا هویدا شد که در خلال نمایشگاه همان سال که چین میهمان افتخاری بود، خانم آنگلا مرکل با دالایاما، رهبر بوداییان جهان و مهم‌ترین مخالف سیاست‌های حکومت چین، دیدار و گفت‌وگو کرد.

بررسی کارنامه سه دوره از برنامه‌ریزی‌های مسئولان بزرگ‌ترین نمایشگاه کتاب، این احتمال را در ذهن پررنگ‌تر می‌کند که در سال‌های آتی هم شاهد رفتارهای مغرضانه و سودجویانه از طرف متولیان این نمایشگاه به‌ظاهر فرهنگی خواهیم بود.

تحقیقاتی که از چندین سال برپایی نمایشگاه بین‌المللی کتاب فرانکفورت صورت گرفته، نشان دهنده این است که در هر دوره از این نمایشگاه، مسئولان برگزارکننده، میهمانانی کاملاً متعارض و متضاد را به‌عمد در یک زمان و مکان جاداده و در جهت پیشبرد و نیل به اهداف سیاسی اقتصادی، این تعارض فاحش را در لفافه «پُر روشن‌فکری» در نمایشگاه کتاب فرانکفورت به نمایش می‌گذارند.

پُر آزادی بیان برگزار کنندگان نمایشگاه کتاب فرانکفورت امسال هم نمودی دیگر یافت و برگزار کنندگان نمایشگاه با دعوت از سلمان رشدی به‌عنوان سخنران در نشست مطبوعاتی این نمایشگاه، بار دیگر بر رفتارهای متناقض خود صحیح گذاشتند. عنوان امسال «اندونزی، ۱۷۰۰ جزیره خیال» بود. در این دوره از نمایشگاه، بسیاری از جنبه‌های فرهنگی هنری و ادبی و مذهبی کشور اندونزی به نمایش گذاشته شد و از بسیاری نویسندگان مسلمان در این دوره دعوت شد که در محل نمایشگاه حضور یابند. گرچه بعضی، سادانگاران، هم‌زمانی دعوت از سلمان رشدی و انتخاب کشور مسلمان اندونزی به‌عنوان مهمان ویژه نمایشگاه را امری تصادفی تلقی کردند و دم از آزادی بیان زدند، بررسی اقدامات گذشته مسئولان این نمایشگاه نشان می‌دهد که اقدامات صورت گرفته در این نمایشگاه کاملاً برنامه‌ریزی شده و بی‌حرمتی به مهمان ویژه آن دوره از نمایشگاه است، به‌طوری که گاردین و دوپچه‌وله نیز به رفتارهای دوگانه مسئولان نمایشگاه اشاره می‌کنند. روزنامه گاردین در این باره می‌نویسد: در سال ۲۰۰۸، ترکیه به‌عنوان میهمان ویژه، در نمایشگاه

طرح « کمی کتاب » ثابت کرد نیاز به معرفی کتاب در مردم وجود دارد

۱۳۷



خانواده نشر
گزارش

زهرا سوهانکی

لزوم گسترش کتابخوانی به همگان اثبات شده است؛ ولی از آنجا که در کشور ما کتابخوانی جایگاه بایسته خود را در بین مردم ندارد، طرح‌ها و ایده‌های گوناگونی جهت ترویج کتابخوانی اجرا شده است که هر کدام به‌نحوی موفق بوده‌اند؛ اما هنوز نتوانسته‌اند به‌طور کامل در این امر موفق باشند.

طرح کمی کتاب یکی از این طرح‌های خلاقانه است که توسط گروهی از جوانان شهرهای جنوبی کشور اجرا شده است. پیران، یکی از مسئولین برگزاری این طرح، راجع به چگونگی اجرای آن، توضیحاتی را به ما ارائه کرده است.

این طرح به‌صورت تلفنی و در قالب معرفی کتاب به علاقه‌مندان بود که حدود دو سال و نیم پیش آغاز شد. فاز اول آن یک سال و فاز دومش هفت ماه به طول انجامید. با توجه به این که قبلاً معرفی کتاب به‌صورت تلفنی صورت می‌گرفت و اپراتور پاسخ‌گو بود و نتیجه دلخواه را به‌دست نمی‌داد و نمی‌توانست اعتماد مردم را جلب کند، طرح کمی کتاب راه‌اندازی شد که طی آن نیروی انسانی، مستقیماً به علاقه‌مندان کتاب، بر اساس موضوع مدنظرشان منابع مطالعاتی معرفی می‌کرد. سیرهای مطالعاتی معمولاً موفق نیستند؛ چرا که موضوع را در اولویت قرار می‌دهند؛ در صورتی که در درجه اول، باید مخاطب در نظر گرفته شود و تفاوت این طرح با سیرهای مطالعاتی مانند تفاوت طب سنتی و پزشکی تجربی است.

یکی از شاخصه‌های این طرح، این بود که اولویت بین کتاب‌ها مطرح نبود و کتاب‌ها صرفاً بر اساس نیاز مخاطب معرفی می‌شدند و جنس مخاطبان متفاوت بود و تقریباً از اقشار مختلف مخاطب داشت حتی مخاطبان ثابتی تماس می‌گرفتند؛ در حالی که کتابخوان حرفه‌ای بودند، از راهنمایی اپراتورها رضایت کامل داشتند. طیف‌های مختلف مخاطبان، یک بانک اطلاعاتی از

مخاطب به‌دست داد و یکی از ثمرات این طرح و بانک اطلاعاتی، مجموعه پرسش و پاسخ دانشجویی بود که هم‌اکنون آماده چاپ است. در این مجموعه، سؤال مخاطب مطرح می‌شود و پس از آن، تحلیل کارشناس از سؤال و بعد کتاب‌های متناسب با سؤال مخاطب آورده می‌شوند.

طرح کمی کتاب، در ابتدای امر، زیر نظر نهاد کتابخانه‌ها بود و اپراتورهای طرح، همه کارشناس و اهل کتاب بودند و در عین حال، مشاوران غیرحضور که در موضوعات مختلف تخصص داشتند، راهنمایی‌های لازم را به مخاطبین عرضه می‌کردند. پس از گذشت دو سال، طرح با مشکل حمایت‌نشدن مواجه شد. استقبال مردم از طرح، ثابت کرد که نیاز به معرفی کتاب در مردم وجود دارد.

قبل از طرح حدود یک سال طول کشید تا ثابت شود که نگاه طرح کمی کتاب با نگاه‌های دیگر متفاوت است و طرح به‌خوبی پیش می‌رفت و استقبال بسیار فراتر از حد انتظار بود. با اینکه تبلیغات طرح تمهیداً محدود بود و فقط با یک خط تلفن پاسخ‌گویی انجام می‌شد، تبلیغات دیگر بین اقشار خاصی مانند دانشجویان و انجمن‌های فرهنگی و هیئت‌های مذهبی صورت می‌گرفت.

این طرح اتفاقات خوب زیادی داشت؛ از جمله این که یکی از مخاطبان مادری بود که به‌دلیل تغییر مقطع تحصیلی دخترش دغدغه حجابش را داشت و کتابی به وی معرفی شد و بعد از مدتی، تماس گرفت و اعلام رضایت کرد و به مخاطبان ثابت تبدیل شد. حتی مخاطبان بعد از اینکه متوجه تعطیلی طرح شدند، با مسئولین طرح تماس گرفته و پیگیر می‌شوند.

این طرح، پس از توقف، حتی در کمیسیون فرهنگی شهرداری و شورای شهر تصویب شد و برای تأمین بحث‌های مالی راه‌هایی یافت شد؛ ولی متأسفانه موفق نبود.

« طرح

«کمی کتاب» یکی از

این طرح‌های خلاقانه

است که توسط گروهی

از جوانان شهرهای

جنوبی کشور اجرا

شده است. پیران، یکی

از مسئولین برگزاری

این طرح، راجع به

چگونگی اجرای آن،

توضیحاتی را به ما ارائه

کرده است



گفت و گو با سیدغلامرضا حسینی
مدیر عامل سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

یکصد عنوان کتاب در دست انتشار داریم

...سهراب سمنگاتی

سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی در زمره ناشرانی است که در سال‌های اخیر موفق شده است در شمار بهترین ناشران تخصصی جای بگیرد. اگر امروز بخواهیم نام دو سه ناشر تخصصی خوب در حوزه علوم انسانی اسلامی را بیاوریم، قطعاً نام سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، یکی از آن‌ها خواهد بود و این یعنی این ناشر توانسته است در حوزه تخصصی خود، اعتباری برای خود دست‌وپا کند. وضعیت کنونی این انتشارات، به میزان قابل توجهی، حاصل مدیریت موفق سیدغلامرضا حسینی در این سال‌هاست. در روزهایی که برخی معتقدند کتاب‌های علوم انسانی، اقبالی در بازار ندارند، گفت‌وگوی کوتاهی با سیدغلامرضا حسینی تدارک دیدیم که در ادامه می‌خوانید.

« به نظر بنده، تأسیس فروشگاه‌های بزرگ تخصصی عرضه کتاب‌های حوزه علوم انسانی اسلامی، پرهیز از چاپ کتاب‌های با موضوع یکسان، موازی کاری، تولید کتاب ضعیف و توجه به کیفیت عرضه و ایجاد درگاه‌ها و ویترین‌های فروش اختصاصی می‌تواند سهم کتاب‌های حوزه علوم انسانی اسلامی را در سرانه کل تولید مکتوب کشور ارتقاء دهد»

برخی معتقدند کتاب‌های علوم انسانی فروش خوبی ندارند. آیا این مسئله را قبول دارید، علت آن را چه می‌دانید؟
آنچه مسلم است ما نباید از کتاب‌های تخصصی منتشرشده در حوزه علوم انسانی توقع تیراژهای کتاب‌های آموزشی، کمک‌آموزشی یا حتی رمان و... را داشته باشیم. بدیهی است که طیف مخاطبان موضوعات مختلف، متفاوت است.

در اینجا برای ملموس‌تر شدن موضوع، یک مثال می‌آورم: آیا ما می‌توانیم تیراژ تولید و مصرف داروهای مسکن معمولی را با تیراژ و مصرف داروهای بیماری‌های خاص مقایسه کنیم؟
خیر! حتماً چنین مقایسه‌ای درست نیست و کاملاً مشخص و مشهود است که در واقع، این سؤال یعنی از متصدی داروخانه بپرسیم شما قرص استامینوفن بیشتر می‌فروشید یا داروی بیماری ام‌اس!

پس لازم است ما سطح توقع خود را در میزان تولید و عرضه کتاب‌های تخصصی مشخص کنیم. هرچند معتقدم شرایط را می‌شود بهتر کرد. به نظر بنده، تأسیس فروشگاه‌های بزرگ تخصصی عرضه کتاب‌های حوزه علوم انسانی اسلامی، پرهیز از چاپ کتاب‌های با موضوع یکسان، موازی کاری، تولید کتاب ضعیف و توجه به کیفیت عرضه

یکی از مشکلات عمده ناشران علوم انسانی بازاریابی و فروش است و تقریباً کتاب‌های کمی از تولیدات علوم انسانی ناشران مجال عرضه در بازار را می‌یابند، دلیل این اتفاق را چه می‌دانید، مخاطب یا ناشر؟

حوزه علوم انسانی در عین حال که دارای تنوع قابل‌ملاحظه‌ای در موضوعات است؛ اما به نسبت سایر حوزه‌ها، مخاطب محدودتری را شامل می‌شود و در واقع، یک کار تخصصی است. بدیهی است تولید کتاب در حوزه علوم انسانی اقتضائات خاص خود را دارد و به نسبت حجم کل تولید مکتوب کشور، سهم آن کم است و در رقابت با کتاب‌های آموزشی، کمک آموزشی و عمومی سهم بسیار محدودتری هم در لیست مراکز پخش، سبد بازاریابان و ویترین کتاب‌فروشی‌ها دارد. به نظر می‌رسد در پاسخ به این سؤال این‌گونه باید مطرح کرد که مخاطب و ناشر نقش جدی ندارند و همه چیز برمی‌گردد به وجود نداشتن زیرساخت‌های کارآمد در شبکه‌های توزیع کتاب کشور، که در حال حاضر، معضل اصلی ناشر کشور را رقم می‌زند و سایر بخش‌های صنعت نشر هم از ضعف شبکه توزیع متأثر هستند



این اشکال وارد است که باید از سوی متولیان امر برطرف شود.

بخش دوم این سؤال را این‌گونه پاسخ می‌دهم که حتماً کتاب‌های بسیار خوب و عالی وجود دارند که ضرورت چاپ آن‌ها قطعی است که خواننده محدودی هم دارد. برای مثال، در یک رشته خاص در حوزه علوم انسانی و در سطح نظر به‌پردازی، کتاب‌های علمی بسیار عمیق و دقیق از سوی اساتید مبرز حوزه و دانشگاه به رشته تحریر درآمده است که صرفاً دارای مخاطب چند صد نفری یا چند ده نفری است و حتی به‌عنوان کتاب سال هم معرفی شده است. پس نتیجه می‌گیریم صرف میزان فروش یک کتاب، شاخص ارزش‌گذاری نمی‌تواند باشد.

اگر امکان دارد کمی از فعالیت‌های پیش‌رویتان در انتشارات پژوهشگاه بفرمایید و تازه‌ترین اثری را که منتشر کرده‌اید، به ما معرفی کنید.

سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی به‌عنوان یک ناشر تخصصی در حوزه علوم انسانی اسلامی با پشتوانه علمی بیش از بیست‌ساله پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی در حال فعالیت است و در حال حاضر حدود یک‌صد عنوان کتاب مفصل را با موضوعات متنوع در دست آماده‌سازی و چاپ دارد.

کثرت یا وحدت وجود، اثر حسین عشاقی، معرفت‌شناسی و نفس‌شناسی کانت، اثر اسماعیل سعادت‌ی خمسه و اقتصاد تعاونی از منظر اسلام، اثر احمدعلی یوسفی، جدیدترین کتاب‌های منتشره سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی هستند و علاقه‌مندان برای کسب اطلاعات بیشتر می‌توانند با مراجعه به پایگاه خبری سازمان انتشارات اطلاعات دقیق و تکمیلی دریافت کنند

و ایجاد درگاه‌ها و وبسایت‌های فروش اختصاصی می‌تواند سهم کتاب‌های حوزه علوم انسانی اسلامی را در سرانه کل تولید مکتوب کشور ارتقاء دهد.

برای بهتر شدن وضعیت بازار کتاب‌های علوم انسانی چه کارهایی می‌توان انجام داد؟

همان‌گونه که قبل‌تر هم عرض شد، وقتی محصول تولیدشده دارای شرایط و ویژگی‌های منحصربه‌فرد و دارای طیف خاص مخاطب و مصرف‌کننده است، به نظر نمی‌رسد این سؤال دقیق باشد که چطور می‌شود کتاب‌های تخصصی را مانند بعضی کتاب‌های عمومی پر فروش کرد؟! در این زمینه باید تلاش کرد شرایط را بهبود بخشید و تا حد ممکن کتاب در دسترس باشد. شاید لازم نباشد همه افراد متخصص در حوزه علوم انسانی و اسلامی کتابی را خریداری کنند، بلکه می‌توانند آن را در کتابخانه‌های تخصصی مراکز دانشگاهی و حوزوی بیلند.

ویژگی‌های یک کتاب خوب در حوزه علوم انسانی چیست و چگونه می‌توان آن را ترویج کرد؟

شهرت و سوابق مؤلف یکی از شاخص‌های تولید کتاب خوب است. بدیهی است دغدغه‌مندی و حضور فعال نویسنده در محافل علمی پژوهشی، نقش و تأثیر قابل توجهی در معرفی و عرضه کتاب خواهد داشت. البته شاخص‌های دیگری نیز همچون انسجام محتوا از حیث علمی، نوآوری، عدم تکرار، حجم مناسب، پرهیز از پر نویسی، ضرورت و به‌روز بودن موضوع، توجه به خواست و نیاز مخاطب، روزآمدی، جامعیت، طرح سؤال‌های جدید و ایجاد افق‌های تازه، روان بودن و رعایت زبان علمی و... می‌توانند در تولید کتاب مطلوب مورد توجه قرار گیرند.

با توجه به اینکه بخشی از کتاب‌های علوم انسانی با حمایت مجموعه‌های دولتی تولید می‌شوند، آیا می‌شود گفت که ناشر دغدغه فروش آن را ندارد؟ و آیا تعداد مخاطب یک کتاب می‌تواند معیار خوب یا بد بودن آن کتاب باشد؟

تولید محتوا در حوزه علوم انسانی اسلامی، در واقع تولید علم است، تولید در این سطح از کیفیت، حساسیت و ویژه‌ای دارد و نیازمند صرف زمان و هزینه‌های قابل ملاحظه‌ای است که معمولاً از عهده فرد یا مؤسسات کوچک خصوصی به‌تنهایی خارج است و در این زمینه ممکن است دستگاه‌های حمایتی کمک کنند.

این آسیب که به آن اشاره کردید، در سال‌های اخیر به دلیل کاهش بودجه‌های فرهنگی و پارانهای مرتبط به شدت کاهش یافته است؛ ولی متأسفانه در برخی مواقع

◀◀ شهرت و

سوابق مؤلف یکی

از شاخص‌های

تولید کتاب خوب

است. بدیهی است

دغدغه‌مندی و حضور

فعال نویسنده در

محافل علمی پژوهشی،

نقش و تأثیر

قابل توجهی در معرفی

و عرضه کتاب خواهد

داشت

◀◀ تولید محتوا در

حوزه علوم انسانی

اسلامی، در واقع تولید

علم است. تولید در

این سطح از کیفیت،

حساسیت ویژه‌ای

دارد و نیازمند صرف

زمان و هزینه‌های

قابل ملاحظه‌ای است

که معمولاً از عهده فرد

یا مؤسسات کوچک

خصوصی به‌تنهایی

خارج است و در این

زمینه ممکن است

دستگاه‌های حمایتی

کمک کنند



افزایش سرانه مطالعه در گرو معارفه خوب کتاب است

گفت‌وگو با سیدعارف علوی، مسئول دبیرخانه مسابقه کتاب و زندگی

..... مجتبی کبک کوهساری

از میزان کم سرانه مطالعه در کشور که بگذریم، خیلی‌ها هستند که همین مقدار کم را هم کمتر از مقدار واقعی اعلام می‌کنند و این چیزی است که سیدعارف علوی معتقد است امکان برنامه‌ریزی عالمانه و واقع‌بینانه را از ما می‌گیرد. به همین مناسبت، با موضوع وضعیت مطالعه در کشور، با سیدعارف علوی گفت‌وگو کردیم. علوی، تجربه خوبی از فعالیت در نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور دارد و اکنون هم معاون مجمع ناشران انقلاب اسلامی و مسئول دبیرخانه سلسله مسابقات کتاب و زندگی است. آنچه در ادامه می‌خوانید گفت‌وگوی ما با این مدیر فرهنگی است.

نیست که همه‌جای دنیا با یک معیار واحد دست به سنجش میزان مطالعه بزنند. مثلاً در بعضی از نقاط دنیا، مطالعه تابلوها و بنرهای شهری را هم جزء سرانه مطالعه به حساب می‌آورند. اگر ما هم بخواهیم این‌طور حساب کنیم، سرانه مطالعه وضعیت بسیار متفاوتی خواهد داشت. یا مثلاً خیلی جاها خواندن انجیل و کتب دینی را جزء سرانه مطالعه قرار می‌دهند که به نظر من، ما هم باید خواندن قرآن و مفاتیح و... را جزء مطالعه به حساب بیاوریم؛ البته خب باید میزان آن را به‌صورت تفکیک‌شده ارائه دهیم.

لذا ما هم باید بیاوریم و شاخص‌های مطلوب خودمان را برای سنجش میزان مطالعه تدوین و تعیین کنیم و بر اساس آن سنجش را انجام دهیم.

این سرانه مطالعه چگونه حساب می‌شود و چه کسی متولی آن است؟

سنجش وضعیت مطالعه کشور تا پایان سال عملاً از سوی شورای فرهنگ عمومی و نهاد کتابخانه‌ها پیگیری می‌شود؛ بیشتر شورای فرهنگی عمومی بود و نهاد کتابخانه‌ها هم در این زمینه کمک می‌کرد و چون آقای واعظی مسئول هر دوی این‌ها بود، این کار را پیگیری می‌کرد. اما بعد از آن، سنجش وضعیت مطالعه کشور عملاً صورت نمی‌گیرد و کسی هم

شما با توجه به مسئولیت‌هایی که در حوزه کتاب داشته‌اید و با مطالعه سروکار داشته‌اید، وضعیت مطالعه و کتاب‌خوانی در کشور را چگونه می‌بینید؟

همان‌طور که همه می‌دانند و همه می‌گویند، وضعیت مطالعه در کشور مطلوب این جمعیت نیست و طبیعتاً انتظار می‌رود با توجه به سابقه فرهنگی که ملت ما دارد، وضعیت مطالعه بهتر باشد. در خوش‌بینانه‌ترین آماری که موجود است و در سال ۹۱ و از یک جامعه آماری هفده‌هزار نفری به‌دست آمد، حدود چهل تا شصت درصد مردم، در سال هیچ کتابی مطالعه نمی‌کنند.

این آمار شامل کتاب‌های درسی هم می‌شود؟

خیر. ما وقتی صحبت از سرانه مطالعه می‌کنیم، از کتاب‌های غیردرسی صحبت می‌کنیم، وگرنه با احتساب کتاب‌های درسی، اعم از دانشگاهی و مدرسه‌ای که سرانه مطالعه خیلی بالا می‌رود. مضاف بر این، اصلاً مطالعه افراد در همه سنن را هم جزء سرانه مطالعه به حساب نمی‌آورند. فکر می‌کنم از چهارده سال به بالاست و مطالعه کودکان را حساب نمی‌کنند و اگر آن‌ها را حساب کنند، خب سرانه مطالعه بالاتر می‌رود.

با چه منطقی این‌ها را جزء سرانه مطالعه به حساب نمی‌آورند؟ خب در هر جایی معیارهایی را در نظر می‌گیرند. این‌طور

« خوش‌بینانه‌ترین آماری که موجود است و در سال ۹۱ و از یک جامعه آماری هفده‌هزار نفری به‌دست آمد، حدود چهل تا شصت درصد مردم، در سال هیچ کتابی مطالعه نمی‌کنند

« خیلی جاها خواندن انجیل و کتب دینی را جزء سرانه مطالعه قرار می‌دهند که به نظر من، ما هم باید خواندن قرآن و مفاتیح و... را جزء مطالعه به حساب بیاوریم؛ البته خب باید میزان آن را به‌صورت تفکیک‌شده ارائه دهیم



« به نظر من

اصل مشکل هم

همین جاست که ما

هیچ متولی‌ای برای

مطالعه کشور نداریم.

یک معاونت فرهنگی

در وزارت ارشاد داریم

که عملاً کار فرهنگی

انجام نمی‌دهد و

صرفاً کار کتابی انجام

می‌دهد. کارهای کتابی

وزارت ارشاد هم

کاری به مطالعه ندارد

و صرفاً به خود کتاب

می‌پردازد

« نهاد کتابخانه‌ها

می‌تواند پایگاه

متولی مطالعه کشور

باشد، ضمن اینکه

پراکندگی‌اش هم در

سطح کشور نسبت

به همه دستگاه‌های

فرهنگی دیگر نسبتاً

خوب است. یعنی با

حدود سه‌هزار کتابخانه

و سه‌هزار مرکز در

نقاط مختلف کشور

می‌تواند متولی خوبی

برای مطالعه کشور

باشد

مفید، مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی هم هست و با توجه به این سند می‌توان سنجش مطالعه کشور را بر اساس معیارهای موجود، به نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور سپرد یا شاخص‌ها را به مرکز آمار بدهند و مرکز آمار مانند بقیه آماری که می‌گیرد، این آمار را هم محاسبه کند.

اولین سنجشی که از میزان مطالعه شده، مربوط به حدود سال ۵۰ است که میزان مطالعه حدود دو دقیقه بوده است. البته باید ببینیم در آن دوره چه چیزهایی را سنجش کرده‌اند، چون در آن زمان مثلاً شاید کمتر از هزار عنوان کتاب منتشر می‌کردیم و الآن حدود هفتاد هزار عنوان کتاب منتشر می‌کنیم که حدود هفتاد برابر است. خوب با این میزان از افزایش عناوین و... طبیعی است که میزان دو دقیقه‌ای که اعلام می‌شود، نادرست است.

سرانه مطالعه در حال حاضر چند دقیقه است؟ آیا میزانی به صورت رسمی اعلام شده است؟

در حال حاضر عددی رسمی وجود ندارد. تنها سنجش صورت گرفته دقیق علمی و سنجشی است که شورای فرهنگ عمومی دو، سه سال انجام داده است و اعدادی که به دست آمده، مربوط به کل مطالعه است؛ چون هر نوع خواندنی را مطالعه می‌گوییم، ولی آن چیزی که در این پیمایش سنجش شده است، شامل مطالعه کتاب، نشریه، دیجیتال یا غیردیجیتال، روزنامه، قرآن و ادعیه است که آمار هر کدام به تفکیک وجود دارد و مجموعاً حدود ۷۶ دقیقه است.

جالب این است که این آمار سال به سال در حال کاهش بود. آخرین سالی که این سنجش انجام شد

متولی‌اش نیست.

به نظر من اصل مشکل هم همین جاست که ما هیچ متولی‌ای برای مطالعه کشور نداریم. یک معاونت فرهنگی در وزارت ارشاد داریم که عملاً کار فرهنگی انجام نمی‌دهد و صرفاً کار کتابی انجام می‌دهد. کارهای کتابی وزارت ارشاد هم کاری به مطالعه ندارد و صرفاً به خود کتاب می‌پردازد. آن هم همانند که اصلاً چطور به کتاب کار دارد و... که خودش یک قصه دیگری دارد و کاری به آن نداریم.

البته من معتقدم وزارت ارشاد توانایی، انگیزه و ظرفیت پرداختن به وضعیت مطالعه کشور را ندارد و نمی‌تواند با مجموعه‌های خودش این کار را انجام دهد؛ یعنی اصلاً وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای این کار ساخته نشده و توان آن را ندارد. در استان‌ها هم ظرفیت کافی را برای پیگیری این کار ندارد.

بهترین ارگانی که می‌تواند به این بحث ورود کند، نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور است. چون کار و وظیفه ذاتی نهاد کتابخانه‌ها فراهم کردن امکانات مطالعه در کشور است. یعنی نهاد کتابخانه‌ها می‌تواند پایگاه و متولی مطالعه کشور باشد، ضمن اینکه پراکندگی‌اش هم در سطح کشور نسبت به همه دستگاه‌های فرهنگی دیگر نسبتاً خوب است. یعنی با حدود سه‌هزار کتابخانه و سه‌هزار مرکز در نقاط مختلف کشور می‌تواند متولی خوبی برای مطالعه کشور باشد.

به نظرم اگر قرار است یک مرکز متولی کتاب‌خوانی کشور باشد، نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور بهترین گزینه برای این کار است و این نکته در فرمایشات مقام معظم رهبری هم هست و ایشان بیشتر به نهاد کتابخانه‌ها توجه دارند. این نکته در سند نهضت مطالعه

بنابراین، در برنامه‌ریزی‌ها نمی‌توان بر اساس فکر، خیال یا تصور کاری کرد.

به‌نظر شما، برای وضع مطالعه چه باید کرد؟
من معتقدم قبیل از هر کاری باید یک متولی برای مطالعه تعیین کرد و هر کس هر کاری خواست بکند با او هماهنگ کند و از او کمک بگیرد. این اتفاقی است که متأسفانه نیفتاده و به‌نظرم باید بیفتد.

دوم اینکه باید بتوانیم به‌صورت سالیانه وضعیتمان را بسنجیم. وقتی سنجش انجام نشود، نمی‌توان برنامه‌ریزی کرد. یعنی الآن مثلاً ممکن است ما فکر کنیم که شبکه‌های اجتماعی ما را از کتاب‌خواندن باز داشته‌اند؛ ولی وقتی بررسی کنیم و سنجش وضعیت انجام دهیم، متوجه شویم که نه، کلاً دو درصد جابه‌جایی در میزان مطالعه اتفاق افتاده است که آن هم مثلاً چیزی قابل توجه یا غیرطبیعی نیست. لذا سنجش علمی و دقیق و حساب‌شده به ما کمک می‌کند که به‌دور از تخمین‌های غیرعلمی و خیالی و ذهنی برنامه‌ریزی کنیم.

بحث بعدی، چیزی است که هر محصولی برای معرفی خودش نیاز دارد و آن تبلیغات است. کتاب نیاز به تبلیغات دارد و برای افزایش کتاب‌خوانی باید به تبلیغ بپردازیم. البته چند سالی است که حرکت‌های خوبی در صداوسیما شروع شده؛ اما خیلی کم است. به عقیده من، تبلیغات کتاب باید در بخش بازرگانی صداوسیما باشد، نه در بخش‌های حاشیه‌ای. یعنی وسط تبلیغ بانک، مواد شوینده، پفک و چیپس و... تبلیغ کتاب هم بشود. البته در بخش‌های دیگر مانند خبر یا برنامه‌های خانوادگی

و آمارش منتشر شد، نشان می‌داد که سرانۀ مطالعهٔ مکتوب کم شده و آمار مطالعهٔ دیجیتال بالا رفته است.

البته یک پیمایش دیگر با یک روش متفاوت دیگر هم انجام شده بود. چون مثلاً وقتی از افراد می‌پرسید «چند کتاب مطالعه کرده‌اید؟»، چون کتاب خواندن کار خوبی است، ممکن است افراد آماری غیرواقعی ارائه دهند. در سنجش دیگری که با عنوان «گذران وقت» انجام شده بود، پرسیده بودند که در هر بیست دقیقه چه فعالیت‌هایی انجام داده‌اید؟ که افراد هم جواب داده بودند. خبر در این نوع آمارگیری آمار متفاوت‌تر بود و میزان مطالعه قدری پایین‌تر بود و آمار به حدود دوسوم کاهش پیدا کرده بود. با این حال همهٔ این آمارهای دو دقیقه و امثال این‌ها درست نیست.

با این اوصاف، گسترش فضای مجازی و شبکه‌های موبایلی سرانۀ مطالعه بسیار بیشتر هم هست. درست است؟

ببینید مثلاً تلگرام کتاب نیست؛ ولی نوعی خواندن است. من فکر می‌کنم شبکه‌های اجتماعی را هم می‌توان در آمار سرانۀ مطالعه آورد؛ اما باید در سنجش‌ها، همهٔ آن‌ها را در یک گروه قرار داد و تفکیک کرد. یعنی اگر هر زمینه‌ای که قرار است در بحث سرانه وارد شود، به تفکیک بیان شود، آن وقت می‌شود آمارهای منتشرشده در طول سال‌ها را کنار هم گذاشت و به یک نتیجه دست پیدا کرد. ما بدون داشتن آمارهای دقیق نمی‌توانیم برنامه‌ریزی درستی داشته باشیم. وقت است که شما فکر می‌کنید سرانۀ مطالعه پایین است و افکار عمومی هم چنین مسئله‌ای را قبول دارد؛ اما واقعیت‌های آماری خلاف حرف شما را ثابت می‌کند.

«من فکر می‌کنم شبکه‌های اجتماعی را هم می‌توان در آمار سرانۀ مطالعه آورد؛ اما باید در سنجش‌ها، همهٔ آن‌ها را در یک گروه قرار داد و تفکیک کرد. یعنی اگر هر زمینه‌ای که قرار است در بحث سرانه وارد شود، به تفکیک بیان شود، آن وقت می‌شود آمارهای منتشرشده در طول سال‌ها را کنار هم گذاشت و به یک نتیجه دست پیدا کرد. ما بدون داشتن آمارهای دقیق نمی‌توانیم برنامه‌ریزی درستی داشته باشیم»

«هر محصولی برای معرفی خودش نیاز دارد و آن تبلیغات است. کتاب نیاز به تبلیغات دارد و برای افزایش کتاب‌خوانی باید به تبلیغ بپردازیم. البته چند سالی است که حرکت‌های خوبی در صداوسیما شروع شده؛ اما خیلی کم است. به عقیده من، تبلیغات کتاب باید در بخش بازرگانی صداوسیما باشد، نه در بخش‌های حاشیه‌ای»





«**الآن بچه‌های ما هر کدام حداقل شش، هفت پودر شوینده را می‌شناسند، اما هیچ کدامشان با شش، هفت کتاب خوب از طریق صداوسیما آشنا نمی‌شوند. لذا به همان میزان که کالاهای دیگر در صداوسیما تبلیغ می‌شوند، کتاب هم باید تبلیغ شود**»

«**وقتی کتابی در رسانه تبلیغ شود و مردم به آن اقبال نشان دهند، نهاد کتابخانه‌ها مجبور می‌شود آن کتاب را بخرد و در کتابخانه‌هایش بگذارد**»

«**به نظرم آن کسی که متولی کتاب‌خوانی و مطالعه در کشور می‌شود، باید تصمیم بگیرد که مثلاً صد یا صدوپنجاه کتاب را برای مخاطبان مختلف، در سال معرفی و**

پرفروش کند. یعنی کاری کنند که بخش عمده‌ای از مردم این کتاب‌ها را ببینند و بخوانند و کتاب به شمارگان میلیونی برسد

شما مستئول بزرگ‌ترین طرح کتاب‌خوانی کشور در یکی دو سال اخیر بوده‌اید. تأثیر این جنس طرح‌های کتاب‌خوانی را بر علاقه‌مند کردن مردم به کتاب و مطالعه چگونه ارزیابی می‌کنید؟ چون بعضی معتقدند برگزاری چنین طرح‌هایی که مردم را با انگیزه جایزه، به سمت کتاب‌خوانی می‌کشاند، نمی‌تواند تأثیر بلندمدتی داشته باشند. نظر شما در این باره چیست؟

مهم‌ترین تأثیری که این سه دوره مسابقه داشته است، تأثیر معارفه کتاب بوده است. یعنی ما توانستیم با کمک مجموعه‌های تبلیغی، فروشگاه‌های توزیعی و سایر مجموعه‌های فرهنگی که کارهای ترویجی و فرهنگی می‌کنند، کتاب را به مردم معرفی کنیم و یقیناً هم مؤثر بوده است. علی‌رغم وجود برخی ناهماهنگی‌ها، اهتمام‌نکردن‌ها، همراهی نکردن‌ها و... که باعث شده نتوانیم از همه ظرفیتمان بهره ببریم، توانستیم ظرف دو، سه ماه، فروشی بالغ بر فروش چندین سال یک ناشر را رقم بزنیم. این نتیجه معارفه خوب کتاب است که باعث شده که کتاب، حتی پس از اتمام زمان مسابقه هم فروش خوبی داشته باشد.

بر مبنای همین تجربه، به نظرم آن کسی که متولی کتاب‌خوانی و مطالعه در کشور می‌شود، باید تصمیم بگیرد که مثلاً صد یا صدوپنجاه کتاب را برای مخاطبان مختلف، در سال معرفی و پرفروش کند. یعنی کاری کنند که بخش عمده‌ای از مردم این کتاب‌ها را ببینند و بخوانند و کتاب به شمارگان میلیونی برسد. خوب اگر این اتفاق بیفتد، یقیناً سرانه مطالعه هم جابه‌جا می‌شود و این یک چیز کاملاً دست‌یافتنی است.

یعنی اگر نهاد کتابخانه‌ها با شناختی که من از آن دارم، تصمیم بگیرد با کمک بقیه سازمان‌ها و نهادها صد کتاب را برای مخاطبان مختلف پرفروش کند، به راحتی می‌تواند این کار را بکند.

هم خوب است که کتاب مطرح شود؛ اما باید بتوانیم کتاب را به‌عنوان یک کالا تبلیغ کنیم. به‌نظرم جای این مسئله در صداوسیما ما خالی است.

این کار باید در همه رسانه‌ها گسترش پیدا کند تا معارفه کتاب اتفاق بیفتد. یعنی الآن بچه‌های ما هر کدام حداقل شش، هفت پودر شوینده را می‌شناسند، اما هیچ کدامشان با شش، هفت کتاب خوب از طریق صداوسیما آشنا نمی‌شوند. لذا به همان میزان که کالاهای دیگر در صداوسیما تبلیغ می‌شوند، کتاب هم باید تبلیغ شود. به نظرم این مهم‌ترین کاری است که می‌توان انجام داد.

اگر جست‌وجویی در بحث کتاب و کتاب‌خوانی داشته باشید، می‌بینید که بسیاری از مسئولان و کارشناسان قیمت کتاب را یکی از عوامل مهم کتاب‌خوانی ما ایرانی‌ها می‌دانند، در حالی که، من معتقدم قیمت آن‌قدرها مؤثر نیست. قیمت کتاب آن‌قدرها در کشور ما بالا نیست. اگر معارفه کتاب به‌خوبی اتفاق بیفتد و فرهنگ مطالعه در میان مردم ما جا بیفتد، حتی اگر قیمت کتاب بالا باشد، سه‌هزار کتابخانه در کشور داریم که مردم به آن‌ها مراجعه می‌کنند و کتاب‌ها را مطالعه می‌کنند. ولی خب چون معارفه خوبی صورت نمی‌گیرد، کتابخانه‌ها هم خالی می‌ماند. صداوسیما می‌تواند وارد بشود و به انتخاب مردم جهت بدهد. وقتی کتابی در رسانه تبلیغ شود و مردم به آن اقبال نشان دهند، نهاد کتابخانه‌ها مجبور می‌شود آن کتاب را بخرد و در کتابخانه‌هایش بگذارد. صداوسیما اگر توجه مردم را به کتابی جلب کند، مانند کاری که با کتاب *مفاتیح‌الحیة* یا کتاب من زنده‌ام انجام داد، همه کتاب‌فروشی‌ها و کتابخانه‌ها و... مجبور می‌شوند کتاب را بیاورند.

عناصر گفتمان ساز عملکرد ضعیفی در معرفی کتاب دارند

عباسعلی حیدری

نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور، مجموعه‌ای است که نسبت به مطالعه و کتاب‌خوانی در کشور دغدغه‌مند است. به مناسبت هفته کتاب و کتاب‌خوانی به سراغ یکی از مدیران این مجموعه رفتیم و با او گفت‌وگو کردیم. علی رضانی، مدیر کل تأمین منابع نهاد کتابخانه‌های عمومی، در زمره مدیران جوان و خوش فکر نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور به حساب می‌آید و با توجه به مسئولیتی که در این مجموعه دارد، نبض کتابخانه‌های کشور را در دست دارد و به خوبی می‌تواند کم‌وکیف آن بخش از کتاب‌خوانی را که با کتابخانه‌ها سروکار دارد، تشریح کند. آنچه در ادامه می‌خوانید، گفت‌وگوی ما با علی رضانی است.

۱۴۴

خانواده نشر
گفت‌وگو

شاخصه‌های آن، اتفاق نظر وجود ندارد. نمی‌خواهم وارد این موضوع شوم؛ اما آنچه مسلم و مورد اتفاق اهالی فرهنگ است، این است که سرانته مطالعه پایین است. اما بعضی جاها آدم تعجب می‌کند که خواندن پیامک و زیرنویس اخبار را هم در بحث سرانه وارد می‌کنند. در بحث سرانته مطالعه، منظور ما مطالعه خودانگیز و مطالعه آزاد است. مطالعه‌ای است که فرد بدون اجبار، مثلاً برای گذراندن یک امتحان یا ... سراغ کتاب برود. امروز گفتن اینکه سرانه کم است یا زیاد است، خودش برای جامعه کتاب ما مسئله شده است که خود این موضوع، فرعی است و باعث بی‌توجهی به اصل مسئله می‌شود.

به نظر شما، نهادها و مجموعه‌های مختلف چه نقشی می‌توانند در جهت افزایش میزان مطالعه و فرهنگ کتاب‌خوانی در کشور ایفا کنند؟

دستگاه‌های مختلف باید یک جورچین را تکمیل کنند تا به یک چشم‌انداز برسیم. در حوزه فرهنگ، اثرگذاران متعدد وجود دارند. پیشتر، گفتیم که رسانه نقش اول را دارد. در یک برنامه رادیویی یا تلویزیونی، کتابی معرفی می‌شود و برای آن جریان‌سازی می‌شود، می‌بینیم تقاضای زیادی ایجاد می‌شود و تیراژ بالای صدهزار پیدا می‌کند. پس، رسانه در تحریک تقاضا، ارجاع مردم به کتاب و ذائقه‌سازی مؤثر بوده. ما معتقدیم نه‌تنها رسانه، بلکه گفتمان عمومی جامعه باید کتاب باشد. اگر هر هفته، یک تیرتر مؤثر با موضوع کتاب در رسانه‌ها باشد، اثرگذاری فراوانی خواهد داشت. کتاب‌خوانی در جامعه یک ارزش است.

نقش دوم، آموزش و پرورش است. این دستگاه بزرگ با مخاطبان چند میلیونی نقش اساسی در بحث کتاب و کتاب‌خوانی دارند. چقدر مسئولان به خصوص

امروز، مسئله‌ای به نام سرانته مطالعه یکی از دغدغه‌های اصلی مسئولان است. به نظر شما، چطور می‌توان بحث سرانته مطالعه را سامان داد؟

موضوعی که به‌عنوان سرانته مطالعه مطرح می‌شود، جنبه‌های متعدد دارد. برای اینکه به جامعه‌ای کتاب‌خوان و اهل مطالعه گفته شود مؤلفه‌های مختلفی برمی‌شمرند. یکی شمارگان کتاب در آن جامعه است. مؤلفه دیگر، میزان مراجعه به کتابخانه‌های عمومی است و اینکه کتاب چقدر در دسترس مردم هست و چقدر امانت می‌گیرند. مؤلفه سوم، گفتمان عمومی جامعه است که چقدر پیرامون کتاب و کتاب‌خوانی جریان دارد.

وقتی این سه مؤلفه را در جامعه‌ی خودمان می‌بینیم، در هر سه موضوع ضعف داریم. طبق آمارهای رسمی، شمارگان کتاب زیر هزار نسخه است. در موضوع مراجعه به کتابخانه‌های عمومی کشور، با ۳۳۰۰ کتابخانه در سراسر کشور، حدود ۲،۵ میلیون عضو در کتابخانه‌ها وجود دارد. در موضوع گفتمان عمومی هم غیر از مقام معظم رهبری که خودشان اهل مطالعه هستند و در ترویج این فرهنگ اهتمام دارند، چه کسی در موضوع کتاب توصیه و ورود دارد؟

از طرف دیگر، عناصر گفتمان‌ساز مانند رسانه‌ها و نشریات غیر از مواقع مناسبتی مثل نمایشگاه کتاب و روز کتاب و کتاب‌خوانی و ... سراغ موضوع کتاب نمی‌آیند و برایشان مطرح نیست. سهم برنامه‌های موضوع کتاب را در رسانه ملی ببینید. در کل در این زمینه هم نقص داریم.

برای تعیین سرانته مطالعه شاخصه‌های مختلفی مطرح می‌شود که درباره آن‌ها اختلاف نظر وجود دارد. شاخصه‌ها چطور باید تعیین شود و کدام نوع از کتاب‌خوانی می‌تواند به سرانته مطالعه اضافه کند؟

موضوع سرانته مطالعه مناقشه‌برانگیز است. درباره

عناصر

گفتمان ساز مانند

رسانه‌ها و نشریات غیر از مواقع مناسبتی مثل نمایشگاه کتاب و روز کتاب و کتاب‌خوانی و ...

سراغ موضوع کتاب نمی‌آیند و برایشان مطرح نیست. سهم برنامه‌های موضوع کتاب را در رسانه ملی ببینید. در کل در این زمینه هم نقص داریم



۶۰۰۰ کتابدار فعالیت می‌کنند و حدود ۴۰ میلیون نسخه کتاب وجود دارد. امروز بیش از ۳۰۰ عنوان نشریه وارد کتابخانه‌های عمومی کشور می‌شود. با این وجود ما در بحث تکمیل منابع اطلاعاتی به دلیل محدودیت مالی عقب هستیم. در بحث نیروی انسانی کارهایی شروع شده اما تا نقطه مطلوب فاصله داریم. الان در کشور کتابخانه‌های آماده داریم، اما چون کتابدار نداریم ۶ ساعت در روز باز هستند. اگر نیروی انسانی تأمین شود می‌توانیم این را به دو برابر برسانیم. محدودیت‌هایی وجود دارد که نمی‌گذارد فعالیت‌های نهاد گسترده شود. این دستگاه که بیش از ۶۰۰۰ کتابدار دارد جریان خودش را دنبال می‌کند اما نیاز به تقویت و حمایت دارد.

نهاد حرکت‌های فرهنگی موثری را شروع کرده: حرکت‌هایی مانند آموزش‌های کتابداران و نشست‌های کتاب‌خوان. برای چنین اقداماتی چه مشکلات و مسائلی پیش رو دارید؟ نشست‌های کتاب‌خوان یکی از کارهای نهاد برای ترویج مطالعه است. امروز که صحبت می‌کنیم بیش از ۲۰۰ نشست در کشور برگزار شده. به‌طور متوسط در هر نشست ۱۰ کتاب خوانده شده معرفی شده است. جمعا چیزی حدود ۲۰۰۰ عنوان کتاب در این نشست‌ها معرفی شده و خودش ظرفیت بالقوه‌ای است که مردم از آن مطلع شوند. این نشست‌ها در کشور راه افتاده، نشست‌های برجسته آن از شبکه آموزش در حال پخش است و بازخوردهای مثبتی دارد.

علاوه بر این، از همان اول هم اعلام کردیم که نهاد را متولی نشست‌های کتاب‌خوان نمی‌دانیم و خوشحال می‌شویم دستگاه‌ها و نهاد‌های دیگری ورود کنند و آن را ادامه بدهند. این یک گام است که نهاد برداشته تا گفتمان عمومی جامعه به سمت کتاب خواندن برود. اولین محدودیت ما در نشست کتاب‌خوان این است که بقیه متولیان جامعه به این توجه نکردند و الگوگیری نکردند. ما انتظار داریم این نشست‌ها عمومی شود و حتی در گردهای خانوادگی هم نفوذ پیدا کند.

واقعیت این است که موضوع ترویج مطالعه در کشور یک نظام‌واره است که همه اجزای آن از شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای فرهنگ عمومی، رسانه‌ها، آموزش و پرورش، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، کتابخانه‌ها، ناشران، تشکل‌های نشر و... باید نقش خودشان را ایفا کنند. به صورت بخشی و دستگاهی نیست. کار گروهی است و با این روزمرگی‌ها پیش نمی‌رود. اگر انقلابی در این زمینه اتفاق بیفتد، می‌توانیم امیدوار باشیم تا به منویات و مطالبات مقام معظم رهبری عمل کنیم که مسیر سعادت جامعه را از رهگذر تقویت حوزه کتاب و کتاب‌خوانی می‌دانند.



چقدر مقام معظم رهبری بگویند زنگ کتاب‌خوانی در مدارس داشته باشیم. اخیراً وزیر آموزش و پرورش گفتند: به جمع‌بندی نرسیدیم که زنگ کتاب‌خوانی ایجاد شود. نمی‌شود که یک تصمیم عمومی گرفته شود و در جمع‌بندی نهایی به اجرا درنیاید. در بحث کتاب، عادت کتاب‌خوانی باید از کودکی ایجاد شود.

سوم، نقش دستگاه‌های عمومی مانند نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور است. نهاد، وظیفه ذاتی عمرانی برای توسعه کتابخانه ندارد. نهاد موظف است وقتی کتابخانه‌ای تحویلش شد، در اداره و تأسیس آن ورود پیدا کند. در کشور، پروژه‌های نیمه‌کاره داریم که دستگاه‌های دیگر متولی ساخت آن هستند. بیش از ۴۵۰ زمین اهدایی از افراد خیر و... داریم که کاری روی آن نشده است. مطابق چشم‌انداز ۱۴۰۴، نهاد باید برای هر صد نفر، هشت مترمربع فضا داشته باشیم. در این مسئله، عقب هستیم. در جذب اعضا، به‌واسطه اینکه گفتمان ارزشی جامعه، کتاب و کتاب‌خوانی نیست، عقب هستیم. امروز، افراد برای اینکه کتاب نمی‌خوانند و عضو کتابخانه نیستند، تقیب نمی‌شوند. اما اگر گوشه‌گران قیمت نداشته باشند، تقیب می‌شوند.

نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور ۲۳۰۰ کتابخانه دارد که متعلق به نهاد است. به این‌ها ۹۰۰ کتابخانه مشارکتی را هم افزود. در این ۳۲۰۰ کتابخانه

« موضوع ترویج مطالعه در کشور یک نظام‌واره است که همه اجزای آن از شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای فرهنگ عمومی، رسانه‌ها، آموزش و پرورش، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، کتابخانه‌ها، ناشران، تشکل‌های نشر و... باید نقش خودشان را ایفا کنند. به صورت بخشی و دستگاهی نیست. کار گروهی است و با این روزمرگی‌ها پیش نمی‌رود

کندوکاوی در اوضاع و احوال کتابخوانی

تو خود حجاب خودی حافظ از میان بر خیز



علیرضارحماتی

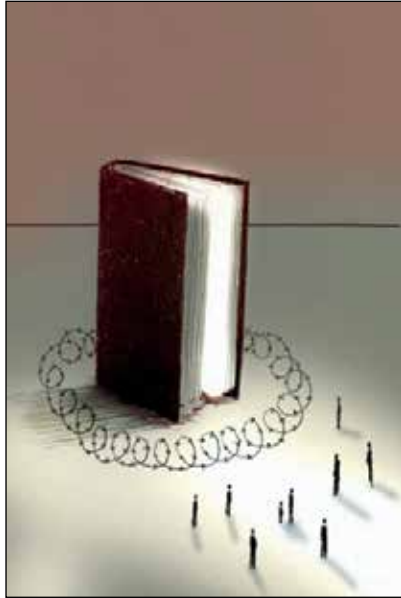
رئیس اداره نهاد کتابخانه‌های شهرستان شیراز

این کشور کیست؟

در کشور ما چند نهاد فرهنگی وجود دارند که همگی به فراخور حال مدیرانشان، در هر برهه‌ای، کارهایی در زمینه کتابخوانی انجام می‌دهند و با تغییر مدیر، روال تا حدودی تغییر می‌کند. سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور، سازمان اسناد و کتابخانه ملی، سازمان اوقاف و امور خیریه، آموزش و پرورش، شهرداری‌ها و... همه، به نوعی، در این موضوع خود را مسئول می‌دانند و چند برنامه نیز در زمان‌های مختلف اجرا می‌کنند؛ اما به نظر می‌آید دو ارگانی که کاملاً در این موضوع درگیر هستند و باید در این زمینه فعال باشند، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور هستند. مسلمانان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نقش اول را ایفا می‌کنند، به دلیل اینکه ممیزی کتاب، صدور مجوز و ارتباط با نویسندگان و ناشران از طریق این وزارتخانه اتفاق می‌افتد و همین‌طور وزیر محترم فرهنگ نیز به‌عنوان رئیس هیئت امنای کتابخانه‌های عمومی کشور

همه از کتاب و کتابخوانی صحبت می‌کنند؛ به وقتش از آن بهره می‌برند و خودی نشان می‌دهند و صحبت‌های خود را مستند می‌کنند و به وقتش، از کم‌بود سرانه مطالعه نگرانی نشان داده و خود را دل‌سوز این موضوع می‌دانند. اما چرا در شلوغی کارهایی که در این زمینه می‌شود کمتر به این سؤال فکر کرده‌ایم که اثر کارها چگونه بوده است و آیا در طول این سال‌ها می‌توانسته‌ایم کارهای اثرگذارتری هم انجام دهیم؟ چرا این همه کارهای تکراری توسط ارگان‌های مختلف انجام می‌شود، اما هیچ‌گاه به فکر این نمی‌افتند که قبلاً نیز این اتفاق افتاده و این کار انجام شده است؛ لذا از نتایج آن بهره ببریم و معمولاً نعل‌به‌نعل همان کار را انجام می‌دهند و همان نتایج قبل حاصل می‌شود. سؤال دیگر اینکه اگر تمام مشکلات موجود در زمینه کتاب و کتابخوانی را فهرست کنیم و بخواهیم آن‌ها را از میان برداریم، چه ارگانی یا سازمانی یا وزارتخانه‌ای باید بر این کار نظارت داشته باشد و نقش هماهنگ‌کننده را ایفا کند؟ اصلاً متولی کتابخوانی در

«**درست است که وزارت فرهنگ و ارشاد متولی اصلی در موضوع کتاب است؛ اما در موضوع کتابخوانی بهتر است نهادی دیگر که وظیفه اصلی خود را کتاب‌خوان نمودن تعریف کرده است، متولی این امر شود و در این راستا تلاش نماید. می‌توان با درک این موضوع و تجربه جدیدی از کار گروهی و تیمی و یکسان دیدن رتبه همه فعالان این حوزه نتیجه گرفت**»



◀◀ اگر در سایت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به دنبال کتاب و کتابخوانی بگردید، به دفتر توسعه کتاب و کتابخوانی می‌رسید. در این دفتر، گویا بیشتر بر روی ممیزی کتاب و نشر کتاب کار می‌شود و برنامه‌ای برای گسترش کتابخوانی ندارند که این خود جای سؤال دارد. شاید مهم‌ترین برنامه این دفتر، برگزاری نمایشگاه کتاب تهران و نمایشگاه‌های استانی باشد که آن‌ها نیز تأثیر چندانی در روند کتاب‌خوان شدن مردم نداشته و بعضاً دنده عقب رفته‌اند

باید یکی از این دو نهاد باشند و به نظر می‌آید ذیل شوراها فرهنگ عمومی، فکری برای سروسامان دادن به این موضوع پایه‌ای بشود. می‌توان با تعریف کارگروهی ویژه به دبیری نهاد کتابخانه‌ها، فعالیت‌های این حوزه را رصد و مدیریت و تقویت کرد. مسلماً اگر همه نهادهای فرهنگی از تجربیات هم و ظرفیت‌های هم کمک بگیرند و با تلاشی واحد به سمت هدف حرکت کنند، نتیجهٔ بهتری خواهیم گرفت.

درست است که وزارت فرهنگ و ارشاد متولی اصلی در موضوع کتاب است؛ اما در موضوع کتابخوانی بهتر است نهادی دیگر که وظیفهٔ اصلی خود را کتاب‌خوان نمودن تعریف کرده است، متولی این امر شود و در این راستا تلاش نماید. می‌توان با درک این موضوع و تجربهٔ جدیدی از کار گروهی و تیمی و یکسان دیدن رتبهٔ همهٔ فعالان این حوزه نتیجه گرفت. البته اینکه چه ارگانی در کشور کتابخوانی را پیش برد یا نظارت بر این امر و هماهنگی را عهده‌دار باشد، از وظیفه و مسئولیت قانون‌گذاران و مجریان قانون کم نمی‌کند و آن‌ها هستند که باید دغدغهٔ افزایش سرنانهٔ مطالعه را به‌طور جدی داشته باشند و پیگیری نمایند. یادم هست در جایی خواندم کشوری اروپایی که سرنانهٔ مطالعهٔ خوبی نیز دارد، برای بهبود این سرنانه، چند سال گذشته در برنامه پنج یا ده ساله‌اش، ساخت کتابخانه‌های محله‌ای به تعداد بسیار زیاد را پیش‌بینی کرده بود و این یکی از موارد اصلی برنامهٔ آن کشور بود که خود مسئولیت ما که شعار فرهنگی بودنمان گوش فلک را پر کرده است، بیشتر می‌کند.

نقشی اساسی در عملکرد نهاد کتابخانه‌ها نیز دارد. اگر در سایت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به دنبال کتاب و کتابخوانی بگردید، به دفتر توسعه کتاب و کتابخوانی می‌رسید. در این دفتر، گویا بیشتر بر روی ممیزی کتاب و نشر کتاب کار می‌شود و برنامه‌ای برای گسترش کتابخوانی ندارند که این خود جای سؤال دارد. شاید مهم‌ترین برنامهٔ این دفتر، برگزاری نمایشگاه کتاب تهران و نمایشگاه‌های استانی باشد که آن‌ها نیز تأثیر چندانی در روند کتاب‌خوان شدن مردم نداشته و بعضاً دنده عقب رفته‌اند.

نهاد کتابخانه‌های عمومی اما، حال و وضع دیگری دارد. این نهاد با داشتن شعبه‌های زیاد کتابخانه‌ها در سطح کشور، بیش از ۲۵۰۰ کتابخانه و ۶۰۰۰ کتابدار، به گفتهٔ مسئولان آن می‌تواند در جای‌جای کشور مؤثر باشد و نقشی مهم بازی کند. مسئولان نهاد نیز به نظر می‌آید به این موضوع می‌اندیشند که باید کاری کرد که کتابخوانی رواج پیدا کند؛ وگرنه کتابخانه بدون کتاب‌خوان، از درجهٔ اعتبار ساقط می‌شود و کاری برای انجام ندارد.

دورهٔ جدید مدیریت این نهاد، با افزایش حقوق کتابداران همراه شده که بسیار جای خوشحالی داشت، برای این عزیزان و همهٔ کسانی که نگران فرهنگ هستند؛ زیرا تا این افراد دغدغهٔ معیشت داشته باشند، دل‌ودماغی برای کار فرهنگی دغدغه‌مند ندارند. اما پس از بهبود نسبی این وضعیت، نهاد کتابخانه با شتاب کندی به سمت طرح‌های جدید در حوزهٔ کتابخوانی حرکت کرده است. هرچند برنامه‌های خوبی در این مدت در سطح کشور برنامه‌ریزی و اجرا شده است؛ اما شتاب کار را می‌توان بیشتر از این کرد. در ضمن، شاید اگر به‌جای اجرای زیاد و مستمر برنامه‌های پرمطراق و بزرگ، به برنامه‌های کوچک و فعال‌سازی کتابخانه‌ها فکر شود، نتایج کار ملموس‌تر و در سطح کلان بهتر باشد. این نهاد فرهنگی مشکلات مالی بسیاری نیز دارد. در واقع، طبق قانون، اعتبارات مالی این نهاد بیشتر از طرف شهرداری‌ها تأمین می‌شود که شهرداری‌ها دعوایی همیشگی بر سر رقم اعتبار اختصاص‌یافته به این نهاد داشته‌اند و پس از تصویب تبصره‌ای در سال گذشته، ذیل قانون کتابخانه‌ها، این دعوای عمیق‌تر نیز شده است.

نکتهٔ دیگر ساخت کتابخانه است که باز بر دوش دو وزارتخانهٔ دولتی فرهنگ و ارشاد و مسکن و شهرسازی است و تقریباً هیچ ارتباطی به این نهاد پیدا نمی‌کند، اما بهره‌برداری از مکان‌ها بر عهدهٔ این نهاد است. لذا بهتر است برای مشکلات این نهاد فکری کرد؛ چه از نظر اعتبار موردنیاز آن و چه از نظر فراهم کردن زیرساخت‌ها، مانند ساخت کتابخانه‌های مناسب و...

همان‌طور که گفته شد، متولیان اصلی کتابخوانی

گفت‌وگو با محمد اله یاری فومنی، معاون توسعه نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور

برای ارتقای کتابخانه‌ها به توسعه فعالیت‌های ترویجی نیاز داریم



۱۴۸

خاتواده نشر
گفت‌وگو

ابوالفضل حیدر دوست

نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور یکی از مؤثرترین دستگاه‌های کشور در زمینه کتاب و کتابخوانی است که به عقیده بسیاری از کارشناسان فرهنگی، مرجعی قابل اعتماد برای ارائه آمارهای کتابخوانی در کشور است. بی‌شک، نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور با داشتن کتابخانه در بسیاری از نقاط کشور و مخاطب میلیونی، می‌تواند نقش مؤثری در افزایش سرانه مطالعه داشته باشد. به همین دلیل، با محمد اله یاری، معاون توسعه نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور، به گفت‌وگو نشستیم و از فعالیت‌های این نهاد در زمینه توسعه کتاب و کتابخوانی گفتیم و شنیدیم. اله یاری در صحبت‌هایش، ضمن اشاره به نقش مؤثر نهاد در زمینه ترویج کتاب و کتابخوانی، به محدودیت‌های زیرساختی و توسعه‌ای اشاره کرده و رفع مشکلات کتاب و کتابخوانی را منوط به همکاری همه دستگاه‌های متولی ترویج مطالعه در کشور می‌دانست. آنچه در ادامه می‌خوانید، گزارشی است از گفت‌وگوی ما با محمد اله یاری.

روستاهای زندگی می‌کنند، یعنی ۳۵ درصد از جمعیت بالقوه کتاب‌خوان، در این نقاط هستند و وقت آزاد بیشتری دارند. امروز در شهرها به دلیل پیچیدگی‌های مادی، مشکل فراغت داریم. در روستاها این‌طور نیست و فکر می‌کنم فراغت مردم بیشتر است. باین‌حال، آنچه کارشناسان درباره سرانه مطالعه می‌گویند، خواندن کتاب‌های عمومی است؛ و گرنه خواندن کتاب‌های درسی فضیلتی ندارد. برای همین، نهاد برای خود وظیفه می‌داند که به سمت توسعه کتابخانه‌های روستایی و مناطق کمتربرخوردار برود.»

مسئله‌ای به نام توسعه در زمینه کتابخوانی

نبود زیرساخت‌های مناسب برای دسترسی عادلانه همه مردم کشور به کتاب، یکی از مشکلاتی است که کارشناسان به آن اذعان می‌کنند. معاون توسعه نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور در این باره می‌گوید: «اگر بخواهیم ذیل موضوع دسترسی به کتاب صحبت کنیم، یک مشکل ریشه‌دار در کشور داریم و همه به آن واقفیم. ما در کشورمان شبکه توزیع گسترده کتاب نداریم. کتاب‌فروشی‌های فراگیر و همگانی بزرگ هم نداریم. در سال‌های گذشته، به‌خصوص در یک دهه اخیر، دولت برای پر کردن این خلأ، به برگزاری نمایشگاه‌های کتاب استانی رو آورده است. استان‌های

فضیلت کتاب‌خواندن

یکی از مسائل مناقشه‌برانگیز در حوزه کتاب و کتابخوانی، انتشار آمارهای اختلاف‌برانگیز سرانه مطالعه است. محمد اله یاری در پاسخ به این سؤال که از چه راهی می‌توان آمار واقعی کتاب‌خوان‌های کشور را تهیه و منتشر کرد، می‌گوید: «الآن بحث سرانه مطالعه بحثی کلیشه‌ای است. ممکن است کلی جدول شود بر سر اینکه سرانه مطالعه دو دقیقه است یا چهار دقیقه. اینجا، اختلاف بر سر کسانی است که کتاب می‌خوانند. اما موضوع بحث من این است که چه میزان از سبد جامعه کتاب‌نخوان کم کردیم و به سبد جامعه کتاب‌خوان افزوده‌ایم. برای ما این فضیلت است. یعنی بیشتر از اینکه به فکر ارائه سرانه‌ای برای جامعه کتاب‌خوان باشیم، باید به فکر کتاب‌خوان کردن آن بخش از جامعه باشیم که اصلاً کتاب نمی‌خواند.»

اله یاری با تأکید بر اینکه ما در بحث کتابخوانی به فکر صرفه اقتصادی نیستیم، ادامه می‌دهد: «برآوردهای خوش‌بینانه این است که هنوز ۳۵ درصد مردم در نقاط کمتربرخوردار و روستاها زندگی می‌کنند. نهاد دو وظیفه دارد: کمک به ترویج کتابخوانی و دوم، توسعه کتابخانه‌ها. در فاز توسعه کتابخانه‌ها، هدف این است که این فضای فرهنگی در اختیار همه افراد، چه شهری و روستایی، باشد. اگر بپذیریم این ۳۵ درصد در

بر آوردهای

خوش‌بینانه این

است که هنوز

۳۵ درصد مردم در

نقاط کمتربرخوردار

و روستاها زندگی

می‌کنند. نهاد دو

وظیفه دارد: کمک به

ترویج کتابخوانی

و دوم، توسعه

کتابخانه‌ها. در فاز

توسعه کتابخانه‌ها،

هدف این است که

این فضای فرهنگی در

اختیار همه افراد، چه

شهری و روستایی،

باشد. اگر بپذیریم این

۳۵ درصد در روستاها

زندگی می‌کنند، یعنی

۳۵ درصد از جمعیت

بالقوه کتاب‌خوان، در

این نقاط هستند



ما هم استان‌های کوچکی نیستند که همه مردم امکان دسترسی به نمایشگاه و تهیه کتاب‌های موردنظرشان را داشته باشند.»

اله‌یاری، در ادامه، به نکته دیگری هم اشاره می‌کند: «نکته دیگر که باید به آن توجه کنیم، شرایط زندگی امروز، به خصوص زندگی آپارتمان‌نشینی است که موجب شده سرانه فضای فرهنگی در خانه کاهش پیدا کند. امروز، مردم برای تلویزیون، فضای خاصی در نظر می‌گیرند و عملاً به دلیل کوچک بودن فضای خانه‌ها، جایی برای کتابخانه شخصی باقی نمی‌ماند. اگر فضای کوچکی هم وجود داشته باشد، همه افراد این استطاعت را ندارند که همه کتاب‌های موردنیازشان را خریداری کنند. اگر هم داشته باشند، معمولاً به کتاب‌های درسی فرزندانشان اختصاص می‌دهند که اولویت دارد.»

او ادامه می‌دهد: «معنی‌اش این است که ما به یک فضای عمومی نیاز داریم که مردم بتوانند دسترسی به کتاب داشته باشند و این سرانه فرهنگی حالا که به صورت فردی و شخصی میسر نیست، باید به صورت عمومی از سوی دولت‌ها تأمین شود. لذا مکانی به نام کتابخانه، ارزش افزوده پیدا می‌کند. به خصوص در شهرستان‌های کمتر برخوردار، دورافتاده و روستاها که از اهمیت دوچندانی برخوردارند.»

در این فضا است که کتابخانه‌های عمومی حضور

موثری پیدا می‌کنند. اله‌یاری درباره نقش کتابخانه‌های روستایی در بهبود وضعیت کتاب‌خوانی و موانع پیش روی آن می‌گوید: «همان‌طور که می‌دانید، ساعت کار برخی کتابخانه‌های روستایی روزی سه ساعت بود، بعضی یک روز در میان بود، بعضاً کتابدار ثابت نداشتند و گاهی، به صورت افتخاری فعالیت می‌کردند. در آن دوره، حقوق کتابدار از پنجاه تا ۲۵۰ هزار تومان بود. اتفاقی که در دوره جدید افتاده، این است که حقوق کتابدار به بیش از پانصد هزار تومان رسیده و در حال حاضر، با افزایش ساعت کاری‌شان به پایه حقوق وزارت کار نزدیک شده است.»

طرح‌هایی که به بهبود وضعیت کتاب‌خوانی کمک می‌کند

تجربه نشان داده است که تبلیغ و ترویج مناسب کتاب، هم فروش آن را تضمین می‌کند و هم مخاطبان فراگیری برای آن پیدا می‌کند. اله‌یاری درباره طرح‌های موفق کتاب‌خوانی در نهاد می‌گوید: «یکی از طرح‌های موفق نهاد در زمینه کتاب‌خوانی، نشست‌های کتابخوان است که مورد استقبال هم قرار گرفته است. تاکنون، بیش از دویست نشست برگزار شده است. تا پایان سال هم چهارصد نشست در این رابطه خواهیم داشت.

در این نشست‌ها، کتابداران، مسئولان استانی، اساتید دانشگاه و حوزة علمیه و مقامات استانی، چکیده‌ای از یک کتاب را معرفی کرده و مخاطبان را با آن کتاب آشنا می‌کنند.»

او ادامه می‌دهد: «نهاد کتابخانه‌های عمومی برای کمک به سایر دستگاه‌ها، برای ترویج کتاب و کتاب‌خوانی، به سراغ کتاب‌های دانشجویی هم رفته و تعهد کرده بعد از حضور در مراسم انتخاب کتاب سال دانشجویی، تعدادی از کتاب‌های برگزیده را خریداری و شرایط عضویت رایگان برگزیدگان در کتابخانه‌های عمومی را فراهم کند.»

اله‌یاری با تأکید بر اینکه کتابخانه‌ها به عنوان یکی از پایگاه‌های مردمی در ترویج فرهنگ است و باید با توسعه این فضاهای فرهنگی زمینه دسترسی عمومی به کتاب مهیا شود، می‌گوید: «در دوره جدید، ما به دنبال توانمندسازی کتابداران از طریق آموزش‌های تکمیلی به آنها هستیم.»

او ادامه می‌دهد: «الآن همه کتابخانه‌های عمومی بخش کودک دارند؛ اما ۱۷۰۰ کتابخانه، بخش مجزای مخصوص کودک با کتاب‌آرایی و فضاسازی مخصوص دارند. الان تعداد قابل توجهی از کتابداران کودک در نهاد فعالیت می‌کنند. سال گذشته، کارگاه آموزشی توان‌افزایی برای کتابداران بخش‌های کودک را برگزار کردیم و امسال هم دو دوره مهارت قصه‌گویی برای کتابداران

◀◀ نهاد کتابخانه‌های

عمومی برای کمک

به سایر دستگاه‌ها،

برای ترویج کتاب

و کتاب‌خوانی، به سراغ

کتاب‌های دانشجویی

هم رفته و تعهد کرده

بعد از حضور در

مراسم انتخاب کتاب

سال دانشجویی،

تعدادی از کتاب‌های

برگزیده را خریداری

و شرایط عضویت

رایگان برگزیدگان در

کتابخانه‌های عمومی را

فراهم کند

کتابخانه باید کتابی خرید که مردم اقبال دارند. رونق کتابخانه رونق اقتصاد را هم می‌تواند برای ناشر به ارمغان بیاورد؛ اما نهاد نمی‌تواند فقط با هدف تقویت اقتصاد نشر نسبت به خرید از ناشران اقدام نماید.»

الهیاری با گلایه از ناشران در معرفی مناسب آثارشان می‌گوید: «حرف ما با ناشر این است که فضای کتابخانه، کتابدار و خواننده را باید بسنجند. الآن کتاب‌های عامه‌پسند، در کتابخانه، مورد اقبال است. جالب این است که عامه‌پسندهای دهه ۷۰، بیشترین اقبال را دارند؛ اما مخاطب، علی‌رغم اینکه کتاب‌های عامه‌پسند دهه ۸۰ و ۹۰ در کتابخانه وجود دارد، کمتر آشنایی دارد و کمتر امانت می‌گیرد. یکی از دلایل این است که مؤلفان و ناشران روی کتابشان تبلیغ و ترویج مناسبی ندارند و کتاب را خوب معرفی نمی‌کنند.»

او ادامه می‌دهد: «اگر در کتابخانه‌های دو سال کتابی امانت گرفته نشود، در فرایند وجین قرار می‌گیرد. برای همین ما باید به‌سمتی برویم که کتابی بدون خواننده از کتابخانه خارج نشود و ناچاریم که ذائقه مخاطب را در نظر بگیریم.»

توسعه اجتماعی کتابخانه‌ها

تصور عمومی این است که نهاد کتابخانه‌ها، نهادی خدماتی در زمینه کتاب است. اما به گفته الهیاری امروز کتابخانه در سایر نقاط دنیا یک مکان صامت نیست. درست است که فضای ساکتی دارد؛ ولی زبان گویایی دارد. او می‌گوید: «یک وقت نگاه ما این است که صرفاً به‌صورت فیزیکی افزایش کتابخانه بدهیم و مسئولیت اجتماعی در قبال افراد نداشته باشیم. ما کتابخانه می‌سازیم و مانند یک اداره خدماتی از ۷ صبح تا ۸ شب یک کتابدار می‌گیریم و کار خدماتی انجام می‌دهیم. این تعریف حداقلی از آن چیزی است که کتابخانه می‌تواند با اهالی منطقه‌ای که در آن کتابخانه وجود دارد، انجام دهد. این اتفاق در ایران در حال شکل‌گیری است و لازم است تقویت شود. لازم است گفت‌وگوهای فرهنگی پیرامون کتابخانه شکل بگیرد.»

او ادامه می‌دهد: «دیدگاه دیگر این است که کتابخانه می‌تواند مرکزیت فرهنگی در آن منطقه جغرافیایی پیدا کند و وارد شئون اجتماعی هم شود. در همان نگاه اول، اگر فرض کنیم کتابخانه یک نهاد خدماتی است، کسی که به‌عنوان کتابدار در آنجا مشغول کار است، باید فضای نشر و کتاب را بشناسد؛ ناشر و نویسنده را بشناسد تا بتواند به مراجعین کمک کند. برای همین، نهاد با سرعت زیادی دوره‌های آموزش کتابدار و... را برگزار می‌کند. کتابدار، در یک کتابخانه کوچک، با طیف ده، دوازده هزار تایی کتاب روبه‌روست. در چنین فضایی، باید قبول کنیم که کتاب‌ها اجناس کتابدار هستند و باید بدانند

کودک داشتیم. نهاد، امسال، عمده هزینه‌هایش را صرف تجهیز بخش کودک کتابخانه‌ها کرده است.»

به گفته الهیاری، ۱۸ تیرماه، بسته‌های غنی از کتاب‌های کودکان به کتابخانه‌ها ارسال شد. او در ادامه می‌گوید: «مهرماه، کتابدارانی که دوره‌های آموزشی را گذراندند خواستیم مادران عضو کتابخانه را دعوت کنند و مهارت قصه‌گویی را به آن‌ها آموزش دهند.»

اقتصاد نشر

در گرو وجود کتاب‌خوان حرفه‌ای است

یکی از انتقادات بعضی ناشران این است که نهاد با داشتن ۳۲۰۰ کتابخانه، عملاً می‌تواند تیراژ یک عنوان کتاب را از ناشر بخرد. همین می‌تواند بازار کتاب را منجول کند. اما الهیاری به این انتقاد، نگاه دیگری دارد. او می‌گوید: «ما تا الآن، عمده توجه‌اتمان در حوزه کتاب و کتاب‌خوانی معطوف به کتاب، ناشر، نمایشگاه کتاب و در کل، اقتصاد نشر بوده است؛ اما برای ترویج کتاب‌خوانی، نمی‌توانیم چشممان را به کتابخانه و فردی به نام کتابدار بندیم. فکر می‌کنم اگر به این دو عنصر مهم بیشتر توجه کنیم، چرخه اقتصاد نشر بهتر می‌چرخد و اوضاع اقتصاد نشر بهتر خواهد شد.»

معاون توسعه نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور ادامه می‌دهد: «اگر به آمارهای نشر مؤسسه خانه کتاب مراجعه کنید، بسیاری از مسائل مشخص می‌شود. گزارش‌های نشر سال ۹۳ خانه کتاب می‌گوید: ارزش نشر کتاب‌های منتشرشده در سال ۹۳، حدود ۱۴۰۰ میلیارد تومان است. این آمار هم بر اساس خوداظهاری است. ممکن است ناشری بنویسد هزار نسخه و ولی ۱۰۰ نسخه چاپ کرده باشد. در سال ۹۳ و در کل کشور، ۱۵۰ میلیون نسخه چاپ شده است. همه بودجه‌های خرید ارشاد، نهاد و آن‌ها که خرید می‌کنند، به ۴۰ میلیارد نمی‌رسد. این مبلغ کجا و آن مبلغ کجا.»

الهیاری می‌گوید: «سال گذشته در نهاد بررسی کردیم که اگر بخواهیم از هر نسخه کتاب داستانی که در کشور منتشر می‌شود، یک نسخه بخریم، ۲۰۰ میلیارد تومان بودجه لازم داریم. در چنین وضعیتی، چاره‌ای جز انتخاب کردن کتاب‌ها وجود ندارد. ضمن اینکه ما با محدودیت مخازن مواجه هستیم. علاوه بر این، اگر کتابی دو سال امانت گرفته نشود، خودبه‌خود، در فرایند وجین قرار می‌گیرد. نکته دیگر اینکه فرض کنید یک کتاب به‌خاطر خوب‌بودن فروش برود. فرض کنید کتابخانه‌ها این را بخرند. مسلماً ناشر از این اتفاق ضرر می‌کند؛ چون دیگر کسی کتاب را نمی‌خرد. سیاست نهاد این است که با یک سیاست تأخیری کتاب را می‌خرد. بنابراین باید بدانید آنچه در کتابخانه به‌عنوان منبع می‌خرید، کمک به اقتصاد نشر نیست، کمک به کتاب‌خوانی است. در

سال گذشته در

نهاد بررسی کردیم که اگر بخواهیم از هر نسخه کتاب داستانی که در کشور منتشر می‌شود، یک نسخه بخریم، ۲۰۰ میلیارد تومان بودجه لازم داریم. در چنین وضعیتی، چاره‌ای جز انتخاب کردن کتاب‌ها وجود ندارد. ضمن اینکه ما با محدودیت مخازن مواجه هستیم



«کتابخانه می‌تواند

مرکزیت فرهنگی در

آن منطقه جغرافیایی

پیدا کند و وارد

شئون اجتماعی هم

شود. در همان نگاه

اول، اگر فرض کنیم

کتابخانه یک نهاد

خدماتی است، کسی

که به‌عنوان کتابدار

در آنجا مشغول کار

است، باید فضای نشر و

کتاب را بشناسد؛ ناشر

و نویسنده را بشناسد

تا بتواند به مراجعین

کمک کند. برای همین،

نهاد با سرعت زیادی

دوره‌های آموزش

کتابدار و... را برگزار

می‌کند. کتابدار،

در یک کتابخانه

کوچک، با طیف ده،

دوازده هزار تایی

کتاب روبه‌روست.

در چنین فضایی،

باید قبول کنیم که

کتاب‌ها اجناس کتابدار

هستند و باید بدانند

برای مراجعه‌کننده

چه کتابی معرفی

کند. این نقش

حداقلی امانت‌دادن و

امانت‌گرفتن است



ترغیب کرد؛ چون نگهداری و اداره آن باید به‌دست مردم باشد»

او ادامه می‌دهد: «الآن نظارت خوبی را دفتر عمرانی نهاد انجام می‌دهد. پروژه‌هایی که قرار است به‌صورت خیرساز و مشارکتی تحویل بگیرد، در طول پروژه، نظارت می‌کند که حداقل استانداردها رعایت شود. الآن تعدادی زمین در کشور در اختیار نهاد است که واقف و یا خیر برای ساخت کتابخانه، در نظر گرفته؛ اما چون فعلاً هزینه ساختش پیش‌بینی نشده، نهاد دست به آن پروژه‌ها نمی‌زند تا بودجه آن در همه زمینه‌ها پیش‌بینی شود.»

معاون توسعه نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور تأکید می‌کند: «عمده افتتاح کتابخانه‌هایی که اخیراً من رفتم خیرساز بود. اخیراً در نطنز، خانواده متوفی، هزینه دیه پدرشان را صرف تکمیل ساخت کتابخانه کرده بودند. یا در مازندران، پدری، به‌دلیل از دست دادن سه فرزندش، هزینه ساخت کتابخانه را به عهده گرفته بود. نمونه‌ها فراوان است. در سال ۹۴ قرار داریم که همایش تجلیل از خیرین کتابخانه‌ساز را برگزار کنیم. شخصاً با بسیاری از خیرین گفت‌وگو کردم و می‌گویند ساخت کتابخانه برایشان اهمیت زیادی دارد. برای همین، با پررنگ کردن موضوع کتابخانه‌سازی، می‌توانیم بر تعداد خیرین کتابخانه‌ساز بیفزاییم. در نهاد، انجمن خیرین اهدای کتاب هم در حال شکل‌گیری است. در این انجمن، بنا داریم مشارکت آن‌هایی را که پول کافی برای ساخت یک کتابخانه ندارند، جلب کنیم. در این طرح، افراد می‌توانند به‌صورت دوره‌ای یا ماهانه، به نهاد برای تأمین منابع کتابخانه (کتاب) کمک کنند.»

برای مراجعه‌کننده چه کتابی معرفی کند. این نقش حداقلی امانت‌دادن و امانت‌گرفتن است.

به گفته اله‌یاری، برای تبدیل شدن به نقش حداکثری برای کتابدار و کتابخانه، باید فعالیت‌های ترویجی هم به‌تدریج اضافه شود. همه کارهای ما در نهاد کتابخانه‌ها به این دلیل است که مشارکت افراد با کتابخانه به حداکثر خود برسد.

او ادامه می‌دهد: «یکی از دوستان مطالعه‌ای را در یک کشور اروپایی گزارش می‌داد که اینترنت کتابخانه در آن کشور، سه ایستگاه اتوبوس قبل و بعد از کتابخانه را پوشش می‌دهد. فردی که در این فضا قرار می‌گیرد، اطلاعات کتابخانه برایش می‌آید و به او پیشنهاد می‌دهد که فلان کتاب را می‌توانی بخوانی یا دانلود کنی. این تأثیری است که یک کتابخانه پویا بر محیط جغرافیایی خود می‌تواند بگذارد.»

ارزشی به نام کتابخانه‌سازی

در جامعه ما، خیرین نقش مهمی را در توسعه زیرساخت‌های فرهنگی ایفا می‌کنند. اله‌یاری، با اشاره به اینکه ماده یک قانون تأسیس شرح وظایف کتابخانه‌های عمومی، وظیفه ساخت را در شرح وظایف کتابخانه عمومی دیده، می‌گوید: «با این وجود، بودجه‌های عمرانی برای ساخت کتابخانه، یا در اختیار وزارت ارشاد است یا وزارت راه و شهرسازی. پس عملاً نهاد کتابخانه‌ها، مدیر بهره‌بردار کتابخانه‌ها است. به این دو حالت، مدل سومی را هم باید اضافه کنیم و آن هم کمکی است که خیرین برای ساخت و تجهیز انجام می‌دهند که قابل توجه است و نمی‌شود از آن گذشت. این بخش را باید تشویق و

«**باید فکر جامع‌تری برای کتاب‌خوانی شود. هفته کتاب، هر ساله، در حد چند مسابقه و برنامه و گزارش و در نهایت، دادن جایزه خلاصه می‌شود. همه این‌ها روال‌های تکراری است که هر سال شاهدش بوده‌ایم**»



ناصر فیض، در خصوص تفاوت هفته کتاب امسال با سال گذشته، گفت: «هرسال، وقتی هفته کتاب آغاز می‌شود، این ادعا را به دنبال خود دارد که هفته کتاب امسال با سال‌های دیگر متفاوت است؛ اما درحقیقت این‌طور نیست. عمده‌ترین تفاوت شاید در افزایش تعداد رشته‌ها باشد.

فیض ادامه داد: افزایش تعداد رشته‌ها روش مناسبی برای افزایش کتاب‌خوانی نیست. ما برای ترویج این امر نیازمند روش‌های علمی و کاربردی هستیم. معیارهایی که در هفته کتاب لحاظ می‌شود، باید مطابق با جامعه‌ای اسلامی و دینی باشد؛ زیرا ما در این جامعه زندگی می‌کنیم و نگاه دینی و اخلاقی یک

ناصر فیض:

روال هفته کتاب تکراری شده است

ناصر فیض، شاعر و طنزپرداز کشورمان، در گفت‌وگویی به بیان نکاتی درباره هفته کتاب پرداخت. او در سخنانش برنامه‌های این هفته را تکراری دانست و گفت: هر ساله برنامه سال‌های گذشته خود را تکرار می‌کنند. آنچه در ادامه می‌آید، گزیده‌ای از سخنان ناصر فیض در این مصاحبه است.

ارزش است.

فیض با اشاره به کتاب‌های مجوز گرفته از وزارت ارشاد گفت: «زمانی که یک کتاب از وزارت ارشاد مجوز می‌گیرد، انتظار می‌رود که آن را در کتابخانه‌ها ببینیم، اما گاهی این اتفاق رخ نمی‌دهد.»

فیض، با اشاره به ارائه بن کتاب برای اهل قلم، گفت: «ارائه بن کتاب به اهالی قلم غلط است. این کار باید به صورت تخفیف در طول سال اتفاق بیفتد؛ زیرا در شأن یک نویسنده و یا شاعر نیست که بخواهد از طریق بن کتاب خرید کند.»

وی در پایان اظهار کرد: «باید فکر جامع‌تری برای کتاب‌خوانی شود. هفته کتاب، هر ساله، در حد چند مسابقه و برنامه و گزارش و در نهایت، دادن جایزه خلاصه می‌شود. همه این‌ها روال‌های تکراری است که هر سال شاهدش بوده‌ایم؛ البته به این معنا نیست که زحمت کسانی را که تلاش کردند و نگاه مثبت دارند، نادیده بگیرند. این حرکت بسیار مثبت است؛ ولی می‌تواند بیشتر از این تاثیرگذار باشد، با مدیریت درست، می‌توان کارشناسی بهتری انجام داد و در نهایت، شاهد راندمان بالاتری باشیم.»



کتاب و کتاب‌خوانی بچه‌سرای‌های نهادهای فرهنگی

محمد رضا شمه‌بازی
نویسنده و طنزپرداز

◀ هفته کتاب باید
به افزایش کتاب‌خوانی
منتج شود؛ باقی
حکایت آفتابه لگن
است که اگر نه هفت
دست، بلکه هفتاد
دست هم باشد، تا شام
و نهار کتاب‌خوانی
جور نشود، اضافه است
و بیخود. هفته کتابی
که این تن رنجور و
نحیف کتاب‌خوانی
کشور را ولو یک قدم
به پیش نبرد و تکانی
ندهد، دو زار نمی‌ارزد

کتابی که این تن رنجور و نحیف کتاب‌خوانی کشور را ولو یک قدم به پیش نبرد و تکانی ندهد، دو زار نمی‌ارزد و چقدر تأسف‌آور است که همین هم شده و کسی عین خیالش نیست و همچنان به دادار دودور جشن آغاز هفته کتاب دل خوشیم و بس!

اصلش این است که اگر بخواهیم بینیم یک کار یا اقدام خاص به نتیجه دلخواه رسیده است، باید اتفاقات حاصل از آن کار را با آنچه در نظر داشتیم و انتظارش را می‌کشیدیم، مقایسه کنیم تا دستمان بیاید که آنچه واقع شده، با آنچه باید واقع می‌شد، چقدر تطابق دارد؛ اما درباره هفته کتاب، خیلی هم به این کار نیازی نیست، یعنی اغلب کارهایی که در این هفته و به اسم کتاب‌خوانی انجام می‌شود، آن قدر از مرحله پرت هستند که از همان ابتدا می‌توان مطمئن بود کوچک‌ترین اثری بر حال و روز کتاب‌خوانی کشور نخواهند داشت.

«عضویت رایگان هیئت‌های مذهبی در بیش از دوهزار کتابخانه تحت پوشش سازمان تبلیغات اسلامی»، «اجرای سرود همگانی یار مهربان در سطح مدارس

امسال، بیست‌وسومین سال برگزاری هفته کتاب در ایران است. آبان‌ماه سال ۱۳۷۲، اولین دوره هفته کتاب بر اساس آیین‌نامه‌ای مشخص و با مدیریتی که بر اساس این آیین‌نامه بر دوش وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی افتاده بود، برگزار شد. اکنون که آن کودک نوپا، به یک جوان ۲۳ساله تبدیل شده است، دیگر کسی خیلی یادش نیست که اصلاً این هفته برای چه ایجاد شد و کدام ضرورت به پیدایش آن و برگزاری مراسم‌های مختلف در آن انجامید. حالا، مثل خیلی اتفاقات و برنامه‌ها و مناسبت‌ها و جشنواره‌ها و یادمان‌ها و... فرهنگی، همه مسئولان می‌دانند که در آبان‌ماه باید هفته کتاب را برگزار کنند و البته مردم هم می‌دانند که اگر در این هفته هم مانند قبل، کتاب نخوانند، آب از آب تکان نخواهد خورد!

خلاصه‌اش این است که هفته کتاب باید به افزایش کتاب‌خوانی منتج شود؛ باقی حکایت آفتابه لگن است که اگر نه هفت دست، بلکه هفتاد دست هم باشد، تا شام و نهار کتاب‌خوانی جور نشود، اضافه است و بیخود. هفته

که همان چهارتا کتاب خوانی هم که نتوانسته بودند بیایند نمایشگاه کتاب تهران، در این نمایشگاه‌های استانی کتاب‌های یک سالشان را می‌خرند و دیگر سراغ کتاب‌فروش‌های شهرستان نمی‌روند، مگر برای خرید خودکار یا سیمی کردن جزوه دانشگاه! و البته مسئولان فکر می‌کنند با همان منطقی که نمایشگاه کتاب تهران باید باشد، حتماً نمایشگاه کتاب استانی هم باید باشد دیگر؛ و کسی حال ندارد به این فکر کند که چطور می‌توان نمایشگاه‌های استانی را جوری برگزار کرد که کتاب‌فروش شهرستانی از آن منتفع شود؛ نه مغبون.

اما همه این بدبختی‌ها از چیست؟ از اینکه کتاب و کتاب‌خوانی، بچه‌سراهی نهادهای فرهنگی کشور است که هر کدام اگر وقت کنند، حاضرند بعد از ساعت کاری، دستی به سرش بکشند تا از اجر اخروی یتیم‌نوازی برخوردار شوند. همه حاضر هستند برایش پیامک بزنند و روی فیش حقوقی کارکنان رسیدن هفته‌اش را تبریک بگویند(!) اما هیچ‌کس پیدا نمی‌شود که واقعاً برایش پدری کند و فکری درست و حسابی برایش بیندیشد و دستش را یک جا بند کند تا کم‌کم روی پای خودش بایستد و آقای خودش شود. جایی نیست که بنشینند درست فکر کنند که واقعاً درد کتاب‌خوانی کشور چیست تا هر سال در هفته کتاب یک قدم، فقط یک قدم و نه بیشتر، برای درمان این درد برداشته شود. در عوض، هفته کتاب را پر کرده‌ایم از کسانی که نه دغدغه کتاب و کتاب‌خوانی دارند و نه حالش را و نه بودجه‌اش را، و خودشان هم نمی‌دانند باید چه کنند و فقط از ترس اینکه بهشان نگویند بی‌عرضه، یک کاری می‌کنند.

این است که به جای یک اقدام مؤثر و مفید، هر چند کوچک باشد، یکی زورش به حاشیه سفید فیش حقوقی می‌رسد، یکی به گروه سرود مدرسه و یکی هم به سه‌متر پارچه و البته مردم هم زورشان به کتاب که همچنان بی‌خیالش شوند.

کشور»، «اختصاص زنگ انشا به مطالعه مفید»، «نصب بنرهای تبلیغاتی مزین به فرازهایی از فرمایش‌های مقام معظم رهبری در حوزه کتاب و کتاب‌خوانی»، «درج تبریک هفته کتاب در سربرگ نامه‌های اداری و فیش‌های حقوقی واحدهای تابعه سازمان» و «ارسال پیامک» از جمله این کارها است که همگی از جمله اقدامات دستگاه‌ها و سازمان‌های مختلف در هفته کتاب است و جالب آن است که این اقدامات را هم با افتخار در بیان کاری خود آورده‌اند و حتماً چشم‌په‌راه تقدیرنامه هم بوده‌اند برای این نخودی که در آش کتاب‌خوانی کشور انداخته‌اند!

از این‌ها که بگذریم، برخی کارها هم بیشتر به چشم می‌آیند و بی‌انصافی است اگر از آن‌ها اسم نبریم. مشهودترینشان برگزاری انواع نمایشگاه‌های کتاب است. نمایشگاه‌هایی که با استفاده از دو میز، سه‌متر پارچه، یک فروشنده که برایش فرقی ندارد کتاب بفروشد یا هات‌داگ، و البته ۵۰ جلد کتاب درباره موضوعاتی چون اجنه، تأثیر سحرخیزی در سلامت کبد، ملیله‌دوزی، سفره‌آرایی، تاریخ هخامنشیان و... برگزار می‌شود! ایستگاه‌های مترو، لابی طبقه همکف سازمان‌ها، پیاده‌رو اصلی محله‌ها و... از جمله مکان‌های برگزاری این نمایشگاه‌ها است؛ نمایشگاه‌هایی بی‌هدف و سطحی که اگر از شانس چهارتا کتاب به‌دردبخور هم در آن‌ها پیدا شود، اثر منفی و مخرب آن‌ها در عادت دادن مخاطب به خرید کتاب با تخفیف، بیش از فایده فروش آن چهارتا کتاب است.

همین نمایشگاه‌ها وقتی می‌روند در شهرستان‌ها، می‌شوند یک‌سری نمایشگاه کتاب استانی که خود ناشران غرفه‌دارانش هستند و خودشان از تهران بلند می‌شوند، می‌روند آنجا و کتاب را با تخفیف عرضه می‌کنند و با هر کتابی هم که می‌فروشند، کتاب‌فروش شهرستانی را یک گام به تعطیلی نزدیک می‌کنند؛ چرا

◀◀ کتاب و

کتاب‌خوانی، بچه

سرراهی نهادهای

فرهنگی کشور است

که هر کدام اگر وقت

کنند، حاضرند بعد از

ساعت کاری، دستی

به سرش بکشند تا از

اجر اخروی یتیم‌نوازی

برخوردار شوند. همه

حاضر هستند برایش

پیامک بزنند و روی

فیش حقوقی کارکنان

رسیدن هفته‌اش را

تبریک بگویند(!) اما

هیچ‌کس پیدا نمی‌شود

که واقعاً برایش پدری

کند و فکری درست

و حسابی برایش

بیندیشد



می خواهیم جریان کتاب کودک با رویکرد دینی راه بیفتد

مدیر انتشارات دارالحدیث گفت: جریانی در قم درباره کتاب‌های کودک راه انداختیم و انجمن کتاب کودک در قم، با همکاری دو انتشارات دارالحدیث و جمال راهاندازی شد و می‌خواهیم در قم، جریان کتاب کودک با رویکرد دینی راه بیفتد.

مدیر انتشارات دارالحدیث اضافه کرد: بخشی از کتاب‌های ما گزیده است. آیت‌الله ری‌شهری از سه سال گذشته به معاونت فرهنگی مؤسسه، دستور تولید آثار عمومی‌تر را دادند و در سال گذشته، بیش از چهل عنوان کتاب برای مخاطب عام تولید شد. در اصل، با پشتوانه آثار تخصصی دارالحدیث، آثاری عمومی‌تر برای مخاطب عام تولید می‌شود.

نمی‌خواهیم آثار عمومی‌مان صرفاً بازاری باشد

وی ادامه داد: تاکنون یازده عنوان اثر در حوزه کودک منتشر کردیم و هشت عنوان نیز در دست انتشار است. قرار بود چهل عنوان باشد، ولی به‌خاطر این که دارالحدیث را ناشر تخصصی می‌شناسند، باید زمینه توزیع مناسب فراهم شود. ما نمی‌خواهیم آثار عمومی‌مان صرفاً بازاری باشد و به‌دنبال کار با کیفیت هستیم.

راه‌اندازی جریان نشر کتب کودک دینی در قم

سبحانی‌نیا درباره روند نشر کتاب‌های کودک گفت: جریانی در قم درباره کتاب‌های کودک راه انداختیم و انجمن کتاب کودک در قم با همکاری دو انتشارات دارالحدیث و جمال راهاندازی شد و می‌خواهیم در قم جریان کتاب کودک با رویکرد دینی راه بیفتد.

وی با اشاره به کتب انتشارات دارالحدیث درباره

بیست و هشتمین نشست صبح ناشر با حضور حجت‌الاسلام محمدتقی سبحانی‌نیا، مدیر انتشارات دارالحدیث قم، برگزار شد.

مدیر مؤسسه انتشارات دارالحدیث در ابتدای این نشست به ذکر تاریخچه کوتاهی از روند شکل‌گیری مؤسسه دارالحدیث اشاره کرده و پیرامون انتشار کتاب‌های مؤسسه گفت: در طی بیست‌سال کار پژوهشی مؤسسه دارالحدیث بالغ بر ۳۴۰ عنوان کتاب منتشر شده که بسیاری از این آثار، چندجلدی هستند. مثل دانشنامه امام حسین^(ع) که ۱۶ جلدی به‌طور میانگین، ۶۵۰ جلد کتاب منتشر شده است.

وی ادامه داد: تمام کتاب‌های دارالحدیث به‌همت انتشارات چاپ شده و کمتر از بیست عنوان، از سوی دانشگاه تولید شده که چون کتاب درسی بود با همکاری انتشارات سمت روانه بازار نشر شد.

در کنار رویکرد تخصصی رویکردی

عمومی و ترویجی را هم پیگیری می‌کنیم

سبحانی‌نیا درباره روند و رویکرد آثار این انتشارات نیز گفت: رویکرد اصلی انتشارات قرآن و حدیث است و حدود سه سال است که در کنار رویکرد اصلی رویکردی عمومی و ترویجی را هم پیگیری می‌کنیم. بیشتر کتاب‌های چاپ‌شده دارالحدیث تخصصی و دارای مخاطب خاص است و لذا برخی از آثار تبدیل به آثار کوچک‌تر و دارای مخاطب عام‌تری می‌شود.



« آیت‌الله ری‌شهری
از سه سال گذشته
به معاونت فرهنگی
مؤسسه، دستور تولید
آثار عمومی‌تر را دادند
و در سال گذشته،
بیش از چهل عنوان
کتاب برای مخاطب عام
تولید شد

« به‌خاطر این که
دارالحدیث را ناشر
تخصصی می‌شناسند،
باید زمینه توزیع
مناسب فراهم شود.
ما نمی‌خواهیم آثار
عمومی‌مان صرفاً
بازاری باشد و به‌دنبال
کار با کیفیت هستیم



کشوری درخواست کند، نرم‌افزار را در اختیارشان قرار می‌دهیم.

انتشارات دارالحديث خودگردان است

«انتشارات دارالحديث خودگردان است.» سبحانی‌نیا با ذکر این مطلب، ادامه داد: ما از ابتدا هم بودجه نداشتیم و مؤسسه بودجه‌ای در اختیار ما قرار نداده است. به همین دلیل است که حرکت انتشارات ما به سمت عمومی‌تر شدن و ترویجی پیش می‌رود. در حوزه فرهنگی رویکرد مؤسسه، فرهنگی است و در حوزه نشر نگاه اقتصادی داریم و در این راستا، تولید کتاب حجیم را به دلایل اقتصادی محدود کردیم و به سمت چاپ کتاب‌های عمومی‌تر، کم‌حجم‌تر و همه‌فهم‌تر رفتیم.

سبحانی‌نیا در خاتمه به مشکلات ناشران نیز گریزی زد و گفت: مشکلات ما از دیگر ناشران کمتر است؛ چون محل عرضه آثارمان متعدد است. به دلیل نوع تولید، ما مشتری‌های زیادی داریم. با اینکه در تنگنا هستیم، با بحران مواجه نیستیم. ما فکر می‌کردیم که سال ۹۳ که تمام شود، مشکلات کمتر می‌شود؛ ولی در سال ۹۴، اوضاع بدتر شد.

ارشاد تا کی می‌خواهد از ناشران کتاب بخرد؟

وی با پیشنهاد این که کمیته‌ای برای پیگیری و شنیدن پیشنهادات ناشران تشکیل شود، سخن خود را این گونه پایان داد: این که ارشاد از ناشران کتاب بخرد و در کتابخانه‌ها توزیع کند، خوب است؛ اما تا کی باید این کار انجام شود؟ هر چقدر تعداد ناشران زیاد شود، حمایت‌ها هم کمتر خواهد شد.

امام حسین^(ع) افزود: هشت اثر درباره امام حسین^(ع) در دارالحديث منتشر شده که مهم‌ترین آن دانشنامه امام حسین^(ع) در ۱۶ جلد است. کتاب دیگر، «حکمت‌نامه امام حسین^(ع) در دو جلد و کتاب شهادت‌نامه امام حسین^(ع) و گزیده آن در دو جلد است.

مدیر نشر دارالحديث، با اشاره به تهیه دو مدل کتاب حکمت‌نامه‌ها و فرهنگ‌نامه‌ها، ادامه داد: فرهنگ‌نامه‌ها با رویکرد سبک زندگی از کتب اصلی تخصصی استخراج شده و در زمینه‌های مهمانی، آرزو، بصیرت، جمعه، زیارت و مسجد تولید شده است. کتب حکمت‌نامه نیز از جمله آثار گزیده‌ای است که برای عموم قابل استفاده است.

وی به تولید دو نرم‌افزار نیز اشاره کرد و افزود: دو نرم‌افزار نیز برای استفاده خاص و عام تولید شده است. یکی نرم‌افزار دانشنامه امام حسین^(ع) که تخصصی است و دیگری نرم‌افزار ثارالله است که ترویجی و چندرسانه‌ای است.

ترجمه سی اثر دارالحديث به زبان‌های دیگر

سبحانی‌نیا به رویکرد بین‌المللی این انتشارات نیز گریزی زد و از ترجمه سی اثر دارالحديث به زبان‌های دیگر خبر داد و گفت: برخی از آثار از جمله میزان‌الحکمه به دوازده زبان زنده ترجمه شده و حتی در میان غیرمسلمان‌ها نیز مشتری دارد.

وی با بازخوردی‌های انتشار آثار دارالحديث نیز اشاره کرد و گفت: کتاب حکمت‌نامه حضرت عیسی را که در سفر ارمنستان عرضه کردیم، به قدری مورد توجه قرار گرفت که خودشان متکفل ترجمه و توزیع آن شدند. ما چون نمی‌توانیم در کشورهای دیگر آثار را عرضه کنیم با نهادهایی مثل جامعه المصطفی فعالیت می‌کنیم؛ ولی اگر

« در حوزه فرهنگی

رویکرد مؤسسه، فرهنگی است و در حوزه نشر نگاه اقتصادی داریم و در این راستا، تولید کتاب حجیم را به دلایل اقتصادی محدود کردیم و به سمت چاپ کتاب‌های عمومی‌تر، کم‌حجم‌تر و همه‌فهم‌تر رفتیم

« این که ارشاد از

ناشران کتاب بخرد و در کتابخانه‌ها توزیع کند، خوب است؛ اما تا کی باید این کار انجام شود؟ هر چقدر تعداد ناشران زیاد شود، حمایت‌ها هم کمتر خواهد شد



مهارت کتاب خواندن را جدی بگیریم



یاسر احمدوند
مدیر مرکز آموزش‌های کاربردی نشر

« در اینکه فروش

کتاب‌های کودکان

بیشتر از کتاب‌های

بزرگ‌سالان است،

تردید نیست؛ اما چرا

کتاب‌های فروخته‌شده

خوانده نمی‌شود؟ یا

اینکه این‌طور بپرسیم:

چرا کودکان ما نیز

کتاب‌خوان نیستند؟

چگونه این مهارت را آموزش دهند؟

اینکه کتاب‌خوانی یک مهارت است و باید آن را فراگرفت و باید آن را آموزش داد، یک اصل است که بی‌توجهی به آن، سبب شده بسیاری از مردم ما کتاب خواندن را بلد نباشند. آیا پدر و مادری که کتاب‌خوانی را بلد نیست، آیا مربی و معلمی که نمی‌داند چگونه باید کتاب خواند، می‌تواند این کار را آموزش دهد؟

نکته جالب اینجاست که بسیاری از مهارت‌های موردنیاز کودکان را از طریق کتاب‌های متنوع آموزش می‌دهیم. عناوین بسیاری از کتاب‌های کودکان مربوط به آموزش مسواک‌زدن، عبور از خیابان، خرید، آشنایی با مشاغل و حرفه‌ها و... است، و نیز کتاب‌های متعددی درباره چگونگی آموزش مهارت‌های موردنیاز کودکان به والدین تألیف یا ترجمه شده‌اند؛ از آداب تغذیه کودکان تا آموزش شیوه دستشویی‌رفتن.

اما درباره خود مهارت کتاب‌خوانی، برای کودکان و نیز والدین و مربیان‌شان، آثار اندکی تولید و عرضه

قبل از کتاب‌خواندن باید چیزهایی را بدانید. مهارت کتاب‌خوانی را باید به کودکان آموزش داد.

اگر چه آمار تیراژ و فروش کتاب‌های کودک، بیش از کتاب‌های بزرگ‌سال است، می‌توان ادعا کرد کتاب‌خوانی کودکان وضع بهتری از کتاب‌خوانی بزرگ‌سالان ندارد. نمی‌دانم همایشی و پژوهشی در این باره انجام گرفته است یا خیر؛ اما به شکل استقرایی از آنچه در تربیت و رفتار کودکان نمایان است، چنین ادعایی واقعی است. مشکل در کجاست؟

البته در اینکه فروش کتاب‌های کودکان بیشتر از کتاب‌های بزرگ‌سالان است، تردیدی نیست؛ اما چرا کتاب‌های فروخته‌شده خوانده نمی‌شود؟ یا اینکه این‌طور بپرسیم: چرا کودکان مانیز کتاب‌خوان نیستند؟ برای نزدیک شدن به پاسخ این سؤال یا روشن شدن اطراف تاریک آن، بهتر است این مسئله را بررسی کنیم که آیا کودکان کتاب‌خواندن را می‌آموزند؟ آیا کسانی که باید کتاب‌خوانی را به کودکان بیاموزند، می‌دانند



این توانایی، متون خوب را تولید و ترویج کنند. قطعاً تولید کتب خوب، به این فرهنگ‌سازی کمک مهمی خواهد کرد.

ه. کتابخانه‌ها و کتابداران

برخی از کتابخانه‌ها بخش ویژه کودک راه‌اندازی کرده و مخزن کتاب‌های کودک را غنی کرده‌اند، اما کتابدارها آموزش لازم را برای یاد دادن مهارت کتاب‌خوانی فرا نگرفته‌اند.

به آنچه گفته شد، می‌توان موارد دیگری را نیز اضافه کرد. اگر این نیاز احساس شود که بخشی از شکل موجود در انس‌نداشتن با کتاب و نخوندن آن این است که «مهارت کتاب‌خواندن» را نیاموخته‌ایم، می‌توان اقدامات مؤثر و فراوانی برای رفع آن تدارک دید.

«مهارت کتاب‌خواندن» را جدی بگیریم، والدین باید بیاموزند چه کتابی را و از کجا برای فرزندانشان تهیه کنند؟ چه مکانی را در خانه به کتابخانه کودکشان اختصاص دهند؟ کتاب‌های کودک را چگونه در زندگی روزمره کودکشان داخل کنند؟ برای سنین مختلف چگونه کتاب بخوانند؟ چند دقیقه کتاب در روز بخوانند؟ ربط تصاویر و متن کتاب‌ها را چگونه به کودک بیاموزند؟ کودکان پیش از دبستان و کودکان دبستانی چه تفاوتی در کتاب‌خوانی دارند؟ کودک چه بخشی از موضوع و متن کتاب را می‌تواند به‌خاطر بسپارد؟ و بسیاری موضوعات مهم دیگر در این زمینه. همچنین، مربیان باید این مهارت‌ها و دیگر مهارت‌های مورد نیاز را در مدارس آموزش دهند.

شده‌اند و این آثار بسیار اندک هم خوب معرفی و عرضه نشده‌اند.

اگر توقع داریم اتفاقی در زمینه کتاب‌خوانی کودکان رخ دهد، باید به آموزش این مهارت مهم به کودکان و والدین و مربیان‌شان توجه ویژه کرد. این آموزش باید در چند سطح و به چند شیوه برنامه‌ریزی و پیگیری شود:

الف. مدارس

قطعاً آموزش مهارت کتاب‌خوانی باید در مدارس جایگاه داشته باشد. برخی مدارس زنگ کتاب‌خوانی دارند. بسیاری از مدارس کتابخانه و برخی از آن‌ها کتابدار دارند، اما همه این‌ها بدون دانستن اینکه چگونه باید کتاب خوانند، نتیجه‌ای در بر خواهد داشت؟ اهمیت موضوع به قدری است که وجود متنی در کتاب‌های درسی نیز دست‌یافتنی است.

ب. رسانه‌ها

بخش درخور توجهی از آنتن صداوسیما به برنامه‌های حوزه کودک اختصاص داده شده؛ ولی در این برنامه‌ها و در شبکه‌های مختلف آموزش، چگونه کتاب‌خواندن جایی ندارد. به این موضوع، لازم است توجه شود و برای تولید برنامه‌های اختصاصی در این موضوع تدارک شود. اگر صداوسیما در این زمینه اقدام کند، به تبع آن رسانه‌های مکتوب و مجازی نیز نمونه‌ها را تولید و تکثیر می‌کنند.

ج. ناشران:

ناشران نیز خود باید دست‌به‌کار شوند و برای آموزش

« قطعاً آموزش

مهارت کتاب‌خوانی

باید در مدارس

جایگاه داشته باشد.

برخی مدارس زنگ

کتاب‌خوانی دارند.

بسیاری از مدارس

کتابخانه و برخی از

آن‌ها کتابدار دارند،

اما همه این‌ها بدون

دانستن اینکه چگونه

باید کتاب خوانند،

نتیجه‌ای در بر خواهد

داشت؟

« والدین باید

بیاموزند چه کتابی

را و از کجا برای

فرزندانشان تهیه

کنند؟ چه مکانی را

در خانه به کتابخانه

کودکشان اختصاص

دهند؟ کتاب‌های

کودک را چگونه

در زندگی روزمره

کودکشان داخل کنند؟

تَرک بر دیوار بدیهیات

مرضیه احمدی

برای بسیاری از ما، اولین روز ورود به دانشگاه، به اندازه اولین روز ورود به مدرسه هیجان‌انگیز است؛ روزی که به شب محفوظات طولی‌وار دوازده سال دانش‌آموزی گره خورد؛ روزی که گمان می‌بردم صفرهای ما در مقابل یک‌هایی که در دانشگاه خواهیم آموخت، ارزشمند و ارزشمندتر می‌شود. متأسفانه برای نسل ما، دانشگاه آن گمشده مطلوبی نبود که سیم‌خ‌وار در پی‌اش بودیم؛ هرچند سعی می‌شد یا سعی می‌کردند تا با تبلیغات، دانشگاه را محل کسب دانش، قالبمان کنند. از خیلی قبل‌تر، اتفاقی افتاده بود که در ضمیر ناخودآگاه ما، اجزای مهمی داد دانشگاه محلی برای کتاب‌خوانی باشد. نسل ما در بهترین حالت، درس‌خوان بود نه کتاب‌خوان. این نسل ما هم که می‌گوییم، برای خودش حکایتی است: نسلی که صرفاً به واسطه دانش‌جو بودن در جرگه فرهیختگان واقع می‌شد و حتی این امتیاز را می‌یافت که به خواستگاری برود و با همین سمت زن بگیرد!



۱۵۹

خانواده نشر

از مجموعه کتاب‌خوانی

باید داشت

کرده بودم. با نوازش آن خوابیده، با رؤیاهایش پرواز کرده، با داستان‌هایش اشک ریخته و با هوای تازه‌اش نفس کشیده بودم.

ناگهان از بین جمع، صدایی تلخ گفت: «مگه کتاب‌خواندن هم جایزه می‌خواد؟!»

و بعد، صدای خنده بچه‌ها که بادکنک افتخاری را که خانم ناظم باد کرده بود، به طرفه‌العینی منفجر کرد... هنوز هم هرگاه کتاب می‌خوانم، تلخی کلام گزنده آن دانش‌آموز، ذائقه‌ام را آزار می‌دهد.

هزار بار به این فکر کرده‌ام که چرا باید دانش‌آموزی را به خاطر زیاد کتاب‌خواندن تشویق کرد و آن تشویق را کوبید توی سر بقیه؟! یا در سطح کلان‌تر، چرا باید مدام به خاطر کتاب‌خواندن یا به عبارت بهتر، کتاب‌خواندن، مشمول سیاست‌های تشویقی شویم؟! کتاب قرار است کجای زندگی ما را پر کند یا به کدام نیاز ما پاسخ بدهد که سرانه‌اش برایمان نگران‌کننده و مهم باشد؟! سهم کتاب در دنیای امروز، برای کسب علم و دانایی چقدر است؟! اصلاً کتاب‌خواندن، چه سهمی در موفقیت انسان‌های امروز دارد؟!

همین آمار نیم‌بند کتاب‌خوانی را نیز مدیران مدرک‌داری‌هایی هستیم که با جزوه و مقاله و نهایتاً فلان کتابی که به‌زور فلان استاد یا فلان پروژه درسی تهیه کرده‌اند، کسب علم و معرفت! می‌کنند و آمار سرانه مطالعه را افزایش می‌دهند. نه اشتیاق مدرسه و نه تلاش برای کسب رتبه و مدارک علمی، نه سیاست‌های حمایتی و تشویقی و نه هفته‌ها و نمایشگاه‌های کتاب، سرانه مطالعه را افزایش نمی‌دهند؛ مادامی که پاسخ این سؤالات اساسی، جزئی از بدیهیات ذهنی و خدشه‌ناپذیر یک ملت نشود.

تمام دوازده سال دانش‌آموزی، به ما یاد داده بودند که باید دانشگاه بروی تا حرفت را بخوانند و بخرند. دوازده سال؛ اول، صف صبحگاه و بعد کلاس. حتی روزهای سرد زمستان.

صف صبحگاه، مرکز قدرت‌نمایی شاگردهای مدرسه بود. از خواندن قرآن و شعار هفته و سرودهای دسته‌جمعی گرفته تا ادای دکلمه با حرکات متناب دست در هوا، ورزش صبحگاهی، چک کردن بهداشت و گاهی سخنرانی‌های بی‌سروتهی که رنج روی پای استادن را داشت؛ ولی به حضور در کلاس می‌آریزد.

یک‌بار که در صف صبحگاه، مرتب و منظم، ولی سربه‌هوا ایستاده بودم، ناگهان بچه‌ها صدایم کردند: «آهای، خانم ناظم تو رو صدا می‌زنه. برو بالای صف دیگه.» با شنیدن این خبر، ضربان قلبم ایستاد.

هر کدام از پاهایم، اندازه یک کوه یخ بود؛ ولی فریاد خانم ناظم مرا به چشم‌پرم‌زدنی، بالای صف کشاند. ناظم تند و تند حرف‌هایی می‌زد؛ از درس خواندن، از کتاب‌خواندن، از کتابخانه مدرسه. یکی در میان، حرف‌هایم را نمی‌شنیدم. نگاه بچه‌های مدرسه روی دوشم سنگینی می‌کرد. دهانم خشک شده بود:

«از این شاگرد فعال در کتابخانه، به عنوان کتاب‌خوان‌ترین فرد مدرسه تقدیر می‌کنیم.»

از صدای دست‌های بچه‌ها برای تشویق کتاب‌خوان‌ترین شاگرد مدرسه، به خود آمدم. یخ وجودم کم‌کم آب شد. آب دهانم را قورت دادم و نفس راحتی کشیدم.

سرم را بالا گرفتم و زیرچشمی‌نگاهی به هم‌کلاسی‌هایم انداختم. گویی نوبل کتاب‌خوانی را گرفته‌ام. حس شیرین کتاب‌خوانی را بارها و بارها تجربه

«همین آمار نیم‌بند

کتاب‌خوانی را نیز

مدیران مدرک‌داری‌هایی

هستیم که با جزوه

و مقاله و نهایتاً فلان

کتابی که به‌زور

فلان استاد یا فلان

پروژه درسی تهیه

کرده‌اند، کسب علم

و معرفت! می‌کنند و

آمار سرانه مطالعه را

افزایش می‌دهند به

خودمان است و در

معرفی انسان، برآمده

از انقلاب اسلامی و

افتخارات فرزندان این

مرز و بوم نانوان و الکن

نیست

باور یا عادت، مسئله این است

زهراسلطانی

از همان کودکی، هر زمان توی کوچه، پی کسی رفتی که دستش را بگیری و بیاوری تا همراه لحظه‌های تنهاییات باشد، با او بساط خاله‌بازی، جای خوران، توپ‌شوت‌کنان و رکاب‌زدن راه بیندازی، مادرت روزی هزار بار به گوشت خوانده است: «دردانه‌ام، می‌روی کوچه، دست هر کس و ناکسی را بگیر و نیاور تا پایش را به لحظات باز کنی.»

به خواندن «کتاب» خداست که شوربختانه آن را هم چندان جدی نمی‌گیریم. رهبر عزیزمان در این باره، نیکو می‌گویند: «در قدیم، عادت قرآن خواندن وجود داشت که این را هم، زمان پهلوی از بین بردند. پیرمردان و پیرزنان ما سواد فارسی خواندن نداشتند، اما قرآن را یاد می‌گرفتند و می‌خواندند. این چیز خیلی خوب و ارزشمندی بود. اما آن را از میان ما برداشتند و مردم را هم به کتاب خواندن عادت ندادند.»

دشمن، با زرنگی قرآن را روبه‌روی کتاب خواندن قرار داد؛ درحالی که مگر قرآن، کتاب نیست و مگر در آن کم توصیه به تفکر شده است؟! ولی حالا ما نسبت به گذشتگانمان ترقی معکوس کرده‌ایم؛ یعنی نه قرآن می‌خوانیم و نه کتابی دیگر!

البته همان‌طور که ذکرش رفت، ما استعداد خوبی در سربره‌راه کردن دیگران و استفاده از فرصت‌ها داریم! مثل استفاده از ماهواره که به خانه‌هایمان راهش دادیم تا از برنامه‌های علمی‌اش عقب‌نمانیم و موبایل که کم‌کم از وسیله‌ای ارتباطی تبدیل شد به جزئی از وجودمان! بماند که حالا دیگر از فرط خستگی پای ماهواره خوابمان می‌برد و موبایل به دستمان چسبیده است.

نکند بچه‌هایمان یادشان برود ما برای چه ماهواره و موبایل را به خانه‌هایمان راه دادیم؟! حالا که بازار فرزندآوری داغ است، حواسمان باشد که نسل‌های بعدی مثل ما نباشند و کلاه سرشان نرود و به‌جای طلا، دلشان به حلبی‌جات خوش نباشد. آستین همت را بالا بزنیم و رفاقتشان را با کتاب سر و سامانی بدهیم. خوبی‌اش این است که کتاب، جوانی و پیری نمی‌شناسد، نگاه منفعت‌گرایانه یا مخلصانه نمی‌شناسد. همه‌چیز را با ما راه می‌آید؛ ولی تا عامل نشویم، حرفمان بی‌اثر است. با کتاب رفیق شویم؛ حداقل به‌خاطر فرزندانمان.

آدم باید دنبال رفیق خوب باشد. کسی که اگر خواستی خطا بروی، سنگی به شیشه‌ مردم حواله کنی یا زرنگی را بزنی و پا به فرار بگذاری، عوض همراه‌شدن با تو، بزند پس سرت و دست پسریجه‌ تخس درونت را بگیرد، ببرد حوالی آدمیت و شعور. ولی راستش ما از همان ابتدا، دنبال آدم کردن دیگران بودیم. دنبال سربره‌راه کردن بچه‌ مردم! دنبال اینکه بدهی‌های دیگران را با خوبی‌های خودمان اصلاح کنیم. مثلاً بدی سینما و تلویزیون را با برنامه‌های آموزنده و باحجاب کردن خانم‌ها!

زیاد به گوش‌مان خوانده‌اند که رفیق خوب، آدم را سربره‌راه می‌کند؛ رفیق شفیق، مونس تنهایی روزهای سخت و آسان توست. حالا وقتش است: گذشته‌ات را زیر و رو کن. همه‌ خرده‌ریزه‌های کودکی‌ات را بریز داخل یک صندوق. حالا زحمت بکش و این خرده‌ریزه‌ها را هم بزنی! دستت را فرو کن توی صندوق و کتابی از داخل آن بکش بیرون...

چه شد؟! پس چرا این‌طور مبهوت نگاهم می‌کنی؟! حُب مگر این صندوق رفاقت نبود؟! بین این همه خاطره و نوستالژی، یعنی یک کتاب پیدا نمی‌شود؟! واقعیت این است که کتاب خواندن، علاقه‌مندی و باور ماست، نه عادت و بخشی از برنامه‌ زندگی‌مان.

کتاب بر ایمان رفیق شفتالوست. رفیقی که باید باشد؛ ولی نیست. توی آن صندوقچه از کارتون و خوردنی و پوشیدنی همه‌چیز هست؛ مگر آنکه باید باشد. غافل از آنکه این رفیق شفیق آن قدر مهم است که برای شناخت تو به سراغش می‌روند و می‌شود معیاری برای سنجیدن؛ همان‌طور که مد شده در برهه‌های استخدام، نام کتاب‌هایی را که خوانده‌ای نیز، می‌پرسند! البته لایه‌لای پند و اندرزهای گذشتگان و بزرگان، خواندن کتاب بسیار توصیه شده است. شاهدش توصیه‌ فراوان

۱۶۰

خانواده نشر
از مجموعه کتاب‌نخوانی
یادداشت

«دشمن، با زرنگی

قرآن را روبه‌روی
کتاب خواندن قرار

داد؛ درحالی که مگر
قرآن، کتاب نیست و

مگر در آن کم توصیه
به تفکر شده است؟! ولی

حالا ما نسبت به
گذشتگانمان ترقی

معکوس کرده‌ایم؛ یعنی
نه قرآن می‌خوانیم و نه

کتابی دیگر

دردیوار گواهی بدهد، کاری نیست

زهرا عسگری

اولین بار که به سیتی سنتر رفتم، جایی که دکتر حداد عادل آن را «قلب شهر» معنا کرده‌اند، تنوع اجناسش آن چنان چشمم را گرفت که هنگام خرید، متوجه گذر زمان نشدم. از شیر مرغ تا جان آدمی‌زاد همه چیز بود آن هم نه یک رقم، بلکه ششصد رقم و از هر رقم، ششصد نوع. اصلاً اگر می‌خواستی خرید کنی، ساعت‌ها باید فکر می‌کردی که کدام یک را انتخاب کنی. تازه مطمئنم بعد از پایان خرید، غصه می‌خوردی چرا فلان چیز را نخریدم یا از فلان نوع، آن یکی مدلش بهتر نبود؟

۱۶۱



خانواده نشر

از مجموعه کتاب‌خوانی

یادداشت

اندیشیده‌اند، انتخاب می‌کنیم.

هایپرمارکت صرفاً فروشگاه نیست، بلکه قبل‌تر از آن، «رسانه» است. رسانه‌ای که به‌گونه‌ای طراحی شده تا ناخودآگاه به‌سمت آنچه نیاز نداریم، کشانده شویم و فقط زمانی به خود می‌آییم که در کنار صندوق فروشگاه، برگه بالابند قیمت‌ها را می‌بینیم. این ساختار جدید اغواگر، متأسفانه حتی در حداقلی‌ترین وجه درباره کتاب، ارائه نشده است.

در شهر اصفهان که پایتخت فرهنگی جهان اسلام نیز هست، گذار از سوپرمارکت به هایپرمارکت و سیتی سنتر آغاز شده است؛ ولی هایپرمارکت و شهر کتابی نیست؛ جایی که بتوانی با خانواده‌ات آنجا بروی. سبد خرید در دست بگیری. کتاب‌های خوب را ببینی. تاریخ مصرفشان را چک کنی. برای کشف کتاب متناسب با ذائقه‌ات، اجازه تست کردن داشته باشی. از کودکی عکس بگیری که در سبد چرخ‌دار با کتاب‌های خریداری‌شده بازی می‌کند. در آنجا کتاب بخوانی، از کتاب لذت ببری و خلاصه با کتاب زندگی کنی.

اگر به مسئولین فرهنگی بگویم که لیستی از مشکلات فرهنگی ارائه بدهند، قطعاً در آن لیست، گزینه‌ای مشترک وجود دارد و آن فرهنگ کتاب‌خوانی است. درباره ضرورت ایجاد فرهنگ کتاب‌خوانی، سخنرانی‌ها، مقاله‌ها و حتی کتاب‌های فراوان نوشته شده است؛ اما درباره چگونگی ایجاد این فرهنگ، راه‌حل‌های عملیاتی دیده نمی‌شود و فقط به کارهای نمادین، آن هم در هفته کتاب و کتاب‌خوانی اکتفا کرده‌ایم. قبل از اینکه بخواهیم به زور بخشنامه و از سرگرد کردن گزارش، مردم را کتاب‌خوان کنیم یا کتاب‌خوان جلوه دهیم، باید در و دیوار و شهرمان را سامان بدهیم. در و دیوار و شهری که در آن همه نوع مغازه‌ای هست، الا فروشگاه‌های جورواجور کتاب؛ کتاب‌خوان تربیت نمی‌کند.

هر چقدر هم که آمار را بالا و پایین کنیم، در و دیوار گواهی بدهد، ما را با کتاب کاری نیست!

غفلت و گذر زمان را متوجه نشدن، اگر نگوییم خطرناک، اتفاق نگران‌کننده‌ای برای انسان دینی است. اصلاً چه ضرورتی دارد که ما برای خریدی ساده، تا این حد میان اجناس مختلف و هزار رنگ، سرگردان باشیم؟! این همه تنوع نشانه چیست؟ نکند این همه جلوه‌گری اجناس برای بازداشتن ما از چیزی باشد که باید ببینیم و بشنویم و درباره‌اش فکر کنیم؟ آخر مگر کار پاک‌کن یا مداد تراش چقدر پیچیده است که باید این همه مدل و رنگ داشته باشد؟ آدم‌ها به کجا چنین شتابان می‌روند که دنیایشان لنگ این همه تنوع از اجناس گوناگون شده است؟

به خود امید دادم که این فقط بخشی از شهر شلوغ و پر از فکر و حادثه ماست، همه‌جا که این طور نیست و همه کس که این گونه زندگی نمی‌کنند؛ ولی در و دیوار شهر فریاد می‌زدند. فریاد می‌زدند: «بفرمایید فست‌فود!» «بفرمایید هایپرمارکت!» «بفرمایید چای و قلیان». یگانه نقطه امیدواری، همین تابلوهای کنار ایستگاه‌های اتوبوس و سر چهارراه‌ها بود که برای چند ثانیه، تکانه به سلول‌های خاکستری می‌داد.

چقدر این در و دیوار به ما امان می‌دهد تا فکر کنیم چقدر این زندگی و ساختارش ما را به‌سوی مطالعه و تفکر پیش می‌برد؟!

قبلاً این روایت از امام حسن مجتبی^(ع) را خوانده بودم که می‌فرمایند: «متعجبم از آن‌ها که به غذای جسم خود می‌اندیشند؛ اما در غذای روح دقت نمی‌کنند. خوراک زبان‌بار را از شکم، دور نگه می‌دارند؛ اما قلب را با مطالب هلاک‌کننده آکنده می‌کنند.»

ما حتی یک مرحله از حالتی که امام مجتبی^(ع) متصور شده‌اند، عقب‌تر رفته‌ایم. نه تنها دیگر به غذای جسممان نیز نمی‌اندیشیم، بلکه دیگر اصلاً وقت نداریم که ببینیم! ما آن قدر درگیر اجناس متنوع و رنگ‌به‌رنگ هستیم که فرصتی برای اندیشیدن نداریم. در بهترین حالت، بین همین اجناسی که برایمان

«اگر به مسئولین

فرهنگی بگویم که

لیستی از مشکلات

فرهنگی ارائه

بدهند، قطعاً در آن

لیست، گزینه‌ای

مشترک وجود

دارد و آن فرهنگ

کتاب‌خوانی است.

درباره ضرورت ایجاد

فرهنگ کتاب‌خوانی،

سخنرانی‌ها، مقاله‌ها و

حتی کتاب‌های فراوان

نوشته شده است؛

اما درباره چگونگی

ایجاد این فرهنگ،

راه‌حل‌های عملیاتی

دیده نمی‌شود

«تا پیش از چاپ قرآن و مفاتیح، از چاپ قرآن وحشت داشتم؛ زیرا معتقد بودم که چاپ قرآن یک شایستگی‌هایی می‌خواهد و من آن را در خودم نمی‌دیدم تا اینکه یک دوستی که مترجم قرآن بود، به من گفت که قرآن چاپ کن و من توضیح‌اتم را به او دادم؛ اما او اصرار کرد و ما هم برای اولین بار قرآن چاپ کردیم و این مسیر را ادامه دادیم.»

«ای کاش شاعر بودم و برای سرهنگی قصیده می‌گفتم.»

گزارشی از بیست‌ونهمین نشست صبح ناشر مشکلاتمان در نشر چندان قابل توجه نیست

بیست‌ونهمین نشست صبح ناشر، با حضور حسن اسدی جنتی، مدیر انتشارات جمهوری، در مرکز رسانه‌ای شیرازه برگزار شد. آنچه در ادامه می‌خوانید، گزارشی از این نشست است.

جودی خراسانی بود.

اسدی جنتی با اشاره به اینکه نشر کتب مذهبی و دینی بیشتر مد نظرش بوده، گفت: علاوه بر این، در سایر موضوعات نیز کتاب چاپ می‌کردیم. من کتاب نشان / از بی‌نشان‌ها را نیز که برای بار اول، انتشارات زوار آن را منتشر کرده بود، منتشر کردم. چاپ اول این کتاب را که از سوی زوار راهی بازار شد، تهیه کردم و به‌شدت به آن علاقه‌مند شدم و از پنج‌هزار نسخه چاپ اول آن، حدود ۴۵۰۰ نسخه را خودم فروختم که در چاپ دوم مؤلف کتاب، کتاب را به من داد تا چاپ کنم و تاکنون بیش از ۴۰ بار تجدید چاپ شده است.

از پانزده‌سالگی وارد کار کتاب شدم

وی در ابتدای این نشست، با اشاره به اینکه فعالیت خود را از پانزده‌سالگی در سال ۵۴، آغاز کرده گفت: از آنجا که به این کار علاقه داشتم، با کمک دایی خود که در بازار جعفری بود، به انتشارات آسیا وارد شدم. یک‌سال آنجا بودم و بعد، در سال ۵۵، کتاب‌فروشی نشر آسیا در خیابان جمهوری را تحویل گرفتم و بعد از آن، تصمیم گرفتم که خودم وارد کار نشر و فروش کتاب شوم. مدیر انتشارات جمهوری گفت: بعد از پیروزی انقلاب اسلامی کتاب‌های شهید مطهری، دکتر شریعتی و امام خمینی^(ره) را منتشر کردیم و بعد از آن، مستقل شدیم و اولین کتابی که چاپ کردیم کتاب



از چاپ قرآن وحشت داشتم

وی با اشاره به اینکه به چاپ قرآن و مفاتیح نیز می‌پردازد، گفت: تا پیش از چاپ قرآن و مفاتیح، از چاپ قرآن وحشت داشتم؛ زیرا معتقد بودم که چاپ قرآن یک شایستگی‌هایی می‌خواهد و من آن را در خودم نمی‌دیدم تا اینکه یک دوستی که مترجم قرآن بود، به من گفت که قرآن چاپ کن و من توضیحاتم را به او دادم؛ اما او اصرار کرد و ما هم برای اولین بار قرآن چاپ کردیم و این مسیر را ادامه دادیم.

مدیر انتشارات جمهوری گفت: این روزها اگر خودمان را نگویم، اکثر نشرها تعطیل هستند و آن هم بیشتر به دلایل مالی است. خب یک زمانی ارشاد به ناشران کاغذ می‌داد، از همین رو، برخی افراد پروانه نشر می‌گرفتند تا کاغذ بگیرند و بفروشند؛ ولی امروز آن کاغذ هم نیست و دیگر آن افراد کار نشر را تعطیل کرده‌اند، اما کار ما یک برکت خاصی دارد و این از لطف خداست. ما برای هر کتابمان کمتر از دوهزار نسخه چاپ نمی‌کنیم، درحالی که برخی دویست نسخه هم چاپ می‌کنند.

تعرفه واردات کاغذ باید افزایش پیدا کند

اسدی جنتی در بخش دیگری از سخنانش با اشاره به تعرفه کاغذ گفت: اگر همه ناشران به این فکر کنند که باید کتاب منتشر کنند، پس دیگر بالا و پایین رفتن قیمت کاغذ برایشان فرقی نخواهد کرد. به نظر من، تعرفه واردات کاغذ باید افزایش پیدا کند. او اضافه کرد: کتابی که چهل هزار تومان قیمت

خورده، تمامش که کاغذ نیست و این ناشران هستند که این مسئله را بزرگ می‌کنند و گرنه هزینه‌های جانبی، مثل چاپ، انبارداری، باربری و... بسیار بیشتر از کاغذ است، پس مشکلات نشر فقط در کاغذ نیست. مدیر انتشارات جمهوری در ادامه سخنانش گفت: بسته به نوع کتابی که چاپ می‌کنیم، از کاغذ داخلی و خارجی استفاده می‌کنیم.

وی در پاسخ به این سؤال که اگر بخواهد پنج مشکل اصلی را که با آن‌ها دست و پنجه نرم می‌کند برشمارد، گفت: هیچ فشاری نیست که بخواهم آن‌ها را به‌عنوان مشکل تلقی کنم، البته به‌خاطر اینکه مخاطب کتاب، در مجموع، کم شده، فشار روی ناشر است؛ ولی آن چنان درخور توجه نیست.

آن‌هایی که می‌گویند بازار کساد است، شاید توقعشان زیاد است

اسدی جنتی در پاسخ به این سؤال که در شرایطی که اکثر ناشران از اوضاع گلایه دارند، چگونه شما گلایه ندارید و با مشکلی روبه‌رو نیستید، گفت: من وصل به ائمه هستم و در هیچ مرحله‌ای به هیچ کسی برای دنیای خودم پیشنهادی مطرح نکرده‌ام. بر همین مبنا، با توجه به وعده‌های خداوند در قرآن عمل می‌کنم. اگر بخواهیم باور کنیم که رزاق خداوند است، آن وقت گره‌ها باز خواهد شد.

آن‌هایی که می‌گویند بازار کساد است، شاید توقعشان زیاد است. باید از این‌ها پرسیده شود که دنبال چه چیزی هستند؟

« اگر همه ناشران به این فکر کنند که باید کتاب منتشر کنند، پس دیگر بالا و پایین رفتن قیمت کاغذ برایشان فرقی نخواهد کرد. به نظر من، تعرفه واردات کاغذ باید افزایش پیدا کند

« اگر بخواهیم باور کنیم که رزاق خداوند است، آن وقت گره‌ها باز خواهد شد. آن‌هایی که می‌گویند بازار کساد است، شاید توقعشان زیاد است. باید از این‌ها پرسیده شود که دنبال چه چیزی هستند؟



معرفی سامان مند کتاب در تریبون‌های نماز جمعه یکساله شد

سامانه کارشناسی مجمع ناشران انقلاب اسلامی

«کتابخوانی چیزی است که برای یک ملت، فریضه است؛ واجب و لازم است (۷/۲/۱۷)، واقعاً خدا می‌داند من وقتی یادم می‌آید و این چیزی است که تقریباً هیچ‌وقت از یادم نمی‌رود که مردم ما مطالعه کردن را بلد نیستند، به قلب من فشار می‌آید از این بابت، ما چقدر داریم هر ساعت خسارت می‌بینیم؟! این چقدر خسارت است؟! واقعاً این به عهدهٔ چه کسی است؟ (۷۰/۱۱/۲۹) امروز کتابخوانی و علم‌آموزی نه تنها یک وظیفهٔ ملی، که یک واجب دینی است... (۷۲/۱۰/۴) آنچه در این برهه از زمان، اهمیت زیادی دارد، وادار کردن مردم به تفکر و تأمل است و ما باید برای باز کردن راه فکر مردم و برخوردارشدن آنان از قدرت تفکر و تحلیل، برنامه‌ریزی کنیم؛ زیرا دچار شدن مردم به آفت بزرگ بی‌تحلیلی و عدم تفکر، ضایعات جبران‌ناپذیری را به دنبال خواهد داشت و منبر نماز جمعه می‌تواند نقش مهمی را در واداشتن مردم به تدبیر و تفکر ایفا کند.» (۷۸/۲/۲۰) «مقام معظم رهبری (مدظله)

ایشان بارها تأکید کرده‌اند که: «کسانی که اهل مراجعه به کتاب هستند، احتیاج دارند که اهل نظر و اهل اطلاع، کتاب‌ها را به آن‌ها معرفی کنند. از برای هر کتابی یک نوع فایده‌ای دارد، لکن وقت انسان محدود است.» (۷۳/۲/۲۰) پیرو این حرکت مبارک، اقدامات شایسته‌ای در زمینهٔ ترویج فرهنگ کتاب و کتابخوانی در منابر نماز جمعه آغاز گردید، که یکی از جدی‌ترین آن‌ها، طرح ویژهٔ مجمع ناشران انقلاب اسلامی است که با همکاری صمیمانهٔ شورای سیاست‌گذاری ائمهٔ جمعهٔ سراسر کشور در حال پیگیری و اجرا است. نخستین گام این طرح در نماز جمعهٔ ۳۰ آبان ۱۳۹۳ در تهران برداشته شد و مدیرعامل مجمع ناشران انقلاب اسلامی در فرصت پیش از خطبه‌های نماز جمعهٔ تهران، پس از اشاره به ضرورت اجرای طرح مزبور در راستای دغدغه‌های مقام معظم رهبری در حوزهٔ ترویج فرهنگ کتاب و کتابخوانی، به معرفی یک کتاب پرداخت. پس از آن، اقدامات قابل توجه دیگری نیز صورت گرفت که تا امروز ادامه دارد. از آن جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

- معرفی تخصصی کتاب در نشریهٔ داخلی شورای سیاست‌گذاری ائمهٔ جمعهٔ سراسر کشور، ماهنامهٔ فرهنگ جمعه، به‌طور مستمر تاکنون.

- ارسال هفتصد بستهٔ پیشنهادی کتاب، همراه با کتابچهٔ «دغدغه‌های کتاب ۱» با عنوان «چرا ائمهٔ جمعه باید به ترویج فرهنگ کتاب و کتابخوانی بپردازند؟» به ستادهای نماز جمعهٔ سراسر کشور که مورد استقبال و

با توجه به دغدغه‌ها و تأکیدات مکرر رهبر معظم انقلاب اسلامی در خصوص اهتمام نخبگان به ترویج فرهنگ کتاب و کتابخوانی و با عنایت به این که یکی از شیوه‌های مؤثر ترویج فرهنگ کتابخوانی در جامعه و معرفی کتاب‌های مفید و مورداطمینان به اقشار گوناگون، استفاده از منابر تأثیرگذار دینی است که در میان مردم از اعتبار و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، منابر مقدس نماز جمعه و جایگاه علمی و اجتماعی ائمهٔ محترم جمعه، بسیار حائز اهمیت است. چرا که از یک سو، نماز جمعه که محل اجتماع دل‌های مشتاق به معارف ناب اسلام و انقلاب بوده، فرصتی مغتنم جهت ترویج کتاب‌های مورد نیاز اقشار گوناگون جامعهٔ اسلامی ایران و نهادینه کردن فرهنگ ارزشمند کتابخوانی به‌شمار می‌آید و از سوی دیگر، تأثیرگذاری امام جمعه بر آحاد مردم شهر خود، که برخاسته از وجهت و اعتبار وی در میان جامعه است، منابر پرشکوه نماز جمعه را به بستری مناسب برای تحقق این مهم تبدیل نموده است.

خوشبختانه، جامعهٔ فرهنگی ما تاکنون شاهد تلاش‌های قابل‌تقدیری از سوی شورای سیاست‌گذاری ائمهٔ جمعه و نیز ائمهٔ محترم جمعهٔ سراسر کشور در حوزهٔ ترویج فرهنگ کتاب و کتابخوانی بوده است که باید گفت سرآغاز آن، اقدام ارزشمند مقام معظم رهبری در خطبهٔ نماز جمعهٔ تهران در ۱۹ خرداد ۱۳۷۴ مصادف با عاشورای حسینی بود که معظم‌له با معرفی کتاب فاخر لهوف، بخش‌هایی از آن را قرائت نمودند. چراکه خود



ضمن اینکه امکان تهیه همان کتاب پس از اتمام نماز جمعه برای نمازگزاران علاقه‌مند فراهم است. از آغاز این حرکت مبارک تاکنون که یک‌سال تا دوام یافته، نزدیک به شصت عنوان کتاب فاخر در بیش از هشتصد نماز جمعه شهرها و شهرستان‌های کشور معرفی و عرضه شده که با استقبال مخاطبان روبه‌رو گردیده است. عناوین این کتاب‌ها به شرح ذیل است:

عنایت ائمه محترم جمعه قرار گرفت. - ترویج کتاب و فرهنگ کتاب‌خوانی در خطبه‌های نماز جمعه هر هفته که در یک فرصت پنج‌دقیقه‌ای، ضمن بیان دغدغه‌های مقام معظم رهبری در خصوص گسترش فرهنگ کتاب و کتاب‌خوانی در جامعه، به معرفی یک کتاب مفید و متناسب با نیاز افشار گوناگون مردم، پرداخته می‌شود.

ردیف	عنوان	پدیدآورنده	ناشر
۱	سفر به قبله	هدایت‌الله بهبودی	سوره مهر
۲	روی دست آسمان	مهدی خدامیان آرائی	وثوق
۳	حماسه حسینی	مرتضی مطهری	صدرا
۴	اللهوف علی قتل الطفوف	سیدبن طلوس/سیداحمد فهری زنجانی	لمیرکبیر
۵	من و کتاب	مقام معظم رهبری	سوره مهر
۶	من زنده‌ام	معصومه آباد	بروج
۷	پرسی و پاسخ	مقام معظم رهبری/علیرضا مختارپور	انقلاب اسلامی
۸	نلمیرا	صادق کریمیار	نیستل
۹	سنن‌سنی	سید محمدحسین طباطبایی/محمدهادی فقهی، به کوشش: سیدهادی خسروشاهی	بوستان کتاب قم
۱۰	نقشه نقش بر آب	مقام معظم رهبری	انقلاب اسلامی
۱۱	ماضی استمراری	سعید زاهدی	عابد
۱۲	همنام گل‌های بهاری؛ نگاهی نو به زندگی و شخصیت پیامبر گرامی (ص)	حسین سیدی ساروی	دفتر نشر معارف
۱۳	کوچه نقاش‌ها؛ خاطرات سید ابوالفضل کظمی	راحله صبوری	سوره مهر
۱۴	حریم ریحانه	جمعی از محققان	تلاوت آرامش
۱۵	خاطرات احمد احمد	محسن کاظمی	سوره مهر
۱۶	عصر امام خمینی (ص)	میراحمد رضا حاجتی	بوستان کتاب قم
۱۷	مفاتیح‌الحیات	عبدالله جوادی آملی	مرکز بین‌المللی نشر اسراء
۱۸	آفتاب در حجاب	سید مهدی شجاعی	نیستل
۱۹	زندگانی فاطمه زهرا (ص)	سیدجعفر شهیدی	دفتر نشر فرهنگ اسلامی
۲۰	خانواده	کمیته موضوعی مرکز صهبأ	مؤسسه فرهنگی هنری ایمان چهلادی
۲۱	نسیم مهر (۳ جلد)	حسین دهنوی	خادم‌الرضا (ص)
۲۲	کشتی پهلو گرفته	سیدمهدی شجاعی	نیستل
۲۳	آینده انقلاب اسلامی ایران	مرتضی مطهری	صدرا
۲۴	اینک شوکران (۵ جلدی)	مریم برادران، مرجان فولادوند، زینب عزیزمحمدی، زهره شریعتی، هاله عابدین	روایت فتح
۲۵	جامی از زلال کوثر	محمدتقی مصباح یزدی	مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ص)
۲۶	در کمین گل سرخ	محسن مومنی شریف	سوره مهر
۲۷	نیمه پنهان آمریکا	شهریار زرنشاس	دفتر نشر معارف
۲۸	جاذبه و دافعه علی (ص)	مرتضی مطهری	صدرا
۲۹	محمد (ص) مثل گل بود	غلامرضا حیدری ابهری	بوستان فدک
۳۰	شعاعی از نیر اعظم	مقام معظم رهبری	سروش
۳۱	گزیده دانشنامه امام حسین (ص)	محمد محمدی‌ری‌شهری	دارالحدیث
۳۲	آفتاب مهر	جمعی از محققان مرکز تخصصی مهدویت	بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (ص)

۳۳	خط امام: مروری اجمالی بر اندیشه امام خمینی ^(۵)	بنیاد تبیین اندیشه‌های امام خمینی ^(۶) در دانشگاهها	دفتر نشر معارف
۳۴	عباس دست‌طلا	محبوبه معراجی پور	فانتحن
۳۵	المراقبات	میرزا جواد ملکی تبریزی / ابراهیم محدث	اخلاق
۳۶	پشت شیشه‌های مات	عزت‌الله الوندی	سوره مهر
۳۷	فروغ ولایت	جعفر سبحانی تبریزی	مؤسسه امام صادق ^(۷)
۳۸	یوسرائیل و صهیوناکراسی	سیدهاشم میرلوحی	دفتر نشر معارف
۳۹	رؤیای آمریکایی؛ روایتی دیگر از تاریخ مردم آمریکا	هلاورد زین / فاطمه شفیعی سروسنتی	هلال
۴۰	سال‌های بنفش	ابراهیم حسن بیگی	کتابستان معرفت
۴۱	دربار شیطان	دفتر پژوهش‌های مؤسسه کیهان	شرکت انتشارات کیهان
۴۲	ششمین باغبان اندیشه	کمال السید، حسین سیدی	دفتر نشر معارف
۴۳	مداخلات (۲ جلد)	کامران غضنفری	شرکت انتشارات کیهان
۴۴	ستاره من، گلستان در آتش	زهره یزدان پناه، ابراهیم حسن بیگی	سوره مهر
۴۵	نگاهی گذرا به نظریه ولایت فقیه	محمدتقی مصباح یزدی	مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ^(۸)
۴۶	تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث	محمد محمدی ری شهری / حمیدرضا شیخی	سازمان چاپ و نشر دارالحدیث
۴۷	جنگ ایران و عراق پرسش‌ها و پاسخ‌ها	فرهاد درویشی	مرکز اسناد دفاع مقدس
۴۸	حکایت زمستان	سعید عاکف	ملک اعظم
۴۹	خط روشن	محمدحسین مشکوری	دفتر نشر معارف
۵۰	خداشناسی قرآنی کودکان	غلامرضا حیدری ابهری	جمل
۵۱	هفت شهر عشق	مهدی خادمیان آرانی	وثوق
۵۲	چهل منزل با حسین ^(۹)	علی اکبر رنجبران	زمزم اندیشه (مجمع فرهنگی عاشورا)
۵۳	تاریخ مستطاب آمریکا	محمدصادق کوشکی	خیزش نو
۵۴	صحیفه سجادیه	امام سجاده ^(۱۰) حسین انصاریان	مرکز طبع و نشر قرآن جمهوری اسلامی ایران
۵۵	دختر شینا	بهناز ضرابی زاده	سوره مهر
۵۶	فرمانده من	گروه نویسندگان	سوره مهر

همان‌طور که مقام معظم رهبری فرموده‌اند «برای یک ملت، خسارتی بزرگ است که افراد آن، با کتاب سر و کاری نداشته باشند و برای یک فرد، توفیق عظیمی است که با کتاب، مأنوس و همواره در حال بهره‌گیری از آن یعنی آموختن چیزهای تازه باشد. لکن با تلخی باید اعتراف کنیم که رواج کتاب و روحیه کتاب‌خوانی در میان ملت عزیز ما که خود یکی از مشعل‌داران فرهنگ و کتاب و معرفت در طول تاریخ پس از ظهور اسلام بوده است، بسی کمتر از آن چیزی است که از چنین ملتی انتظار می‌رود. (۷۲/۱۰/۴) الان نظام جمهوری اسلامی به انواع و اقسام کارهای فرهنگی در سطوح مختلف نیازمند است. هر کس بتواند در این زمینه‌ها کاری بکند، باید بداند که همان کار لازم را انجام داده است. ما کار موازی و کار زیادی نداریم. اگر

ده کار موازی هم در زمینه‌های فرهنگی انجام بگیرد، زیادی نیست؛ چون عقب‌افتادگی و کمبود خیلی زیاد است. به همین دلیل هم الان در بین مردممان، کتاب، کتاب‌خوانی و مطالعه و اشتغال به ذهنیات، کم و مهجور است؛ این به‌خاطر همین کم‌کاری‌های گذشته است. (۷۶/۹/۳) مردم ما، با کتاب، بیش از آنچه که امروز انس دارند، باید انس بگیرند. (۷۱/۲/۱۷) اکنون با توجه به اینکه ائمه محترم جمعه به این امر خطیر کاملاً آگاه‌اند و فضای ملکوتی و معنوی نماز جمعه نیز فرصت بسیار مناسبی را فراهم نموده تا به این واجب دینی و ملی جامه عمل پوشانده شود، امید است تا با گسترش هر چه بیشتر طرح مذکور، گام مؤثری جهت ترویج فرهنگ کتاب و کتاب‌خوانی در راستای پایه‌گذاری تمدن بزرگ اسلامی برداشته شود.

مسابقه بزرگ کتابخوانی دختر شینا

روش های تهیه کتاب

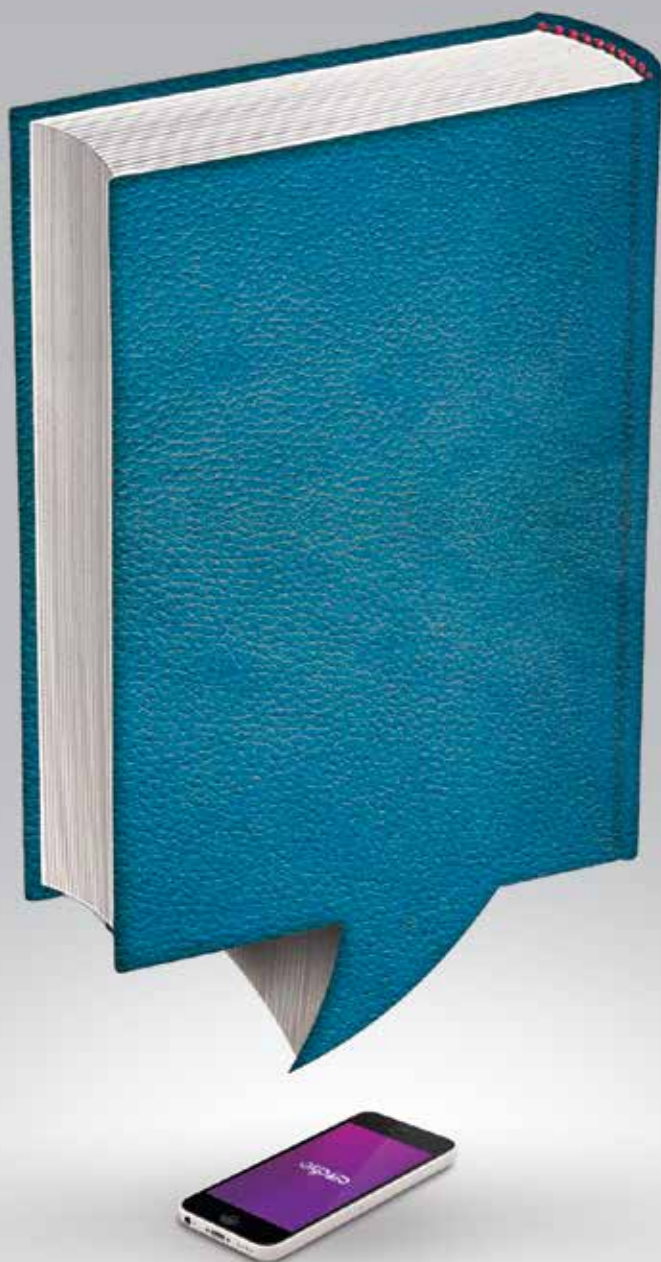
پیشگامان انتشارات و مجله‌ها برای معرفی
کتاب در ۳۰ شهریور ۱۳۹۱
جایزه استثنایی کتاب از انتشارات
Kashan و Keshavarz
همراه با مجله بزرگ کتاب از انتشارات
Kashan و Keshavarz
مکان توزیع: تهران
تلفن: ۰۲۱-۸۸۸۸۸۸۸۸
کتابخانه: ۱۳۹۱/۰۴

همراه با هدیه جایزه ارزنده
جایزه استثنایی
لذت مطالعه کتاب

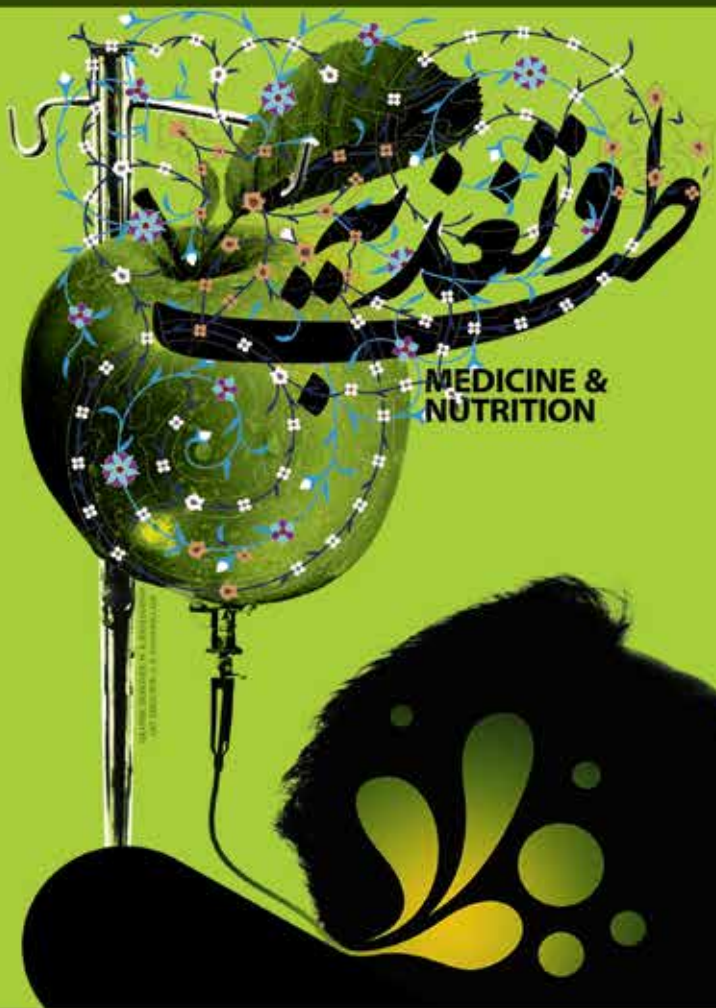
معلمی می‌شد، در یک روز یک توبه‌گشا! در
گوشه می‌گفتند: «قدم زود باش، زود باش»
با بزرگ‌ها، «سرم سستار بده» زود
باش! چقدر طول می‌درد! باید زودتر
از اینجا برویم! فقط منتظر تو هستیم!
چون وقت است اینجا نمانیم! به
جان خودت قدم، این بار نگاهش به
جهت نمی‌روم! دستت را به من بده!
بچه‌ها زلفشان را بلند می‌کنند و به
زبان می‌آید و می‌بویند!

زندگی و کتاب

انتشارات برادر برای کتاب و هنر



می‌خواهیم درخت‌ها زنده بمانند | www.khatkhan.com | **خط خوان** |
خوانش راحت • جابجایی بدون زحمت • دسترسی آسان و همیشگی بانرم افزار کتاب خط خوان



MEDICINE & NUTRITION



مثلث سلامت

حسن اکبری / آموزش های بنیادی



کلید ورود به طب قدیم

جمشید خداندادی / مؤسسه نشر شهر



سر دنوش ها و دمنوش های گیاهی

محمد دریایی / سفیر اردهال



رمز سلامت و طول عمر

حسین حسینی / بوستان کتاب



مجموعه راهنمای درمان باغذا

حیدر احمدی زارع / یاران علوی



دنیای هنر آشپزی غذاهای سالم و ورزشی

مکی پائل / مترجم فریده جهانگیری / فرین



مجموعه عمرافتمای پزشکی خانواده

دکتر علیرضا منجمی / آزاد مهر نسلیس



الگوی صحیح تغذیه

دکتر محمد دریایی / سفیر اردهال

کودکان تان را با «جمال» کتاب خوان کنید!

خدا چیه؟
کیه؟
کو؟

پاسخ به ۲۰ سوال کودکان درباره خدا به زبان شعر

خرید حق راییت توسط یک ناشر آلمانی در نمایشگاه بین المللی کتاب فرانکفورت

انتشارات جمال: «خانه خداشناسی کودکان»

ناشر برگزیده کودک و نوجوان بیست و هشتمین

نمایشگاه بین المللی کتاب تهران (۱۳۹۴)

تایید و معرفی ۳۰ عنوان از کتاب ها توسط کارشناسان

وزارت آموزش و پرورش در کتاب نامه رشد

